



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



عدالت خواهی معلولان

همراهی با امام حسین (ع)

علی نورانی



انجمن ملی معلولان جسمی و حرکتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عدالت خواهی معلولان: همراهی با امام حسین (علیه السلام)

نویسنده:

علی نوری

ناشر چاپی:

توانمندان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	عدالت خواهی معلولان: همراهی با امام حسین (علیه السلام)
۱۰	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۷	فهرست
۲۸	بخش نخست: معلولیت و معلولان از نگاه امام حسین (علیه السلام)
۲۸	اشاره
۳۰	فصل نخست: سیره امام حسین علیه السلام
۳۰	اشاره
۳۰	سخنرانی برای نخبگان
۳۱	متن سخنرانی: قسمت اول
۳۵	قسمت دوم و سوم سخنرانی
۳۸	ترجمه قسمت نخست سخنرانی
۴۲	ترجمه قسمت دوم و سوم
۴۴	توضیح و شرح
۴۹	معرفی راویان
۵۱	آسیب شناسی اجتماعی - فرهنگی
۵۳	دیگر توصیه ها و سفارش ها
۶۰	فصل دوم: احیای سنت ها و پیمان ها
۶۰	اشاره
۶۲	سنت های نبوی
۷۸	سنت های علوی
۸۲	جامعه علوی و وظایف امام
۸۶	تعهدات دولت

۸۸	تأمین خوراک معلولین
۱۰۱	بخش دوم: همراهی با امام حسین (علیه السلام) و مساعدت در عدالت خواهی
۱۰۱	اشاره
۱۰۳	فصل اول: معلولان شهید
۱۰۳	اشاره
۱۰۳	مسلم اعرج
۱۱۳	عبدالله بن عقیف ازدی
۱۱۵	اسلم بن کثیر
۱۱۵	اسلم ترکی
۱۱۷	جایگاه تابعین
۱۱۷	نقش قبیله ازد در تاریخ تحولات
۱۲۱	فصل دوم: عدم همراهی در قیام حسینی
۱۲۱	اشاره
۱۲۱	عبدالله بن جعفر
۱۲۷	عبدالله بن عباس مشهور به ابن عباس
۱۳۱	محمد بن حنفیه
۱۳۳	ابوسعید خُدَری
۱۳۵	عقیل بن ابی طالب (نابینا)
۱۳۶	مُغَن بن أَوْس (درگذشت ۶۴ق/۶۸۳م) (نابینا)
۱۳۶	عبدالله بن مُمَر (درگذشت ۷۳ق)
۱۳۶	عبدالله بن حارث (درگذشت ۸۶ق/۷۰۵م) (نابینا)
۱۳۸	اسماء بن عبدالله
۱۴۰	جابر بن عبدالله انصاری
۱۴۳	همراهی در امور دیگر
۱۴۹	فصل سوم: تداوم خط حمایت و شهادت
۱۴۹	اشاره

۱۴۹	سعيد اعرج
۱۵۰	ابوالاحوص
۱۵۰	سليمان بن خالد
۱۵۰	سليمان بن مهران أعمش
۱۵۱	اعرجى ها
۱۵۵	بخش سوم: زيارت مزار امام
۱۵۵	اشاره
۱۵۷	فصل اول: اولين زائران
۱۵۷	اشاره
۱۵۷	جابر انصاری
۱۵۹	راهپیمایی جابر در اربعین حسینی
۱۶۱	فصل دوم: دوره جدید
۱۶۱	اشاره
۱۶۱	حضور معلولين
۱۶۲	پياده روی زائران معلول
۱۶۴	اقدامات سازمان بهزیستی
۱۶۸	بسیج عمومی
۱۷۰	معلولان عراقی
۱۷۲	حوادث ویژه
۱۷۴	حضور معلولان افغانستانی
۱۸۱	جلوه هایی از حضور
۱۹۹	اولین موکب قمی ها در شهر سامرا
۲۰۲	بخش چهارم: خدمت گزاران دارای معلولیت
۲۰۲	اشاره
۲۰۴	فصل اول: خدمات رسانی
۲۰۴	اشاره

- ۲۰۴ ناشنویان در لباس خدمت
- ۲۰۵ موبک احباب الحسین علیه السلام
- ۲۰۵ جایگاه بهزیستی
- ۲۰۶ هنرمندان خادم
- ۲۰۶ تشکل های مردمی
- ۲۱۳ فصل دوم: مشارکت فرهیختگان و متخصصان
- ۲۱۳ اشاره
- ۲۱۳ فعالیت تلگرام
- ۲۱۵ کانال ها و گروه های تلگرامی
- ۲۱۷ نرم افزارهای راهنما
- ۲۲۳ امکانات مدرن
- ۲۲۴ مکان یابی و تشخیص مسیر
- ۲۲۵ پیدا کردن همراه
- ۲۲۵ زیارت نیابتی
- ۲۲۹ بخش پنجم: چشم انداز آینده
- ۲۲۹ اشاره
- ۲۳۱ فصل اول: ظرفیت ها
- ۲۳۱ اشاره
- ۲۳۱ توریسم معنویت گرا
- ۲۳۱ تعامل بین معلولان
- ۲۳۲ زیارت تراپی
- ۲۳۲ شعر و ادب
- ۲۵۶ فصل دوم: آسیب شناسی
- ۲۵۶ اشاره
- ۲۵۶ حوزه فعالیت ها
- ۲۵۶ فعالیت فرهنگی

۲۵۸	فعالیت ترویجی
۲۵۸	فعالیت های هنری
۲۵۸	دیالوگ جهانی
۲۶۰	بخش ششم: اطلاع رسانی
۲۶۰	اشاره
۲۶۲	فصل اول: فعالیت های علمی
۲۶۲	راهپیمایی
۲۶۲	گزارشی از کتاب بررسی آماری راهپیمایان اربعین
۲۷۴	گزارشی از پایان نامه ثبت پیاده روی اربعین
۲۸۴	گزارش نشست ابعاد فرهنگی و اجتماعی پیاده روی اربعین
۲۹۷	گزارش نشست اربعینیات
۳۰۰	فصل دوم: مآخذشناسی اربعین حسینی
۳۰۰	اشاره
۳۰۲	کتاب فارسی
۳۰۹	کتاب عربی
۳۱۲	مقالات فارسی
۳۲۰	مقالات عربی
۳۲۱	مقالات همایش ها
۳۲۱	پایان نامه ها
۳۲۲	کتاب انگلیسی
۳۲۴	منابع و مآخذ
۳۳۳	درباره مرکز

عدالت خواهی معلولان: همراهی با امام حسین (علیه السلام)

مشخصات کتاب

سرشناسه : نوری، علی، ۱۳۶۳ -

عنوان و نام پدید آور : عدالت خواهی معلولان: همراهی با امام حسین (علیه السلام)/ علی نوری.

مشخصات نشر : قم: توانمندان: دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری : ۲۰۷ ص.: مصور (رنگی).

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۱۶-۴۱-۸ : ۲۵۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه.

عنوان دیگر : همراهی با امام حسین (ع).

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- اربعین

موضوع : Hosayn ibn Ali, Imam III, ۶۲۵ - ۶۸۰ -- Arba'in

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- آرامگاه -- زیارت

موضوع : Hosayn ibn Ali, Imam III, ۶۲۵ - ۶۸۰ -- pilgrims and pilgrimages

موضوع : زیارت و زائران -- عراق -- کربلا

موضوع : Pilgrims and pilgrimages -- Iraq -- Karbala

موضوع : معلولان

موضوع : People with disabilities

شناسه افزوده : دفتر فرهنگ معلولین

رده بندی کنگره : BP ۲/۲۶۳

رده بندی دیویی : ۷۶۴۵/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۵۸۵۳۶۲۸

ص: ۱

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عدالت خواهی معلولان

همراهی با امام حسین (ع)

علی نوری



انتشارات توانمندان
Tavanmandan Publications



دفتر فرهنگ معلولين
دارالثقافة للمعوقين
Handicap Cultural Center



انتشارات توانمندان
Tavanmandan Publications

عدالت خواهی معلولان: همراهی با امام حسین (ع)

پدیدآورنده: علی نوری

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۸

عکس روی جلد: محمد حسن باقری، قوچان، ۱۳۹۱

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۱۶-۴۱-۸ ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۱۶-۴۱-۸

ناشر: توانمندان شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه قیمت: ۰۰۰/۲۵۰ ریال

قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴، دفتر فرهنگ معلولین

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

www.HandicapCenter.com

www.DataDisability.com

www.Tavanmandan.com

info@handicapcenter.com

ص: ۴

بخش نخست: معلولیت و معلولان از نگاه امام حسین (ع)

فصل نخست: سیره امام حسین علیه السلام ۱۵

سخنرانی برای نخبگان ۱۵

متن سخنرانی: قسمت اول ۱۶

قسمت دوم و سوم سخنرانی ۱۸

ترجمه قسمت نخست سخنرانی ۲۰

ترجمه قسمت دوم و سوم ۲۲

توضیح و شرح ۲۴

معرفی راویان ۲۷

آسیب شناسی اجتماعی - فرهنگی ۲۸

دیگر توصیه ها و سفارش ها ۲۹

فصل دوم: احیای سنت ها و پیمان ها ۳۳

سنت های نبوی ۳۴

سنت های علوی ۴۳

جامعه علوی و وظایف امام ۴۵

تعهدات دولت ۴۷

تأمین زندگی نابینایان ۵۲

بخش دوم: همراهی با امام حسین (ع) و مساعدت در عدالت خواهی

فصل اول: معلولان شهید ۵۷

مسلم اعرج ۵۷

عبدالله بن عقیف ازدی ۶۲

اسلم بن کثیر ۶۳

اسلم ترکی ۶۳

جایگاه تابعین ۶۴

نقش قبیله ازد در تاریخ تحولات ۶۴

فصل دوم: عدم همراهی در قیام حسینی ۶۷

ص: ۵

عبدالله بن جعفر. ۶۷

عبدالله بن عباس مشهور به ابن عباس... ۷۰

محمد بن حنفیه. ۷۲

ابوسعید خُدری.. ۷۳

عقیل بن ابی طالب (نابینا). ۷۴

مَعْن بن أَوْس (درگذشت ۶۴ق/۶۸۳م) (نابینا) ۷۵

عبدالله بن عُمَر (درگذشت ۷۳ق). ۷۵

عبدالله بن حارث (درگذشت ۸۶ق / ۷۰۵م) (نابینا). ۷۵

اسماء بن عبدالله. ۷۶

جابر بن عبدالله انصاری.. ۷۷

همراهی در امور دیگر. ۷۹

فصل سوم: تداوم خط حمایت و شهادت... ۸۱

سعید اعرج. ۸۱

ابوالاحوص... ۸۲

سلیمان بن خالد. ۸۲

سلیمان بن مهران أعمش... ۸۲

اعرجی ها ۸۳

بخش سوم: زیارت مزار امام

فصل اول: اولین زائران.. ۸۹

جابر انصاری.. ۸۹

راهپیمایی جابر در اربعین حسینی.. ۹۱

فصل دوم: دوره جدید.. ۹۳

حضور معلولین.. ۹۳

پیاده روی زائران معلول. ۹۴

اقدامات سازمان بهزیستی.. ۹۵

بسیج عمومی.. ۹۷

معلولان عراقی.. ۹۸

حوادث ویژه. ۹۹

حضور معلولان افغانستانی.. ۱۰۰

جلوه هایی از حضور. ۱۰۴

اولین موبک قمی ها در شهر سامرا ۱۲۲

بخش چهارم: خدمت گزاران دارای معلولیت

ص: ۶

فصل اول: خدمات رسانی... ۱۲۷

ناشنوایان در لباس خدمت.. ۱۲۷

موکب احباب الحسین علیه السلام. ۱۲۸

جایگاه بهزیستی.. ۱۲۸

هنرمندان خادم. ۱۲۹

تشکل های مردمی.. ۱۲۹

فصل دوم: مشارکت فرهیختگان و متخصصان.. ۱۳۵

فعالیت تلگرام. ۱۳۵

کانال ها و گروه های تلگرامی.. ۱۳۶

نرم افزارهای راهنما ۱۳۷

امکانات مدرن. ۱۴۰

مکان یابی و تشخیص مسیر. ۱۴۱

پیدا کردن همراه. ۱۴۲

زیارت نیابتی.. ۱۴۲

بخش پنجم: چشم انداز آینده

فصل اول: ظرفیت ها ۱۴۷

توریسم معنویت گرا ۱۴۷

تعامل بین معلولان. ۱۴۷

زیارت تراپی.. ۱۴۸

شعر و ادب.. ۱۴۸

فصل دوم: آسیب شناسی... ۱۵۵

حوزه فعالیت ها ۱۵۵

فعالیت فرهنگی.. ۱۵۵

فعالیت ترویجی.. ۱۵۶

دیالوگ جهانی.. ۱۵۶

بخش ششم: اطلاع رسانی

فصل اول: فعالیت های علمی... ۱۵۹

گزارشی از کتاب بررسی آماری راهپیمایان اربعین.. ۱۵۹

گزارشی از پایان نامه ثبت پیاده روی اربعین.. ۱۷۰

گزارش نشست ابعاد فرهنگی و اجتماعی پیاده روی اربعین.. ۱۷۵

گزارش نشست اربعینیات.. ۱۸۳

ص: ۷

فصل دوم: مآخذشناسی اربعین حسینی ۱۸۵

کتاب فارسی ۱۸۶

کتاب عربی ۱۹۱

مقالات فارسی ۱۹۳

مقالات عربی ۱۹۹

مقالات همایش ها ۲۰۰

پایان نامه ها ۲۰۰

کتاب انگلیسی ۲۰۱

منابع و مآخذ ۲۰۳

فهرست

ص: ۸

بعضی از جریان‌ها مثل وهابیت تبلیغاتی به راه انداخته که فرقی بین داعش و اربعینیون شیعه نیست و هر دو با بسیج توده‌های مردم، آنها را در راه اهداف مورد نظر به کار می‌گیرند. و به گونه‌ای تبلیغ می‌کنند که هر دو جریان برای صلح جهانی و برای منطقه خطرناک هستند. تلاش می‌کنند دولت‌های منطقه و مردم کشورهای اسلامی را بترسانند. در شبکه‌های تحت نفوذ عربستان سعودی اینگونه تحلیل‌ها فراوان به چشم می‌خورد. برای اثبات مدعای خود پرچم‌ها و حرکت‌های جمعی همراه با پرچم داعشی‌ها را نشان می‌دهند، سپس جمعیت همراه با پرچم و بیرق اربعینیون را نشان می‌دهند. گاه اسلحه‌ها و تیراندازی‌هایی هم به تصویر می‌کشند.

برای خنثی شدن اینگونه تبلیغات‌ها، وظیفه نویسندگان، خبرنگاران، گزارشگران، فیلم‌سازان و اصحاب رسانه‌ها سنگین است و لازم است تفاوت‌های داعشی‌ها و عزاداران اربعین را نشان دهند و به جهان اعلام کنند داعش یک گروه سیاسی و خشن و ضد حقوق انسانی و در پی هدف سلطه بر سرزمین‌های مسلمان به قیمت کشتار و نابودی آنان حتی تجاوز به زن و فرزندان است. اما جریان اربعین، به تبعیت از امام حسین علیه السلام طرفدار عدالت، مخالف ظلم، رعایت‌کننده حقوق انسانی، مروج فرهنگ تعاون و کمک به یکدیگر و ایثارگری و مبلغ اخلاقیات نیکوی انسانی می‌باشد. همچنین جریان اربعین جریانی معتقد به کرامت انسان و تلاشگر برای ابقاش آسب مند مثل سالمندان، اطفال و معلولان است.

برای عینیت بخشیدن به نیک بودن تفکر و اخلاق جریان اربعینی‌ها، روی حضور زنان و کودکان، حضور پیران و سالخوردگان و به ویژه حضور و مشارکت معلولان باید تبلیغ کرد. جلوه و تبلور انسانی این رخداد را به خوبی می‌توان در مشارکت معلولین از شهرها و روستاها و از کشورهای مختلف مشاهده کرد. نابینایان، کم بینایان، ناشنوایان و کم شنوایان، آسب مندان جسمی - حرکتی و حتی ذهنی را به صورت وسیع در جاهای مختلف و پست‌های گوناگون اربعین می‌توان دید.

بنابراین اربعینیون در این دوره از تاریخ، مکتب اخلاقی و انسانی جدیدی را مطرح کردند و نه در تئوری و نظریه پردازی بلکه در عمل رویکرد انسان‌گرایانه از ایثار، تعاون و مددکاری را در منظر و مرآی جهانیان به نمایش گذاشته‌اند. در شرایطی که انسان‌ها به همه مسائل نگاه اقتصادی و مادی

دارند، اینان، هر آنچه در طول سال پس انداز کرده و جمع آوری نموده اند، در طبق اخلاص به انسان هایی که مبلغ مکتب ظلم ستیزی و عدالت خواهی حسینی اند، اهداء می کنند.

اینها کجا و داعشی ها کجا؟ فاصله بین اربعینی ها و داعشی ها به اندازه ای است که قابل تصور نیست. آنها در چمبره خودخواهی، تنگ نظری، سیاست بازی و حکومت غاصبانه و جبارانه، بدترین مکتب ضد انسانی را عرضه کرده و در جهان هیچ موافقی ندارند. اما اصحاب اربعین، مکتب تماماً انسانی و مبتنی بر عشق و محبت انسان ها به یکدیگر را به جهان نشان داده و جهانیان را به رغم تبلیغات سوء فراوان شیفته این جریان کرده است.

غیر از معرفی تمایزها و تفاوت های «جریان اربعینیه» و جریان های انحرافی، هدف دوم ما، شناخت ماهیت عناصر ساختاری این حرکت است. در چند سال اخیر، مراکز پژوهشی مهم در امریکا و اروپا، تحقیقات دامنه دار و گسترده درباره جریان راهپیمایی اربعین آغاز کرده و تا کنون چند کتاب مهم علمی و پژوهشی منتشر کرده اند. این آثار را در همین کتاب بررسی و معرفی خواهیم کرد. این کتاب اولین اثر درباره جریان اربعین از منظر معلولیت و معلولان است و به گروه های آسیب مند و نقش اقشار معلولین و نکات برجسته آنها می پردازد.

سومین انگیزه در تألیف این کتاب، اهتمام به معلولان است. چون معلولان بخشی از این رخداد تاریخی می باشند و فعالانه و عاشقانه حضور و مشارکت دارند، امسال با جمع آوری اطلاعات از شهرهای مبدأ ایران تا شهرهای عراق تا کربلا و اعزام افرادی برای تهیه گزارش درصدد بر آمدیم، به عنوان دفتر فرهنگ معلولین، بخش معلولیتی این رخداد را در یک جلد کتاب نشان دهیم.

با اینکه اصل حرکت اربعین که گاه به آن «اربعینیه» یا «حرکه اربعینیه» گفته می شود مطلوب و دارای تأثیرات معنوی است، اما به دلیل فقدان اطلاع رسانی مناسب؛ توجیه نشدن مردم؛ کنار بودن جریان مدنی جامعه و بالاخره عدم فعالیت رسانه ها، هر اقدام مثبت و مطلوب را مردم به زیاده روی و افراط می کشانند. یعنی عموم مردم فکر می کنند هر کار خوب و مطلوب حد و محدودیت ندارد و باید تا بی نهایت جلو رفت. در حالی که هر کار خوب و ممدوح با زیاده روی در آن تبدیل به فعل مذموم می گردد.

حضور متعهدانه معلولان در کنار سالخوردگان و زنان در این کتاب مورد نظر است و از اقدامات افراطی و تفریطی، اسراف و تبذیرها دفاع نمی شود. بلکه جریان اربعینی ها یا حرکت اربعینیه نیاز به آسیب شناسی هم دارد.

در شرایطی که جوامع شیعی باید تمام امکانات نیروی انسانی و توانایی های اقتصادی خود را برای تقویت شالوده ها و زیرساخت های خود به کار گیرند؛ در شرایطی که معلولان نیاز مبرم به امکانات برای توانبخشی و اشتغال دارند، کارهای پر خرج و یک بار مصرف و غیر ماندگار حتماً در تضعیف های مالی مردم و به تبع در استضعاف بیشتر جامعه مؤثر است. خلاصه اینکه اصل حرکت اربعین مطلوب است ولی لازم است با تدبیر و حساب شده اجرا گردد.

یکی از جلوه های خوب این حرکت، حضور و مشارکت معلولان است. لازم است حضور آنان از نگاه جامعه شناسی، توانبخشی، روانشناسی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی تجزیه و تحلیل گردد. این کتاب متعهد است که این رخداد تاریخی را از این منظرها بررسی کند.

این اثر با راهنمایی حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی نماینده آیت الله العظمی سیدعلی سیستانی که هر سال حمایت و پشتیبانی همه جانبه از این رخداد و عوامل اجرایی آن دارد آغاز شد. همچنین از همه عزیزانی که راهنمایی، نقد یا نکته ای به نظرشان می رسد خواهشمندیم ما را بی نصیب نگذارند و در تکمیل و تصحیح این اثر همکار باشند.

علی نوری

شهریور ماه ۱۳۹۸

ص: ۱۱

بخش نخست: معلولیت و معلولان از نگاه امام حسین (علیه السلام)

اشاره

ص: ۱۳

معلولان بسیار به رگم مشکلات فراوان جسمی با زحمت و مشقت در راهپیمایی اربعین به طرف کربلا شرکت می کنند. معلولانی با ویلچر یا به صورت چهار دست و پا و یا با عصا و خلاصه به روش های غیر متعارف مشارکت دارند. همه اینها به خاطر عشق به امام حسین علیه السلام است.

برای نشان دادن میزان علاقه و عشق معلولان به امام حسین علیه السلام و فعالیت های آنان در تبلیغ مکتب حسینی در دوره های مختلف نخست باید زمینه های تاریخی این موضوع را شناخت و چگونگی به وقوع پیوستن نهضت حسینی را دانست.

مشارکت معلولان در قیام حسینی دلایل مختلف دارد. اما مهم ترین دلیل آن دیدگاه ها و سیره خود امام حسین علیه السلام است. مهم ترین هدف امام حسین علیه السلام، قیام علیه ظلم و بی عدالتی بود.

معلولین تشنه عدالت، هدف امام را با تمام وجود درک کردند. چون خود قربانی بی عدالتی و تبعیض بوده اند. علاوه بر آن حضرت در جاهایی به صراحت از وضعیت کنونی معلولین گلایه می کند و خواستار زندگی و معیشت مطلوب تر برای آنان شده است. در واقع سخنان حضرت، نوعی همدلی و هم زبانی با معلولین است.

معلولین در طول تاریخ متوجه شدند، امام حسین علیه السلام بدون هیچ مماشات با حاکمیت با تمام وجود از هویت معلولان دفاع کرده و آنچه در ذهن و قلب داشتند، حضرت با بانگ رسا بیان کرده است.

با توجه به اینکه دوستی و محبت طرفینی است؛ یک طرف یعنی امام حسین علیه السلام به نقد بی عدالتی ها و ظلم های علیه معلولین پرداخت و طرف دیگر یعنی معلولین هم در طول تاریخ با عزاداری و برپایی مراسم نوحه و مرثیه سرایی به تبیین و ترویج سخنان حضرت پرداخته اند. به ویژه در سال های اخیر در جریان اربعین، سنگ تمام گذاشته و به عنوان زائر یا به عنوان خادم تلاش های گسترده داشته اند.

این فصل فقط به بیان دیدگاه ها و سیره امام حسین علیه السلام درباره معلولین می پردازد و احادیثی که از امام درباره معلولان مأثور است و نیز گزارش های تاریخی درباره رفتارها و اقدامات آن حضرت را معرفی می کنیم. همچنین امام در مواردی از سنت متعارف نبوی و علوی یاد کرده و می فرماید در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام معلولین شرایط مطلوب تری داشتند؛ اما سنت های نبوی و علوی توسط حاکمیت اموی و به ویژه معاویه و یزید منسوخ و ارزش ها و سنت های جاهلی جای آن را گرفت. امام حسین برای احیاء این سنت ها و وظایف قیام کرد. این سنت ها و شرایط مطلوب در عهد نبوی و علوی در این فصل تبیین و معرفی می گردد.

امام حسین علیه السلام در سال چهارم قمری در مدینه متولد و ایشان در سال شصت و یکم قمری در کربلا به شهادت رسید. امام حسین علیه السلام شش سال از دوره کودکی خود را در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گذراند. پس از رحلت پیامبر در دوره خلفا به امور فرهنگی و آموزش مشغول شد و در دوره خلافت پدرش، حضوری فعال اجتماعی داشت. در جنگ جمل فرماندهی جناح چپ سپاه امام علی علیه السلام بر عهده وی بود. در جنگ صفین به امور تبلیغی و تشویق سپاه و روحیه دادن به آنها اهتمام داشت. در جریان حکمیت به عنوان یکی از شهود از طرف حضرت علی علیه السلام حضور داشت. پس از شهادت امام علی علیه السلام، ده سال در کنار برادرش، حضور اجتماعی داشت تا اینکه خودش به امامت رسید. چنین فردی که از خردسالی در کوران حوادث بزرگ شده و در متن رخدادها تجربه دیده، قطعاً شناخت دقیق از جامعه دارد، گروه ها و جریان ها را به خوبی می شناسد، عوامل و علل حوادث اجتماعی را می داند.

اکنون با تجزیه و تحلیل یکی از سخنرانی های امام علی علیه السلام می خواهیم ببینیم چه دیدگاهی درباره جامعه معلولان و مشکلات و تحولات و تطورات این جامعه داشته است.

سخنرانی برای نخبگان

خطبه ای از امام حسین علیه السلام در چند منبع معتبر وارد شده و جملاتی از آن ویژه معلولان است هر چند کل آن هم مرتبط به شرایط و وضعیت این قشر می باشد. متنی که در تحف العقول و بحارالانوار و کتاب سلیم بن قیس هلالی آمده به نظر بسیار یک سخنرانی بوده که قسمت اولش در کتاب سلیم و قسمت دوم و سوم آن در کتاب تحف العقول آمده و اینها در اصل سخنرانی بوده که حضرت در سال ۵۸ق در منا برای نخبگان جامعه و فرهیختگان بنی هاشم بیان کرده است. یعنی دو سال قبل از فوت معاویه پسر ابوسفیان این سخنرانی را اجرا کرده و به مشکلات جامعه و بدبختی های مسلمانان و مفسد بنی امیه و معاویه پرداخته است. در چنین جامعه ظلم زده بیش از همه معلولین و آسیب دیدگان جامعه در معرض خطر هستند و حضرت این خطرات را متذکر شده است.

نخست متن سخنرانی را به تمامی از کتاب های سلیم بن قیس و تحف العقول نقل می کنم سپس ترجمه سخنان را می آورم و در ادامه به تجزیه و تحلیل می پردازم. اما لازم است خود سلیم بن قیس را هم به اجمال معرفی کنم:

سلیم بن قدس هلالی (۲ سال قبل از هجرت - ۷۶ق) از اصحاب امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام از رجال نامدار شیعه است. او تلاش کرده، آسیب شناسی جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر را به دست آورد و علل و عوامل واقعی انحراف جامعه مسلمانان را کشف نماید. وی یافته های خود را در کتابی

جمع آوری کرد و آن را مستند به شواهد عینی نمود. (۱) این کتاب به نام کتاب سلیم بن قیس هلالی معروف است و بارها در ایران و عراق تجدید چاپ شده است. چاپی که با اتکای به آن سخنانی امام حسین را استخراج کرده ام، تحقیق محمدباقر انصاری زنجانی خوئینی است و در لبنان توسط دار الحوراء در ۱۴۳۰ق منتشر شده است. وی تحقیق گسترده ای درباره سلیم و کتابش انجام داده و استدرآک جامعی بر آن نوشته است.

متن سخنرانی: قسمت اول

اما سخنرانی امام حسین علیه السلام با عنوان «مناشدات و احتجاجات امام حسین علیه السلام در مکه» توسط سلیم بن قیس هلالی نقل شده است. در طلیعه آن نوشته است: یک سال قبل از مرگ معاویه، امام حسین علیه السلام به قصد حج عازم مکه شد در حالی که عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر همراهش بودند. او بنی هاشم، زنان و مردان، شیعیان و موالی شیعه و اهل بیتش و کسانی که امام را می شناختند جمع کرد. سپس نمایندگان به جاهای مختلف فرستاد تا هر کس را می شناختند دعوت کنند. بالاخره جمعیتی حاضر شدند که شامل هفتصد مرد یا به نوشته الاحتجاج هزار مرد و تقریباً دویست تن از اصحاب پیامبر بود. حضرت به پا خواست و به سخنرانی پرداخت. (۲) متن این سخنرانی که قسمت نخست آن در کتاب سلیم بن قیس هلالی آمده به شرح زیر است.

سلیم در طلیعه به معرفی این خطبه و چگونه اجرای آن و شیوه دعوت مردم و شکل گیری این اجتماع پرداخته و در ادامه و در ادامه به انگیزه امام می پردازد. کلام امام را اینگونه آغاز می کند: این طاغوت ها در جامعه و در مورد شیعیان کارهایی انجام داده اند که می بینید و اطلاع دارید. من چون از نابودی اساس مذهب و از بین رفتن حق و غلبه باطل می ترسم می خواهم با طرح پرسش ها و پاسخ دادن شما، واقعیت هایی را متذکر شوم. پس از این شروع به برشمردن مناقب امام علی علیه السلام و تلاش حاکمیت و برای از بین بردن فرهنگ علوی در جامعه می نماید.

مناشدات و احتجاجات الإمام الحسين عليه السلام بمكة: فلما كان قبل موت معاوية بسنه حج الحسين بن علي عليه السلام، و عبدالله بن عباس، و عبدالله بن جعفر معه، فجمع الحسين عليه السلام بني هاشم، رجالهم و نساءهم و مواليتهم و شيعتهم من حج منهم، و من الأنصار ممن يعرفه الحسين عليه السلام و أهل بيته.

ثم أرسل رسلاً: «لا تدعوا أحداً ممن حج العالم من أصحاب رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم المعروفين بالصلاح و النسك إلا أجمعوهم لي».

فاجتمع إليه بمني أكثر من سبعمائ رجل و هم في سرادقه، عامتهم من التابعين و نحو من مائتي رجل من أصحاب النبي صلى الله عليه و آله و سلم و غيرهم.

فقام فيهم الحسين عليه السلام خطيباً فحمد الله و أثني عليه، ثم قال: أما بعد، فإن هذا الطاغية قد فعل بنا و بشيعتنا ما قد رأيتم و علمتم و شهدتم، و إنني أريد أن أسالكم عن شيء، فإن صدقت فصدقوني و إن كذبت فكذبوني. أسالكم بحق الله عليكم و حق رسول الله و حق قرابتي من نبيكم، لما

١- . دایرہالمعارف تشیع، ج ٩، ص ٢٨٠-٢٨١.

٢- . کتاب سلیم بن قیس ہلالی، ص ٣٢٠.

سيرتم مقامى هذا و وصفتم مقاتلى و دعوتم أجمعين فى أنصاركم من قبائلكم من آمنتم من الناس و وثقتم به، فادعوهم إلى ما تعلمون من حقنا، فإنى أتخوف أن يدرس هذا الأمر و يذهب الحق و يغلب، و الله متم نوره ولو كره الكافرون.

مناقب أمير المؤمنين عليه السلام على لسان الإمام الحسين عليه السلام: و ما ترك شيئاً مما أنزل الله فيهم من القرآن إلا تلاه و فسره، و لا شيئاً مما قاله رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم فى أبيه و أخيه و أمه و فى نفسه و أهل بيته إلا رواه، و كل ذلك يقول الصحابه: «اللهم نعم، قد سمعنا و شهدنا»، و يقول التابعى: «اللهم قد حدثنى به من أصدقه و أئمنه من الصحابه». فقال: أنشدكم الله إلا حدثتم به من تثقون به و بدينه.

قال سليم: فكان فيما ناشدهم الحسين عليه السلام و ذكّرهم أن قال: أنشدكم الله أتعلمون أن على بن أبى طالب كان أخا رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم حين آخى بين أصحابه، فأخى بينه و بين نفسه و قال: «أنت أخى و أنا أخوك فى الدنيا و الآخرة؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أنشدكم الله، هل تعلمون أن رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم اشترى موضع مسجده و منازله فابتناه، ثم ابتنى فيه عشره منازل، تسعه له و جعل عاشرها فى وسطها لأبى.

ثم سد كل باب شارع إلى المسجد غير بابه، فتكلم فى ذلك من تكلم، فقال صلى الله عليه و آله و سلم: «ما أنا سدت أبوابكم و فتحت بابه، ولكن الله أمرنى بسد أبوابكم و فتح بابه». ثم نهى الناس أن يناموا فى المسجد غيره، و كان يجنب فى المسجد و منزله فى منزل رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم، فولد لرسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و له فيه أولاد؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أن عمر بن الخطاب حرص على كوه قدر عينه يدعها من منزله إلى المسجد، فأبى عليه. ثم خطب صلى الله عليه و آله و سلم فقال: إن الله أمر موسى أن يبنى مسجداً طاهراً لا يسكنه غيره و غير هارون و ابنه و إن الله أمرنى أن أبنى مسجداً طاهراً لا يسكنه غير و غير أخى و ابنه؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أنشدكم الله، أتعلمون أن رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم نصبه يوم غدير خم فنادى له بالولاية و قال: «ليبلغ الشاهد الغائب؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: انشدكم الله أتعلمون أن رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم قال له فى غزوه تبوك: «أنت منى بمنزله هارون من موسى و أنت ولى كل مؤمن بعدى؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أنشدكم الله، أتعلمون أن رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم حين دعا النصارى من أهل نجران إلى المباهله لم يأت إلا به و بصاحبه و ابنه؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أنشدكم الله، أتعلمون أنه دفع إليه اللواء يوم خيبر، ثم قال: «لأدفعه إلى رجل يحب الله و رسوله و يحب الله و رسوله، كزار غير فزار يفتحها الله على يديه؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أن رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم بعثه ببراءة و قال: «لا يبلغ عنى إلا أنا أو رجل منى»؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أن رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم لم تنزل به شدة قط إلا قدَّمه لها ثقة به، و انه لم يدعه باسمه قط إلا أن يقول: «يا أخى» و «ادعوا لى أخى»؟ قالوا: اللهم نعم.

ص: ١٧

قال: أتعلمون أن رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم قضى بينه وبين جعفر و زيد، فقال له: «يا علي، أنت مني و أنا منك، و أنت ولي كل مؤمن و مؤمنه بعدى»؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أنه كانت له من رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم كل يوم خلوه و كل ليله دخله، إذا سأله أعطاه، و إذا سكت أبداه؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أن رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم فضله على جعفر و حمزه حين قال لفاطمه عليها السلام: «زوّجتك خير أهل بيتي، أقدمهم سلماً، و أعظمهم حليماً، و أكثرهم علماً»؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أن رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم قال: «أنا سيد ولد آدم و أخي على سيد العرب، و فاطمه سيده نساء أهل الجنة، و ابناي الحسن و الحسين سيدي شباب أهل الجنة»؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أن رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم امره بغسله و أخبره أن جبرئيل يعينه عليه؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أن رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم قال في آخر خطبه خطبها: «أيها الناس، إني تركت فيكم الثقلين كتاب الله و أهل بيتي، فتمسكوا بهما لن تضلوا»؟ قالوا: اللهم نعم.

فلم يدع شيئاً أنزله الله في علي بن ابي طالب عليه السلام خاصة و في أهل بيته من القرآن و لا على لسان نبيه صَلَّى الله عليه وآله وسلم إلا ناشدهم فيه، فيقول الصحابه: «اللهم نعم، قد سمعنا»، و يقول التابعي: «اللهم قد حدثني من أثق به، فلان و فلان».

ثم ناشدهم أنهم قد سمعوه صَلَّى الله عليه وآله وسلم يقول: «من زعم أنه يحبني و يبغض علياً فقد كذب، ليس يحبني و هو يبغض علياً» فقال له قائل: يا رسول الله، و كيف ذلك؟ قال: لأنه مني و أنا منه، من أحبه فقد أحبني و من أحبني فقد أحب الله، و من أبغضه فقد أبغضني و من أبغضني فقد أبغض الله»؟

فقالوا: «اللهم نعم، قد سمعنا». و تفرقوا على ذلك. (1)

قسمت دوم و سوم سخترانی

اما قسمت دوم و سوم سخترانی امام حسين در كتاب تحف العقول زير عنوان «من كلامه عفى الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر» آمده است. ابن شعبه حرانی می گوید این روایت به امام علی علیه السلام هم منسوب است و از ایشان هم نقل شده است. مترجم احمد جنتی در پاورقی می نویسد: این خطبه برای جمعی از دانشمندان ایراد شده که در آخرین دیدار امام از مکه از آنان خواسته بود تجمع کنند تا مسئولیت ها و وظایف آنان را در شرایط جدید افشاء کند و تکلیف آنان را یادآور شود.

من كلامه عليه السلام في الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر و يروي عن أمير المؤمنين عليه السلام: اعتبروا أيها الناس بما وعظ الله به أوليائه من سوء ثنائه على الأحرار إذ يقول: «لولا ينهيه الربانيون و الأحرار عن قولهم الإثم» و قال: «لعن الذين كفروا من

۱- . همان ص ۳۲۰-۳۲۳؛ همین روایت در کتاب الاحتجاج طبرسی هم آمده است.

لبئس ما كانوا يفعلون» وإنما عاب الله ذلك عليهم لأنهم كانوا يرون من الظلمه الذين بين أظهرهم المنكر والفساد فلا ينهونهم عن ذلك رغبه فيما كانوا ينالون منهم ورهبه مما يحذرون و الله يقول: «فلا تخشوا الناس واخشون» وقال: «المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر» فبدأ الله بالامر بالمعروف و النهى عن المنكر فريضه منه، لعلمه بأنها إذا ادبت و أقيمت استقامت الفرائض كلها هينها وصعبها و ذلك أن الامر بالمعروف و النهى عن المنكر دعاء إلى الاسلام مع رد المظالم و مخالفه الظالم و قسمه الفىء و الغنائم و أخذ الصدقات من مواضعها و وضعها فى حقها.

ثم أنتم أيتها العصابه عصابه بالعلم مشهوره و بالخير مذكوره و بالنصيحه معروفه و بالله فى أنفس الناس مهابه. يهابكم الشريف و يكرمكم الضعيف و يؤثركم من لا فضل لكم عليه ولا يد لكم عنده، تشفعون فى الحوائج إذا امتنعت من طلابها و تمشون فى الطريق بهيبه الملوك و كرامه الأكابر، أليس كل ذلك إنما نلتموه بما يرجى عندكم من القيام بحق الله و إن كنتم عن أكثر حقه تقصرون فاستخفتم بحق الأئمه، فأما حق الضعفاء فضيعتم و أما حقكم بزعمكم فطلبتهم. فلا مالا بذلتموه ولا نفسا خاطرتم بها للذى خلقها ولا عشيره عاديتموها فى ذات الله. انتم تتمنون على الله جنته و مجاوره رسله و أمانا من عذابه.

لقد خشيت عليكم أيها المتمنون على الله أن تحل بكم نقمه من نعماته لأنكم بلغتكم من كرامه الله منزله فضلتم بها و من يعرف بالله لا تكرمون و أنتم بالله فى عباده تكرمون و قد ترون عهود الله منقوضه فلا تفزعون و أنتم لبعض ذمم آبائكم تفزعون و ذمه رسول الله صلى الله عليه و آله محقوره و العمى و البكم و الزمنى فى المدائن مهمله لا ترحمون ولا فى منزلتكم تعملون ولا من عمل فيها تعينون و بالادهان و المصانعه عند الظلمه تأمنون، كل ذلك مما أمركم الله به من النهى و التناهى و أنتم عنه غافلون.

و أنتم أعظم الناس مصيبه لما غلبتم عليه من منازل العلماء لو كنتم تشعرون. ذلك بأن مجارى الأمور و الأحكام على أيدي العلماء بالله الأمانة على حلاله و حرامه فأنتم المسلوبون تلك المنزله و ما سلبتم ذلك إلا بتفرقكم عن الحق و اختلافكم فى السنه بعد السينه الواضحه. ولو صبرتم على الأذى و تحملتكم المؤونه فى ذات الله كانت أمور الله عليكم ترد و عنكم تصدر و إليكم ترجع و لكنكم مكتنم الظلمه من منزلتكم و استسلمتم أمور الله فى أيديهم، يعملون بالشبهات و يسرون فى الشهوات.

سلطهم على ذلك فراركم من الموت و إعجابكم بالحياه التى هى مفارقتكم، فأسلمتم الضعفاء فى أيديهم فمن بين مستبعد مقهور و بين مستضعف على معيشته مغلوب، يتقلبون فى الملك بأرائهم و يستشعرون الخزى بأهوائهم إقتداء بالأشرار و جرأه على الجبار، فى كل بلد منهم على منبره خطيب يصقع، فالأرض لهم شاغره و أيديهم فيها مبسوطه و الناس لهم خول لا يدفعون يد لأمس، فمن بين جبار عنيد و ذى سطوه على الضعفه شديد، مطاع لا يعرف المبدئ المعيد فى عجا و مالى [لا] أعجب و الارض من غاش غشوم و متصدق ظلوم و عامل على المؤمنين بهم غير رحيم، فالله الحاكم فيما فيه تنازعنا و القاضى بحكمه فيما شجر بيننا.

اللهم إنك تعلم أنه لم يكن ما كان منا تنافسا فى سلطان ولا التماسا من فضول الحطام و لكن لنرى المعالم من دينك و نظهر الاصلاح فى بلادك و يأمن المظلومون من عبادك و يعمل بفرائضك و سننك

وأحكامكم، فإن لم تنصرونا وتنصفونا قوی الظلمه علیکم و عملوا فی إطفاء نور نبيکم. وحسبنا الله وعلیه توکلنا وإليه أنبنا وإليه المصير. (۱)

ترجمه قسمت نخست سخنرانی

یک سال قبل از وفات معاویه بن سفیان، حسین بن علی علیه السلام همراه عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر به حج مشرف شدند. امام بنی هاشم، اعم از مردان و زنان، نزدیکان و پیروان آنها، نیز اهل بیت خودش و کسانی که امام حسین علیه السلام را می شناختند، جمع کرد. نیز پیک هایی به جاهایی فرستاد تا اصحاب رسول خدا که معروف به صلاح و عبادت بودند هم دعوت شوند و در این تجمع حضور داشته باشند.

در منی جمعیتی بیش از هفتصد مرد (طبری در الاحتجاج، هزار مرد نوشته است)، دویست تن از آنان از اصحاب رسول خدا ولی بیشتر آنان از تابعین بودند و جمعیتی از دیگران حضور یافتند. امام حسین علیه السلام پیا خواست و سخنرانی را با حمد و ثنای کوتاه اینگونه آغاز کرد: سپاس خداوند و ثنا بر او باد، آنگاه گفت: می خواهم از شما چیزهایی بپرسم، اگر راست گفتم، تصدیق کنید و اگر دروغ گفتم تکذیب کنید. از شما درباره حق الهی و حق رسول خدا و خاندانش که برگردن شما است می پرسم. این وضعیت من است، با اینکه شما و همه مؤمنان ثقه سخنان درباره شأن مرا شنیده اند. آیا شما نسبت به حق ما آگاه هستید؟ همانا برای از بین رفتن حق و منسوخ شدن حقایق اسلام بیم دارم البته خداوند نورش را پاسداری کرده ولو اینکه کافران ناخوش باشند.

مناقب امیرالمؤمنین: همه دستورات قرآنی فراموش و ترک شده مگر تلاوت و تفسیر قرآن، مطالبی که رسول خدا درباره پدرش، برادرش، مادرش، خودش و اهل بیتش گفت، همه اینها فقط روایت می شود و عمل و التزام ندارید. همه این مطالب را صحابه گفتند شنیده ایم و شهادت می دهیم. همه این نکات را تابعین هم تأیید کردند و گفتند بله رسول خدا همین طور گفت و ما تصدیق می کنیم و اطمینان داریم.

آیا می دانید علی بن ابیطالب برادر رسول خدا بود. هنگامی که مسلمانان بین همدیگر عقد برادری می بستند، پیامبر هم علی را برادر خودش ساخت و فرمود: تو برادر من هستی و من برادر تو در دنیا و آخرت هستم؟ جمعیت حاضر گفتند: خدایا بله درست است.

حضرت ادامه داد شما را به خداوند قسم می دهم آیا می دانید رسول خدا زمین مسجدش و منازل اش را خرید. ده بنا ساخت، نه بنا برای خودش و دهمین ساختمان را به پدرم اختصاص داد. آنگاه همه راه ها و درهای آن ساختمان ها را به مسجد مسدود کرد مگر در خانه پدرم؟ اما پس از اعتراضی که شد، رسول خدا گفت: درهای شما را من مسدود نکردم و در خانه علی را من باز نکرده ام لکن خدا فرمان داد چنین کنم.

۱- . تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، ص ۵۱۸-۵۲۴؛ نیز در کتب جدید هم آمده است، مثل اهل بیت در قرآن و سنت، محمدی ری شهری، قم، دارالحديث، ج ۱، ص ۴۹۸-۵۰۰.

سپس دستور داد هیچ کسی در مسجد نخواند مگر علی بن ابیطالب؟ حاضران گفتند: بله خدا را گواه می گیرم، آیا می دانید در روز غدیر خم، رسول خدا علی را روری دست گرفت و حدیث ولایت را خواند. و فرمود حاضران به غائبان خبر دهند؟ گفتند به خدا می دانیم.

آیا می دانید رسول خدا در غزوه تبوک در مورد علی گفت: تو نسبت به من به منزله هارون از موسی هستی و تو بر همه مؤمنان پس از من ولایت داری؟ حاضران تأکید کردند و گفتند می دانیم. آیا می دانید که رسول خدا به هنگامی که نصارای نجران را برای مباحله خواند، هیچکس جز علی، همسرش و دو فرزندش نیامدند؟ گفتند بله

آیا می دانید روز جنگ خیبر، وقتی پرچم را به علی می سپرد گفت: پرچم را به کسی می سپارم که خدا و رسول خدا او را دوست می دارند و او هم خدا و رسولش را دوست دارد؛ کزار (شجاع حمله کننده به دشمن) و غیر فزار است که خداوند پیروزی را به دستانش نزدیک می نماید؟ گفتند بله

آیا می دانید وقتی رسول خدا، علی را به منظور براثت فرستاد، فرمود: از جانب من کسی نمی آید مگر خودم یا کسی از خودم؟ گفتند بله

آیا می دانید: رسول خدا هر گاه مشکل شدیدی برایش رخ می داد، علی را به نام ای برادرم صدا می زد؟ گفتند بله.

آیا می دانید هنگامی که رسول خدا بین علی و جعفر و زید داوری کرد، فرمود یا علی تو از من هستی و من از تو هستم و تو ولی همه مردان و زنان مؤمن بعد از من هستی؟ حاضران پاسخ دادند بله.

آیا می دانید علی هنگام شب و خلوت رسول خدا در کنارش وارد می شد، وقتی از او چیزی می خواست، برآورده می کرد و به هنگام سکوت، شروع می نمود؟ پاسخ گفتند بله.

آیا می دانید، رسول خدا علی را بر جعفر و حمزه برتری دارد در وقتی که به فاطمه سلام الله علیها گفت: همسرت بهترین کسی از اهل بیت من است و در سلامت مقدم بر آنها، در صبر و حلم بزرگترین آنها و در علم بیشتر آنها است؟ گفتند بله.

آیا می دانید رسول خدا گفت: من آقای فرزندان آدم و برادرم علی آقای عرب و فاطمه بزرگ زنان بهشت و فرزندان حسن و حسین آقای جوانان اهل بهشت؟ گفتند بله.

آیا می دانید، رسول خدا علی را مأمور کرد تا غسل و کفن و دفنش را انجام دهد، در حالی که جبرئیل هم مساعد و کمک او است؟ گفتند بله.

آیا می دانید، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین سخنرانی اش فرمود: ای مردم من در میان شما، دو چیز گرانبها را یعنی کتاب خدا و اهل بیتم را به یادگار می گذارم پس به آنها تسمک کنید تا گمراه نشوید؟ گفتند بله.

هر آنچه در قرآن و حدیث درباره علی بن ابیطالب علیه السلام و به ویژه درباره اهل بیتش وارد شده، مورد توجه و اهمیت

است؟ صحابه گفتند بله ما هم شنیده ایم. و تابعین گفتند از موثق هایی مثل فلانی نقل شد.

امام حسین علیه السلام سپس حاضران را سوگند داد آیا این رخداد را درباره رسول خدا شنیده اند: رسول خدا فرمود هر کس گمان نماید مرا دوست دارد ولی با علی دشمنی ورزد، کاذب

ص: ۲۱

است. ممکن است مرا دوست داشته باشد و نسبت به علی دشمنی نماید. کسی پرسید چگونه؟ رسول خدا پاسخ گفت: زیرا علی از من و من از علی هستم لذا هر کس مرا دوست بدارد، علی را دوست داشته و هر کس علی را دوست داشته باشد در واقع مرا دوست می دارد. نیز هر کس با من دشمنی نماید، در واقع با علی دشمنی کرده و هر کس با علی دشمنی ورزد با من دشمنی نموده است. همگی گفتند بله شنیده ایم. آنگاه متفرق شدند.

ترجمه قسمت دوم و سوم

سخنان امام حسین علیه السلام در بیان «امر به معروف» و «نهی از منکر» که از امیرمؤمنان علیه السلام نیز نقل شده است:

ای مردم از پند و اندرزی که خداوند دوستان خود را به خاطر سخن ملامت باری که بر دانشمندان یهود فرموده؛ عبرت بگیرید، آنجا که [در قرآن] فرماید:

لَوْلَا - يَنْهَاهُمْ الرَّبَّائِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمُ، یعنی «چرا مرئیان خداپرست و دانشمندان، آنان را از گفتار گناه آلودشان باز نمی دارند؟- مائده: ۶۳»، و [در آیه ای دیگر] فرماید: لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ - إِلَى قَوْلِهِ: لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ یعنی: «کسانی از فرزندان اسرائیل (یعقوب) که کافر شدند لعنت شدند- تا آنجا که فرماید:- آری، بد بوده است آنچه را که انجام می دادند- مائده: ۷۸»، و تنها دلیل انتقاد و بدگویی خداوند از ایشان این بود که آن افراد با اینکه اعمال منکر و ناپسند ستمکاران را مشاهده می کردند، ولی به جهت بهره ای که از آنان می بردند و هراسی که از آن بر حذر بودند، در منع و بازداشتن ایشان هیچ قدمی بر نمی داشتند. در حالی که خداوند می فرماید: فَلَا تَخْشَوْا النَّاسَ وَ الْخَشُونَ یعنی:

«شما از مردم مترسید، و از من بترسید- مائده: ۴۴» و نیز فرماید: الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ یعنی: «و مردان و زنان مؤمن دوستان و یاوران یکدیگرند، به کار نیک و پسندیده فرمان می دهند، و از کار زشت و ناپسند باز می دارند- توبه: ۷۱»، بنابراین خداوند به «امر به معروف» و «نهی از منکر» به عنوان فریضه ای از جانب خود سخن آغاز فرمود، چه او بر این مطلب واقف بود که اگر حق این دو مطلب ادا شده و تحقق پذیرد و بر پا ماند، تمامی واجبات چه آسان و چه مشکلش پایدار و استوار می گردد.

چرا که آن دو فراخوان و دعوتی است به اسلام، همراه با دفع ستمگری ها، و مخالفت با ستمگران، و تقسیم کردن بیت المال، و پخش غنائم، و دریافت زکات از جای خود، و پرداخت آن به محل مصرفش. سپس شما ای مردمان پرنفوذ، جماعتی هستید معروف به دانش و خوبی و خیرخواهی، و به واسطه خدا در دل دیگران مهابتی پیدا نموده اید، شرافتمند از شما حساب می برد، و ناتوان و ضعیف شما را گرامی می دارد، و آنان که با شما هم درجه و هم پایه اند و بر آنان حق نعمتی ندارید شما را بر خود مقدم می دارند. هر گاه نیازهای مردم از ایشان دریغ شود شما به شفاعت برمی خیزید چونان هیبت پادشاهان و ملوک، و عزت بزرگان و سروران در کوی و برزن گذر می کنید، آیا جز این است که تمام اینها را تنها به جهت امیدی که مردم به بر پایی حقوق الهی به شما دارند نائل شده اید؟! هر چند که شما از ادای غالب حقوق خدایی در تقصیر و کوتاهی به سر می بردید و حق امامان را ناچیز و

بی اهمیت می شمردید، امّا حقّ افراد ناتوان را پس پایمال ساختید، ولی حقّ خود را- بنا بر ادّعایتان- طلب کردید. نه مالی را بخشش نمودید، و نه جانی را برای آفریننده اش به مخاطره انداختید، و نه با خویشاوندی برای رضای خدا به ستیز پرداختید، [و با این حال] شما بر خدا آرزوی بهشت می کشید؛ و هم جواری با پیامبران؛ و امان از عذابش را خواهانید!! من بر شما جماعت آرزومند از خداوند؛ بیمناکم و در هراس، که مبادا گرفتار عذابی از عذاب های الهی؛ و مشمول عقوبت خداوند گردید، زیرا شما به یک مقامی از بزرگی رسیده اید که بدان بر دیگران برتری و ترجیح یافته اید- در حالی که افراد مشهور به خداپرستی احترام نشوند- و شما به خاطر خدا در میان مردم ارجمند شده اید، با چشم خود می بینید و ناظرید که پیمان های الهی شکسته شده؛ و هراس ندارید؟! با آنکه از شکستن پیمان پدرانتان در هراسید! عهد و پیمان رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلّم خوار و بی مقدار گشته، و کورها و لال ها و زمین گیرها در همه شهرها بی سرپرست و بی پناه مانده اند، و بر آنان رحم نمی شود، با این حال شما در حدّ مسئولیت خود نیز کار نمی کنید، و آن کس را که در این راه وظیفه اش را انجام می دهد یاری نمی کنید! به مسامحه و سازش با ستمگران خود را آسوده می دارید، و تمام اینها از جهت آن است که خداوند فرمان جلوگیری از منکرات و بازداشتن مردم را از آنها داده، و شما از آن غافلید و بدان بی توجه! و شما از این لحاظ گرفتارترین مردمید! و سهم بیشتری از این مصیبت را دارایید، زیرا شما در حفظ مقام رفیع علمی دانشمندان، مقلوب و دچار شکست شدید، و ای کاش می دانستید، یا کوشش و تلاشی داشتید.

این بدین خاطر است که زمام امور به دست افرادی است، که عالم به احکام خدا، و حلال و حرامند، و شما می دانید که دارای این مقام بودید و از دستتان گرفتند، و آن را تنها بدین سبب از شما به تاراج بردند که از حقّ پراکنده شدید، و در سنت [پیامبر]- با وجود دلیل روشن- اختلاف کردید، در حالی که اگر بر آزار و گرفتاری ها شکیبایی کرده بودید، و در راه خدا مخرج را تحمیل می نمودید، زمام امور الهی به شما برمی گشت، و از جانب شما به اجرا در می آمد، و به شما ارجاع می شد، امّا [افسوس!] که در حفظ مقام خود پایه های ظلم و ستم را استوار ساختید، و زمام امور خداوندی را به دست ایشان سپردید، تا با شبهه و تردید کار کنند، و در شهوت و دلخواه خود پیش رفته و در آن غوطه ور باشند، و آنچه موجب سلطه اینان بر این مقام شد؛ گریز و ترس شما از مرگ؛ و خشنودیتان به زندگی این سرا بود، که چند روزه و ناپایدار است. افراد ناتوان را زیر دست ایشان ساختید، تا برخی را برده و مقهور کنند، و برخی را برای لقمه نانی بیچاره! و مملکت اسلامی را با نظرات [فاسد] خود دستخوش تغییر و تحوّل قرار بدهند، و در جهت پیروی از اشرار؛ و دلیری و جرأت بر جبار، رسوایی و هوسرانی را برای خود هموار و صاف سازند، در هر شهری گوینده ای از ایشان بر فراز منبر داد سخن می دهد، و همه جا در تصرّف و تحت نفوذ ایشان است، و دستشان در همه جا باز می باشد، و مردمان بی هیچ دفاعی بوده آنان و در اختیار ایشانند، و عاجز از هرگونه دفاع از خود در بین زورگویی معاند، و فرمانروایی سختگیر بر ناتوان- که هیچ اعتقادی به خدا و معاد ندارد- گرفتارند، شگفتا! و چرا در شگفت نباشم، در حالی که زمین در تصرّف خائنی است بیدادگر، و باجگیری نابکار، و تحت نفوذ

مردی است نامهربان و بی ترحم بر مؤمنان. و خدا در آنچه ما در کشمکش آنیم حاکم باشد، و همو به حکم خود در بین ما داوری نماید.

خداوند! تو خود آگاهی که آنچه از ما گفته شد نه به جهت چشم داشت در سلطه گری بود، و نه به آرزوی مال دنیا، لیکن برای آن بود تا نشانه ها و آثار دینت را نمایان سازیم، و در شهرهای اصلاح کنیم، باشد که بندگان ستم دیده ات آسوده خاطر گردند، و در پرتو آن امتیت به واجبات و آداب و دستورات عمل کنند، پس چون شما یاریمان نکردید و درباره ما انصاف نداشتید بنابراین ستم پیشگان بر شما قدرت یافتند، و در خاموش ساختن نور پیامبران کوشیدند، و خدا ما را کافی است، بر او توکل کرده ایم، و به سوی او باز گشتیم، و باز گشت [همه] به سوی اوست.

توضیح و شرح

سخنرانی امام حسین علیه السلام برای نخبگان جهان اسلام در سال ۵۸ق (و بنا بر یک قول در سال ۶۱ق) یعنی در شرایطی که معاویه در اوج قدرت است، گویای وضعیت معلولان در آن زمان است. نظر به اینکه خود سلیم در متن قضایا و حوادث جهان اسلام بوده و واقف بر امور است، از این رو این روایت اهمیت خاصی دارد. ویژگی های متن سلیم را بعداً بیشتر معرفی می کنیم.

امام حسین علیه السلام در این متن تلاش نموده جامعه را آسیب شناسی کند، سنت های نبوی و علوی و ارزش های حاکم بر جامعه نبوی را معرفی نموده، سپس به مردم بگوید معاویه و خاندان سفیانی درصدداند این سنت ها را از بین ببرند و طرز فکر خودشان را مسلط کنند. از این رو متن این سخنرانی در شناخت جامعه آن دوره و شناخت برنامه های امام حسین علیه السلام بسیار اهمیت دارد.

قبلاً گفته شده سخنرانی حضرت تقطیع و پاره پاره شده است. مهم ترین منابعی که این سخنرانی را آورده اند عبارت اند از:

۱- سلیم بن قیس هلالی (درگذشت ۹۰ق) به تناسب بحثی که دارد فقط بخش اول خطبه را ذکر می کند و تاریخ و محل ایراد خطبه را نیز مشخص می نماید. (۱)

۲- حسن بن شعبه حرّانی از محدثان قرن چهارم در تحف العقول (۲) به نقل بخش دوم و سوم خطبه اکتفا کرده است. علامه مجلسی نیز در بحارالانوار (۳) به نقل از تحف العقول، این دو بخش را آورده است.

۳- احمد بن علی طبرسی (درگذشت ۵۸۸ق) ضمن اشاره به انگیزه ایراد این خطبه - که ظلم و فشار بیش از حد معاویه بوده - خلاصه ای از آن را در چند سطر نقل و تصریح می کند این خطبه دو

ص: ۲۴

٢- . تحف العقول، ص ٥١٨-٥٢٤.

٣- . بحار الانوار، ج ١٠٠، ص ٧٩، ح ١٧.

سال قبل از مرگ معاویه و در منا و در حضور بیش از هزار نفر از شخصیت های مذهبی آن روز ایراد گردیده است.^(۱)

علت چند پاره شدن آن، منوط به هدف علما است. آنان به تناسب بخشی از خطبه را نقل کرده اند و هر یک از مورخان و محدثان و علما و محققان به نقل بخشی از آن که ارتباط به بحث شان داشته بسنده نموده و از نقل بقیه خطبه صرف نظر کرده اند و حتی گاهی تنها به نقل یک جمله از آن اکتفا و گاهی نیز به محتوای مجموع خطبه اشاره نموده اند.

البته برخی بر این باورند خطبه ای که در تحف العقول نقل شده خطبه مجزایی است که امام حسین علیه السلام در سالی دیگر قرائت کرده است. شاهد بر این مطلب را نیز محتوای دو خطبه و مخاطبان مختلف آن دو ذکر کرده اند.^(۲)

اما شواهد و قرائن گویاست که، امام حسین علیه السلام این خطبه مهیج و اعتراضی را در سال ۵۸ق، یعنی دو سال قبل از مرگ معاویه علیه انحرافات حکومت اموی بیان کرده است. اهمیت این خطبه در منا و در ایام حج، افشاگری امام علیه حکومت معاویه بود. برخی تحلیل گران این خطبه را که در حضور صحابه و تابعین قرائت شد نشانه برنامه امام حسین علیه السلام برای قیام کربلا می دانند.

سلیم بن قیس در طلیعه خطبه می گوید: یک سال قبل از مرگ معاویه، حسین به علی علیه السلام با عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر به حج رفتند. امام حسین علیه السلام مردان و زنان و یاران بنی هاشم و آن عده از انصار را که او و خاندانش را می شناختند جمع کرد. سپس چند نفر را فرستاد و فرمود: همه کسانی را که امسال از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معروف به صلاح و عبادت اند و به حج آمده اند، نزد من جمع کنید.

در پی این دعوت بیش از هفتصد نفر که بیشتر آنان از تابعین و حدود دویست نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند در منا در خیمه آن حضرت گرد آمدند. امام در میان آنان برای ایراد خطبه برخاست و پس از حمد و ثنای الهی فرمود:

درباره اهمیت این خطبه نوشته اند: یکی از نکات مهم در این خطبه شریفه قبل از بیان محتوای آن، انتخاب زمان حساس و مکان مناسب و دعوت از شخصیت های اسلامی و شرکت دادن زنان و مردان نخبه بنی هاشم و اصحاب مهاجر و انصار رسول خداست که دویست نفر از حضار مجلس را کسانی تشکیل می دادند که افتخار صحابگی و درک فیض حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را داشتند و بیش از هشتصد نفر دیگر نیز از فرزندان صحابه (تابعین) بودند.^(۳)

ص: ۲۵

۱- . الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۱۷.

۲- . تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء، گروهی از تاریخ پژوهان، ج ۱، ص ۳۹۲.

۳- . سخنان حسین بن علی علیه السلام، به کوشش نجمی، ص ۳۶۸.

این خطبه افشاگری علیه حکومت معاویه و مقدمه ای برای واقعه کربلا بود. امام علی علیه السلام با این تدبیر و با توجه به امکانات آن روز، در میان حاضران موج و حرکتی ایجاد کرد تا حاضران پیام امام را در بازگشت به سرزمین هایشان به دیگران منتقل کنند و زمینه بیداری آنان را فراهم آورند. (۱)

به ویژه مظلومیت و آسیب مندی معلولان را نشان داد تا بی عدالتی جامعه عیان تر و شفاف تر معرفی گردد.

از نظر ساختاری این خطبه سه قسمت مهم دارد:

۱- جایگاه و اهمیت امیرمؤمنان و خاندان عصمت و بیان آیات و روایاتی که در شأن، منزلت و فضیلت اهل بیت مخصوصاً امام علی علیه السلام نازل و بیان شده است؛ از جمله به معرفی تأثیر و اهمیت امام علی علیه السلام در وقایع سرنوشت ساز مثل واقعه غدیر خم، مباحله، فتح خیبر به دست امیرالمؤمنین و یا جایگاه امام علی علیه السلام در مباحث فکری و نظری و خط مشی اعتقادی مثل اتکا بر قرآن و عترت در کنار هم.

۲- دعوت به امر معروف و نهی از منکر و تأکید بر اهمیت این وظیفه اسلامی.

۳- یادآوری وظیفه علما و لزوم قیام آنان در مقابل ستمگران و مفساد و نیز گوشزد کردن مضرات سکوت عالمان در مقابل زورگویان و آثار زیانبار و خطرناک سهل انگاری آنان از انجام این وظیفه بزرگ الهی.

امام علیه السلام در پایان خطبه می فرماید: خدایا! تو می دانی که آنچه از ما سرزد، برای رقابت در فرمانروایی و نیز دسترسی به مال بی ارزش دنیا نبود، بلکه از آن روست که نشانه های آیین تو را بنمایانیم و سر و سامان بخشی را در سرزمین هایت آشکار سازیم تا بندگان ستمدیده تو آسوده گردند و به فرایض و سنن و احکام تو عمل کنند.

اما از نظر پیام رسانی، این خطبه دو قسمت مهم دارد:

۱- بخش نخست درصدد آسیب شناسی است. یعنی مبانی و وضعیت مقبول را معرفی کرده، سپس تحول از وضع مطلوب به وضع نامطلوب را توضیح می دهد.

۲- در بخش دوم به تحلیل وضعیت عینی آسیب مندان می پردازد و شرایط آنان در چنین جامعه ای را گزارش می دهد.

چون امام حسین علیه السلام این خطبه را در سال ۵۸ق، دو سال قبل از مرگ معاویه و در منا خواند. در این زمان فشار معاویه بر شیعیان به اوج رسیده بود و در فضای اجتماعی سیاسی خفقان حاکم بود. چنان که سلیم بن قیس برای نشان دادن انگیزه امام حسین علیه السلام از خواندن این خطبه و توضیح شرایط محیطی آن روزگار، پیش از نقل خطبه، چهار بخشنامه معاویه به کارگزارانش را می آورد و درباره پیامدهای آنها سخن می گوید.

به گفته سلیم بن قیس معاویه در بخشنامه اول از کسانی که درباره امام علی علیه السلام و خاندانش فضیلتی نقل کنند، تبری می جوید و حمایتش را از آنان برمی دارد. او همچنین دستور می دهد شهادت شیعیان را نپذیرند و هر کس که برای عثمان

فضیلتی نقل کرد، حقوق و مزایا معین کنند. همچنین معاویه در بخشنامه دوم دستور داد درباره فضائل صحابه و دو خلیفه (عمر و ابوبکر)

ص: ۲۶

۱- . تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء، ج ۱، ص ۳۹۴.

حدیث نقل کنند و مشابه فضایل امام علی علیه السلام را برای صحابه بیاورند و این کار را باعث چشم روشنی خودش و کوبیدن ابو تراب خواند.

بنا به نقل سلیم بن قیس او در بخشنامه سوم نوشت مراقب مردم باشند و هر کس متهم به دوستی با علی علیه السلام و خاندانش بود، اسمش را از دیوان و دفتر حقوق و مزایا محو کنند و سهمیه اش را از بیت المال قطع کنند. در بخشنامه چهارم آمده بود: هر کسی را که متهم به دوستی خاندان علی باشد تحت فشار شدید قرار بدهید و خانه او را بر سرش خراب کنید تا برای دیگران عبرت باشد.

معرفی راویان

دو تن از راویان قدیمی این حدیث یعنی سلیم بن قیس هلالی و ابن شُعْبَه حرانی را لازم است معرفی کنیم تا به صحت و اهمیت این روایت بیشتر آگاه شویم.

سلیم بن قیس هلالی دو سال قبل از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه چشم به جهان گشود. نام کامل او ابو صادق سُلَیْم بن قَیْسِ هِلَالِی عامری کوفی است. از یاران خاص امیرالمؤمنین علیه السلام است. به هنگام رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دوازده ساله بود. در زمان حیات رسول خدا و در عهد خلافت ابابکر به مدینه نیامد و در سال ۱۶ق در عهد خلافت عمر به مدینه مهاجرت کرد و اقامت گزید.

سلیم در جنگ جمل در سال ۳۵ق؛ در جنگ صفین در سال ۳۶ق، در جنگ نهروان در سال ۳۹ق حضور جدی داشت و حوادث بسیار را گزارش کرده است. بعد از شهادت امام علی علیه السلام، سلیم در کوفه اقامت داشت. اما بعد از انتقال امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام به مدینه همراه آنان به مدینه رفت.

وقتی امام حسین علیه السلام نخبگان را در منا جمع کرد و خطبه ایراد کرد، سلیم حضور داشت. اما وضع زندگی او از سال ۶۰ تا ۷۵ق معلوم نیست. ولی همراهی و ملاقات هایش با امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام گزارش شده است.

در سال ۷۵ق، سلیم در کوفه بود و حجاج از والی کوفه خواست تا سلیم را به قتل برساند. سلیم با خبر شد و به بصره گریخت. سپس به ایران و به شهر نوبندگان فرار کرد. و در این شهر بیمار شد و درگذشت. (۱)

سُلَیْم توسط چند امام علیه السلام تأیید شده و اعتدال و عدالتش را همواره بزرگان تشیع بر عدالت او صحه گذاشته اند.

اما کتابش را نخستین اثر پس از قرآن و آثار امامان علیهم السلام دانسته اند (۲) و به چندین زبان مثل انگلیسی، فارسی وارد و ترجمه شده است.

ص: ۲۷

۲- . مقدمه آقای زنجانی بر کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۷۲-۷۹.

ابو محمد حسن بن علی معروف به ابن شعبه حرانی از فقهاء و محدثین و دانشمندان شیعه در سده چهارم قمری بود. او در بغداد سکونت و حوزه درس و تدریس داشت. او استاد شیخ مفید (درگذشت ۴۱۳ق) بوده است. گلچینی از روایات معصومین را گردآوری و کتاب تحف العقول عن اخبار الرسول را تألیف کرد. (۱)

آسیب شناسی اجتماعی - فرهنگی

سیره حسینی عبارت بود از: آگاه کردن جامعه و اطلاع رسانی نسبت به سنت ها و ارزش های جامعه اسلامی در دوره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام و معرفی تلاش های امویان در از بین بردن این سنت ها و ارزش ها و بازگرداندن جامعه به دوره جاهلیت.

بهترین منبع در شناخت این سیره، کتاب سلیم بن قیس است. زیرا او اساساً با همین نگاه برای اولین بار شروع به پژوهش، جمع آوری اسناد تاریخی و روایات و تألیف نمود. سلیم بر خلاف همه مورخان قرون نخست اسلامی، رویکرد و گرایش دیگر داشت. او می خواست به آسیب شناسی جامعه اسلامی در قرون نخست پردازد و در پی یافتن ریشه ها و علل و عوامل مسیر و حرکت جامعه بود.

رویکرد او متخذ و ناشی از باورهای شیعی هم بود و با تکیه بر آموزه ها و باورهای شیعه به آسیب شناسی فرهنگی و اجتماعی روی آورد. بر این اساس کتابی در ۴۸ بخش و متکی بر ۴۸ حدیث محوری ساخت. البته بعدها کسان دیگر چند مستدرک به آن افزودند و کتابش را به ۹۸ بخش توسعه دادند. ولی ساختار اولیه آن، ۴۸ بخش دارد.

سلیم تلاش کرده ۴۸ موضوع محوری و زیربنایی را کشف کند و انحراف اجتماعی و فرهنگی و جامعه اسلامی در قرون اول را بر اساس این محورها تجزیه و تحلیل نماید. برخی از این موضوعات عبارت اند از: سقیفه؛ سخن پیامبر در لحظات پایانی عمرش؛ اختلاف امت و تشکیل فرق؛ اسلام و ایمان؛ فعالیت های فرهنگی و اعتقادی علی علیه السلام در دوره خلفا؛ بدعت ها در دوره خلفا؛ محبت رسول خدا نسبت به حسن و حسین علیه السلام؛ خط مشی و اهداف معاویه؛ غدیر خم.

سلیم در بخش ۲۶ کتابش، پنج سند در شناخت اهداف و خط مشی معاویه آورده است. سلیقه سلیم در گزینش این اسناد و کنار هم آوردن آنها بسیار ستودنی است و به خوبی توانسته بر اساس اسناد دست اول و مؤثر چهره معاویه و اقداماتش در ایجاد انحرافات فرهنگی و اجتماعی را بشناساند.

اولین سند متنی از قیس بن سعد در نقد و رد معاویه به نام «احتجاجات قیس بن سعد علی معاویه»؛ سند دوم بخشنامه معاویه به همه بلاد و تمام عمالش جهت لعن علی بن ابیطالب در منابر و خطبه ها و براءت از حضرت و نفی مناقب مشهور از خاندان اهل بیت علیهم السلام است؛ سند سوم ردیه و نقد ابن عباس با عنوان «احتجاجات ابن عباس علی معاویه»؛ سند چهارم خط مشی معاویه در شدت گرفتن بر شیعیان و تقویت دیدگاه های مخالفان شیعه است. این خط مشی دارای چهار فصل بود: تقویت پیروان عثمان و ترویج مناقب او؛ احیای اسم ابی بکر و عمر؛ آموزش مناقب کاذب به کودکان و زنان و ترویج فرهنگ مداحی و فضیلت سرایی برای ابوسفیان و اهل بیت او؛ افزایش

۱- دایرہالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۳۳۷.

فشارهای اجتماعی و اقتصادی بر طرفداران علی علیه السلام و شیعیان مثل تهمت زدن به آنها؛ پاک کردن اسم آنان از دفاتر بیت المال و پرداختن حقوق مالی آنها و بر کنار کردن آنها از مدیریت ها و پست ها؛ بالاخره آخرین سند با عنوان «مناشدات و احتجاجات الامام الحسین علیه السلام بمکه» است. استدلال امام حسین علیه السلام به مقبولات تاریخی و اسناد مشهور و اخذ تأیید از صحابه و تابعین در مشروعیت خط مشی و باورها و اهداف امام علی علیه السلام و خاندانش و عدم مشروعیت اقدامات معاویه. این سند بخشی از سخنرانی امام حسین علی السلام در مکه است که سلیم در کتابش آورده است.

امام حسین علیه السلام پانزده تأییدیه از نخبگان بسیار حاضر در محل می گیرد. این پانزده فقره به صورت قال و نعم است. یعنی امام حسین علیه السلام فرمود مثلاً رسول خدا، علی را بر جعفر و حمزه برتری دارد و حضار می گفتند بله شنیده ایم و قبول داریم.

سه فقره هم با عبارت های دیگر تأیید می گیرد و در مجموع هجده تأیید مهم تاریخی از صحابه و تابعین حاضر در آنجا گرفته است. اینها اسناد مهم تاریخی در نقد خط مشی معاویه و حقانیت خط مشی امام علی علیه السلام است. (۱)

دیگر توصیه ها و سفارش ها

امام حسین علیه السلام دیدگاه ها و راه کارهای دیگر برای اصلاح وضع جامعه بیان کرده است. این دیدگاه ها عام و برای همه اقشار جامعه و از جمله معلولین است.

۱. و قَالَ عِنْدَهُ رَجُلٌ: إِنَّ الْمَعْرُوفَ إِذَا أُسِدِيَ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ ضَاعَ. فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ كَذَلِكَ، وَ لَكِنْ تَكُونُ الصَّنِيعَةُ مِثْلَ وَاِبِلِ الْمَطَرِ تُصِيبُ الْبَرَّ وَ الْفَاجِرَ .

مردی در محضر آن حضرت گفت: محبت و احسان به نااهل به هدر رود، حضرت فرمود: چنین نیست، نیکی همانند باران است که بر نیک و بد می بارد. (۲)

حضرت توصیه می فرماید نیک و رز و نیکی کننده نباید به منافع آن نگاه کند و نباید داوری کند فلانی اهلیت دارد، پس باید به او کمک کنم و فلانی، صلاحیت ندارد و نباید به او مساعدت کنم. در ضرب المثل فارسی هست که «تو نیکی کن و در دجله انداز، که ایزد در بیابانت دهد باز» یا «در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست».

حضرت می فرماید نیکی مثل باران بر همه می بارد ولی به هر کس به گونه ای نفع می رساند و برای همه سودمند است.

امام حسین علیه السلام از این طریق خواسته، احسان و نیکوکاری در جامعه گسترش پیدا کند.

۲. و قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَخَذَ اللَّهُ طَاقَهُ أَحَدٍ إِلَّا وَضَعَهُ عَنْهُ طَاعَتَهُ وَلَا أَخَذَ قَدْرَتَهُ إِلَّا وَضَعَهُ عَنْهُ كَلْفَتَهُ.

١- . كتاب سليم بن قيس، ص ٣١١-٣٢٣.

٢- . تحف العقول، ص ٥٣٠-٥٣١.

خدا طاقت هر کس را بگیرد طاعت از او نخواهد، و قدرت هر کس را بستاند بار تکلیف از دوشش بردارد. (۱)

امام حسین علیه السلام در این روایت رابطه معکوس قدرت و طاعت یا قدرت و تکلیف را توضیح می دهد. اسلام برای هر کس به اندازه توانایی ها و توانمندی هایی که دارد تکلیف و وظایف مشخص کرده است. کسی که نمی تواند ایستاده نماز بخواند، نشسته و حتی خوابیده نماز می خواند.

این روایت قاعده کلی را برای آسیب مندان و معلولین مشخص کرده است. بر این اساس نهادهای دولتی می توانند با افزایش توانایی های معلولان، حضور اجتماعی و وظایف اجتماعی آنها را هم بیشتر نمایند. بنابراین مفهوم این حدیث، دستور العملی برای حاکمیت است و امام به حاکمیت و مدیران توصیه می کند انسان هایی که توانایی فکری مثل سواد یا فرهنگی مثل معلومات و دانش یا توانمندی های جسمی ندارند، وظیفه ای هم به گردن آنها نیست ولی در روایات دیگر توصیه شده انسان ها مسئولیت دارند و حداقل باید در سرنوشت خود سهم باشند، از این رو لازم است به افزایش توانمندی ها و مهارت های آنان افزود.

۳. و كتب إلى عبدالله بن العباس حين سيرة عبدالله بن الزبير إلى اليمن: أما بعد بلغني أن ابن الزبير سيرك إلى الطائف فرفع الله لك بذلك ذكرا و حطّ به عنك وزرا و إنما يتلى الصالحون. ولولم تؤجر إلا فيما تحبّ لقلّ الأجر، عزم الله لنا ولك بالصبر عند البلوى و الشكر عند النعمى و لا أشت بنا و لابتك عدوا حاسداً أبداً والسلام.

آنگاه که عبدالله زبیر، عبدالله بن عباس را به یمن تبعید کرده بود، حضرت این نامه را برای ابن عباس نگاشت: اما بعد، خبر یافتم پسر زبیر تو را به طائف تبعید کرده، خداوند بدین وسیله نام تو را بالا برده و گناهت را فرو نهاده، این شایستگانند که گرفتار می شوند، اگر پاداش (الهی) تنها برای (کارهای مطلوب) و باب طبع بود اجر، اندک می شد، خداوند برای ما و تو صبر در مصیبت و شکر در نعمت را مقدر فرماید، و دشمن حسود را به ما شاد نفرماید والسلام. (۲)

حضرت در این روایت رابطه پاداش با سختی ها و محنت ها را بیان فرموده است. زندگی بدون سختی وجود ندارد ولی هر مقدار سختی ها بیشتر باشد، پاداش افراد هم بیشتر است.

۴. و قال عليه السلام: الإخوان أربعة: فأخ لك وله. و أخ لك. و أخ عليك. و أخ لالك و لاله، فسئل عن معنى ذلك؟ فقال عليه السلام: الأخ الذي هو لك و له فهو الأخ الذي يطلب بإخائه بقاء الإخاء، و لا يطلب بإخائه موت الإخاء، فهذا لك و له لأنه إذا تمّ الإخاء طابت حياتهما جميعاً و إذا دخل الإخاء في حال التناقض بطل جميعاً. و الأخ الذي هو لك فهو الأخ الذي قد خرج بنفسه عن حال الطمع إلى حال الرغب فلم يطمع في الدنيا إذا رغب في الإخاء فهذا موفر عليك بكليته. و الأخ الذي هو عليك فهو الأخ الذي يتربص بك الدوائر و يغشى السرائر و يكذب عليك بين العشائر و ينظر في وجهك نظر الحاسد فعليه لعنة الواحد. و الأخ الذي لالك و لاله فهو الذي قد ملأه الله حمقاً فأبعده سحاً فتراه يؤثر نفسه عليك و يطلب شحاً ما لديك.

١- . همان

٢- . همان، ص ٥٣٤-٥٣٥.

برادران چهار گونه اند: ۱. به نفع تو و خود ۲. به نفع تو ۳. به ضرر تو ۴. نه به نفع تو و نه به نفع خود، پرسیدند: مقصود چیست؟ فرمود: نخست برادری است که از پیوند برادری پایداری آن را خواهد نه مرگش را (به دوام دوستی علاقه مند است) این به سود هر دو است، زیرا اگر برادری ادامه یابد زندگی هر دو شیرین شود، و اگر درهم ریزد یکسره باطل شود (و هر دو زیان بینند). دوم برادری است که طمع در طرح دوستی نداشته، بلکه شیفته و علاقه مند شخص رفیق است، و منظور دنیوی ندارد، این برادر تمام وجودش را به تو سپارد. سوم برادری که پیوسته چشم به راه گرفتاری و محنت توست، اسرار را فاش کند (کلمه «یغشی» ظاهراً «یفشی» بوده و همین طور ترجمه شد) در قبیله ها دروغ بر تو بندد و به رؤیت چون حسودان بنگرد، لعنت خدای یکتا بر این رفیق. چهارم برادری است که خدا سراپای وجودش را از حماقت انباشته، و (از رحمت خود) دورش ساخته، خود را بر تو مقدم دارد و از سر بخل چشم طمع به مال تو دوزد. (۱)

این روایت به معرفی انواع انسان ها و بیان روابط انسان ها در جامعه می پردازد. هر کس تلاش کند از انسان های احمق یعنی دسته چهارم به طرف دسته اول و دوم برود به خوشبختی نزدیک شده است.

۵. و قال علیه السلام: من دلائل علامات القبول: الجلوس إلى أهل العقول. و من علامات أسباب الجهل المماراه لغير أهل الكفر، و من دلائل العالم انتقاده لحديثه و علمه بحقائق فنون النظر.

همنشینی خردمندان نشان پسندیده بودن است، ستیزه با غیر کافر علامت جهل است. نقادی از گفتار خود، و علم به حقایق اقسام نظر (و مسائل علمی) دلیل علم و دانش است.

حضرت چهار علامت (علت) برای موفقیت می شمارد: همنشینی با عقلاء، ستیزه با غیر کافران؛ خود انتقادی و علم به دانش های نظری و حرفه های عملی.

این روایت در دوره ای بیان شده که مسلمانان در تلاش بودند با ارتباط با تمدن های آن دوره یعنی ایران و روم، وضع عقب مانده حجاز را تغییر دهند. هر چهار عاملی که می شمارد گویای این است که تعاملات و ارتباطات با جهان متمدن مقبول است. همنشینی با آنان، تساهل و تسامح و عدم ستیز با کسانی که توطئه گر نیستند، در هر مرحله باز کاوی و نقد خود و بالاخره افزایش دانش های نظری و عملی و کاربردی در این دوره هم اهمیت دارد.

۶. و قال علیه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ اتَّخَذَ اللَّهُ عَصِمَتَهُ، وَقَوْلُهُ مَرَّاتَهُ، فَمَرَّةٌ يَنْظُرُ فِي نَعْتِ الْمُؤْمِنِينَ وَتَارَةً يَنْظُرُ فِي وَصْفِ الْمُتَجَبِّرِينَ، فَهُوَ مِنْهُ فِي لَطَائِفٍ، وَ مِنْ نَفْسِهِ فِي تَعَارُفٍ. وَ مِنْ فُطْنَتِهِ فِي يَقِينٍ، وَ مِنْ قُدْسِهِ عَلَى تَمَكِينٍ.

مؤمن خدا را پناه خود گیرد، و گفتار او را آئینه خود سازد، گاه در صفاتی که از برای مؤمنان فرموده بنگرد و گاه در اوصاف متکبران، لطیفه ها از آن برگیرد، خود را درست بشناسد، با زیرکی به مقام یقین رسد، و بر تزکیه و تهذیب نفس توانا باشد.

۷. و قال علیه السلام: إِيَّاكَ وَ مَا تَعْتَذِرُ مِنْهُ، فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَسِيءُ وَ لَا يَعْتَذِرُ وَ الْمُنَافِقُ كُلُّ يَوْمٍ يَسِيءُ وَ يَعْتَذِرُ.

از کاری که باید از آن پوزش خواست حذر کن که مؤمن نه بد کند و نه عذر خواهد، و منافق هر روز بد کند و معذرت طلبد. (۱)

این هفت دستور العمل از امام حسین علیه السلام گویای خط مشی ایشان در جامعه سازی است. یعنی برنامه های عملی برای ساختن جامعه ایده آل و مطلوب را در این روایات بیان کرده است.

ص: ۳۲

۱- . همان، ص ۵۵۰-۵۵۱.

امام حسین علیه السلام بارها متذکر شده که هدفش از قیام علیه نظام حاکم، احیای سنت های اجتماعی گذشته و استقرار سنت های الهی گذشته است. حتی وقتی درباره معلولین سخن می گوید به این سنت ها اشاره نموده و می فرماید:

قَدْ تَرَوْنَ عُهُودَ اللَّهِ مَنْقُوضَةً فَلَا تَفْزَعُونَ ، وَأَنْتُمْ لِبَعْضِ ذِمَمِ آبَائِكُمْ تَفْزَعُونَ ، وَذِمَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلْمِ مَحْقُورَةٌ. (۱)

همانا می بینید که پیمان های الهی نقض شده و در حالی که بعضی قراردادهای نقض شده و سنت الهی تحقیر شده ولی شما عکس العملی نشان نمی دهید.

اما این سنت ها چیست؟ چه پیمان هایی است که مردم در دوره امام حسین علیه السلام نقض می کردند و به چه پیمان هایی عمل می کردند. امام حسین علیه السلام می فرماید: عهدهایی که بین مردم و خدا بسته شده بود، باطل و نقض شده و سنت ها و پیمان هایی هست که منسوب به آباد و اجداد مردم است و اگر نقض شوند، مردم اظهار ناراحتی می کنند. امام حسین علیه السلام از دو واژه عهد و عهود، ذمه و ذمم استفاده کرده است.

ذمه به معنای عهد و پیمان است. در قرآن آمده: (كَيْفَ وَ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَا لَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَهِهِمْ وَ تَأْتِي قُلُوبُهُمْ وَ أَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ) (سوره توبه آیه ۸). یعنی درباره هیچ مؤمن، قرابت و پیمانی را مراعات نمی کنند. (۲)

عهد، در اصطلاح فقهی عبارت از پیمانی است که بنده با خدای خود جهت انجام یا ترک عملی می بندد و صیغه آن عبارت از: «عاهدت الله» و «علی عهد الله». شرایط عهد، مثل شرایط نذر است.

آیات ۳۴ سوره اسراء: «اوفوا بالعهد» و ۱۵۲ سوره انعام: «بعهد الله اوفوا» و ۹۱ سوره نحل: «اوفوا بعهد الله» - تصریح به مشروعیت عهد و لزوم عمل به آن را دارد و در آیه ۲۷ سوره بقره: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ» - عدم عمل به آن نکوهش شده است، لذا بنا به سنت نبوی ترک عهد موجب کفاره می باشد.

در قرآن تأکید بسیار شده است بر این که مؤمنین بر عهد و پیمان خود وفا کنند. در آیه ۱۷۷ سوره بقره یکی از کارهای نیک و فای به عهد عنوان شده است «وَلِكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ ... وَ الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا». (بلکه نیکی آن است که به خداوند ایمان داشته باشد و ... وفا کنندگان به پیمانشان چون پیمان بندند...) همچنین در آیات (مائده، ۱۰؛ انفال، ۵۶؛ مؤمنون، ۸؛ مریم، ۵۴؛ صف، ۲-۳؛ معارج، ۳۲ و نحل ۹۱) به این مسأله اشاره شده است. عهد دیگری که در قرآن از آن نام به میان آمده عهد الهی با انسان است که انسان شیطان را پرستش نکند. (یس، ۶۰؛ طه، ۱۱۵). در

١- . تحف العقول، ص ٥٢٠.

٢- . قاموس قرآن، ج ٣، ص ٢٣-٢٤.

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که کسی که به عهد و پیمان وفا نکند دین ندارد. و عبارت «والمسلمون عند شروطهم» از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بسیار مشهور است. یعنی مسلمانان هنگام عهد و پیمان شناخته می شوند. «اوفود بالعقود». (به پیمان ها وفا کنید). (مائده، ۱) نیز از توصیه های مهم قرآنی است و قاعده برای بسیاری از معاهدات در اسلام می باشد. (۱)

بالاخره در قرآن و هم در روایات بر پیمان و معاهده و میثاق مسلمانان تأکید فراوان شده است. اما با سیطره حاکمان فاسد در صدر اسلام به تدریج مردم وظایف و تعهدات اصیل خود را فراموش کردند. امام حسین علیه السلام بارها بر پیمان شکنی و عهد شکنی مردم و نخبگان اشاره کرد و آن را مذمت نمود.

در بعضی روایات نبوی و علوی وضعیت های عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و زمان امام علی علیه السلام تبیین شده است و وضع معلولان توصیف شده است. در اینجا چند سخن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام می آوریم.

سنت های نبوی

امام حسین علیه السلام وظایف مردم را بعضاً به صورت تعهدات مردم با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مطرح می کند. این تعهدات و پیمان ها که خود را موظف به اجرای آنها می دانند، در واقع همان التزام و تعهدهایی است که به صورت سنت ها و قوانین در قرآن و روایات به آنها اشاره شده است.

در قرآن کریم آمده که از بنی اسرائیل میثاق گرفتیم که شرک نوزند و به پدر و مادر، یتیمان و مستمندان نیکی کنند. (۲)

نیز عقد ازدواج و عدالت و نفی ظلم (۳) به عنوان میثاق هایی است که به عنوان سنت تاریخی و اجتماعی مطرح و معرفی شده اند. (۴) سنت ها در حوادث تاریخی و اجتماعی، اجرای نظام اسباب و مسببات یا عمل و معلولات است. عالم جمادات، عالم نباتات، عالم جانوران و جهان انسان ها دارای نظام خاص است و حوادث تصادفی و بدون علت و دلیل اتفاق نمی افتد. (۵)

تعهداتی که بر عهده مردم الزام آور است، در صورت عمل به آنها، نتایج مطلوب به دست می آید و اگر انجام ندهند، نتایج منفی به دست می آید. به عنوان نمونه قرآن می فرماید ان تتقوا الله يجعل لکم فرقاناً. (۶) یعنی اگر پرهیزگار باشید خداوند برای شما قدرت تمایز خوبی از بدی قرار می دهد.

ص: ۳۴

۱- . معجم مفردات الفاظ قرآن، ص ۳۶۳؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ص ۱۴۹۹-۱۵۰۰.

۲- . سوره بقره، آیه ۸۳.

۳- . سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۴- . سوره انفال، آیه ۲۹.

۵- . دانشنامه قرآن کریم، لیمن، ص ۵۶۶-۵۶۷؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ص ۱۲۲۱-۱۲۲۲.

۶- . دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ص ۱۲۲۱-۱۲۲۲.

در مورد معلولین هم تعهدات و وظایف الزام آور وجود دارد که می توانند اسباب و مسببات یا سنت ها و قوانین جامعه دارای معلولیت باشند. اکنون به برخی از اینها در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می کنم.

* حضرت در تعریف و نقش نابینایی می فرماید:

ليس الأعمى من يُعمى بصره، إنما الأعمى من تُعمى بصيرته (۱)

حضرت در این روایت می خواهد تعریف و کارکرد اجتماعی نابینا را در نظام مورد نظرش مطرح کند. می فرماید نابینا فقدان بینایی و چشم به عنوان یک عضو جسم نیست بلکه نابینا کسی است که فاقد بینش و آگاهی به عنوان عضو از عقل و ذهن باشد. بنابراین هر کس چنین نقشی را در جامعه ایفا کند و موجب نا آگاهی گردد، نابینا است.

حضرت در این سخن تأکید دارد که مشکل اصلی انسان ها برای پیشرفت ندیدن چشمان نیست بلکه نداشتن قدرت تفکر و درک حقایق و تمیز خوبی ها از زشتی ها است. چه بسا انسان هایی هستند که از نظر چشم، حس دیدن آنها به هر دلیل از بین رفته است ولی با ممارست و تلاش تحصیل نموده و به مدارج بالای علمی دست یافته است. نیز با تلاش و مجاهدت در تربیت نفس هم موفق شده و به مدارج معنوی رسیده است. این فرد بصیر را نمی توان نابینا دانست.

* حضرت در سخن دیگری زبان اشاره را قبول کرده و بر آن صحنه می گذارد نیز رنج و مشکلات و مصائبی که معلولین در دوران زندگی متحمل می شوند از طرف خداوند بی اجر و پاداش گذاشته نمی شود. متن این روایت چنین است:

أقبل رجل أصم أخرس حتى وقف على رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فأشار بيده، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أعطوه صحيفة حتى يكتب فيها ما يريد.

فكتب: إني أشهد أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله.

فقال رسول الله: اكتبوا له كتاباً تبشرونه بالجنة، فإنه ليس من مسلم يفتح بكريمته أو بلسانه أو بسمعه أو برجله أو بيده، فيحمد الله على ما أصابه، و يحتسب عند الله ذلك إلا نجاه الله من النار، وأدخله الجنة (۲)

یعنی شخص کر و لال (اصم و اخرس) نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و با اشاره نکاتی را به حضرت تفهیم نمود. آنگاه حضرت فرود دفتری به او بدهید تا آنچه می خواهد بنویسد.

او نوشت: همانا من شهادت می دهم خدایی به جز خداوند یکتا نیست و محمد رسول خدا است.

ص: ۳۵

۱- نهج الفصاحه، ص ۴۵۵.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۶.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت: برایش بنویسید و او را به بهشت بشارت دهید. چون هر مسلمانی چشم، زبان، گوش، پا و دستش آسیب ببیند و ستایش خداوند را نسبت به آنچه به او رسیده به جای آورد، خداوند به گونه ای برایش محاسبه می کند که او از دوزخ نجات یافته و داخل بهشت می گردد.

نکات مهمی در این روایت هست و نشانگر وضعیت ناشنوایان و معلولین در آن دوره می باشد. اولاً ناشنوا یعنی کسی که توان سخن گفتن و شنوایی ندارد وقتی با زبان اشاره با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مطالبی را بیان کرد، حضرت ناراحت نشد و او را نهی نکرد. این نشانگر مشروعیت زبان اشاره است.

ولی برای اینکه به ناشنوایان یاد دهد با نوشتن و کتابت هم می توانید تفهیم و تفاهم داشته باشید، از ناشنوا می خواهید، مطالبش را بنویسد. دوم اینکه ناشنوا مطلب را می نویسد. یعنی در آن زمان ناشنوایان، توانایی نوشتن و خواندن داشته اند. و حتماً از طریق آموزش خواندن و نوشتن به دست آورده بودند. و غیر از فراگیری اشاره، خواندن و نوشتن به معلولین هم وجود داشته است.

حضرت ضمناً ناشنوایان را ملزم به زبان اشاره و کتابت نموده است و به آنان یاد داده عامل پیشرفت آنان در یادگیری این دو شیوه است.

سوم اینکه حضرت آسیب های مختلف جسمی را نام برده و بشارت داده که خداوند مصائب و رنج هایی که آسیب مندان تحمل می کنند، بدون اجر و پاداش نمی گذارد و بهشت پاداش زحمات آنان است.

چهارمین نکته این است که همه انواع معلولیت های جسمی در این روایت معرفی شده اند. یعنی نابینایی، ناشنوایی و فقدان تحرک دست و پا سه نوع معلولیت شایع جسمی است که در این روایت معرفی شده است. نکته پنجم اینکه پاداش خداوند مشروط به شکر و سپاسگزاری خداوند (فیحمد الله علی ما اصابه) است. اما اگر معلولی به جای شکرگزاری، وضع موجود را نپذیرد و انرژی های خود را مصروف داد و فریاد علیه وضع موجود نماید و دائم به شکایت و گلایه پردازد، معلوم نیست این فرد در محاسبه الهی موفق شود.

بنابراین این روایت معاهده ای مطرح می کند: هر معلولی از آسیب هایی که به او رسیده و مشکلاتی که دارد، ناراحتی نکند و شکرگزاری کند، بهشت و رهایی از دوزخ برایش حتمی می گردد.

* حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روایت دیگری می فرماید:

لیس من نفس ابن آدم الا علیها صدقه فی کل یوم طلعت فیہ الشمس. قیل یا رسول الله و من این لنا صدقه؟

قال: ان ابواب الخیر کثیر: التسبیح و التحمید و التکبیر و التهلیل و الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و تمسیط الاذی عن الطرق و تسمع الاصمّ و تهدی الاعمی و تدل المستدل علی حاجته و

تسعی بشده ساقیک مع اللّھفان المستغیث و تحمل بشده ذراعیک مع الضعیف. فھذا کله صدقه منک علی نفسک. (۱)

ھر روز کہ خورشید طلوع می کند، انسان نفسی ندارد مگر اینکه صدقه ای بدهد و زنده بودن آدمی منوط به صدقه دادن دانی.

پرسیده شد: ای رسول خدا این صدقه ها را چگونه پردازیم؟

حضرت پاسخ فرمود: راه های نیک بسیار زیاد است و به ده نمونه از آنها اشاره می کند: تسبیح، تهلیل، تحمید، امر به معروف و نهی از منکر، برداشتن موانع راه ها، تفهیم مطالب به ناشنویان، راهنمایی نابینا، مشاوره دادن به فردی که نیازمند مشورت و راهنمایی است، مساعدت و یاری به ستمدیده مضطر، برداشتن بار از دوش انسان ضعیف.

حضرت به صراحت می فرماید، هر جامعه و آحاد جامعه نیاز به همیاری و تعاون دارد و بدون کمک به یکدیگر و یاری همدیگر، حیات و زندگی مختل خواهد شد. این نکته را مطابق فرهنگ آن دوره اینگونه بیان فرموده است: نَفْس ابْناء آدم در هر روز متکی و منوط به صدقه (صداقت و دوستی یکدیگر و مساعدت همدیگر) است.

اما صدقه فقط مالی نیست بلکه شیوه های بسیار دارد که به عنوان نمونه ده شیوه آن را بیان کرده اند:

بعضی از مردم نیازمند مساعدت فرهنگی و معنوی هستند. مثلاً دارای افسردگی می باشند یا از درون به هم ریخته اند و لازم است با تلقین تجربه های معنوی، اعتماد به نفس آنها را تقویت کرد. تجربه نشان داده اگر به اینگونه آدم ها ذکرهایی مثل سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله آموخته شود و آنان با تکرار این اذکار، معنویت و نورانیت درونی آنها افزایش یافته و مشکلات روانی آنها کاهش می یابد.

به همین دلیل حضرت می فرماید صدقه معنوی مثل تهلیل و تحمید و تسبیح هم مهم است و این سه را در ابتدا بیان کرده است.

چهارمین نوع صدقه امر به معروف و نهی از منکر است. با ترویج و توسعه خوبی ها و هنجارها و کاهش ناهنجاری ها در جامعه، فضای فرهنگی جامعه و ارتباطات اجتماعی مردم سالم خواهد شد و آسیب های اجتماعی کاهش می یابند. آسیب مندان و معلولانی هستند که تحت فشارهای تبعیض ها، بی قانونی ها، ظلم های اجتماعی اند. اشتغال و درآمد ندارند چون فرصت های اجتماعی درست و عادلانه تقسیم نمی شود. اما اگر عدالت، مساوات و انواع دیگر معروف ها ترویج و گسترانده شوند، بار مصائب از دوش معلولین برداشته خواهد شد.

پنجمین نوع صدقه مناسب سازی شوارع و امکنة عمومی است. اگر موانع در مسیر عبور معلولین برداشته شود و راه های عبور و مرور آنان مناسب سازی گردد، آنان می توانند حضور اجتماعی افزون تر داشته باشند. جوان نابینا یا ویلچری نمی تواند تحصیل کند چون دبیرستان یا دانشگاه در طبقه دهم

یک ساختمان است و آسانسور هم ندارد. چند ماه دوستانش ویلچر او را ده طبقه بالا می بردند و دوباره پایین می آوردند. اما پس از چند ماه خود آن شخص معلول احساس شرمندگی کرد و از رفتن به دانشگاه صرف نظر نمود. سرنوشت این فرد تا آخر عمر به خاطر یک آسانسور تغییر خواهد کرد.

آمارها نشان می دهد بیش از پنجاه درصد از مشکلات معلولین ناشی از عدم مناسب سازی است. اما در کشورهای اروپایی زودتر از ما به این فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جامه عمل پوشاند و هر معلول روز اول در هر جا مستقر شود تمامی مسیرهای او مناسب سازی خواهد شد.

حضرت مناسب سازی را با این عبارت بیان کرده است «تمسیط الأذى عن الطرق» یعنی زدودن موانعی که موجب آزار و اذیت انسان ها در راه ها.

صدقه ششم، هزینه کردن برای امکانات و اجرای روش هایی که ناشنوایان بتوانند مطالب را بفهمند. تجربه می گوید امکانات آموزش ناشنوایان گران تر و پرهزینه تر نسبت به امکانات آموزشی نابینایان یا معلولین ذهنی و حرکتی است. چون یاد دادن یک مطلب به یک ناشنوا به طور میانگین بسیار مشکل تر از یاد دادن همان مطلب به یک فرد نابینا یا معلول حرکتی است.

متأسفانه نیکوکاران و ثروتمندان دارای اموال اولویت های وقف اموال یا صدقه و بخشش اموالشان را نمی شناسند و مثلاً نمی دانند برای ناشنوایان چگونه و در چه موارد مورد نیاز هزینه کنند. از این رو بیشتر وقف ها و نیکوکاری ها تکراری شده است.

حضرت می فرماید یکی از شیوه های صدقه، تسمیع الاصم است یعنی تجهیز مکان های آموزشی برای ناشنوایان تا آنان بتوانند به خوبی خواندن و نوشتن را یاد گرفته و در یک رشته تجربه و تبحر لازم را پیدا کنند.

معمولاً ناشنوایان از چهار طریق می توانند یادگیری و آموزش داشته باشند:

- زبان اشاره

- لب خوانی

- اقدامات پزشکی مثل کاشت حلزون جهت به دست آوردن شنوایی

- شیوه های ترکیبی

تجربه نشان داده توجه به همه این روش ها اهمیت دارد و نباید کودکان و نوجوانان را از یک روش مثل زبان اشاره محروم کرد. اما همه این شیوه ها دارای مشکلات خاص خود است.

صدقه دیگر راهنمایی نابینایان و یاد دادن دانش و سواد به آنان و هزینه کردن برای یادگیری آنها است.

صدقه دیگر مشاوره و راه اندازی مراکز مشاوره جهت پیشگیری و غیره است. اگر در هر شهر و روستا مراکزی باشد که

جوانانی که می توانند ازدواج کنند، راهنمایی کند و اگر ازدواجشان موجب بچه های معلول می شود به آنان تذکر دهند، این روش ها موجب کاهش معلولیت ها خواهد شد. اما تأسیس و راه اندازی مراکز مشاوره نیاز به مخارج فراوان دارد.

مشاوره ابعاد بسیار دارد مثل مشاوره جهت کاریابی، مشاوره ژنتیک و غیره.

صدقه نهم مساعدت و کمک به نیازمند مضطر است. معلولانی که از نظر پزشکی، معیشت روزانه، داروهای ضروری، تغذیه روزانه، پوشاک فرزندان مشکل دارند. اگر توانایی کار کردن نداشته باشند،

ص: ۳۸

باید تحت تأمین اجتماعی قرار گیرند و اگر با مهارت آموزی می توانند سرکار بروند، باید به آنان کار آموخته شود. یعنی مراکزی برای مهارت آموزی تجهیز گردد و با تبرعات و نیکوکاری ها راه اندازی گردد.

بالاخره آخرین نوع صدقه برداشتن بار از روی دوش ضعیفاء و کاهش فشار بر آنان است. برداشتن بار از دوش ضعیفا فقط برداشتن یک کیسه چهل کیلویی از دوش یک نفر نیست، هر چند، این هم یک مصداق است. بلکه کاستن فشار بر ضعیفا انواع و اقسام دارد. خانواده ای هست، سه فرزند معلول دارد، همه آنها تحصیل کرده و بیکار هستند، کاهش فشار این است که برای این فرزندان کار پیدا کرد و آنها بر سر کار بروند.

رابطه بین حیات و صدقه به ویژه برای معلولین در این روایت مطرح شده و آن را به صورت یک سنت و قانون الزام آور مطرح کرده است.

* همچنین حضرت فرمود: من قاد ضریراً اربعین خطوه علی ارض سهله لایفی بقدر ابره من جمیعہ طلاع الارض ذهباً.

هر کس، نابینایی را در زمین هموار چهل گام راهنمایی کند، ذره ای از این عملش با کوه های طلا برابری نمی کند. (۱)

چند نکته در این روایت جلب توجه می کند:

۱. دستگیری افراد نابینا در زمین هموار و در شرایط عادی، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بنیان گذار اسلام ارج و پاداش بی انتهایی دارد، چه رسد به راهنما و مساعدت روشندلان در شرایط سخت و پر از موانع. واژه های چهل قدم (حدود ۳۰ متر) و زمین هموار (ارض سهله) بر این نکته دلالت دارند.

از این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، می توان این نکته را استفاده کرد: مساعدت به این قشر، در شرایط سخت اقتصادی و رفع مشکلات آنها، ارج و پاداش بسیار در انتظار مساعدت کننده است.

۲. راهنمایی یک روشندل در چهل گام، تماماً و همه این عمل با همه کوه های طلا در کره زمین برابر و مساوی دانسته نشده بلکه اندکی و سرسوزنی از این عمل با همه کوه های طلای روی زمین مقایسه شده؛ ولی حضرت می فرماید برابر نیست یعنی ثواب و ارزش معنوی سرسوزن از این عمل بیشتر از تمامی کوه های طلای روی زمین است. از این رو مؤمنین و نیکوکاران چه اقدام و چه کاری بالا-تر و بهتر از مساعدت و یاری به آحاد معلولین سراغ دارند؟ در واقع بهترین عمل و سودآورترین معامله با خداوند است.

۳. حضرت روی موضوع راهنمایی تأکید فرموده است. و راهنمایی روشندل را با کوه طلا-مقایسه کرده است. امّا آیا هر خدمتی چنین ارزشی دارد؟ یا فقط خدمت راهنمایی چنین است؟ آیا راهنمایی در راهی مثل کوچه و خیابان که در روایت آمده، را می توان گسترش داد و هر نوع راهنمایی حتی

اطلاع رسانی و راهنمایی علمی و فرهنگی را هم مشمول این روایت دانست؟ اگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در دوره ما می زیست، گسترش اطلاع رسانی در جامعه روشندان و توسعه ابزارهای راهنمایی آنان مثل کامپیوتر و انواع برنامه های کامپیوتری را به عنوان راهنمایی روشندان با کوه های طلا مقایسه می فرمود؟ در این دوره، کارشناسان اهمیت اطلاع رسانی و راهنمایی فرهنگی و تلاش برای رهایی روشندان از تأخر فرهنگی و به روز شدن آنان را به اندازه ای زیاد می دانند که فقط مقایسه مزبور گویای آن است.

خلاصه اینکه وقتی اندکی از راهنمایی چهل قدمی روشندلی به اندازه کوه های طلا پاداش داشته باشد به طریق اولی راهنمایی آنان توسط مجله، کتاب و پایگاه اینترنتی اجری مضاعف خواهد داشت.

حضرت نکات و احادیث دیگر دارد از جمله در چند روایت به مشکلات اقتصادی معلولین اشاره کرده است.

همه انسان ها با واقعیت های اقتصادی دست به گریبان هستند و معیشت و اقتصاد را نمی توان از زندگی آدمی حذف کرد. اما موفقیت در زمینه اقتصاد و فائق آمدن بر مشکلات و سختی های معیشتی تنها با تجربه آموزی از گذشتگان و دوم سخت کوشی و تلاش امکان پذیر است.

نتیجه اینکه حضرت بین راهنمایی و دستگیری یک نابینا با پاداش رابطه برقرار کرده و خداوند را متعهد می داند که چنین پاداشی را پردازد.

* معصومین علیهم السلام چون دانش فراگیری داشته اند، توصیه ها و نکات سودمندی در زمینه اقتصاد بیان کرده اند. این توصیه ها تأثیر شایان و مؤثر در زندگی معلولان می تواند داشته باشد. اینجا به برخی از سخنان گهربار رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می شود: آن حضرت درباره مسکین و نیازمند واقعی فرمود:

ليس المسكين الذي يطوف على الناس فترده اللقمه و اللقمتان و التمره و التمرتان لكن المسكين الذي لايجد غني لغنيه و لا يعطى له فيصدق عليه و لايقوم فيسأل. (نهج الفصاحه)

نیازمند واقعی برای به دست آوردن یکی دو لقمه یا یکی دو خرما در میان مردم گدایی نمی کند. اما نیازمند واقعی کسی است که به طرف ثروتمند به خاطر ثروتش نمی رود و دستش را به طرف او برای دریافت صدقه دراز نمی کند و به پا نمی خیزد تا گدایی کند.

خلاصه اینکه مسکین و تردد در مردم برای گدایی، رابطه اش منفی است؛ ولی مسکین و به طرف ثروتمندان نرفتن، دست دراز نکردن و اقدام برای گدایی نکردن رابطه دارد.

از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با طرح معیارهایی و آگاه سازی مردم، بین حاجت مند آبرومند و حاجتمندی که شغلش گدایی و تکدی گری است تمایز و تفاوت می گذارد. قشر گدا مضر برای جامعه و قشر نیازمند واقعی مفید برای جامعه است.

از طرف دیگر حضرت وظیفه افراد ثروتمند را مشخص فرموده است:

خیر الناس انفهم للناس.

ص: ۴۰

بهترین مردم کسی است که فایده او بیشتر از همه به مردم برسد. کسی که منفعت مردمی و به قول امروزیان منافع ملی را بیش از همه در عمل مراعات کند، او خود از بهترین مردمان است. بنابراین بین خوبی و نفع رابطه برقرار کرده است.

نیز حضرت فرمود:

الخلق عيال الله، احب الخلق عندالله من نفع الی عیاله او انفعهم الی عیاله.

مردم خانواده خدا هستند دوست داشتنی ترین و محبوب ترین آدم ها نزد خداوند کسی است که به خانواده خدا سود می رساند و خدمت می کند. خدمتگزارترین و سود رسان ترین آدم ها به اهل بیت خداوند، همو، محبوب ترین آدم ها در چشم و دل خدا است.

به این ترتیب بود که پیامبر اسلام توانست میان خدا و خلق رابطه و پیوندی عمیق برقرار کند. البته رابطه و پیوند منحصر به این طریق نیست و تنها به این ترتیب نیست که «خدایی بودن خدمت به خلق» توجیه پیدا می کند.

چند بیت شعر بسیار زیبا منسوب به شیخ بهایی از دانشمندان دوره صفوی هست:

همه روز روزه بودن، همه شب نماز کردن همه ساله حج نمودن سفر حجاز کردن ز مدینه تا به کعبه، سر و پا برهنه رفتن دو لب از برای لبیک هماره باز کردن به مساجد و معابد، همه اعتکاف جستن ز ملاحی و مناهی همه احتراز کردن

چو قمر به شب نخفتن به خدای راز گفتن ز وجود بی نیازش طلب نیاز کردن

به خدا که هیچ کس را ثمر آنقدر نباشد که به روی ناامیدی در بسته باز کردن

مصراع «که به روی ناامیدی در بسته باز کردن» گویای نکته های فراوان است و نفع رساندن به خلق خدا را به خوبی بیان می کند.

همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مصداق خدمت به خلق و منفعت رساندن به مردم را ترویج عدالت و توسعه ارزانی یا مبارزه با ظلم و تورم می شمارد و می فرماید.

علامه رضا الله تعالی فی خلقه؟ عدل سلطانهم، و رخص أسعارهم.

نشانه خشنودی خداوند در میان بندگانش چیست؟ دادگری سلطانانشان و ارزانی نرخ هایشان. و برعکس آن، را فرموده است:

علامه غضب الله تبارک و تعالی علی خلقه؟ جور سلطانهم، و غلاء أسعارهم (کافی)

نشانه ناخشنودی خداوند در میان بندگانش چیست؟ بیدادگری سلطانانشان و گرانی نرخ هایشان.

«رخص» هم ریشه با واژه های رخصت و ترخص و ترخص، به معنای ارزانی، گشایش و رفاه و نظایر آن است.

مقابل ارزانی، گرانی یا تورم است.

خوشنودی و رضایت خداوند از مردم در این روایت به ارزانی قیمت های کالاها و عدالت سیاسی پیوند زده شده است. چرا؟

امام صادق علیه السلام پاسخ این پرسش را در روایت زیر فرموده است:

ص: ۴۱

غَلَاءُ السَّعْرِ يُسِيءُ الْخُلُقَ، وَ يُذْهِبُ الْأَمَانَةَ، وَ يُضَجِّرُ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ. (کافی)

گرانی (تورم)، اخلاق عمومی را خراب می کند، روحیه امین بودن را نابود می کند و موجب تخریب روحیه افراد مسلمان و معتقد می گردد.

امام صادق علیه السلام سه پیامد برای تورم بر شمرده است:

۱- اخلاقیات مذموم و فساد اخلاقی را گسترش می دهد.

۲- امانت و اعتماد عمومی را نابود می سازد.

۳- افسردگی و ناراحتی های روحی و روانی را موجب می شود.

بنابراین چنین جامعه ای مغضوب خداوند است و خدا از چنین مردمی خوشنود نیست. تنها راه چاره برای تصحیح چنین جامعه ای، گسترش روحیه مساعدت به یکدیگر، نفع رساندن به هموعان است؛ اما برخی فکر می کنند کثرت نماز، حج، اعتکاف زیاد و روزه بسیار موجب رستگاری و سعادت است، اما باید آنان متوجه باشند که مساعدت و در بسته به روی ناامیدان گشودن تنها راه چاره و تنها راه ایجاد جامعه مطلوب است.

* رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایت های دیگر می فرماید:

اگر کسی نابینایی را گمراه کند مورد لعن خداوند قرار می گیرد.

أربعة لعنوا في الدنيا والآخرة: رجل جعله الله ذكرا فأنت نفسه وتشبه بالنساء، وامراه جعلها الله أنثى فتذكرت وتشبهت بالرجال، والذى يضل الأعمى، و رجل حصور. (۱)

یعنی چهار دسته را خداوند لعنت کرده: مردی که خود را شبیه زنان درآورد، زنی که خود را شبیه مردان درآورده، کسی که نابینایان را گمراه کند و مرد مجرد.

فقط به مورد سوم می پردازم. حضرت بین گمراه سازی نابینا و لعنت خداوند ارتباط برقرار کرده است. اما گمراهی انواع و اقسامی تواند داشته باشد:

۱- روحانیون با قرائت احادیث جعلی می توانند به گمراهی آنان اقدام کنند. لذا مدیریت حوزه لازم است به مبلغین آموزش دهد تا طلاب اطلاعات و تجارب کافی داشته باشند.

۲- ثروتمندی که می تواند مدرسه یا مرکز آموزشی بسازد ولی اقدام نمی کند در واقع به راهنمایی آنها اقدام کند.

۳- نابینایی که مشاوره می خواهد ولی به او درست مشاوره داده نشود و موجب گمراهی او گردد.

۴- آموزش استثنایی می تواند مصداقی از این روایت باشد، چون اگر برای نابینایان تعلیم و تربیت صحیح را اجرا نکند در واقع آنها را گمراه کرده اند.

۵- تدوین و نشر کتاب، نشریه و کلاً محصولات فرهنگی برای آنان ضروری است. بنابراین بین همه اینها و لعنت الهی ارتباط هست.

ص: ۴۲

۱- . معلولیت از دیدگاه معصومین، ص ۴۴.

* نگاه کردن و خیره شدن به معلولین موجب رنجش خاطر و ناراحتی آنان می گردد؛ به ویژه معلولینی که ظاهر خوبی مثل جذامی ها ندارند.

لا تدموا النظر إلى أهل البلاء و المجذومين فإنه تحزنهم (۱)

یعنی نگاه مداوم و خیره به آسیب مندان معلول و جذامی ها نداشته باشید چون موجب ناراحتی آنها می گردد.

به تجربه ثابت شده نگاه مداوم و خیره شدن به معلولین موجب تکدر خاطر و رنجش آنان می شود. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این روایت مسلمانان را از این عمل نهی کرده است.

خلاصه اینکه بین ناراحتی و حزن معلولین با خیره خیره نگاه کردن به آنها ارتباط برقرار کرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در دوره خودش تلاش کرده معلولین به زندگی آبرومند و کسب و کار شرافتمندانه برسند و با دیگر مردم تفاوت و تبعیض نداشته باشند و برای هر قشر، مجموعه ارزش ها و قوانین و سنت هایی را مطرح کرده بود. اما در دوره امام حسین علیه السلام بسیاری از سنت ها منسوخ شده بود.

از این رو در دوره امام حسین علیه السلام و دوره معاویه و دوره یزید، تبعیض ها و بی عدالتی ها گسترش یافته بود و سیره عدالت طلبانه خلفاء را کنار گذاشته و زندگی اشرافی و پر هزینه داشتند. انواع ظلم ها گسترش یافته بود و سنت ها منهدم و منسوخ شده بود.

امام حسین علیه السلام درصدد بود این وضع را اصلاح و شرایط دوره نبوی را بازگرداند. به همین دلیل شناخت دوره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم لازم است دانسته شود همچنین شرایط دوره امام علی علیه السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام.

دوره نبوی را به اجمال بیان کردیم و اکنون به دوره امام علی علیه السلام می پردازیم.

سنت های علوی

امام حسین علیه السلام بارها اعلام کرد که من برای احیای دین جدم و پدرم اقدام به قیام کردم؛ مخالفت و جنگ با یزید نیز به این دلیل بود که یزید سنت ها و تعهداتی که باید عمل می کرد، منسوخ کرده و کنار گذاشته بود و برعکس سنت های جاهلی را احیاء و ترویج می کرد.

اما اگر حسین مروج سنت ها و تعهدات علوی و نبوی است، آن سنت ها کدام اند. سنت های نبوی را در گذشته معرفی کردیم و اکنون می پردازیم به سنت های علوی. اما قبل از معرفی خود سنت ها، در باب ورود امام حسین به سنن علوی و چرایی آن مقدمه ای داشته باشیم.

روایتی از امام باقر علیه السلام نقل است که در واقع متنی است که مؤمنان به هنگام زیارت قبر امام حسین علیه السلام می

خوانند. در جایی از آن آمده:

ص: ۴۳

۱- . بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۵.

یا سیدی یا اباعبدالله انی اتقرب الی الله و الی رسوله و الی امیرالمؤمنین و الی فاطمه و الی الحسن و الیک. (۱)

یعنی آقام ای ابا عبدالله الحسین علیه السلام من (با قرائت این متن و توجه به تو) به خداوند و رسولش و امیرالمؤمنین و فاطمه و امام حسن علیه السلام و نیز به سوی تو، تقرب و نزدیکی می جویم. نزدیک شدن به خداوند و به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام در واقع درک و اجرای وظایف و معاهدات سنت های منسوب به آنان است. زائران با مطالعه و قرائت زیارت نامه به ارزش ها و وظایف خود آشنا شده و اهتمام برای اجرای آنها پیدا می کنند.

در زیارت لیلۀ الفطر و مشهور به زیارت وارث هست: السلام علیک یا وارث محمد سید رسل الله، السلام علیک یا وارث علی امیرالمؤمنین و خیر الوصیین (۲).

سلام بر تو (حسین) وارث محمد آقای رسولان خداوند، درود بر تو ای وارث علی امیرالمؤمنین بهترین وصی.

امام حسین علیه السلام به عنوان وارث پیامبر و علی علیه السلام چه چیزی را وارث است؟ آیا خانه و ثروت مادی را وارث می کند یا وارث او معنوی و میراث بان و نگهبان سنت ها و ارزش ها و دستور العمل ها است.

در روایتی از ابوالحسن علیه السلام خطاب به امام حسین علیه السلام می فرماید:

اشهد انک قد اقامت الصلاه و آتیت الزکاه و أمرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و دعوت الی سبیل ربک بالحکمه و اعو عظمه الحسنه. (۳)

مجموعه ای از کارها و اقداماتی که امام حسین علیه السلام به عنوان میراث بانی و نگهبانی انجام داده، در این روایت و نیز مردم را به حکمت و موعظه حسنه نه مجادله بی حاصل دعوت کرده ای. اینها همان سنت های نبوی و علوی است که امام حسین علیه السلام خود را وارث آنها می داند.

در پایان همین روایت آمده که مردم پس از قرائت متن می گویند: الکتب لی عندک عهداً و میثاقاً و آتیتک مجدداً الميثاق. (۴)

یعنی خدایا نام من را جزء متعهدان و ملتزمان به میثاق حسینی ثبت کن چون در التزام به میثاق تلاش جدید نموده ام.

در جای دیگر امام حسین علیه السلام را به نام هایی مثل الدلیل علی الله و الداعی الی الله می خواند. (۵) یعنی راهنمای قوانین، ارزش ها، تعهدات و سنت های الهی و دعوت کننده به طرف آنها است و مردم عاشق و طرفدار حسینی هم خود را پیرو و یاور امام حسین علیه السلام می دانند چون او مروج ارزش های نبوی و علوی بوده است.

ص: ۴۴

٢- . همان، ص ٤٠٥.

٣- . همان، ص ٤٢١.

٤- . همان، ص ٤٢٢.

٥- . همان، ص ٤٢٣ و ٤٣٦.

اللهم اجعلنا له شيعة و انصاراً و اعواناً على طاعتك و طاعه رسولك و وليك و ما و كلته به. (۱)

خدایا مرا برای پیرو و یاور امام حسین علیه السلام در اطاعت از تو و رسول تو و ولی تو در مواردی که او داده ای قرار بده.

معنای این جمله بسیار عمیق است و می خواهد بگوید امام حسین علیه السلام تعهدات و التزاماتی را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام آورده بودند، ترویج می کرده است و زائران حسینی از خداوند خواستار پیروی و یآوری امام حسین هستند. البته در اطاعت از همین تعهدات و التزامات. اکنون بخشی از میثاق ها تعهدات و سنت های علوی در عرصه معلولین را مطرح و معرفی می کنیم.

جامعه علوی و وظایف امام

بخشی از عهدنامه مالک اشتر (به نام فرمان امام علی علیه السلام به مالک اشتر؛ میثاق امام و مالک هم معروف است) به معلولین اختصاص دارد. فارغ از جنبه های ادبی و فصاحت و بلاغت آن، از متون مهم حقوقی است که به تبیین حقوق اساسی و قواعد حاکم بر روابط مردم و حاکمیت می پردازد. امام وظایف متقابل و دو سویه حاکمیت و هر یک از گروه های اجتماعی از جمله معلولین را توضیح می دهد.

علی بن ابیطالب علیه السلام به دلیل دیدگاه های عالمانه اش نه فقط بین شیعیان، بلکه بین همه مذاهب اسلامی و نه فقط بین مسلمانان، بلکه بین همه ملل مثل یهودیان و مسیحیان هم به عنوان اسوه عدالت، مظهر انسانیت، مقتدای محاسن اخلاقی و کرامت انسانی و انسان شناس آگاه به علل موفقیت، مشهور است. وقتی مردم با او به عنوان رهبر بیعت کردند و با رأی مردم بر منصب خلافت تکیه زد، شیوه و رفتار معدلت آمیز و ضد تبعیض پیشه کرد، و در سال های حکومت علوی، به رغم موانع و مشکلات قاسطین، مارقین و ناکشین جامعه اسلامی به درجه ای از ترقی و عدالت رسید که تاریخ هیچ مانندی برای او سراغ ندارد.

حضرت انسان های شایسته ای را بر استان ها گمارد؛ از جمله مالک اشتر را فرمان داد تا استاندار مصر شود. اما تعیین مسئولین را به شیوه مشروط انجام می داد و می فرمود باید در چارچوب ضوابط و قوانین فعالیت کنی و از خودرأیی و استبداد و خودکامگی پرهیزی.

وظایف مالک را بند به بند نوشت و آیین نامه ای دقیق و جامع به دست او داد. وظایف مالک نسبت به همه طبقات و قشرها را معین کرد؛ از جمله به معلولین هم پرداخت و حقوق آنان را چون حقوق دانی مجرب و نظریه پرداز تبیین کرده است.

از این رو نهج البلاغه چون دیگر متون اسلامی دارای مضامین و آموزه های انسانی بسیار به ویژه درباره افراد دارای معلولیت است. متأسفانه این میراث عظیم به جهان معرفی نشده و نخبگان دیگر

ادیان و ملل کمتر از این متون اطلاع دارند. از این رو درصدد برآمدیم با انتشار بخش معلولیتی این عهدنامه، زمینه ای فراهم گردد تا آحاد مردم عزیز بیش از پیش، دل به این میراث بسپارند.

حضرت برای مددجویان حقوق خاصی قائل است، البته می فرماید این حقوق منتسب به خداوند است: و احفظ لله ما استحفظك من حقّه فهم؛ یعنی به خاطر خدا، پاسدار حقوقی باش که خداوند برای مددجویان تعیین کرده؛ نیز از تو خواسته حافظ این حقوق باشی.

حضرت در این جمله به چند نکته کلیدی اشاره می فرماید:

۱- حافظ حقوق معلولین باش (احفظ). دولت اسلامی و متولی جامعه اسلامی مشمول دستور و فرمان حضرت و موظف به حراست و نگاهبانی از حقوق آنان است.

۲- این حق و حقوق تعلق به خداوند دارد و خدا این حقوق را به مددجویان داده است (من حقّه فهم). از طرف دیگر مددجویان صاحب حق از دولت خواهان حفاظت از حقوق شان هستند (استحفظك). سهم مددجویان از بیت المال، حقی است که در اصل متعلق به خداوند است؛ چون خداوند مالک همه ثروت ها است؛ ولی خداوند این حق را به معلولین واگذار کرده؛ نیز متولی جامعه موظف حفاظت یعنی تأمین این خواسته معلولین است. بنابراین حضرت برای معلولین، نوعی حقوق الهی قائل است که به عنوان حق الناس برای آنان معین شده است. این دیدگاه اگر به حقوق فطری تعبیر شود، اشکالی ندارد؛ زیرا به موجب آیه فِطْرَهُ اللَّهُ التّی فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (سوره رم آیه ۳۰) گویای الهی بودن فطرت انسان است.

۳- خداوند از متولی جامعه (دولت) درخواست حفاظت این حقوق را کرده است (استحفظك). بنابراین متولی جامعه، تنها مقامی است که رسماً از طرف خداوند برای پاسداری و حفاظت از حقوق معلولین انتخاب و تعیین شده است. اکنون بر اساس قوانین ایران این وظیفه به هیئت دولت و سازمان بهزیستی سپرده شده است.

۴- حضرت کلمه «لله» را استفاده کرده است. یعنی حافظ حقوق معلولین باید با انگیزه خدایی و اخلاقی به اجرای این وظیفه اقدام کند. تأمین حقوق مددجویان نباید از سیر سود مادی، منافع دنیوی، برای پُست و مقام و امثال این ها باشد، بلکه صرفاً از سرانجام وظایف معنوی است. از اینرو کسانی که با انگیزه های غیر الهی در زمینه حقوق معلولین فعالیت دارند، عمل شان مقبول نیست.

حضرت علی علیه السلام پس از توضیح درباره ضرورت تقوا و عدالت حاکم، راه های موفقیت، قواعد و قوانین جنگ و لزوم صلح، به کار گرفتن افراد متقی و صلاحیت دار، پرهیز از عیب جویی مردم و لزوم گذشت و تساهل به تقسیم جامعه به دو طبقه حاکمان و مردم و مردم را به هفت طبقه زیر تقسیم می نماید:

- نظامی ها و سربازان

- نویسندگان عمومی و منشیان خصوصی (دیوانیان)

- قاضیان

- کار گزاران دولتی

- اهل ذمه و پیروان دیگر ادیان

- بازرگانان و صنعت پیشگان

ص: ۴۶

- طبقه آسیب پذیر و افراد تحت پوشش تأمین اجتماعی

حضرت می فرماید این هفت طبقه حق و حقوقی دارند که در قرآن و سنت نبوی بیان شده است و متولی و حاکم مسئول اجرای حقوق این طبقات است. اما به نظر امام این طبقات تغییرپذیر و قابل جابجایی می باشند. بر خلاف نظام پادشاهی در ایران باستان و روم باستان که افراد هر طبقه نمی توانستند به طبقه دیگر راه پیدا کنند و مادام العمر و به صورت جبری در طبقه خودشان می ماندند. حضرت می فرماید افراد آزاد هستند از طبقه ای به طبقه دیگر بروند. حتی قشر آسیب پذیر می توانند با تلاش و کوشش به طبقه عالی و رهبری جامعه راه پیدا کنند. افراد آسیب پذیر با رسیدگی به امور آن ها ارتقاء یافته و می توانند صاحب شغل و رفاه شده و زندگی آبرومندی داشته و به مقامات و پست های مدیریتی کلان برسند.

حضرت وضعیت و حقوق هر یک از طبقات را توضیح می دهد تا به طبقه آسیب پذیر می رسد. سپس مثل یک جامعه شناس تحلیل گر، ویژگی های جامعه مددجویان را این گونه معرفی کرده است:

اللّٰه الله في الطبقة السفلى من الذين لاحيله لهم من المساكين و المحتاجين و اهل البؤسى و الزمنى فان في هذه الطبقة قانعا و معترا.

به تو هشدار می دهم در مورد جامعه ای که مشکلات روزگار آنان را فرودست نموده است. اینان شامل چهار گروه فاقد نیروی حرکتی (معلول حرکتی یا زَمَنی)، پریشان خاطر (معلول ذهنی یا بؤسی)، افراد دارای احتیاجات خاص به دلیل فقدان حس شنوایی و گویایی (محتاجین) و بالاخره افراد نابینای دارای سکون و فاقد حرکت و تحرک کافی (مساکین) می باشند.

در دوره جدید هم معلولین را به چهار گروه اصلی، معلولین حرکتی، معلولین ذهنی، ناشنوایان و نابینایان تقسیم می کنند. حضرت هم از چهار گروه با الفاظ مستعمل و متداول در فرهنگ آن دوره یاد کرده است.

از نظر امام این جامعه شامل چهار گروه است: مساکین (کسانی که به دلیل فقدان حس بینایی، سکون داشته و مستقلاً نمی توانند حرکت کنند)؛ محتاجین (کسانی که به دلیل فقدان حس شنوایی و گویایی نیازمند رابط و مترجم اند تا خواسته های آنان را به مخاطبان تفهیم کند)؛ اهل البؤسی (کسانی که فکر و خاطر معیوب داشته و به نام معلول ذهنی مشهور اند)؛ و بالاخره زَمَنی (افرادی که به دلیل ضایعات نخاعی یا فلج اعضاء و جوارح زمین گیر بوده و اکنون به نام معلول حرکتی شناخته می شوند).

تعهدات دولت

حضرت علی علیه السلام پس از معرفی جامعه معلولین و تقسیمات آن، به حقوق آنان و مشروعیت و اثبات این حقوق می پردازد و در مجموع سی ماده حقوقی برای معلولین بر می شمارد. با شمردن و تجزیه و تحلیل این حقوق درصدد آگاه کردن معلولان نسبت به حقوق شان و وادار کردن استانداردها مالک اشتر برای این حقوق است. اکنون به بررسی این حقوق می پردازیم:

تعیین حقوق مالی مشخص برای معلولین

ص: ۴۷

و اجعل لهم قسماً من بیت مالک. بخشی از بیت المال را برای آنان قرار بده.

تأمین خوراک معلولین

و اجعل قسماً من غلات صوافی الاسلام فی کل بلد. بخشی از غله ها (گندم و جو و برنج) از سرزمین های خالصه و غنیمتی مسلمانان در همه جهان اسلام را به معلولین اختصاص بده.

صوافی یعنی خالص ها، زمین صوافی یعنی زمین های خالص پادشاه و دربار اما غلات صوافی الاسلام یعنی غلاتی که از زمین های خالصه فتح شده به روش صلح به حکومت واصل می شود. امام می فرماید قسمتی از این غلات به مددجویان تعلق دارد.

ضرورت مساوات و اجرای عدالت بین همه معلولان

فانّ للاقصی منهم مثل الذی للادنی! تبعیض ممنوع است و با آنان به مساوات رفتار کن؛ زیرا دورترین آن ها مثل نزدیک ترین آن ها است.

هر آنچه به آنان تعلق می گیرد و حقوقی که به آنان می خواهی بدهی، دور و نزدیک، خودی و غیرخودی ندارد. در ادامه حضرت خواستار رعایت حقوق همگان شده است.

رعایت حقوق تمامی مددجویان بدون تبعیض

و کلاً قد استرعیت حقه. حقوق همه مددجویان باید مراعات گردد.

حضرت از واژه استرعیت در باب استفعال استفاده کرده و گویا درصدد بیان این نکته است که ای مالک تو به عنوان مدیر ارشد جامعه باید از همه مدیران تحت فرمانت رعایت حقوق مددجویان را مطالبه کنی و پیگیری نمایی. صرفاً یک دستور نباشد بلکه پیگیری و مطالبه جزء برنامه رعایت حقوق است. مهم این است که در این بند، حضرت کل و تمامی مددجویان را مشمول رعایت حق دانسته است. یعنی نفرموده فقط مسلمانان یا فقط طرفداران امامت یا فقط کسانی که فلان خصوصیت را دارند. بلکه فرمود کل و همه مددجویان بدون تبعیض باید حقوق شان مراعات گردد.

ممنوعیت غفلت از مددجویان

فلا یشغلنک عنهم بطر. رفاه و خوشی موجب غفلت از معلولین نشود.

به نظر بعضی جامعه شناسان، جوامع در حال پیشرفت، توسعه و رفاه اجتماعی، گاه موجب فراموشی اقشار آسیب پذیر می شود. از این رو تأکید می کنند، حقوق اولیه این قشرها اقتضا می کند دولت به آن ها توجه نماید و مانع نابودی آنان زیر چرخ های توسعه شود.

برخی متون به جای بطر، نظر دارد. یعنی هیچ فکری تو را از رسیدگی به آنان مشغول نکند.

ممنوعیت تضييع حقوق مددجویان به بهانه اجرای کارهای اولویت دار

فَأِنَّكَ لَا تُعْذِرُ الصَّغِيرَ لِاحْكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمَهْمِّ. انجام کارهای زیاد و مهم عذر برای ضایع کردن حقوق بیچارگان نمی تواند باشد.

مدیران نپرداختن به امور مددجویان متعلق به اقشار پایین جامعه را این گونه توجیه می کنند: کار زیاد یا کار مهم و اولویت دار، مانع از رسیدگی به امور آنان بود و معذور هستیم. اما حضرت می فرماید این استدلال پذیرفته نیست و اجرای کارهای کثیر و مهم عذرآور نمی باشد و از مسئولیت استاندار برای رسیدگی به امور مددجویان دون پایه نمی کاهد. زیرا موجب تضييع حق آنان و کرامت انسان های مددخواه و نیازمند مساعدت می گردد. حضرت نمی فرماید تعضييع مال یا تضييع آبرو یا تضييع

ص: ۴۸

زندگی آن‌ها می‌شود؛ بلکه می‌فرماید «تَضْيِيعُ الصَّغِيرِ» یعنی عدم رسیدگی به بهانه رسیدگی به امور مهم و زیاد، موجب از هستی ساقط شدن قشر صغیر است و همه چیز خود را از دست می‌دهند.

همت و اهتمام به امور آنان

فَلَا تُشْخِصْ هَمَّكَ عَنْهُمْ. اهتمام خود را از آنان دریغ مکن.

رسیدگی متولیان جامعه به وضع زندگی معلولین و اهتمام به امور آنان از دیگر حقوق اجتماعی معلولین است. مسئولین به دلائل گوناگون ممکن است، اهتمام خود را از معلولین دریغ کنند. از جمله با این توجیه که طرح حقوق آنان موجب توقع و بالا-رفتن سطح مطالبات آنان شود، به امور آنان همت ننمایند. امام به طور کلی از هر گونه همت نکردن در جهت امور آنان را نهی کرده است.

عدم رفتار با غرور و نخوت با معلولین و تعامل انسانی با آنان

و لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لَهُمْ. به معلولین فخر نفروش و از سر کبر و نخوت، از آنان روی بر مگردان.

یکی از حقوق معلولین این است که جامعه، به ویژه مسئولین رفتار عادی و انسانی با آنان داشته باشند. به دلیل نداشتن بینایی یا فلج بودن آنان را تحقیر نکنند و با آنان با کبر و نخوت برخورد نمایند.

ضرورت احترام متواضعانه نسبت به مددجویان

و تَوَاضَعْ لِلَّهِ يَرْفَعَكَ اللَّهُ. به خاطر خدا تواضع کن تا خداوند تو را رفعت دهد.

امکانات و فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی را در اختیار مددجویان گذاشتن

و اُخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلضَّعْفَاءِ. بال‌های خود را برای ضعیفان پهن کن.

بال پهن کردن به دو جور تفسیر شده است:

استعاره از فروتنی در برابر ناتوانان توان خواه است. این کاربرد اخلاقی است. در تفسیر دوم، بال کنایه از رشد و توسعه و ترقی است. یعنی امکانات و ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی که در اختیار حاکم است، نباید آن‌ها را به اقویاء، پولدارها و ثروتمندان بدهد بلکه حاکم باید فرصت‌ها و امکانات اقتصادی و اجتماعی را به مددجویان ضعیف بسپارد. پهن کردن بال، کنایه از اعطای امکانات و فرصت‌ها آن‌هم با تواضع و فروتنی است. این کاربرد حقوقی است.

نیاز جامعه به حضور اجتماعی و مساعدت آنان

و أَرَبِّهِمُ الی ذَلِكْ مَنْكَ حَاجَةٌ. به مددجویان نشان بده به این برنامه نیازمندی.

به نظر حضرت، حاکم با تواضع و سپردن امکانات و فرصت‌ها به مددجویان کارش تمام نمی‌شود بلکه باید برنامه فرهنگ‌سازی اقناعی و اطلاع‌رسانی هم داشته باشد. باید به مددجویان تفهیم کند حکومت به مددجویان نیاز دارد؛ چون آنان سرمایه اجتماعی هستند و با مشارکت در جامعه موجب پیشرفت و ترقی خواهند شد.

رسیدگی به امور معلولین منزوی و دور از دسترس

و تَفَقَّدُ امْرَءًا مِّنْ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَقْتَحِمُهُ الْعْيُونَ وَ تَحْقِرُهُ الرِّجَالُ. امور معلولینی را که درخواست‌های آن‌ها به تو نمی‌رسد، رسیدگی کن؛ زیرا اینان از چشمان پنهان‌اند یا به دلیل تحقیر، کنار رفته‌اند.

تعیین مددکارهای متواضع و دارای محاسن اخلاقی به عنوان معتمدین حکومت

ص: ۴۹

فَفَرِّغْ لَوْلَيْكَ ثِقَتَكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَالتَّوَضَّعِ فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ وَذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ ثَقِيلٌ. معتمد خداترس و متواضع بر معلولين بگمار تا امور آنان را نزد تو آورد، اگر چه اجرای اين دستور برای واليان سنگين است.

اجرا کردن منصفانه امور مددجویان تا رسیدن به معافیت در دادگاه عدل الهی

ثُمَّ إِعْمَلْ فِيهِمْ بِالْإِعْذَارِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ تَلْقَاهُ، فَإِنَّ هَوْلًا أَحْوَجُ إِلَى الْإِنصَافِ مِنْ غَيْرِهِمْ وَكُلُّ فَعَّادٍ إِلَى اللَّهِ فِي تَأْذِيهِ حَقُّهُ إِلَيْهِ. به گونه ای با مددجویان رفتار کن که در قیامت نزد خداوند رو سفید باشی، اینان نسبت به دیگر اقشار جامعه به دادرسی نیازمندتراند؛ بنابراین با ادای حقوق همگانی نزد خداوند مأجور و معذور خواهی شد.

رسیدگی ویژه به افراد دارای معلولیت شدید

و تَعَهَّدْ أَهْلَ الْيَتِيمِ وَالزَّمَانَةَ وَالرِّقَّةَ فِي السِّنِّ مِمَّنْ لَا حِيلَ لَهُ وَ لَا يَنْصِبُ لِلْمَسْأَلَةِ نَفْسَهُ. نسبت به افراد دارای معلولیت های شدید یعنی زمین گیرها، کهنسالان و آسیب مندان در مانده متعهد باش. چون آنان بیچارگانی هستند که خواسته های شخصی خود را هم نمی توانند برآورده سازند.

وظیفه شناسی، تعهد و قبول مسئولیت در منطق حضرت جایگاه خاص دارد. وقتی به افراد دارای معلولیت شدید می رسد، می فرماید متولی جامعه حتماً باید وظیفه شناس باشد. اهل الیتیم یعنی افرادی که به دلیل حادثه و قطع عضو یا نابینا شدن یا از دست دادن پدر و مادر جزء «طبقه آسیب مند» جامعه شده اند.

اجرای طرح ارزاق و رهاسازی از مشکلات برای افراد دارای معلولیت شدید

فَأَجْرِ لَهُمْ أَرْزَاقًا فَإِنَّهُمْ عِبَادُ اللَّهِ فَتَقَرَّبْ إِلَى اللَّهِ بِتَخَلُّصِهِمْ. برای آنان ارزاق بفرست؛ چون آنان بندگان خدا هستند و با رهایی آنان از مشکلات و زندگی فلاکت بار، نزد خداوند تقرب پیدا کن.

ضرورت استقرار آنان در جایگاه مناسب حالشان با حقوق مکفی

و وَضَعَهُمْ مَوَاضِعَهُمْ فِي أَقْوَاتِهِمْ وَحَقُوقِهِمْ، فَإِنَّ الْأَعْمَالَ تُخَلَّصُ بِصَدَقِ النِّيَّاتِ. با تأمین نیازهای ضروری و حقوق اولیه مددجویان، وضعیت آنان را تثبیت کن؛ خلوص این اعمال بستگی به صداقت و نیت پاک تو دارد.

معلولان با تأمین نیازها و حقوق شان در جایگاه و مواضع واقعی شان قرار می گیرند؛ به شرط اینکه مددکاران، اندیشه و نیت صادقانه داشته باشند. اما اگر نیت استفاده ابزاری از معلولان در میان باشد، نمی توان آن را در جایگاه درست نشانند؛ چون اموال و امکاناتی که حق معلولان است به آن ها صحیح داده نمی شود.

پرهیز از مخفی کاری و ادای حقوق با شفافیت

أَنَّهُ لَا تَسْكُنُ نَفُوسُ النَّاسِ أَوْ بَعْضُهُمْ إِلَى أَنْكَ قَدْ قَضَيْتَ حَقُوقَهُمْ بِظَهْرِ الْغَيْبِ دُونَ مَشَافَهَتِكَ بِالْحَاجَاتِ وَذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ ثَقِيلٌ

والحق کله ثقیل. مردم یا بعضی از آنان به صرف ادای حقوق شان به روش مخفیانه راضی نخواهند شد و خواستار حضور در جریان امور و شفافیت هستند.

ضرورت تدبیر و برنامه، درخواست برای شکیبایی همگانی در برابر ناملايمات و اطمینان به آینده

ص: ۵۰

وقد يُخَفِّفُهُ اللَّهُ عَلَى أَقْوَامٍ طَلَبُوا الْعَاقِبَةَ فَصَبَرُوا نَفْسِيَهُمْ وَوَثِقُوا بِصَدَقِ مَوْعُودِ اللَّهِ لِمَنْ صَبَرَ وَاحْتَسَبَ فَكُنْ مِنْهُمْ وَاسْتَعِنِ بِاللَّهِ. خداوند سنگینی حق را بر برخی اقوامی آسان می گرداند که با تدبیر و هدفمند کار می کنند، با خودسازی آحاد جامعه را و ادار به شکیبایی کرده و به وعده های الهی در مورد صابرین و محتسبین اعتماد دارند. از اینرو از این گروه باش و از خداوند استعانت بخواه.

تأسیس اداره ای برای مددجویان زیر نظر حاکم

و اجعل لذوی الحاجات منك قسماً تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ. برای افراد دارای معلولیت (ذوی الحاجات) یک بخش اداری دایر کن و شخصی را از جانب خودت بر آن منصوب کن.

به نظر حضرت، حق معلولین است که در ساختار اداری، دیوانی و اجرایی کشور، یک سازمان ویژه معلولین تأسیس شود و نماینده عالی ترین مقام در رأس این سازمان حضور داشته باشد. مالک اشتر به عنوان عالی ترین مقام در مصر باید چنین سازمانی را تأسیس و شخصی از معتمدین خودش را در رأس آن بگمارد. این فرمان دلالت دارد به اینکه، سخنان امام صرفاً اخلاقی نیست و حتماً باید اجرایی شود. و برای اجرایی کردن آن باید ساز و کارهای لازم را فراهم آورد.

تشکیل جلسات عمومی گفت و گو و مناظره

و تجلس لهم مجلساً عاماً. نشست عمومی با آن ها داشته باش.

فروتی در مجلس عمومی مددجویان و سپردن جلسه به آنان

فتواضع فيه لله الذي خلقك. در مجلس معلولین به خاطر خدایی که تو را آفریده، تواضع کن.

دسترسی آسان مددجویان به مسئولین دولتی با حذف نگهبانان

و تَقَعِدْ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَعَاوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَشُرَطِكَ. پاسداران، پاسبان ها، سربازان، نزدیکان و یاران خود را از سر راه آنها دور کن.

حق معلولین است تا با متولی و مدیران ارشد جامعه بدون ترس و لرز ارتباط داشته باشند. معلولین که توانایی آسیب رساندن به کسی را ندارند، از این رو به هنگام ارتباط با مقامات نیازی به نیروهای امنیتی و انتظامی نیست. از این رو معلولین باید بتوانند با مقامات ارتباط ساده و سازنده داشته باشند و مسئولین هم باید شرایط مناسبات پویا را فراهم آورند.

لزوم برپایی جلسات آبرومند جهت مراجعات مددجویان یا مواجهه رئیس با آنان با آغوش باز

تَخَفِضْ لَهُمْ فِي مَجْلِسِكَ ذَلِكَ جَنَاحَكَ وَتَلِينْ لَهُمْ كَنَفَكَ فِي مَرَاجِعَتِكَ وَوَجْهَكَ. جلسه ای فاخر برای آنان تشکیل می دهی و به هنگام مواجهه با آنان یا مراجعه به تو، با نرم خوئی آنان را در آغوش می کشی.

تخفص لهم جناحك مثل آیه اخفص لهما جناح، اصطلاح و به معنی اقدام و عملی همراه با فروتنی است. تلین لهم کنفک نیز اصطلاح و به معنای برخورد با مخاطب با نرمی است. یعنی وقتی مددجویان به تو مراجعه کردند و با آنان مواجهه پیدا کردی، در گفتار و رفتار خشونت نخواهی داشت بلکه مدارا، تواضع و نرمی خواهی داشت.

ارتباط و مناسبات تنگاتنگ و انسانی مددجو و مددکار

حتى يُكَلِّمَكَ متكلمهم غير مُتَعْتِعٍ. تا اینکه سخنگوی مددجویان بدون اضطراب با تو سخن بگوید.

ص: ۵۱

همه مددجویان نمی توانند با متولی جامعه سخن بگویند، از اینرو باید سخنگویی به عنوان نماینده انتخاب کنند. سخنگویی که امین آنان است باید بتواند نیازها و خواسته های آنان را به گوش متولی جامعه برساند.

تحمل رفتار غیر متعارف مددجویان و عدم برخورد امنیتی و قضایی با آنان

ثُمَّ احْتَمَلِ الْخُرْقَ مِنْهُمْ وَالْعِيَّ. درشتی و سخنان غیرمطلوب معلولین را تحمل کن.

روابط مددجویان و مددکاران بدون خشونت و استبداد

و نَحَّ عَنْهُمْ الضِّيقَ وَالْأَنْفَ. دور کن از معلولین استبداد و خشونت را.

سرویس دهی و خدمات رسانی به شیوه انسانی و کریمانه

فَأَعْطِ مَا أُعْطِيَ هَنِئًا. آن چه می دهی، با بزرگ منشی اعطا کن.

حضرت خطاب به مالک اشتر می فرماید تو به عنوان استاندار مصر، به مددجویان، اموال از خوراکی، پوشاکی و دیگر مایحتاج زندگی اعطا خواهی کرد، این ها را با چهره عبوس و با غرغر کردن و با سختی اعطا نکن بلکه هر آن چه اعطا می کنی باید به شیوه کریمانه و بزرگوارانه اعطا نمایی. امام شیوه ایده آل خدمات رسانی به معلولین را در این بند بیان کرده است. امام قبلاً وظایفی مثل پرداخت حقوق از بیت المال، سرویس دهی ارزاق و خوراک و غیره را به دوش متولی جامعه گذاشت. اکنون می فرماید این ها را باید بدون تحقیر کردن و به روش کاملاً بزرگوارانه و کرامت انسانی مددجویان انجام بدهی.

تعطیلی خدمات رسانی به مددجویان همراه با بیان موانع و اطلاع رسانی و معذرت خواهی

وَامْنَعُ فِي أَجْمَالٍ وَأَعذار. خدمات رسانی را به دلیل کمبودها ممنوع کن البته همراه با معذرت خواهی. حضرت در فرمان پیش فرمود عطا کن و خدمات رسانی داشته باش البته با بزرگواری و به روش انسانی و اینجا می فرماید اگر در اجمال بودی و وضعیت طوری بود که توانایی خدمات رسانی نداشتی، خدمات را تعطیل کن اما همراه با اعدار و بیان موانع.

تعیین معاونان و مدیران شایسته با اخلاقیات انسانی عالی و تجربیات کارآمد

و تَوَاضَعْ هُنَاكَ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَاضِعِينَ وَلِيَكُنْ أَكْرَمُ أَعْوَانِكَ عَلَيْكَ الْيَنْهَمُ جَانِبًا وَأَحْسَنُهُمْ مَرَاجِعَةً وَالطَّفْهَمُ بِالضَّعْفَاءِ. در مقابل مددجویان تواضع کن چون خداوند متواضعان را دوست دارد. لیکن فروتنی منحصر به خودت نیست و دستیاران و معاونان هم باید کریم تر، نرم خوتر، خوش برخوردتر و ضعیف نوازتر باشند. (۱)

این آخرین بند از مجموعه توصیه ها و حقوقی است که حضرت برای مددجویان بر شمرده است. مالک را از تکبر و خود بزرگ بینی نهی کرده و در عوض به فروتنی و تواضع فرمان داده است. نیز در مورد مدیران و عوامل زیر دست حاکم نیز

شایسته سالاری را توصیه می کند، نه اینکه افرادی را به دلیل روابط و مناسبات به سر کار بگمارد؛ بلکه کسانی که کریم تر، نرم خوتر، خوش رفتارتر و دارای لطف و مرحمت بیشتر نسبت به ضعیفان هستند به کار می گمارد.

تشکیلات معلولین اگر مدیرانی با این چهار ویژگی داشته باشد، تمامی مشکلات و معضلات مرتفع خواهد شد. این چهار ویژگی عبارت اند از: معاونان حاکم دارای کرامت بیشتر؛ لین و نرم خوترین افراد

ص: ۵۲

۱- . جهت توضیح بیشتر سخنان امام علی علیه السلام به کتاب منشور حقوق معلولان مراجعه گردد.

نسبت به مخالفین و نافرمانان؛ دارای زیباترین صفات اخلاقی و رفتار انسانی نسبت به ارباب رجوع و بالاخره لطیف ترین و با لطف و مرحمت ترین کسان نسبت به ضعفا. اگر چنین افرادی در رأس سازمان معلولین قرار گیرند، کارآمدترین نهاد خواهد شد.

امام حسین علیه السلام وقتی از احیای سنت های دوره پدرش یاد می کند، وقتی خواستار موالات و اطاعت از نصایح پدرش شده، در زمینه معلولین چنین دستورات و تعهداتی منظور است.

تأمین زندگی نابینایان

روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده که مربوط به حادثه ای در دوره خلافتش است و گویای تصویب تأمین اجتماعی به عنوان یکی از ارکان جامعه می باشد. متن روایت اینگونه است:

الامام علی علیه السلام: مَرَّ شَيْخٌ مَكْفُوفٌ كَبِيرٌ يَسْأَلُ: فَقَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: مَا هَذَا؟

قالوا: يا امير المؤمنين: نصرانيٌّ

فقال: امير المؤمنين: اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبُرَ وَ عَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ؟!

أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ (۱)

نابینای سالخورده از کنار علی علیه السلام عبور می کرد و گدایی می نمود. امام پرسید این چه وضعی است؟!

اطرافیان گفتند ای امیرالمؤمنین، مسیحی است.

حضرت گفت: وقتی سالم بود از او کار کشیدید، و حالا که ناتوان شده او را رها کرده اید، از بیت المال هزینه ها و مخارج او را بدهید.

توضیح: این سخن حضرت گویای چند نکته مهم است:

۱- همه افراد جامعه که در زیر سایه حکومت زندگی می کنند از هر دین و مذهبی که باشند از حقوق و امکانات برخوردار می باشند. احتمالاً در ذهن اطرافیان بوده که چون این نابینا پیرو مسیحیت است بنابراین حقوقی به او تعلق نمی گیرد. اما حضرت علی علیه السلام به عنوان رئیس و رهبر جامعه گفت اندیشه شما درست نیست و باید مخارج او را پرداخت کنید.

۲- پیرمرد نابینای مسیحی از نظر حضرت علی علیه السلام به عنوان رهبر جامعه اسلامی، حق و حقوق دارد و باید زندگی او تأمین گردد، چه برسد به جوانان نابینا و افراد ناتوانی که اول زندگی شان است و آبرومند می باشند، اینان قطعاً اولویت داشته و حتماً باید مخارج زندگی آنان توسط حکومت پرداخت گردد.

۳- از نظر حضرت هزینه های زندگی را نباید از راه هایی مثل گدایی به دست آورد ولو مسیحی باشد و چنین روش هایی که مخالف شأن انسان است، ممنوع می باشد. دولت اسلامی باید هزینه های اینان را تأمین کند تا دست به این اعمال نزنند.

ص: ۵۳

۱- . وسائل الشیعه، جلد ۱۱، ص ۴۹.

۴- رها کردن ناتوانان و معلولان از نظر حضرت درست نیست و لازم است اینان شناسایی شده و در دیوانی ثبت نام شوند و ماهانه بدون اینکه مراجعه کنند حقوقشان پرداخت گردد.

۵- حضرت می فرماید منت بر آنها نیست چون که عمر خود را برای جامعه تلاش کرده اند، وقتی نیرو و توانایی داشتند، می کوشیدند و پاداش آن کوشش ها در ایام پیری باید پرداخت گردد.

۶- حضرت علی علیه السلام نسبت به جامعه ای که اختلاف طبقاتی باشد، عده ای به گدایی زندگی کنند و عده ای سفره رنگین داشته باشند متعرض است و با تعبیر «ما هذا؟» یعنی «این چه وضعی است؟» نسبت به شرایط اجتماعی اینچنین اعتراض می کند.

۷- امام علی علیه السلام به عنوان مسئول و متصدی امور جامعه خود را مسئول و موظف به امور معلولان و نابینایان هم می داند، به همین دلیل در مورد امور آنها اقدام می کند و دستور می دهد.

این درسی است برای رهبران جهان اسلام که آنان اگر از علی علیه السلام تأسی و پیروی می کنند، مسئولیت معلولان و رفع مشکلات اینان بر عهده آنان است.

۸- در این روایت، حضرت فقط اعتراض نمی کند و فقط سخنی در این باره نمی فرماید بلکه در اصلاح وضع این پیرمرد نابینا دستور می دهد. چنانکه در فرمان به مالک اشتر (استاندار مصر) سی دستور در اصلاح امور معلولان بیان کرده است.

خلاصه اینکه توجه و اهتمام به مردم فلاکت دیده و آسیب مند به عنوان یک وظیفه باید اجرایی گردد و جزء وظایف و تعهدات دولت اسلامی است.

بنابراین امام حسین علیه السلام تلاش نمود سنت جدش و پدرش را احیاء کند و تعهدات، ارزش ها که منسوخ و مندرس شده، مجدداً به مردم معرفی نماید.

حضرت علی علیه السلام در پنج سالی که خلافت جامعه اسلامی را بر عهده داشت درباره اصلاح امور معلولان فراوان کوشیده است. متأسفانه در این باره هیچ اثری تاکنون تألیف نشده است. لازم است سیره حضرت در موضوع معلولیت و معلولان تجزیه و تحلیل گردد و یک کتاب در این باره عرضه شود.

بخش دوم: همراهی با امام حسین (علیه السلام) و مساعدت در عدالت خواهی

اشاره

ص: ۵۵

دوره امامت امام حسین علیه السلام (متولد در مدینه در سال ۴ق و شهادت در کربلا- در ۶۱ق) از سال ۵۰ آغاز شد و با شهادتش در ۶۱ خاتمه یافت. معلولان در این دوره، با ایشان ارتباط داشتند. اما اسناد و مدارک در این زمینه به سخنانی حضرت در منا باز می گردد. که از حقوق این قشر دفاع کرد.

اما در جریان قیام حسینی و حوادث پس از آن معلولانی به امام پیوستند و به شهادت رسیدند. و کسانی هم به دلایل مختلف به قیام امام پیوستند و به زندگی عادی خود ادامه دادند. این بخش شامل سه فصل است: معلولانی که به امام پیوستند و به شهادت رسیدند، کسانی که به هر دلیل به امام پیوستند و بالاخره تداوم خط شهادت در معلولین.

ص: ۵۶

چند تن از شخصیت های دارای معلولیت به فیض همراهی با امام حسین علیه السلام و شهادت در جریان قیام حسینی نایل آمدند. تا جایی که منابع یاری می کنند و اسناد در اختیار داریم. این افراد را معرفی می کنیم.

مسلم اعرج

یکی از یاران مشهور امام حسین علیه السلام در قیام عاشورا پیرمردی لنگ و معلولی به نام مسلم اعرج است. این پیر پرهیزگار و پاکباز پارسا، در هفتاد سالگی با شوق و شور، عزم کربلا و یاری اباعبدالله الحسین علیه السلام کرد.

پدرش از اصحاب پیامبر بود و مسلم در نزد پدر بسیار نکته ها و درس ها از سیرت پیامبر آموخت. مسلم از تابعین و از یاوران امیرمؤمنان علی علیه السلام بود. راوی حدیث، قرآن شناس، شجاع بود؛ رزم دیده و درخشش او در صحنه های نبرد در یاد و خاطر بسیاری هنوز وجود داشت.

در جنگ جمل، مولایش علی را یاری کرد. در آن هنگام ۴۷ ساله بود و چونان شیر می خروشید و شمشیر می زد در صحنه نبرد بر اثر اصابت تیر عمرو بن ضبه تمیمی به پایش آسیب دید و پس از آن به اعرج یعنی «لنگ» شهرت یافت.

در کوفه وقتی خانه سلیمان بن سرد خزاعی کانون مبارزه و مبارزان شد او نیز جزء نامه نگاران برای اباعبدالله بود. در قیام مسلم بن عقیل نیز یاور وی بود.

با شنیدن خبر حرکت حضرت، او از کوفه خارج شد تا خود را به مولایش برساند. پیری و از آن مهم تر پای لنگ او را از جهاد معاف می داشت اما عشق و شور، پیری و شکستگی و لنگی نمی شناسد. مسلم اعرج نزدیک کربلا به کاروان حسینی رسید و همسفر با او به کربلا آمد.

مسلم که برخی کتب، نام او را از اسلم و سلیمان نیز نوشته اند، در حمله اولی (نبرد نخستین) و تیرباران صبح عاشورا با رخساره ای روشن و محاسنی سپید و گلگون و تنی سرشار از چوبه های تیر، با گام هایی از جنس ایمان به محبوب پیوست.

در زیارت ناحیه با عنوان اسلم بن کثیر و در زیارت رجبیه، با عنوان سلیمان بن کثیر به او سلام داده شده است. برخی او را یار پیامبر دانسته و نوشته اند که در فتح مصر شرکت کرد اما این توصیفات مربوط به پدر اوست. (۱)

نام و لقب: نام کامل او مسلم بن کثیر اعرج ازدی کوفی است. مسلم بن کثیر ازدی از شهدای کربلا از طایفه ازد، و از تابعین بود. بعضی هم او را از اصحاب شمرده اند. در برخی جنگ ها در رکاب علی علیه السلام مجروح شده و از ناحیه پا آسیب دیده بود. در حادثه عاشورا، از کسانی بود که به

١- . تسميه من قتل مع الحسين عليه السلام، ش ٨٩؛ ابصار العين، ص ١٦٥ مقصد ١٠.

قصده حسین بن علی علیه السلام از کوفه بیرون آمد و نزدیکی های کربلا- به آن حضرت پیوست و روز عاشورا در حمله نخستین به شهادت رسید. (۱) نام او را اسلم بن کثیر و سلیمان بن کثیر هم نقل کرده اند. (۲) در زیارت ناحیه مقدسه نیز از او یاد شده است. (۳) البته نام او در زیارت منسوب به ناحیه مقدسه امام علیه السلام، اسلم و در زیارت رجبیه، سلیمان ذکر شده است. (۴)

مسلم بن کثیر از تابعین کوفه و از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام بود و در یکی از جنگ ها یک پای او آسیب دید و معلول شد، و شاید به همین جهت او را «اعرج» می گفتند. هنگامی که امام حسین علیه السلام به کربلا وارد شد، از کوفه به سوی آن حضرت حرکت کرد و در کنار او به شهادت رسید.

سماوی درباره او نوشته است:

مسلم بن کثیر، از طایفه آزد است. نام او در زیارت منسوب به ناحیه مقدسه (غیر معروفه)، اسلم (السِّلْمَاءُ عَلٰی اَسْلَمَ بْنِ كَثِيْرٍ الْمَازِدِي) و در زیارت رجبیه امام حسین علیه السلام، سلیمان ذکر شده است (السِّلْمَاءُ عَلٰی سُلَيْمَانَ بْنِ كَثِيْرٍ). به گفته برخی معاصران به نقل از کتاب الاصابه، وی فرزند کثیر بن قلیب صدفی ازدی اعرج کوفی بوده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرد، در فتح مصر نیز حاضر شد. ولی بر اساس پژوهش های انجام شده، این مطالب مربوط به پدر او، کثیر اعرج است؛ نه مسلم.

گفته شده وی از تابعین و از یاران امام علی علیه السلام بود. در جنگ جمل حضور یافت و چون در این جنگ توسط عمرو بن ضبه تمیمی از ناحیه پا آسیب دید و فلج شد «اعرج» لقب گرفت. (۵)

به گفته برخی معاصران به نقل از الاصابه، وی فرزند کثیر بن قلیب صدفی ازدی اعرج کوفی می باشد. او محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرد و در فتح مصر حاضر شد ولی بر اساس پژوهش های انجام شده این مطالب مربوط به پدر او، کثیر اعرج است نه مسلم او تابعی و از یاران امام علی علیه السلام بود. در جنگ جمل حضور یافت و چون در این جنگ توسط عمرو بن ضبه تمیمی از ناحیه پا آسیب دید و فلج شد «اعرج» لقب گرفت. (۶)

او از یاران امام علی علیه السلام و در جنگ جمل حضور یافت و در این جنگ توسط عمرو بن ضبه تمیمی از ناحیه پا آسیب دید و فلج شد «اعرج» لقب گرفت. (۷)

ص: ۵۸

۱- عنصر شجاعت، ج ۱، ص ۳۵۵، مناقب، ج ۴، ص ۱۱۳؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۱۵.

۲- انصار الحسین علیه السلام، ص ۹۴.

۳- دانشنامه عاشورا و امام حسین علیه السلام، ص ۹۹۰ تا ۹۹۱.

۴- الاقبال بالاعمال الحسنه، علی بن موسی مشهور به ابن طاوس، ج ۳، ص ۷۹ و ۳۴۶.

- ۵- . ابصار العين، سماوی، محمد بن طاهر، ج ۱، ص ۱۸۵؛ فرسان الهیجاء، محلاتی، ذبیح الله، ج ۱، ص ۳۶؛ تسمیه من قتل مع الحسين عليه السلام، حسینی جلالی، محمدرضا، ص ۳۰؛ الاقبال بالاعمال الحسنه، ابن طاووس، علی بن موسی، ج ۳، ص ۷۹؛ تنقیح المقال، مامقانی، عبدالله، ج ۳، ص ۲۱۵؛ الاصابه، عسقلانی، ابن حجر، ج ۵، ص ۴۷۵؛ ابصار العين، ۱۰۸.
- ۶- . یاران خورشید، ص ۱۵۳؛ پژوهشی پیرامون شهدای کربلا، ص ۳۵۷.
- ۷- . ابصار العين، ج ۱، ص ۱۸۵؛ فرسان الهیجاء، ج ۱، ص ۲۶؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۱۵.

شهادت: «مسلم» فرزند «کثیر» از قبیله «ازد»^(۱) و از دلاوران کوفه بود. گفته اند او از یاران (تابعین) امام علی علیه السلام بود و در رکاب آن حضرت، در یکی از جنگ ها زخمی به پای او رسیده و آسیب دیده بود.^(۲)

تاریخ نویسان گفته اند «مسلم بن کثیر» برای یاری حضرت اباعبدالله الحسین خود را از کوفه به کربلا رسانید؛ اما در مدخل کربلا دستگیر شد و به شهادت رسید.^(۳)

ابن شهر آشوب بر این باور است که مسلم در حمله نخستین به شهادت رسیده است.^(۴) در زیارت ناحیه آمده: «السلام علی مسلم بن کثیر الازدی؛ سلام بر مسلم بن کثیر ازدی». شیخ طوسی رضی الله عنه مسلم بن کثیر را از یاران حضرت اباعبدالله الحسین به شمار آورده است.^(۵)

بسیاری از منابع تأکید دارند که در حمله نخست به شهادت رسید. مثل علامه مجلسی در بحارالانوار، ابن شهر آشوب و در منابع جدید.

تاریخ نویسان گفته اند: «مسلم بن کثیر» برای یاری اباعبدالله الحسین علیه السلام خود را از کوفه به کربلا رسانید؛ اما در ورودی کربلا دستگیر شد و به شهادت رسید. ابن شهر آشوب بر این باور است که مسلم در حمله نخستین به شهادت رسیده است. در زیارت ناحیه آمده است: «السلام علی مسلم بن کثیر الازدی؛ سلام بر مسلم بن کثیر ازدی» شیخ طوسی، مسلم بن کثیر را از یاران حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به شمار آورده است.^(۶)

مسلم از کسانی است که به امام علیه السلام نامه نوشت و او را به کوفه دعوت کرد. او مسلم به عقیل را در کوفه یاری کرد و پس از تنها ماندن مسلم بن عقیل، از کوفه خارج شد. برخی معتقدند وی در ورودی کربلا دستگیر شد و به شهادت رسید. اما عده ای دیگر می گویند وی در نزدیکی های کربلا - به سیدالشهداء پیوست و در حمله نخست روز عاشورا به شهادت رسید.^(۷)

دیدگاه ها: ابن شهر آشوب بر این باور است که مسلم در حمله نخستین به شهادت رسیده است. در زیارت ناحیه آمده: «السلام علی مسلم بن کثیر الازدی؛ سلام بر مسلم بن کثیر ازدی». شیخ طوسی رضی الله عنه مسلم بن کثیر را از یاران حضرت اباعبدالله الحسین به شمار آورده است.

رهبران بزرگ - در راه حق یا باطل - همواره یارانی داشته اند که آنها را در تحقق بخشیدن به اهدافشان یاری می کرده اند. اکنون سخن از یاران بزرگ مجاهدی است که عقل بشری از درک مقامش

ص: ۵۹

۱- . تسمیه من قتل الحسین علیه السلام، ش ۸۹.

۲- . ابصار العین، ص ۱۶۵، مقصد ۱۰.

۳- . ابصار العین، ص ۱۶۵، مقصد ۱۰.

۴- مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۳؛ منتهی الآمال، ج ۱، ص ۶۵۴.

۵- رجال شیخ طوسی، ص ۸۰؛ سایت هدایتگر www.hedayatgar.ir

۶- ابصار العین، ص ۱۶۵؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۳؛ منتهی الآمال، ج ۱، ص ۶۵۴؛ رجال شیخ طوسی، ص ۸۰؛ یاران

شیدای حسین بن علی علیهما السلام، استاد مرتضی آقا تهرانی؛ سایت تبیان www.tebyan.net

۷- مدینه الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۶۰؛ ابصار العین، سماوی، محمد بن طاهر، ج ۱، ص ۱۸۵ و ۱۶۵؛ مناقب آل ابی طالب

علیهم السلام، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۶۰؛ پژوهشی پیرامون شهدای کربلا، ص ۳۵۷.

عاجز است. او امام به حقی است که همواره به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرمؤمنان علیه السلام راه می پیموده است. همان گونه که شناخت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میسر نیست، کمال حسین علیه السلام هم مانع درک واقعیت آن خلیفه الله است. هر کس که از انسانیت، مردانگی و غیرت دینی سخن می گوید، اگر با تاریخ اسلام آشنا باشد، نا خودآگاه نام حسین علیه السلام به ذهن او پای می نهد.

هر یک از یاران امام در کربلا به گونه ای جلوه گر شدند تا آینه ای از یک یا چند ویژگی امام خود باشند. همان یارانی که وقتی بزرگ مرد تاریخ اسلام، حسین بن علی علیه السلام، از همراهان خود بیعت برداشت و فرمود راه بر شما باز است، آنها در پاسخ گفتند: «الحمد لله الذی شرفنا بالقتل معک و لو کانت الدنیا باقیه و کنا فیها مخلصین الاثرنا النهوض معک علی الاقامه فیها؛ خدا را سپاس که این شرافت را به ما نصیب کرد که در کنار شما به شهادت رسیدیم و اگر دنیا باقی باشد و ما در جاودان باشیم، قیام با شما را بر ماندن در این دنیا ترجیح می دهیم» و البته امام عشاق نیز در تمجید از این سخن یاران باوفایش حجت را تمام کردند و فرمودند: من یارانی باوفاتر و بهتر از اصحاب خود نمی شناسم، و اهل بیتی نیکوکارتر و وابسته تر از اهل بیت خویش سراغ ندارم، پس خداوند همه شما را جزای خیر عطا کند» (۱).

کتاب یاران خورشید درباره ایشان می نویسد: با شنیدن اخبار امام، مسلم از کوفه خارج و در کربلا به امام پیوست. مسلم بن کثیر، در نخستین حمله به درجه شهادت نایل آمد. (۲)

کتاب پژوهشی پیرامون شهدای کربلا درباره شخصیت شناسی این شهید بزرگوار می نویسد:

مسلم بن کثیر اعرج، از طایفه اژد و از یاران امام حسین علیه السلام است. نام او در زیارت منسوب به ناحیه مقدسه امام علیه السلام، اسلم و در زیارت رجبیه، سلیمان ذکر شده است. (۳)

به گفته برخی معاصران به نقل از الاصابه، وی فرزند کثیر بن قلیب صدفی ازدی اعرج کوفی می باشد. او محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرد و در فتح مصر حاضر شد ولی بر اساس پژوهش های انجام شده این مطالب مربوط به پدر او، کثیر اعرج است نه مسلم او تابعی و از یاران امام علی علیه السلام بود. در جنگ جمل حضور یافت و چون در این جنگ توسط عمرو بن ضبه تمیمی از ناحیه پا آسیب دید و فلج شد «اعرج» لقب گرفت.

مسلم، از کسانی است که برای امام حسین علیه السلام نامه نوشت و مسلم بن عقیل علیه السلام را در کوفه یاری کرد. وی پس از تنها ماندن سفیر امام علیه السلام، از کوفه خارج شد؛ و در نزدیکی های کربلا به سیدالشهدا علیه السلام پیوست و در روز عاشورا در نبرد نخست به فیض شهادت نایل گشت. (۴)

ص: ۶۰

۱- سایت هدایتگر.

۲- یاران خورشید (سلحشوران نهضت امام حسین علیه السلام)، ص ۱۵۳.

۳- پژوهشی پیرامون شهدای کربلا، ص ۳۵۷.

۴- همان.

مسلم یا اسلم یا سلیمان: در ضبط نامش اختلاف است. مسلم اعرج به نام اسلم و سلیمان هم ضبط شده است. لذا سلیمان بن کثیر را به قولی او همان مسلم بن کثیر ازدی، از شهدای کربلا است. بعضی احتمال داده اند اسلم بن کثیر ازدی در زیارت ناحیه و سلیمان بن کثیر در رجبیه همان مسلم بن کثیر باشد. در زیارت رجبیه بدین گونه از او یاد شده است: «السلام علی سلیمان بن کثیر...»

سلیمان بن سلیمان ازدی نیز از شهدای نهضت و قیام کربلا است. مرحوم سید بن طاووس در زیارت رجبیه او را از شهدای کربلا آورده است. در زیارت رجبیه از او بدین گونه یاد شده است: «السلام علی سلیمان بن سلیمان الازدی...»^(۱)

مسلم بن کثیر الازدی غلامی به نام رافع بن عبدالله داشت که از صالحان و رزم آوران و از شیعیان کوفه که پس از شنیدن خبر ورود امام به کربلا خود را به امام رسانید و آن حضرت را در روز عاشورا یاری نمود و بعد از اقامه نماز ظهر در روز عاشورا پس از مسلم بن کثیر به شهادت رسید.^(۲)

لذا نام مسلم اعرجی را به صورت سلیمان بن کثیر در فهرست شهدای کربلا آورده اند، نیز در زیارت رجبیه هم آمده است. احتمال داده اند که او، همان مسلم بن کثیر ازدی باشد.^(۳)

مسلم بن کثیر بن قلیب الصدقی الازدی ازد شنوئه الاعرج بوده و قبیله ازد به سه تیره تقسیم می شوند: ۱- ازد شنوئه ۲- ازد عمان ۳- ازد السراه

مرحوم محدث قمی می نویسد: ازدیان بیست و هفت قبیله هستند.

مسلم از تیره اول و دارای اصالت یمنی و اهل کوفه بوده است و هنگام شهادت تقریباً هفتاد سال داشته است. او حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دیده و از تابعین، و از اصحاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام و از مجاهدین در جنگ جمل بوده و در این جنگ بود که تیری به پایش اصابت کرد و جراحی برداشته و بعدها پایش می لنگید و لذا به او اعرج می گفتند.

او نرسیده به کربلا به سپاه امام علیه السلام ملحق شد. و در حمله نخست در روز عاشورا به شهادت رسید. و بعضی احتمال داده اند اسلم بن کثیر ازدی در زیارت ناحیه و سلیمان بن کثیر در رجبیه همان مسلم بن کثیر باشد.

در زیارت ناحیه مقدسه نام او نیز از جمله شهدای کربلا است: «السلام علی مسلم بن کثیر الازدی».

مسلم بن کثیر اعرج، از طایفه اُزد و از یاران امام حسین علیه السلام است. نام او در زیارت منسوب به ناحیه مقدسه امام علیه السلام، اسلم و در زیارت رجبیه، سلیمان ذکر شده است.

دایرهالمعارف تشیع از شخصیتی به نام سلیمان بن سلیمان ازدی یاد کرده و درباره اش می نویسد:

-
- ١- . انصار الحسين عليه السلام، ص ١٠١؛ دانشنامه عاشورا و امام حسين عليه السلام، ص ٦٣٦.
 - ٢- . دانشنامه عاشورا و امام حسين عليه السلام، ص ٤٤٣.
 - ٣- . همان، ص ٦٤٧.

سلیمان بن سلیمان ازدی، از شهدای روز عاشورا (۶۱ق)، از شجاعان و جنگجویان و محبان خاندان نبوت علیه السلام. وی در شمار یاران اباعبدالله الحسین علیه السلام ضبط گردیده است. پس از آغاز جنگ در روز عاشورا به سیره اصحاب خدمت امام علیه السلام رسید و کسب اجازه نمود سپس به میدان جنگ شتافت و به نبرد دلیرانه با سپاه بنی امیه پرداخت و پس از دفاعی شجاعانه از آل علی و اسلام به دست دشمنان دین به شهادت رسید. سپس اباعبدالله الحسین علیه السلام پیکر مطهر او را از میدان جنگ خارج فرمود و به خیمه مخصوص شهدای اصحاب منتقل نمودند و بعد توسط قبیله بنی اسد به خاک سپرده شد. نام او در زیارت رجبیه وارد شده است: السلام علی سلیمان بن سلیمان الازدی... («بنی الازد»)(۱).

اما در دایرهالمعارف تشیع سلیمان بن کثیر اینگونه معرفی شده است:

سلیمان بن کثیر، از شهدای روز عاشورای حسینی، از شیعیان جنگجو و از محبان خاندان عصمت و طهارت علیه السلام. نام وی در شمار یاران اباعبدالله الحسین علیه السلام ضبط شده است. پس از آغاز جنگ بعد از حمله اولی، او مانند سایر اصحاب به خدمت امام علیه السلام رسید و تقاضای اجازه نبرد نموده، سپس به میدان جنگ شتافت و عاشقانه به نبرد با سپاه کوفه پرداخت و پس از نبردی شجاعانه در دفاع از حرم آل علی علیه السلام با دشمنان دین به شهادت رسید. امام علیه السلام پیکر مطهر او را از میدان جنگ خارج فرموده و به خیمه مخصوص شهدای اصحاب منتقل نمودند و بعد توسط قبیله بنی اسد به خاک سپرده شد. نام او در زیارت رجبیه ذکر شده است: السلام علی سلیمان بن کثیر... (۲).

عبدالله بن عقیف ازدی

از دیگر شخصیت های معلولی که در دفاع از امام حسین علیه السلام به شهادت رسید عبدالله بن عقیف است. البته او در کربلا همراه امام نبود بلکه در کوفه در مجلس ابن زیاد و در مقابل او به دفاع از امام حسین علیه السلام برخاست و توسط عوامل ابن زیاد به شهادت رسید.

پس از حوادث کربلا ابن زیاد امر کرد مردم در مسجد کوفه اجتماع کنند؛ در جامع بزرگ کوفه جمعیت زیادی حاضر شدند، ابن زیاد منبر رفت و گفت: ستایش می کنم خداوند را که حق را آشکار کرد و امیرالمؤمنین یزید و حزب او را پیروز گردانید، و دروغ گوی فرزند دروغ گو را یا شیعیان و یارانش را کشت!؟

هیچ کس پاسخ او را نداد، ناگاه یک نابینا به نام عبدالله بن عقیف از جایش حرکت کرد و با صدای رسا گفت: ای فرزند مرجانه دروغ گو و فرزند دروغ گو تو هستی و پدرت بود و آن کس که تو را به این مقام منصوب کرده است، فرزندان پیغمبران را می کشید و مانند صدیقان سخن می گوید.

ص: ۶۲

۱- . کربلا- فی حاضرها و ماضی ها، خطی؛ فرسان الهیجاء، ۱/۱۶۱؛ وسیله الدارین، ۱۵۲؛ انصار الحسین علیه السلام، ۱۰۱؛ بحارالانوار، ۲۲/۱۰۱، ۳۲۱؛ تشیع، ج ۹، ص ۲۷۵.

۲- . انصار الحسین علیه السلام، ۱۰۱؛ بحارالانوار، ۴۵/۷۲؛ فرسان الهیجاء، ۱/۱۶۱؛ کربلا فی حاضرها و ماضی ها، خطی؛ وسیله

تصور کنید در شرایطی که سپاه ابن زیاد مسرور از پیروزی است و اباعبدالله حسین علیه السلام و یارانش را شهید کرده اند و تمامی صداهای حق خواه را در سینه ها خفه کرده اند، دل شیر می خواهد که در مقابل مسئول همه حوادث ایستاد و با شجاعت سخن گفت.

ابن زیاد گفت: این کیست؟ عبدالله گفت: من هستم ای دشمن خدا، تو ذریه طاهره را می کشی و فرزندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را که خداوند فرموده آنها از هر نوع آلودگی پاک هستند، دشنام می دهی و گمان می کنی که مسلمان هستی، کجا هستند فرزندان مهاجر و انصار که از این ستمگر ملعون که پیغمبر آنها را لعنت کرده است انتقام بگیرند.

ابن زیاد از سخنان او به خشم آمد و گفت: او را نزد من بیاورید، پاسبانان و پاسداران حرکت کردند او را دستگیر کنند، عبدالله شعاع قبیله ازد «یا مبرور» را بر زبان جاری کرد در این هنگام گروهی از قبیله ازد برخاستند و او را از دست شرطه های ابن زیاد نجات دادند و به منزلش بردند، عبدالرحمان بن مخنف ازدی گفت: این چه کاری بود که کردی خود و عشیره ات را در معرض هلاکت قرار دادی.

ابن زیاد گفت: از تو سؤالی نمی کنم و اینک مرگ را خواهی چشید، عبدالله گفت: من خداوند را سپاسگذار خواهم بود که مرا بکشی، همواره از خداوند آرزو داشتم که شهادت را روزی من کند، پیش از آنکه مادرت تو را بزاید و از خداوند خواسته بودم که ملعون ترین و مبعوض ترین بندگانش مرا بکشد.

هنگامی که دیدگانم نابینا شد از نعمت شهادت مأیوس شدم، ولی اکنون خداوند را سپاسگزارم که پس از یأس مرا به آرزویم رسانید، و دعای مرا اجابت فرمود، ابن زیاد دستور داد گردن عبدالله را زدند و جسد او را در محل کثیفی بدار آویختند. (۱)

اسلم بن کثیر

به قولی او همان مسلم بن کثیر ازدی، از شهدای کربلا است. بعضی احتمال داده اند اسلم بن کثیر ازدی در زیارت ناحیه و سلیمان بن کثیر در رجبیه همان مسلم بن کثیر باشد.

گاه او را به نام اسلم بن کثیر ازدی یاد کرده اند. و بعضی او را همان «مسلم بن کثیر ازدی» از شهدای کربلا دانسته اند.

اسلم ترکی

یکی از شهدای کربلاست. وی غلام سیدالشهدا علیه السلام و ترک زبان بود. تیرانداز و کماندار بود و کاتب امام حسین علیه السلام بود. قاری قرآن و آشنا به زبان عربی بود. (۲) زندگی نامه تقریباً جامع از او در کتاب پژوهشی پیرامون شهدای کربلا آمده است. (۳)

ص: ۶۳

رياض الاحزان، ص ۵۷؛ لهوف، ص ۹۲؛ مثير الاحزان، ص ۵۰-۵۱ و ۵۸؛ مقتل خوارزمي، ج ۲، ص ۵۳-۵۵.

۲- . همان، ص ۱۰۰۲.

۳- . پژوهشی پیرامون شهدای کربلا، ص ۳۵۷.

کسانی مثل مسلم اعرج از یاران امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام بودند و جزء طبقه تابعین می باشند. به عبارت دیگر شخصیت هایی که با امام همراهی کردند، همگی از تابعین نه صحابه هستند. بنابراین با بررسی «تابعین» می توان به رویکرد و خط مشی این شخصیت ها پی برد.

بعضی مسلم را از یاران امام علی علیه السلام دانسته و برخی از مورخان گفته اند از پیروان پیامبر بوده و حتی زمان پیامبر را درک کرده است. پدرش کثیر بن قلیب صدفی ازدی کوفی بود - از طایفه ی ازد - و خودش ساکن کوفه بود. مسلم در فتح مصر شرکت داشت و در جنگ جمل، همراه امام علی علیه السلام جنگید و در یکی از جنگ های امام (که شاید همین جنگ جمل بوده) تیری به پایش خورد و پایش آسیب دید و لنگ می زد؛ از این رو و به مسلم اعرجی (کسی که پایش لنگ است) مشهور شد. در جریان قیام حسینی او برای بیعت با امام حسین علیه السلام از کوفه خارج شد تا رهسپار به سوی اباعبدالله شود و هنگام آمدن آن حضرت در سرزمین کربلا به امام پیوست. صبح روز عاشورا هم در اولین یورش همه جانبه ی لشکر عمر سعد به سپاه حسینی به یاری امام رفت و شجاعانه نبرد کرد تا به شهادت رسید. (۱)

به گفته برخی معاصران به نقل از کتاب الاصابه، وی فرزند کثیر بن قلیب صدفی ازدی اعرج کوفی است و محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرد و در فتح مصر حاضر شد. ولی بر اساس پژوهش های انجام شده این مطالب مربوط به پدر او، کثیر اعرج است نه مسلم. (۲)

نقش قبیله ازد در تاریخ تحولات

قبیله ازد یکی از قبایل بزرگ عرب جنوبی بود که شاخه های متعددی هم چون اوس، خزرج، خزاعه، غسان، راسب، غامد، بارق و دوس را در بر می گرفت. این قبیله که در منطقه مأرب در یمن سکونت داشتند، در حدود قرن اول و دوم میلادی به دنبال انحطاط نسبی تمدن مأرب و تغییر اوضاع و شرایط زیستی، از موطن اصلی خود مهاجرت کرده و به سمت نواحی شمالی عربستان حرکت کردند. پس از مدتی طوایف ازد به چند جانب متفرق شده و هر یک در نواحی مستقلی در جزیره العرب سکونت اختیار کردند. پس از ظهور اسلام، در رویدادهای دوران حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پس از رحلت آن حضرت در فتوح اسلامی و در روزگار خلافت امام علی علیه السلام نقش های مهمی ایفاء کردند. سپس، امویان برای تقویت موضع اعراب در مناطق فتح شده به ویژه شرق ایران و به دنبال انگیزه های گوناگون، برخی از قبایل را به خراسان کوچ دادند که از آن میان، ازد نیز در زمره مهاجران به خراسان قرار گرفتند. به تدریج، با اسارت یافتن مهلب بن ابی صفره، بر آن

ص: ۶۴

۱- دایره المعارف ظهور، www.tahoor.com.

۲- فرسان الهیجاء، ج ۱، ص ۳۶؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۱۵؛ الاصابه، ج ۵، ص ۴۷۵؛ عنصر شجاعت، ج ۱، ص ۳۵۵؛ مناقب،

ج ٤، ص ١١٣؛ تنقيح المقال، ج ٣، ص ٢١٥؛ انصار الحسين، ص ٩٤.

سرزمین به سال ۷۸ هـ.ق و به ویژه در دوران امارت فرزندش یزید بن مهلب، جمعیت و نفوذ ازد در خراسان فزونی گرفت. اگرچه، سکونت ازد در ایران تنها محدود به خراسان نبود و در جریان فتوح اسلامی نیز که دسته‌هایی از اعراب در مناطق فتح شده سکونت اختیار کرده و سپس خویشان و نزدیکان خویش را به نزد خود فرا خواندند، جماعتی از ازدی‌ها نیز در داخل بلاد ایران پراکنده شدند. با توجه به این که در دوران پیش از اسلام و از عهد ساسانیان، دسته‌هایی از قبیله ازد از طریق بحرین، خلیج فارس و عمان به بنادر و بلاد جنوب ایران مهاجرت کرده بودند، می‌توان به پراکندگی جمعیت ازد در نواحی مختلف ایران پی برد. بدین سان، این قبیله در حوادث و رویدادهای ایران، به ویژه خراسان بزرگ، نقش عمده داشت. سرانجام، تعصبات و رقابت‌های قبیله‌ای میان اعراب معدی و یمانی که دستگاه خلافت را نیز بازیچه خویش نموده بود، یکی از عوامل عمده ایجاد بحران سیاسی در خلافت امویان گردید. از آن جا که خراسان نیز یکی از مراکز عمده مهاجرت اعراب به داخل ایران بود، طبعاً بحران‌های مذکور در آن سرزمین نیز بازتاب گسترده‌ای داشت. در نتیجه ازدی‌ها نیز به عنوان عناصر مهم اجتماع عرب در خراسان، به صحنه این بحران‌ها کشیده شدند. خشم و نارضایتی ازدی‌ها در خراسان که ناشی از تفوق اعراب عدنانی بر یمانی‌ها، تسلط آنان بر امور مختلف و برکناری ازد و دیگر قبایل یمانی از امور سیاسی - اداری خراسان که سیاست خلفا را نیز تحت تأثیر خود قرار داده بود، به ویژه پس از هلاکت خاندان مهلب، موجبات نزدیکی هرچه بیشتر آنان را با عناصر ناراضی به ویژه ایرانیان تحقیر شده از سوی اعراب، فراهم آورد. این مسئله نه تنها موجب همراهی ازدی‌ها با عباسیان و سقوط قطعی امویان گردید، بلکه زمینه‌های آشنایی هرچه بیشتر آنان را با فرهنگ ایرانی فراهم کرد.^(۱)

خلاصه اینکه شخصیت‌هایی که امام حسین علیه السلام را همراهی کردند بعضاً از قبیله ازد بودند و برای شناخت آنها، لازم است ابتدا به مطالعه ازد پردازیم.

ص: ۶۵

۱- . لیلای خامسی پایان نامه خود را با عنوان «قبیله ازد و نقش آن در تحولات تاریخ ایران تا سال ۱۳۲ق» در سال ۱۳۸۱ دفاع کرد و منبع خوبی برای شناسایی یاران ازدی امام حسین است. متن آن در این سایت آمده است:

thesis.ui.ac.ir/abstracts/ltr/eleven9.htm

اسناد تاریخی گویا است که شش تن از شخصیت های مشهور امام حسین علیه السلام را همراهی نکردند. از این شش تن، پنج نفر معلولیت مثل نابینایی داشته اند. نخست به معرفی اجمالی اینان و سپس به معرفی تفصیلی آنها می پردازیم:

۱- محمد حنفیه برادر اباعبدالله الحسین علیه السلام که دلیل نپیوستن او را برخی عدم توفیق یا هم افق نبودن با شهدای کربلا دانسته اند. نیز نوشته اند هنگام خروج امام بیمار بود و برخی گفته اند انگشتانش بر اثر پیچیدن زره، نقص برداشت و توانایی حمل شمشیر نداشت.

۲- عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب. وی امام را تأیید کرد. در هنگام حرکت اباعبدالله چشمانش دچار کم بینی یا نابینایی شده بود. در هیچ روایتی امام او را دعوت به همراهی نکرد و هیچ معصومی وی را به سبب شرکت نکردن در کربلا سرزنش نکرده است. قرائن تاریخی نابینا بودن وی و داشتن راهنما در هنگام حرکت را تصریح کرده است.

۳- عبدالله بن جعفر همسر حضرت زینب علیه السلام. وی نیز همچون محمد حنفیه و ابن عباس، موید و طرفدار اباعبدالله بود و فرستادن دو فرزندش برای شرکت در کربلا گواه این فهم و معرفت و تأیید است. علت شرکت نکردن او را نابینایی یا کم بینایی نوشته اند.

۴- فرزدق شاعر. در بستان بن عامر نزدیک مکه با امام ملاقات کرد. وی همراه مادرش قصد شرکت در مراسم حج داشت. پس از دیدار با امام و توضیح درباره کوفه و بی وفایی مردم و طرح چند پرسش درباره مناسک حج، از امام جدا شد.

۵- ابو سعید خدری. وی یار پیامبر بود و در دوازده غزوه شرکت داشت و در سال ۶۴ یا ۷۴ درگذشت شخصیت برجسته وی را همه ستوده اند. او از ولایت امیرمؤمنان دفاع کرد. عدم حضور وی در کربلا به درستی معلوم نیست. ائمه او را تأیید کرده اند و معلوم می شود عذری مانند پیری و شکستگی و چشم کم سو سبب عدم شرکت اوست. (۱)

۶- جابر انصاری. غیر از اینها کسان دیگر هم هستند مثل عبدالله بن عمر (درگذشت ۷۴ق). اما اینان از جامعه تشیع خارج بودند و با اینکه نابینا بوده ولی شیعه به او توجه نکرده است. اکنون هر یک از شخصیت هایی که به دلیل معلولیت به امام نپیوستند؛ به تفصیل بررسی می گردند.

عبدالله بن جعفر

عبدالله بن جعفر بن ابی طالب به دلایل مختلف از جمله نابینایی به امام حسین علیه السلام در کربلا نپیوست و عدم حضور او در کربلا نیاز به بررسی دارد. او نخستین مولود اسلام در حبشه و اولین فرزند جعفر طیار است. تولد او را در سال سوم بعثت دانسته اند. او هنگام هجرت پیامبر به مدینه ده

ساله بود در سال ۸۰ق (با اندکی تفاوت در نقل ها) در نود سالگی از دنیا رفت و در مدینه یا ابواء به خاک سپرده شد.

عبدالله بن جعفر فردی بزرگوار و بسیار بخشنده و سخاوتمند معرفی شده است. در تاریخ به او لقب «جواد، بحر الجود و قطب السخاء» داده اند. عبدالله به واسطه موقعیت خانوادگی و جایگاه والای پدر بزرگوارش، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام مورد احترام بود.

پس از شهادت پدرش، پیامبر برای تفقد و دلجویی به خانه آنها رفت و آنان را مورد محبت و ملامت خاص خود قرار داد و فرمود: من سرپرست آنها در دنیا و آخرت هستم و فرمود: عبدالله در خلقت، خصلت شبیه من است. همچنین زمانی دیگر در حق او چنین دعا فرمود: «پروردگارا برای جعفر ذریه نیکو قرار ده و به بیع عبدالله، برکت عطا کن»

عبدالله بن جعفر هنگام صلح و جنگ مورد اعتماد و طرف مشاوره امیرمؤمنان علی علیه السلام و امامان دیگر بود. در جنگ صفین یکی از فرماندهان سپاه امام علی علیه السلام و نیز یکی از شهود حکمیت از طرف علی علیه السلام بود. امام علی علیه السلام هنگام عزل و نصب فرماندهان با او مشورت می کرد. وی از جمله کسانی بود که هنگام تبعید ابوذر به ریزه در کنار علی علیه السلام حضور داشت و او را بدرقه کرد. همچنین طبق دستور امام بر ولید بن عقبه حد جاری کرد. او در مراسم تغسیل و تکفین امیرمؤمنان علی علیه السلام که شبانه و بدون اطلاع عموم صورت گرفت نیز حاضر بود.

بعد از شهادت امام علی علیه السلام نیز در کنار امام حسن علیه السلام قرار گرفت. در جریان حرکت سپاه امام به سوی لشکر معاویه از حریم خاندان امامت دفاع کرد. همچنین وی بارها عشق و علاقه و ایمان خود را به امام حسین علیه السلام ابراز نمود، از جمله وقتی معاویه دختر عبدالله بن جعفر (ام کلثوم) را برای پسرش یزید خواستگاری کرد او در جواب گفت: «مرا امیری است که بی اذن او کاری نکنم» و اینگونه اختیار دخترش را به حسین بن علی علیه السلام واگذار کرد.

عبدالله بن جعفر از جمله کسانی بود که در اثبات ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به حدیث غدیر تمسک جست و نام خود را در زمره راویان حدیث غدیر ثبت کرد.

شواهد و قرائن تاریخی موافقت عبدالله بن جعفر با قیام حسینی: به چند سند تاریخی می توان استناد کرد و گفت عبدالله بن جعفر با امام حسین علیه السلام و قیام حسینی همراه بوده ولی موانعی و معذوراتی داشته که نمی توانسته مشارکت نماید. اکنون به ادله ای اشاره می کنم که موافقت او را با قیام حسینی نشان می دهد:

۱. همراه کردن همسر و فرزندان خویش با امام حسین علیه السلام

چگونه ممکن است فردی با حرکت و قیامی موافق نباشد و به آن اعتقاد نداشته باشد اما بهترین عزیزان خود را به حضور و شرکت در آن تشویق و ترغیب نماید؟ بی شک اگر عبدالله با قیام امام حسین علیه السلام و مبارزه با بنی امیه مخالف بود، هیچ گاه اجازه نمی داد، فرزندان عزیزش در این راه قربانی شوند، در حالی که او همسر بزرگوارش زینب کبری و دو فرزندش عون و محمد را همراه کاروان امام حسین علیه السلام فرستاد و آنها را سخاوتمندانه در راه امام خویش قربانی کرد.

۲. واکنش عبدالله بن جعفر پس از شهادت امام حسین علیه السلام

ص: ۶۸

پس از شنیدن خبر شهادت امام حسین علیه السلام و فرزندانش عون و محمد سخنانی گفت که گویای ایمان و اعتقاد او به قیام امام حسین علیه السلام است. مورخان نوشته اند که: پس از بازگشت بازماندگان امام حسین علیه السلام به مدینه یکی از غلامان عبدالله بن جعفر به نام ابوالسلاسل نزد او رفت و شهادت پسرانش را به او تسلیت گفت. عبدالله کلمه استرجاع بر زبان آورد. غلام گفت: این مصیبتی است که از حسین بن علی به ما رسیده است! عبدالله بن جعفر او را با نعلین خود راند و گفت: ای کثیف زاده! آیا به حسین چنین چیزی را می گویی؟ به خدا سوگند اگر نزدش می بودم دوست می داشتم که تا کشته نشوم از او جدا نگردم. به خدا سوگند من آنها را سخاوتمندانه در راه حسین داده ام و مصیبت آنها بر من گران نیست، زیرا آنان در راه بردارم و پسر عمویم به شهادت رسیدند و همراهش شکیبایی ورزیدند. آنگاه رو به اهل مجلس کرد و گفت: الحمدلله با این که مصیبت حسین بر من گران است اما اگر نتوانستم او را یاری دهم فرزندانم او را یاری دادند.

۳. نامه عبدالله بن جعفر به امام حسین علیه السلام

با توجه به موارد پیش گفته، اصل اعتقاد عبدالله بن جعفر به قیام علیه بنی امیه به خوبی روشن است، با این حال یکی از شواهدی که موجب مبهم شدن این مسئله می شود، نامه او به امام حسین علیه السلام برای منصرف کردن آن حضرت از رفتن به عراق است. ابتدا متن نامه عبدالله بن جعفر و پاسخ امام مرور و سپس بررسی می شود.

نامه عبدالله بن جعفر به امام حسین علیه السلام چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم. به حسین بن علی از عبدالله بن جعفر. اما بعد تو را به خدا سوگند می دهم که از مکه خارج نشوی. من از کاری که آهنگ آن را داری بر تو بیمناکم و ترس آن دارم که خود و خاندانت در آن به هلاکت برسید. اگر تو امروز هلاک شوی نور زمین خاموش خواهد شد، زیرا تو پرچم هدایت یافتگان و امیر مؤمنانی. در رفتن شتاب مکن زیرا من نیز به دنبال نامه هستم. والسلام.

پاسخ امام به نامه او چنین است:

اما بعد نامه ات به من رسید و آن را خواندم و منظورت را دریافتم. به آگاهی تو می رسانم که من جدّم رسول خدا را به خواب دیدم، او از کاری به خبر داد و من در پی آن می روم، خواه به سودم باشد یا به زیانم. به خدا سوگند! ای پسر عمو چنانچه من در لانه هر جنبنده ای از جنبندگان روی زمین باشم مرا بیرون کشیده به قتل خواهند رساند. به خدا ای پسر عمو آنان ستم خواهند کرد، همان گونه که یهود نسبت به روز شنبه ستم ورزیدند. والسلام.

از نامه عبدالله بن جعفر به امام حسین علیه السلام استفاده می شود که او به مقام والای امامت و شأن و جایگاه با عظمت آن اعتقاد داشته ولی موانع و مشکلاتی در نپیوستن او هست که بیان خواهد شد.

معذور بودن عبدالله بن جعفر در نپیوستن به امام: اصل اعتقاد عبدالله بن جعفر به قیام کربلا و عشق و علاقه او برای شهادت در راه امام حسین علیه السلام ثابت شد، اما اینکه چرا عبدالله بن جعفر خود شخصاً در قیام عاشورا حضور نداشت و امام را همراهی نکرد، تاریخ در این باره ساکت است و از متون اصیل تاریخی چیزی به دست نمی آید. البته در برخی از آثار متأخرین احتمالاتی به عنوان

عذر عبدالله بن جعفر در نپیوستن او به امام بیان شده است که مهم ترین آنها چنین است:

ص: ۶۹

۱. نابینا بودن وی، چنانکه گفته شده: «و كان تاخره عن حضور الطف ذهاب بصره؛ دليل عدم حضورش در قیام عاشورا نابینا بودن او بود».

۲. احتمال مأموریت داشتن او از سوی امام در مدینه، مانند مأموریت حفظ جان بنی هاشم، زیرا با خروج امام و دیگر بزرگان بنی هاشم از مدینه هرگونه توطئه و دسیسه ای برای نابودی بنی هاشم پیش بینی می شد، از این رو، شخصیتی همچون عبدالله بن جعفر می توانست از هرگونه خطری که بنی هاشم را تهدید می کرد، جلوگیری کند.

۳. کهولت سن، زیرا او در این هنگام حدود هفتاد سال داشت و طبعاً آمادگی لازم و توان جسمانی مناسب برای جهاد نداشت.

نتیجه: لذا عبدالله بن جعفر طیار شخصیت مشهور و ممتاز تاریخ اسلام سوابق درخشان در دفاع از امامان اهل بیت علیهم السلام است. او در گفتار و رفتار، ایمان و اعتقاد خود را به اهل بیت نشان داده است. به ویژه مواضع سیاسی او در برابر بنی امیه که در مناظره های او با معاویه جلوه کرده، حاکی از اعتقاد و وفاداری او به مکتب اهل بیت علیهم السلام و مخالفت با حاکمیت بنی امیه است. البته او نیز در زمره شخصیت هایی است که توفیق حضور در کربلا و قیام عاشورا را نداشته و تاریخ عذر وی را در نیوستن به کاروان امام، روشن نساخته است. اما متأخرین به نابینایی ایشان اشاره کرده اند.

عبدالله بن عباس مشهور به ابن عباس

ابن عباس پسر عموی امام علی علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود. او تا سال ۶۸ ق یعنی هشت سال بعد از حادثه کربلا زنده بود و در این سال درگذشت. با وجود ارادت و اعتقادش به ائمه علیهم السلام و امام حسین علیه السلام اما چندی قبل از حادثه کربلا نابینا شد و به همین دلیل از حضور در قیام حسینی معذور بود. (۱)

شخصیت ابن عباس: عبدالله پسر «عباس بن عبدالمطلب» و «لبابه بنت حارث بن حزن» بود. (۲) او در دوران حضور بنی هاشم و مسلمانان در شعب ابی طالب (حدود سال سوم قبل از هجرت) به دنیا آمد. (۳)

عبدالله نیز مانند پدرش اندکی قبل از فتح مکه، اسلام اختیار کرد، اما با سن کمی که داشت بعد از فتح مکه به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ حنین و طائف شرکت کرد. (۴)

منابع اسلامی، به ویژه منابع اهل سنت، روایات بسیاری را در مورد ابن عباس ذکر کرده اند که بیشتر آنها دعاهایی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حق ایشان است.

ص: ۷۰

۱- الطبقات الكبرى، الطبقة الخامسة، ج ۱، ص ۱۳۶؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۳۵؛ المعارف، ص ۷۳؛ الاستیعاب، ج ۳، ص ۷۰؛ سعد السعود، ص ۲۸۵؛ اُشیدُ الغابه، ج ۳، ص ۱۹۰؛ اختیار معرفه الرجال، ص ۵۶-۵۷؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۹۱؛ الاعلاق النفیسه، ص ۲۷۸؛ الاعلام، ج ۴، ص ۹۵؛ نکت الهمیان، ص ۱۸۰.

- ٢- . المنتظم، ج ٤، ص ٧٢.
- ٣- . الاستيعاب فى معرفه الأصحاب، ج ١، ص ٣٧.
- ٤- . البدايه و النهايه، ج ٨، ص ٢٩٤.

هر دو فرقه بزرگ اسلام، نقل‌ها و برداشت‌های او را نقل کرده‌اند؛ منابع روایی و تفسیری شیعه (۱) و اهل سنت (۲) انباشته از روایاتی است که از ابن عباس نقل شده و این نشان از عمق دانش او دارد که به همین دلیل میان برخی مسلمانان به «حبر الأمة» شهرت دارد.

با وجود این که جنبه علمی ابن عباس از شهرت بیشتری برخوردار است، اما زندگی سیاسی او نیز قابل تأمل است. او در دوران سه خلیفه اول، به دلیل سن کم، فرصت چندانی برای نشان دادن توانایی‌های خود نداشت، ولی در عین حال در سال پایانی خلافت عثمان، مسئولیت امور حاجیان را بر عهده داشت. (۳) اوج ورود ابن عباس به مسائل سیاسی در دوران خلافت امام علی علیه السلام بود.

ابن عباس و امام علی علیه السلام: پس از آن که امام علی علیه السلام به حکومت رسید، عبدالله بن عباس را به عنوان حاکم شام انتخاب کرده و از او خواست تا حکومت آن منطقه را به دست گیرد. اما عبدالله از قبول این درخواست خودداری کرد و به آن حضرت گفت: از آن جایی که معاویه از بنی امیه و پسر عمه عثمان است و از طرف خود او نیز حکومت شام را در دست دارد، من نسبت به جان خود از ناحیه او ایمن نیستم. ترس آن را دارم که حتی اگر مرا نکشد، حبسم کند. (۴) پس از آن حضرتشان حکومت یمن را به او داد. (۵) با آغاز جنگ‌های ناخواسته که بر امام علی علیه السلام تحمیل شد، ابن عباس به کمک امام شتافت و در هر سه جنگ جمل، صفین و نهروان شرکت کرد. (۶)

ابن عباس از شاگردان ویژه امام علی علیه السلام بود و مردم نیز او را با همین ویژگی می‌شناختند. او تواضع نسبت به استادش را از یاد نمی‌برد و هنگامی که از او پرسیدند: فاصله میان دانش تو و دانش پسرعمویت (امام علی علیه السلام) چه اندازه است؟ گفت: مانند نسبت قطره‌ای به دریا! (۷)

همچنین اعتماد امام علی علیه السلام به ابن عباس تا اندازه‌ای بود که در ماجرای حکمیت میان امام و معاویه، او یکی از کاندیدهای امام برای نمایندگی از خودشان بود (۸) اما با مخالفت برخی، مجبور به انتخاب ابوموسی اشعری شد.

با تمام آنچه در مزایای ابن عباس بیان شد، اما ماجرای وجود دارد که انتقاداتی را متوجه او کرده و آن زمانی است که ابن عباس در پی واقعه‌ای از امام دلگیر شد و با برداشتن بخشی از بیت المال از مقر

ص: ۷۱

-
- ۱- . التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۷۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۹.
 - ۲- . تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۹۹؛ المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم (صحیح مسلم)، ج ۳، ص ۱۵۴۳.
 - ۳- . تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، ج ۴، ص ۴۴۸.
 - ۴- . تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۵۳۸.
 - ۵- . الأخبار الطوال، ص ۱۴۱، قم.

- ٦- . البدايه و النهايه، ج ٨، ص ٣٠٤.
- ٧- . شرح نهج البلاغه، ج ١، ص ١٩،
- ٨- . الطبقات الكبرى، ج ١، ص ١٧٧،

فرمانروایی خود (بصره) به مکه رفت که این رفتارش مورد نکوهش شدید امام قرار گرفت.^(۱) در این ارتباط نامه هایی میان او و امام رد و بدل شد.

پس از شهادت امام علی علیه السلام: با شهادت امام علی علیه السلام، قدرت شیعیان رو به افول نهاد تا جایی که فرزندشان امام حسن علیه السلام مجبور به صلح با معاویه و واگذاری خلافت شد. پس از این ماجرا ابن عباس نیز مانند دیگر بزرگان شیعه که در حجاز حاضر بودند، بدون آن که در مقابل معاویه مقاومت کنند، در خدمت حکومت او نیز قرار نگرفته و متصدی هیچ مسئولیتی نشدند. ابن عباس در این مدت به نشر دانشی پرداخت که بیشتر آن را از امامش آموخته بود.

در ماجرای قیام امام حسین علیه السلام، ابن عباس با گوشزد کردن بی وفایی کوفیان، امام را از سفر به بر حذر داشت. وی با آن که قلباً طرفدار امام بود، اما در سفر به کربلا همراهشان نشد.

پس از شهادت امام حسین علیه السلام و مرگ یزید، ابن زبیر که قدرت را در مکه به دست گرفته بود، با تحت فشار قرار دادن ابن عباس و محمد بن حنفیه خواهان بیعت گرفتن از آنان شد، اما آنان تعدادی از شیعیان عراق را برای رهایی خود به کمک فراخواندند و در نهایت ابن عباس به طائف رفته و با ابن زبیر بیعت نکرد.^(۲)

ابن عباس در اواخر عمر خود نابینا شد.^(۳) برخی منابع در علت نابینایی او در اواخر عمر، حدیثی قابل تأمل و قابل اشکال نقل کرده اند که بر اساس آن، ابن عباس در جوانی جبرئیل را با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دیده بود و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت چون چشمانت جبرئیل را دید، در اواخر عمر نابینا خواهی شد!^(۴)

ابن عباس در نهایت در سال ۶۸ ق، در سن ۷۱ سالگی در طائف از دنیا رفت و محمد بن حنفیه بر او نماز گزارد.^(۵)

محمد بن حنفیه

محمد بن حنفیه از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام و برادر ناتنی امام حسین علیه السلام است. محمد و حسین هر دو پدرشان علی بن ابیطالب ولی مادر محمد خوله بنت جعفر و مادر حسین، فاطمه زهرا است. محمد شجاع و دلیر و شخصیت محترم بوده است. اما در قیام امام حسین علیه السلام شرکت نکرد.

پس از اینکه امام حسین علیه السلام تصمیم گرفت، تن به خواست های یزید ندهد و مدینه را ترک کند، بین امام و محمد بن حنفیه، سخنان بسیار بوده که در مقاتل و منابع تاریخی نقل شده است.

ص: ۷۲

۱- تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، ج ۵، ص ۱۴۱.

۲- البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۳۰۵-۳۰۶.

۳- أسد الغابه، ج ۳، ص ۱۹۰.

- ٤- . همان، ص ١٨٩؛ اعيان الشيعة، ج ٨، ص ٥٥، ابن عباس و مكانه فى التفسير، محمد باقر حجتى.
- ٥- . أخبار الدولة العباسية و فيه أخبار العباس و ولده، ص ١٣٠.

علمای شیعی دلایلی را در مقام دفاع از محمد بن حنفیه و توجیه عدم همراهی او با امام حسین علیه السلام مطرح کرده اند که می توان آنها را به چهار دسته تقسیم نمود:

۱. بیماری او در موقع قیام کربلا.

۲. مأموریت داشتن از امام برای ماندن در مدینه.

۳. از قبل مشخص بود که جزء شهدای کربلا نیست؛ چون نام او در لوح محفوظ جزء اصحاب امام حسین علیه السلام نبود.

۴. مکلف نشدن به همراهی از جانب امام حسین علیه السلام.

اما در مورد بیماری محمد حنفیه توسط علامه حلی برای توجیه عدم حضور محمد بن حنفیه در کربلا در جواب مهنا بن سنان مطرح شده است. او می گوید:

و اما تخلفه عن نصره الحسين عليه السلام فقد نقل انه كان مريضاً. (۱) یعنی تخلفش از یاری حسین علیه السلام را مربوط به بیماری او دانسته اند. بعضی بیماری او را چشم درد ذکر کرده اند. (۲) و بعضی به بیماری دستان و فلج شدن دستان او اشاره کرده اند. (۳)

سپهر در مورد بیماری او نوشته است:

محمد بن حنفیه از آن روزی که کاروان امام حسین علیه السلام از مدینه خارج می شد رنجور بود. (۴)

از معاصرین هم بعضی مدعی بیماری محمد بن حنفیه در موقع حرکت امام حسین علیه السلام به طرف کوفه هستند. نویسنده ی نهج الدموع بدون بیان منابع و مآخذ می نویسد:

محمد بن حنفیه در اثر این که زرهی را زیاد با دست پاره کرده و به دور افکنده بود، شخصی او را چشم زد و فوراً به درد دست مبتلا گردید و تا آخر عمر مبتلا بود. (۵)

اما بعضی اینها را قبول نکرده و معتقدند محمد بن حنفیه کوتاهی کرده است. (۶)

ابوسعید خُدَری

یکی از شخصیت هایی که امام حسین علیه السلام را همراهی نکرد و در قیام حسینی شرکت نکرد ابو سعید خُدَری است.

سعد بن مالک بن سنان معروف به ابو سعید خُدَری، ۱۰ سال پیش از هجرت متولد و در سال ۷۴ق درگذشت. ابو سعید منسوب به نیای بزرگ خود خُدَره است که به ابجر شهرت داشت. و بنی خُدَره تیره ای از بنی عوف انصار بودند. پدر ابو سعید از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مادرش

- ۱- بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۱۱۰.
- ۲- مقتل الحسين، المقدم، ص ۱۳۵.
- ۳- مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.
- ۴- ناسخ التواریخ، سپهر، ص ۳۷۴.
- ۵- منهاج الدموع، قرنی گلپایگانی، ص ۲۵۹.
- ۶- محمد بن حنفیه و قیام کربلا، محمدعلی چلونگر.

انیسه بنت ابی حارثه، از قبیله بنی نجار بود. ابوسعید به هنگام جنگ احد ۱۳ ساله بود که پدرش او را برای شرکت در جنگ معرفی کرد و به رغم اصرار پدرش، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به سبب خردسالی، شرکت او را در جنگ نپذیرفت، اما پس از احد، وی در غزوات مختلف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شرکت کرد. در زمان خلافت حضرت علی علیه السلام او در جنگ های صفین و نهروان همراه آن حضرت بود. ابو سعید با بنی امیه رابطه دوستانه نداشت و در فرصت هایی که پیش می آمد، از آنان انتقاد می کرد. از جمله هنگامی که مروان بن حکم خطبه عید را بر نماز مقدم داشت، با اعتراض ابو سعید روبه رو شد. همچنین در روزگار خلافت معاویه، برای اعتراض به کار او به شام رفت. ابو سعید در زمان یزید و در واقعه حرّه، در حمله سپاهیان شام به مدینه، در خانه نشست، اما لشکریان شام به خانه اش ریختند و از وی پول و مال طلب کردند و چون به چنگ نیاوردند، او را مورد شکنجه قرار دادند. به روایتی دیگر در روز حره ابو سعید به غاری پناه برد و یکی از لشکریان شام که به قصد کشتن او آمده بود، پس از آنکه او را شناخت، از وی خواست تا برایش طلب مغفرت کند. بیشتر مورخان وفات وی را در ۷۴ق ضبط کرده اند ولی برخی نیز آن را یک سال بعد از واقعه حره، در ۶۴ق گفته اند؛ محل دفن وی چنانکه در برخی منابع تصریح گردیده در مدینه و بقیع بوده است، ولی گفتنی است که مزار وی هم به نام او در استانبول وجود دارد.

مورخان او را یکی از بزرگان انصار دانسته و بر فقاوت او تأکید کرده اند. رجال شناسان شیعه نیز وی را بزرگ داشته و از وی سخت ستایش کرده اند؛ برخی وی را در بین اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ردیف سلمان و ابوذر قرار داده و در بین اصحاب امام علی علیه السلام در زمره «اصفیاء» اصحاب شمرده است. در رجال کشی از امام صادق علیه السلام نقل شده که ابو سعید در دین استوار و آشنا به حق بوده است و از فضل بن شاذان نیز حکایت شده که ابو سعید از سابقین اصحاب آن امام بوده است.

اما علت عدم پیوستن خُدری به امام حسین علیه السلام و شرکت نکردن در قیام حضرت را به دلیل پیری، شکستگی و کم بینی چشمانش دانسته اند.

عقیل بن ابی طالب (نابینا)

عقیل بن ابی طالب بن عبدالمطلب هاشمی قریشی پسر عمو و صحابی رسول خدا و برادر حضرت علی علیه السلام ولی مسن تر از او است. در دوره جاهلیت داور مردم به هنگام مجادلات و منازعات بود و مردم او را قبول داشتند.

عقیل در سال ۴۳ قبل از هجرت متولد شد. عقیل بر شرک باقی ماند تا جنگ بدر. قریش او را به زور به جنگ با مسلمانان آوردند. مسلمانان او را به اسارت گرفتند ولی عباس او را آزاد ساخت و به مکه بازگشت. اما بعد از حدیبیه اسلام آورد و در سال ۸ق به مدینه مهاجرت کرد. در جنگ موته حضور داشت. در دوره خلافت علی علیه السلام با او اختلاف پیدا کرد و طرف معاویه رفت.

در مسجد مدینه کلاس داشت و تاریخ و انساب درس می داد. در اواخر عمرش نابینا شد. در سال فوت او اختلاف است برخی فوتش را در سال های نخست حکومت یزید و بعضی در اواخر خلافت معاویه و گاه فوتش را در سال ۵۰ یا ۶۰ قمری گفته اند. (۱)

بالاخره اگر در زمان شهادت امام حسین در قید حیات بوده، مسلماً در قیام شرکت نکرده است اما فرزندش عقیل پیک امام در کوفه بود و شهید شد.

معن بن اوس (درگذشت ۶۴ق/ ۶۸۳م) (نابینا)

معن بن اوس بن نصر المزنی شاعر مخضرمی در جاهلیت و اسلام است. جمعی از اصحاب او را مدح کرده اند. سفرهایی به شام و بصره داشت. در اواخر عمرش نابینا شد. و در مدینه درگذشت.

با شخصیت هایی مثل ابن عباس معاشرت داشت؛ عمر بن خطاب و معاویه به اکرام او پرداختند. دیوان شعری دارد که توسط کمال مصطفی با عنوان معن بن اوس چاپ شده است. (۲)

عبدالله بن عمر (درگذشت ۷۳ق)

ابو عبدالرحمن عبدالله بن عمر بن الخطاب العدوی، از صحابه معروف پیامبر اکرم بود. ده سال قبل از هجرت و به عبارت دیگر در سال سوم بعثت متولد شد و در سال ۷۳ق درگذشت.

همراه پدرش به مدینه مهاجرت کرد؛ در فتح مکه حضور داشت. محل تولد و وفاتش مکه است. حدود شش دهه مفتی بود و به راهنمایی مردم در امور شرعی می پرداخت. پس از قتل عثمان، عده ای خواستند با او بیعت کنند ولی نپذیرفت. در سال های آخر عمرش نابینا شد، ۲۶۳۰ روایت از طریق او نقل شده است. (۳)

عبدالله بن حارث (درگذشت ۸۶ق / ۷۰۵م) (نابینا)

عبدالله بن الحارث بن جزء الزبیدی از اصحاب رسول خدا است. برای تبلیغ به مصر رفت و ساکن مصر شد. او آخرین صحابی است که در مصر درگذشت. در آخر عمرش نابینا شد. روایاتی از طریق او نقل شده است. (۴)

ص: ۷۵

۱- . الاعلام، زرکلی، ج ۴، ص ۲۴۲؛ نکت الهمیان، ص ۲۰۱، طبقات ابن سعد، ج ۴، ص ۲۸؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱۱، ص ۳۴۰-۳۴۱.

۲- . الاعلام، زرکلی، ج ۷، ص ۲۷۳؛ معجم المطبوعات، ص ۱۷۶۷.

۳- . الاعلام، زرکلی، ج ۴، ص ۱۰۸؛ طبقات ابن سعد، ج ۴، ص ۱۰۵-۱۳۸؛ سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۳؛ نکت الهمیان، ص ۱۸۳.

اسماء دختر ابوبکر (عبدالله بن ابی قحافه)، ۲۷ سال پیش از هجرت به مدینه، در شهر مکه چشم به جهان گشود. در مکه رشد کرد و در جوانی با زبیر بن عوام ازدواج نمود. جزء بیست نفر نخستین اسلام آورندگان به واسطه پدرش بود.

مهم ترین خدمت او به جامعه پویای اسلامی کمک به مخفی شدن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ابوبکر در غار، در راه مکه و مدینه و تأمین نیازمندی های آنان به ویژه خوراک آنان بود. نقش اسماء بیش از یک فرد مطلع بوده و در گمراه کردن تعقیب کنندگان مؤثر بود. ابن اثیر رخدادهای مربوط به هجرت را با تفصیل بیشتر گزارش کرده است. آنان سه روز در غار بودند. اسماء هر روز پس از تازیک شدن هوا برای آنان غذا می برد. رفتن به سمت غار هم به بهانه چراندن گوسفند بود.

قریش یکصد شتر و افراد فراوانی را مأمور یافتن رسول خدا و همراهانش کرده بود. و فضای امنیتی شدید بر مسیر مکه به مدینه حاکم بود. گروهی به رهبری ابوجهل خانه های مکه را تفتیش می کردند وقتی به خانه ابوبکر رسیدند از اسماء پرسیدند، پدرت کجا است؟ اسماء گفت نمی دانم؛ ابوجهل سیلی محکمی به گونه اسماء زد.

نیز یکی از افتخارات اسماء این است که او را به «ذات النطاقین» لقب داده اند. نطق به معنای کمر بند و پیش بند است. چون پیش بند خود را دو قسمت کرد و غذای پیامبر را در آن بست و نزد حضرت برد.

بعداً با تغییر ارزش ها، ذات النطاقین که روزی افتخار بود، توسط شامیان و پیروان معاویه به عنوان لقب منفی و مذمت به کار می رفت و مثلاً پسر اسماء را فرزند ذات النطاقین می خواندند.

اسماء چندی پس از هجرت رسول خدا، او هم به مدینه هجرت کرد. گاه درباره فعالیت های اجتماعی او مثل شرکت در جنگ یرموک همراه شوهرش زبیر در دوره خلافت عمر گزارش شده است. اما چندی بعد از زبیر جدا شد و تا آخر عمرش با فرزندان زندگی می کرد. او تا سال ۷۳ق و حدود یکصدسال زندگی کرد. اما چند دهه آخر عمرش نابینا و ناتوان شده بود.

دانشمندان رجالی اهل سنت، اسماء را راوی و محدث ثقه و مورد اطمینان دانسته اند. او روایات فراوانی نقل کرده است. راویان پرکاری مثل عباد بن عبدالله، عروه بن زبیر و فاطمه بنت منذر از او روایت نقل کرده اند. نیز در حوادث فرهنگی و اجتماعی سده اول و دوم هجری صاحب رأی بود و نقش داشت. او زنی فصیح بود و شعر می سرود. در رثاء شوهرش زبیر، مرثیه ای سروده که در منابع تاریخ درج است. دانش های دیگری مثل تعبیر خواب می دانست و به دیگران آموزش می داد. آیه ۶ در سوره ممتحنه در شأن او نازل شده و اسماء را ضمناً عدالت پیشه و مقسط و غیرظالم به حقوق دیگران می خواند.

در مجموع با اینکه تقریباً یک سوم از عمرش را دچار معلولیت و ناتوانی و نابینایی بود ولی همواره در امور اجتماعی و فرهنگی مسلمانان فعال بود. حتی زن بودن او مانع فعالیت های او نبود. از اینرو الگوی مناسبی برای توان خواهان و معلولین امروزی است. وی در سال ۷۳ق در گذشت و در هنگام قیام حسینی در قید حیات بود ولی چون زن بود یا هر دلیل دیگر داشت شرکت نکرد.

جابر انصاری از اصحاب مشهور رسول خدا(ص)، و راوی حجه الوداع پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مدفون در بقیع از یاران ائمه علیه السلام، از روایان به نام و نیز مدفون در بقیع است. نام کامل او را چنین نوشته اند:

جابر بن عبدالله بن عمرو بن حرام/حرام با کنیه ابو عبدالله، ابو محمد و ابو عبدالرحمن از تیره بنی سلمه قبیله خزرج است. جابر همراه پدرش در جمع ۷۰ نفری یثربیان (انصار) در موسم حج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در عقبه منا دیدار و بیعت کرد.

پدر او یکی از نقیبان خزرج و جابر جوان ترین فرد در میان بیعت کنندگان عقبه دوم بود. با توجه به مدت عمر جابر، سن وی گویا در آن هنگام حدود ۱۶ سال بوده است. جز غزوه های بدر و احد جابر در دیگر غزوه ها حضور داشت. به دلیل سرپرستی خواهرانش در بدر حضور نداشت. گزارش هایی از شرکت او در نبرد بدر و آب رسانی به رزمندگان در دست است که شماری از منابع آن را انکار کرده اند. بر پایه گزارشی، جابر در نبرد احد که عبدالله بن ابی و همراهانش به بهانه بی اعتنایی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به نظرشان از احد بازگشتند، با نكوهش آن ها یادآور شد که باید به حفظ دین، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سرزمین خود تعهد داشته باشند.

در پی شهادت پدر جابر در احد که برخی او را نخستین شهید این غزوه دانسته اند. وی نزد جنازه پدر آمد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با بشارت دادن به جابر درباره جایگاه والای پدرش که از خداوند بازگشت به دنیا و شهادت دیگر بار در راه او را آرزو دارد، وی را دلداری داد. برخی بر خلاف مشهور، نزول آیه ۱۶۹ آل عمران/۳ را در پی این رویداد دانسته اند. معاویه در دوران حکومتش درصدد جاری ساختن چشمه ای در احد برآمد و اعلام نمود که هر کس شهیدی در آن جا دارد، حضور یابد. جابر پس از چند دهه جنازه پدر را یافت که هنوز خون از آن جاری بود.

در غزوه خندق(۵ق) جابر که خانه اش نزدیک آن قرار داشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را مهمان خود کرد. به رغم اندک بودن غذا، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و صحابه گروه گروه به منزل او وارد شدند و غذا خوردند و طعام برکت یافت.

جابر در غزوه حدیبیه (۶ق) و بیعت رضوان حضور داشت و شاهد عینی رویداد بود. وی حاضران در این بیعت را ۱۴۰۰ نفر دانسته و مفاد آن را حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا پای جان یاد کرده است. از حضور وی در غزوه تبوک (۹ق) و حجه الوداع نیز یاد شده است.

جابر در سفری، هنگام شب شترش را به پیامبر فروخت و تا مدینه پشت سر ایشان بر مرکبش سوار شد و ایشان چند بار برای جابر استغفار کرد. از این شب به «لیله البعیر» تعبیر شده است. به گزارش ابن سعد، استغفار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای جابر در غزوه ذات الرقاع (۴ق) رخ داد و ایشان در آن جا از بدهکاری های پدرش پرسید. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جابر را بر مرکب

سوار کرد و به او ۷۰ حدیث آموخت که کسی نشنیده بود. نیز گفته اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کلماتی از جبرئیل را به وی آموخت.

جابر را به رغم دانش بسیار و صفات برجسته، فردی متواضع شمرده اند؛ از جابر سخنانی حکمت آمیز گزارش شده است. برخی از متمایلان به تصوف، جابر را از صفة نشینان انصار در مسجد نبوی دانسته اند. اما گویا وی مانند مهاجران در آن جا سکونت نداشته، بلکه تنها با ساکنان صفة در ارتباط بوده و گاه در صفة به استراحت می پرداخته است.

جابر فردی دانشمند بود و در فراگیری حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و برخی صحابه برجسته، پس از رحلت ایشان اهتمام جدی داشت. او حافظ سنت نبوی و مفتی مدینه به شمار می رفت. سهم جابر در گزارش رویدادهای صدر اسلام و اخبار مربوط به غزوات و سرایای پیامبر(ص)، درخور توجه است.

جابر از پیشگامان تفسیر و در شمار راویان مشهور حدیث نبوی است و از او ۱۵۴۰ حدیث گزارش شده است. وی دارای یک مسند است که نسخه خطی آن به روایت عبدالله بن احمد بن حنبل در خزانه الرباط در مغرب موجود است. او مجموعه ای از روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نگاشت که به نام صحیفه جابر شهرت دارد.

در دوره خلفا: جابر در خلافت ابوبکر همراه خالد بن ولید در فتوحات شام شرکت داشت. نیز در خلافت عمر (۱۵ق) در نبرد قادسیه با ایرانیان حضور داشت. گفته اند که عمر او را به عنوان عَرِيف (بزرگ و رابط میان تیره خود با حکومت) برگزید. گزارشی از میانجیگری جابر در ماجرای شورش بر ضد عثمان، میان معترضان مصری و خلیفه، در دست است.

ارتباط با اهل بیت علیهم السلام: وی ناقل روایات فراوان در باره فضیلت های اهل بیت علیهم السلام است؛ از جمله: حدیث لوح، حدیث قتال علی علیه السلام با ناکثین و قاسطین و مارقین، حدیث منزلت، روایت غدیر، حدیث شجره، حدیث سدّ باب، تعداد امامان، غیبت امام زمان(عج) به عنوان یکی از فرزندان رسول خدا(ص)، محشور شدن دشمن اهل بیت به شکل یهودی، مشارکت علی علیه السلام در قربانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حجه الوداع، و نماز خواندن امام علی علیه السلام در روز پس از بعثت با رسول خدا(ص).

جابر در زمره اصحاب چند تن از امامان است. وی در دوران خلافت امیر مؤمنان علیه السلام از خواص ایشان بود. او را از اعضای «شُرطه الخَمیس» (نیروهای وفادار و متعهد به پایداری تا مرگ) دانسته اند. او در نبرد صفین حضور داشت. او در پاسخ سؤالی درباره نبردهای امام علی علیه السلام تصریح کرد که جز کافر در حقانیت جنگ های او تردید نمی ورزد. بر پایه گزارشی، جابر پس از ماجرای حکمیت به سال ۴۰ق در مدینه بود. از وی در دوران خلافت امام حسن علیه السلام نیز گزارشی یافت نشده است. آورده اند که وی در روز شهادت امام حسن علیه السلام حضور داشت. هنگامی که نزدیک بود میان امام حسین علیه السلام و مروان بن حکم بر سر دفن امام حسن علیه السلام کنار جدش فتنه درگیرد، جابر با حسین بن علی علیه السلام سخن گفت تا برادرش را کنار آرامگاه مادرش در بقیع به خاک بسپارد و او هم، چنان کرد.

جابر در رخداد عاشورا حضور نداشت. وی در این هنگام نابینا بود. او را نخستین زائر حسینی دانسته اند که در اربعین سیدالشهداء علیه السلام با حالتی پریشان به زیارت ایشان شتافت. وی دوران کودکی امام باقر علیه السلام را درک کرد. به گزارش خود او، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از زنده ماندن او و دیدارش با امام پنجم که همانند و هم نام ایشان است، گزارش داده و فرموده بود که سلامش را به او برساند. از این رو، جابر مشتاق دیدار امام باقر علیه السلام بود و چون وی را دیدار کرد، دست و پایش را بوسید و سلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به او رساند. شماری از منابع در وجه انتخاب لقب باقر برای آن امام، به سخن جابر استناد می کنند. امام صادق علیه السلام وی را واپسین باقی مانده اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانسته و از او با تعبیر «کان منقطعاً الینا اهل البیت» یاد کرده است.

به همین دلیل روابط جابر با بنی امیه دوستانه نبود. بر پایه گزارشی، در یورش سپاه معاویه به فرماندهی بسر بن ارطاه به مدینه (۴۰ق) که با غارت و تهدید و بیعت گرفتن از مردم برای معاویه همراه بود، وی در پی جابر فرستاد و او که این بیعت را گمراهی می دانست، پس از مشورت با ام سلمه، همسر رسول خدا(ص)، و با صلاح دید او که گفته بود بیعت آنان همانند اصحاب کهف است که به شیوه تقیه و به رغم میل خود همراه قومشان در عیدها شرکت می کردند و به هیئت آنان در می آمدند، با بسر بیعت کرد.

دوره پایان عمر و میراث جابر: جابر در اواخر عمر به مکه کوچ کرد؛ اما دیگر بار به مدینه بازگشت و در آن شهر که زادگاهش بود، درگذشت. او اواخر عمر نابینا بود و به نقلی، واپسین فرد از صحابه مدنی بود که درگذشت. او هنگام رحلت حدود ۹۰ یا ۹۴ سال داشت. ابان بن عثمان اموی، حاکم مدینه، بر جنازه اش نماز گزارد. برخی بر آنند که حجاج بن یوسف بر او نماز خوانده است. این گزارش با وصیت جابر که حجاج بر او نماز نخواند، سازگاری ندارد. وانگهی هنگام درگذشت جابر، حجاج به سال ۷۴ق در حجاز بود. شاید او برای حج آمده و مصادف با درگذشت جابر آن جا بوده است. مدفن جابر در بقیع است؛ اما برخی به اشتباه برای او در شوشتر خوزستان از بقعه ای یاد می کنند که باید متعلق به نوادگان او باشد. شوشتری این بقعه را از آن یکی از عالمان این شهر دانسته است. (۱)

همراهی در امور دیگر

بعضی معلولان در پیروی از امامت شیعی تا شهادت پیش رفتند ولی بعضی دیگر در امور فرهنگی، علمی و تبلیغی یا عمرانی و اجتماعی از حضرت پیروی کردند.

علاوه بر اینکه نابینایان و دیگر معلولان در روز عاشورا حضرت را همراهی کردند، پس از شهادت هم در ترویج خط مشی امام حسین علیه السلام فعالیت نمودند.

اولین زائران مقابر مطهر در کربلا- غیر از خاندان امام حسین علیه السلام، کسانی مثل جابر انصاری بودند که دارای نابینایی بودند. این رخداد نشانگر این است که جامعه معلولان از ابتدا به

۱- . بقیع نامه، تابستان و پاییز، ۱۳۹۴، ص ۲۱-۲۵.

امام حسین علیه السلام ارادت ویژه داشته اند. اما ماجرای زیارت جابر را در فصل «زیارت معلولین» می آوریم.

دسته دیگر از معلولین بودند که در دوره های بعد از دوره امام حسین علیه السلام، به عمران و آبادانی کربلا و آستان مقدس حضرت پرداختند؛ مثل سید ابراهیم مجاب که در سال ۲۴۷ق از کوفه به کربلا مهاجرت کرد و در کربلا سکونت گزید و در عمران کربلا بسیار کوشید. او را اولین کسی دانسته اند که در کربلا خانه ساخت و ساکن شد.

سید ابراهیم فرزند سید محمد عابد، نوه امام موسی بن جعفر علیه السلام، معروف به سید ابراهیم مجاب که در منابع قدیمی از وی با عنوان ضریر کوفی یاد می شود. اولین شخصیت از اولاد فاطمه زهرا سلام الله علیه بود که در سال ۲۴۷ق به کربلا رفته و در آن جا سکونت گزید. امروزه نیز چندین طایفه بزرگ از سادات موسوی از نسل همین سید بزرگوار در کربلا زندگی می کنند. بعضی پژوهشگران مثل نویسنده بقیه سید ابراهیم مجاب در دایرهالمعارف تشیع به نقل از اعیان الشیعه نوشته است:

«بین مورخان و نسب شناسان اتفاق نظر است که پس از ویرانی کربلا به دستور متوکل، اولین علوی که در دوره مستنصر بالله فرزند متوکل به سال ۲۴۷ق، کربلا را مسکن دائمی خویش قرار داد، سید ابراهیم مجاب بود. وی که از کوفه به کربلا هجرت کرد بینایی خود را از دست داده بود»^(۱).

معروف است؛ هنگامی که او را به کنار قبر سیدالشهداء علیه السلام هدایت کردند و بر امام حسین علیه السلام سلام داد، از داخل قبر مطهر پاسخ سلام او داده شد؛ لذا بدین جهت وی به سید ابراهیم مجاب (جواب داده شده) شهرت یافت. علامه سید محسن امین پس از نقل این داستان می گوید: «و الله اعلم بصلحه ذلك»؛ خداوند داناتر به درستی این داستان است.^(۲)

امروز بقیه ابراهیم مجاب، در زاویه شمال غربی رواق مطهر حسینی در نقطه تلاقی رواق شاهی و رواق بالای سر واقع است و دارای ضریحی از برنج به ابعاد ۳*۳ و ارتفاع حدود ۲ متر است. در وسط ضریح صندوق نفیس خاتم کاری قرار دارد. این بقیه از زیارتگاه های مهم داخل آستانه حسینی است.

در سده چهارده و پانزده قمری عده ای از سادات معروف به سادات گوشه دزفول خود را از نوادگان سید مجاب دانستند و لقب و فامیل خود را مجاب نمودند. یکی از مشاهیر این خاندان سید محمد کاظم مجاب است.

افراد بسیار در کسوت ها و مشاغل مختلف در ترویج پیام امام حسین علیه السلام و بسط تفکر عدالت خواهی حضرت کوشیده اند. سلیم بن قیس هلالی در کتابش به عنوان اولین نویسنده کوشیده تا پیام حسینی را زنده نگه دارد. سلیمان بن قته را نخستین کسی دانسته اند که مرثی زیبایی درباره حضرت سرود. سعیده بنت مالک خزاعی را اولین زنی دانسته اند که در صحرای کربلا در سال ۶۱ق ناله و شیون سر داد و مرثی درباره شهداء و امام شهیدان خواند.^(۳)

اما تا کنون تحقیق جامع و گسترده درباره کسانی که معلولیت داشته و در این حوزه فعال بوده اند، انجام نگرفته و عرضه نشده است.

در صورتی که چنین تحقیقی انجام شود، تاریخ معلولان و دغدغه های آنان هم به دست می آید.

- ۱- دایرہالمعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۴۵.
- ۲- اعیان الشیعہ، ج ۲، ص ۲۲۴.
- ۳- دایرہالمعارف تشیع مقاله های سعیده بنت مالک؛ سلیمان بن قتہ.

یاران امام حسین علیه السلام و کسانی که از امام تبعیت کردند و در قیام حسینی شهید شدند، سنگ بنایی را پایه گذاری کردند تا سال ها ماند و تداوم یافت. معلولان در دوره های بعد، از معلولین دوره امام حسین علیه السلام الگوگیری کردند و به حمایت از امام، ترویج تشیع و اگر لازم بود شهادت پرداختند.

بعضی از آنان با پیروی از این شهیدان معلول، به قیام و مبارزه علیه ظلم و فساد و تبعیض رو آوردند و بالاخره شهید شدند و بعضی به ترویج و تبلیغ و امور فرهنگی و علمی رو آوردند.

اینجا اصحاب دیگر امامانی که دارای نوعی معلولیت بودند، به اجمال معرفی می شوند. با شناخت وسیع تر یاران امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به حمایت معلولین از امام حسین علیه السلام بهتر پی می بریم. چون ائمه علیهم السلام حقیقت واحد هستند و یاری امامان پس از امام حسین علیه السلام در واقع حمایت از امام حسین علیه السلام هم هست. از طرف دیگر شهادت معلولین اولین بار در دوره امام حسین علیه السلام اتفاق افتاد و نوعی الگوی جدید در زندگی معلولان شکل گرفت و بعد از آن خط حمایت از امامت شیعی تداوم یافت.

سعید اعرج

سعید بن عبدالرحمان، ابو عبدالله و به قولی: ابن عبدالله أعرج سمان کوفی، از محدثان بزرگ و مورد وثوق شیعه که از محضر امام جعفر صادق علیه السلام کسب علم نموده و کتابی از مجموعه احادیث تألیف کرده است که از اصول مورد اعتماد به شمار آمده است. جمعی از راویان مشهور - همچون صفوان بن یحیی، و ابان بن عثمان، و معاویه بن وهب - از او حدیث گرفته اند، چنانکه او از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز روایت کرده است.

شیخ کلینی در حدیثی از او چنین روایت می نماید که گفت: من و سلیمان بن خالد به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدیم، امام آغاز سخن کرد و فرمود: ای سلیمان، هر دستوری که از امیرالمؤمنین علیه السلام رسیده باید پذیرفته شود، و هر چه را نهی فرموده باید اجتناب و ترک گردد، برای آن حضرت همان مزیت است که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بر تمامی مخلوق فضیلت و برتری است. هر کس در یکی از احکام حضرت علی علیه السلام عیب کند، مانند آن است که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عیب گرفته باشد، و هر که در مورد کوچک یا بزرگی رد نماید، در مرز شرک به خدا است. امیرالمؤمنین علیه السلام باب الله بوده که از غیر آن نتوان به خداوند رسید، او راه به سوی خدا است که هر آن که جز آن بپوید هلاک گردد، مقام ائمه علیهم السلام نیز همین است که یکی پس از دیگری، خداوند، ایشان را

ستون های اساسی زمین قرار داده تا زمین اهل خود را از بین نبرد، و حجت رسای خویش نمود بر آنان که روی زمین و آنان که زیر خاکند. (۱)

ابوالاحوص

سَعِير بن الخَمْس تميمی کوفی، ابومالک، یا ابوالاحوص از جمله راویان حدیث شیعیه. وی از محضر مبارک حضرت امام صادق علیه السلام کسب فیض نموده، و به جمع اصحاب آن جناب پیوسته است. بعضی از رجال نویسان سنی او را مورد وثوق و راستگو برشمرده اند. جمعی از راویان همچون علی بن هشام عامری و دیگران از او حدیث آورده اند. (۲)

احوص به کسی گفته می شود که آسیب و مشکل چشمی داشته باشد. در ترجمه آن چشم تنگ، کم بینا، یک چشمی، کسی که یک چشم او تنگ تر و کوچک تر از چشم دیگرش است و دارای چشمان تابنا گفته اند.

سلیمان بن خالد

ابوالزَّیْع سلیمان بن خالد بن دهقان بَجَلی اقطع کوفی، از محدثان برجسته و فقها و قاریان اصحاب امام باقر و امام صادق علیه السلام. وی با زید بن علی بن الحسین علیه السلام خروج کرد، و در نبرد با سپاه بنی امیه انگشت او به شمشیر یوسف بن عمر - فرمانده لشکر مخالف - قطع شد، و غیر از او کسی از اصحاب امام باقر علیه السلام در قیام زید شرکت نداشت. و چون در آن خروج از امام باقر علیه السلام مأمور نبود، توبه کرد و به آن حضرت رجوع نمود. سلیمان کتابی داشته که آن را محدث مشهور شیعیه عبدالله بن مسکان از او روایت کرده است. بعضی از علما روایات او را تا سیصد و چهار مورد شمارش کرده اند. جمعی از محدثان برجسته همچون ابن ابی عمیر، و جمیل بن درّاج، و جمعی مشهور از او روایت کرده اند. (۳)

سلیمان بن مهران اعمش

ابو محمد سلیمان بن مهران معروف به اعمش کوفی، مولای بنی کاهل از بنی اسد، از تابعین مشهور و از خواص اصحاب امام صادق علیه السلام. وی در علوم قرآن و حدیث و فرائض مهارت کامل داشته، و با آن که شیعی مذهب است علمای عامه از او بسیار تجلیل کرده اند، و به حفظ و قرائت و کثرت حدیث ستوده اند، و قرین زهری در حجاز دانسته اند و از جهت کمال وثاقت و صداقتش او را «مصحف» می خواندند.

ص: ۸۴

۱- . دایره المعارف تشیع، ج ۹، ص ۱۷۵؛ معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۱۲۲.

۲- . دایره المعارف تشیع، ج ۹، ص ۱۸.

۳- . همان، ص ۲۷۴.

لقب اعمش به سبب ضعف چشم و آب ریزش آن بوده است. بنابر مشهور سلیمان اعمش در کوفه به دنیا آمد، و بعضی گفته اند: در کودکی از ایران به کوفه برده شد، پدرش مهران از اهالی ری بوده است. تاریخ ولادت اعمش را عاشورای ۶۱ق - روز شهادت امام حسین علیه السلام - ضبط کرده اند. وی محضر چند تن از صحابه را درک کرد، و جمعی از تابعین را ملاقات نموده و از ایشان حدیث گرفته است. ابو وائل و سعید بن جبیر و عده ای دیگر از مشایخ او به شمار آمده اند، و جمع بسیاری از علما و مشاهیر همچون سفیان ثوری و غیره از او روایت کرده اند.

اعمش مردی هوشمند و حاضر جواب و نکته پرداز بوده که حکایات و نوادر بسیار از او نقل شده است تا آنجا که ابن طولون شامی کتابی به نام الزهر الانعش فی نوادر الاعمش تألیف کرده است، از جمله اینکه: روزی ابوحنفیه به اعمش گفته: از تو شنیدم که می گفتی: هرگاه خداوند نعمتی را از کسی بگیرد، به جای آن نعمت دیگری به او می دهد؟ اعمش گفت: همینطور است. ابوحنفیه گفت: اکنون بگو که خداوند به جای این که چشمانت را چنین بیمار و معیوب ساخته چه نعمتی به تو داده است؟ اعمش گفت: در عوض این نعمت را داده که پیر احمقی مثل تو را نمی بینم!

احادیث بسیار در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام از اعمش روایت شده است، مرحوم علامه امینی او را در شمار راویان حدیث غدیر از تابعین یاد آورده، و طرق روایتش را از کتب عامه نقل کرده است. بازگو کردن این احادیث در آن عصر، مخالفتی آشکار با حکومت بود. سلیمان اعمش در نیمه ربیع الاول سال ۱۴۸ق وفات یافت. (۱)

اعرجی ها

جامعه شیعیان کنونی ایران و عراق از نسبت دادن فردی به نوعی از معلولیت ناراحت می شوند. مثلاً کسی که واقعاً نابینا است اگر به او گفته شود کور یا کسی که مشکل حرکت در پا دارد اگر به او گفته شود شلّ و فلج معمولاً دلگیر و ناراحت می شوند. از این رو خانواده معلولین یا خود آنها بعضاً منکر معلولیت خود هستند یا دوست ندارند عضوی از جامعه معلولین شمرده شوند.

اما در گذشته مثل قرون نخست اسلامی چنین لقب ها و نسبت ها وجود داشته و کسی هم ناراحت نمی شده است. برای نمونه خاندان مشهوری در شیعه هست به نام آل اعرجی یا اعرجیون یعنی فرزندان لنگ یا لنگ و شل ها.

آل اعرجی از قدیمی ترین و بزرگترین خاندان های علمی شیعه در ایران و عراق و لبنان. این طایفه از ذریه عبیدالله اعرج فرزند حسین اصغر بن زین العابدین علیه السلام هستند، چون یک پای وی لنگ بود به اعرج شهرت یافت و لقب وی عنوان این سلسله تا عصر حاضر گشته است. بعضی از علمای این خاندان عبارتند از: (۱) امام ضیاءالدین ابوالحسن محمد (درگذشت ۵۳۷ق) فرزند حسین حسینی بلخی آل اعرجی از نقبا و زعمای بلخ؛ (۲) ابوالقاسم عبدالله محمد فرزند محمد بن حسین از اکابر علمای قرن ششم هجری در بلخ و صاحب ترجمه کتاب فضائل بلخ به فارسی در سال ۶۷۶ق؛

ص: ۸۵

۳) سید مجدالدین ابوالفوارس محمد فرزند فخرالدین علی بن محمد ابن احمد بن علی حسینی حلی آل اعرجی از فحول علمای قرن هشتم، همسر وی خواهر علامه حلی بود و از بطن او پنج فرزند ذکور به دنیا آمد به نام های جلال الدین علی و عمیدالدین عبدالمطلب و ضیاء الدین عبدالله و نظام الدین عبدالحمید و غیث الدین عبدالکریم که همگی از اکابر علمای عصر خویش بوده اند؛ ۴) سید ابوسعید حسن فرزند ضیاءالدین عبدالله بن مجدالدین ابی الفوارس حسینی آل اعرجی از دانشمندان شیعه در قرن نهم هجری؛ ۵) سید فخرالدین عبدالوهاب فرزند ضیاءالدین عبدالله بن مجدالدین ابی الفوارس از اکابر علما، مشهورترین اعقاب ذکور وی عیث الدین خلیفه و عالم محقق جلال الدین ابوالقاسم علی بودند که در بغداد به قتل رسید؛ ۶) سید محسن (درگذشت ۱۲۲۷ق) فرزند سید حسن بن سید مرتضی حسینی کاظمی آل اعرجی از اعظام علمای شیعه، از مشهورترین مؤلفات وی الوسائل در فقه و کتاب المحصول است؛ ۷) سید راضی (درگذشت ۱۲۳۷ق) فرزند سید حسن بن سید مرتضی حسینی کاظمی بغدادی آل اعرجی؛ ۸) سید صالح فرزند سید جعفر بن سید محمد بن سید حسن حسینی بغدادی آل اعرجی از فحول شعرای شیعه در اواخر قرن سیزدهم هجری؛ ۹) سید جعفر (۱۲۷۴-۱۳۳۲ق) فرزند سید محمد بن سید جعفر بن سید راضی بن سید حسن حسینی بغدادی آل اعرجی مورخ نسابه. (۱)

کتاب هایی درباره آل اعرجی تا کنون تألیف و عرضه شده است؛ مثل نفحات بغداد فی نسب الاعرجیه الامجاد؛ الصراط الابلیج فی انساب بنی الاعرج، الحدیقه البهیة فی نسب الاعرجیه؛ الدرہ الابدیة فی نسب الاعرجیه.

ابوعلی عیبده الله: بنیانگذار آل اعرجی، ابوعلی عیبده الله مشهور به اعرج است. او فرزند حسین اصغر فرزند حضرت سجاد علیه السلام (درگذشت ۹۵ق) است. او از برجستگان شیعه و سر سلسله آل اعرجی است و مادرش ام خالد بود. تاریخ تولد و وفات او ذکر نشده اما اگر پسر امام زین العابدین علیه السلام در سال ۱۵۰ق زنده بود باشد، و عیبده نوه امام زین العابدین علیه السلام هم ۴۰ سال عمر کرده باشد، پس او در سال ۱۹۰ زنده بوده است. عیبده الله چون یکی از پاهایش لنگ بوده به اعرج مشهور گشته و ذریه او تا عصر حاضر به آل اعرجی شهرت دارند و امروزه در عراق و ایران و امارات خلیج فارس و هندوستان و پاکستان پراکنده اند. عیبده اعرج نخست مدائن را مسکن خویش قرار داد و قطعه زمینی از طرف سفاح، نخستین خلیفه عباسی، به وی اهداء گردید که سالانه هشتاد هزار دینار عایدات داشت. سپس به خراسان رفت و مورد استقبال گرم مردم آنجا و ابومسلم خراسانی قرار گرفت و هدایای بسیاری به او اهداء گردید. وی به اختلاف روایات در سن ۳۷ سالگی و یا ۴۶ سالگی در حیات پدرش در ناحیه ضیعه ندی و یا اوذی آمان از نواحی خراسان فوت کرد و اعقاب ذکور وی چهار فرزند بودند به نام های جعفر الحجه و علی الصالح و محمد الجوانی و حمزه مختلس که ذریه او از این چهار فرزند است. (۲)

پس از خاندان وسیع و بزرگ و شخصیت های بسیار بر جای مانده و به نام اعرجی مشهور هستند.

ص: ۸۶

۱- دایره المعارف شیعی، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲- اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۱۳۶؛ دایره المعارف شیعی، ج ۲، ص ۲۷۲.

عبدالله احمد: بعضی از شخصیت ها مشهور به اعرج از خاندان ائمه علیهم السلام بوده اند، مثل ابو عبدالله احمد مشهور به اعرج (۳۰۱-۳۵۸ق) که فرزند ابوعلی محمد اعرج بن ابی المکارم احمد بن موسی مبرقع فرزند حضرت امام محمد الجواد علیه السلام بود. او از برجستگان شیعه و نقیب طالبیان قم بود. خودش و پدرش هر دو مشهور به اعرج بوده اند. او رهبری شیعیان را در عصر خویش در دست گرفت و دارای نفوذ بسیاری بین مردم بود و کریم النفس و سخی الطبع و زاهد و با تقوی بود. نقابت علویین را پس از فوت ابوالقاسم علوی به او واگذار نمودند. وی از معاصرین حسین ابن علی بن حسین بن بابویه قمی بود. مقبره او در آستانه محمد بن موسی مبرقع در محله موسویان قم معروف به چهل دختران است.^(۱)

ابوعلی محمد: حیف است اطلاعاتی درباره شخصیت دیگر که به اعرج مشهور بوده و پدر ابو عبدالله احمد است ندهیم. او ابوعلی محمد (درگذشت ۳۱۵ق) فرزند احمد بن موسی مبرقع فرزند حضرت امام محمد الجواد علیه السلام مشهور به اعرج و از برجستگان شیعه و نقیب طالبیان بود. وی از کوفه به قم هجرت نمود و مورد استقبال قرار گرفت و نقابت طالبیان را در قم به او تفویض نمودند، سپس منصب اماره الحاج را به دست گرفت. فرزندان وی ابو عبدالله احمد در شوال سال ۳۵۱ق و همچنین دو دختر وی ام کلثوم و بریهه در قم متولد شدند. خود وی نیز در قم وفات یافت و در مقبره محمد بن موسی مبرقع به خاک سپرده شد.

ابو داوود عبدالرحمان بن هرمز: شخصیت دیگری در تاریخ مشهور به اعرج است که از تابعان در مدینه بوده و از نظر علوم اسلامی سرآمد بوده است. نامش ابوداود (یا ابوحازم) عبدالرحمان بن هرمز (درگذشت ۱۱۷ق) مشهور به ابن هرمز و معروف به اعرج است. او از تابعان مدینه و مولای محمد بن ربیع بن حارث بن عبدالمطلب بود. ذهبی سن اعرج را هنگام مرگ بیش از ۸۰ سال احتمال داده و درگذشت او را برخی در ۱۱۰، و برخی در ۱۱۹ق نوشته اند.

اعرج در تاریخ نحو عربی و روند تحول آن، در نقطه حساسی جای گرفته است. بعضی او را «نخستین واضع نحو» دانسته و روایات دیگر یا در حق او خاموش مانده و یا او را در کنار ابوالاسود و ابن عاصم نشانده اند.

بیشترین شهرت اعرج پس از نحو، در علم قرائت است. او قرائت را از کسانی چون ابن عباس، ابوهریره و عبدالله بن عیاش بن ابی ربیع آموخت و سپس خود به آموزش این علم پرداخت و کسانی چون نافع از قراء هفتگانه و نیز اسید بن ابی اسید، از شاگردان او به شمار می روند. سیوطی به سبب حضور نه چندان طولانی اعرج در مصر، نام او را در میان پیشوایان قرائت در آن دیار یاد کرده است.

اعرج در نقل حدیث هم دست داشت و از مشایخ او به جز استادان قرائت وی، می توان به کسانی چون ابو سعید خدری و عبدالله بن مالک ابن بحینه از صحابه و ابوسلمه بن عبدالرحمان و عبیدالله بن ابی رافع از تابعان اشاره کرد.

ص: ۸۷

او خود شاگردان و راویانی در حدیث داشته است که در میان آنها می توان به ابن شهاب زهری، یحیی بن سعید انصاری، یحیی بن ابی کثیر، محمد بن یحیی بن حبان، ابو الزناد، ابو زبیر، زید بن اسم، صالح ابن کیسان و عبدالله بن لهیعه اشاره کرد. از نظر رجالی، عموماً او را از ثقات دانسته اند.

وی در اخبار تاریخی نیز صاحب دانش بود و در منابع آگاهی او بر انساب، به خصوص انساب قریش ستوده شده است.

او پس از آنکه سال ها به علم اندوزی پرداخت، در اواخر عمر، با اندیشه جهاد قصد ثغور کرد و به اسکندریه رفت و در رباط اقامت گزید، اما همان گونه که آشنایان نیز به او گفته بودند، به علت کبر سن، دیگر برای انجام دادن اینگونه امور، توانایی نداشت و پس از چندی در همان دیار درگذشت. (۱)

با اینکه ابو داوود هم مشهور به اعرج است ولی با خاندان آل اعرجی ارتباط ندارد و جزء دانشمندان اهل سنت است ولی آل اعرجی از خاندان های شیعی است. در مقاله دایرهالمعارف بزرگ اسلامی که آقای جعفر شعار نوشته اشاره به اعرج بودن او نشده است.

همه این اطلاعات درباره اعرج را آوردم تا معلوم گردد در صدر اسلام از به کار بردن اعور، اصم و اعرج ابناء و کراهت نداشتند.

ص: ۸۸

۱- . دایرهالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۳۷۹-۳۸۰.

بخش سوم: زیارت مزار امام

اشاره

ص: ۸۹

عموم مردم از کشورهای مختلف و شهرهای عراق از مذاهب و طوایف گوناگون هر سال به کربلا رفته و مقبره امام حسین و دیگر شهیدان کربلا را زیارت می کردند و هنوز این سنت ادامه دارد. معلولان هم در کنار مردم و با شور خاصی با طی کردن مسافت های طولانی و با جسمی کم توان به کربلا می رفتند و هنوز این سنت ادامه دارد.

این فصل به معرفی معلولانی می پردازد که به کربلا و زیارت امام حسین علیه السلام می رفته اند.

نابینایان، ناشنویان و آسیب دیدگان جسمی و ضایعه نخاعی از قرن نخست اسلامی، علاقه بسیار به زیارت امام حسین علیه السلام داشتند و به رغم همه موانع و مشکلات به این سفر معنوی می شتافتند.

منابع تاریخی اولین نابینایی که از مزار حضرت و اصحابش بازدید کرد و به زیارت پرداخت، جابر انصاری صحابی معروف می دانند.

آخرین فعالیت های معلولین برای زیارت امام حسین علیه السلام، مشارکت و حضور آنان در راهپیمایی اربعین در سال های اخیر است. هر سال در مراسم اربعین حسینی در کربلا، معلولین حضور گسترده و فعال دارند.

این فصل به معرفی معلولانی که به عنوان زائر از قدیم تا کنون به زیارت حضرت شتافته اند، می پردازد.

جابر انصاری

ابوعبدالله (یا ابومحمد) جابر بن عبدالله انصاری سَلَمی خَزرجی (درگذشت ۷۱ق) او حدود یکصد سال عمر نمود و از مشهورترین صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آل و سلم است. همچنین همواره در کنار امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود.

وی در جنگ بدر و ۱۸ غزوه دیگر کنار رسول اکرم صلی الله علیه و آل و سلم شرکت داشته و از یاران وفادار حسنین علیه السلام و امام زین العابدین علیه السلام و حضرت باقر علیه السلام بوده و در جنگ صفین در رکاب امام علیه السلام می جنگید و از شرطه خمیسه امیرالمؤمنین علی علیه السلام بوده و سلام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آل و سلم را به امام محمدباقر علیه السلام رسانیده است.

سید ابن طاووس (م ۶۶۴ق) در اللّهُوف فی قتلی الطفوف و شیخ عمادالدین ابوجعفر محمد طبری در بشاره المصطفی و غیره می نویسند: در بیستم صفر سال ۶۲ق جابر انصاری به زیارت مرقد مطهر ابوعبدالله الحسین علیه السلام شتافت و هنگام رسیدن به کربلا- در کنار شط فرات غسل نمود. سپس به کنار قبر مطهر آمد و چون بینایی خود را از دست داده بود به غلام خویش گفت دست مرا به قبر سیدالشهداء علیه السلام بمال. غلام وی می گوید که او از حال رفت و غش کرد، پس از اینکه آب به صورت او پاشیدیم و حالش به جا آمد سه مرتبه فریاد زد یا حسین و بعد فرمود: «حَبِيبٌ لَا يَجِيبُ حَبِيبَهُ». در کتب سیره و رجال شیعه در وثاقت و جلاله قدر او اتفاق کلمه است؛ و نیز در کتب عامه به عظمت از او یاد کرده اند و خدشه ای در صداقت و ثقه بودن او وارد نکرده اند. ابن عساکر در تاریخ دمشق پس از ذکر نسب وی تا خزرج می نویسد او جوان ترین هفتاد نفر از انصار بود که در عقبه شرکت داشت و با رسول الله صلی الله علیه و آل و سلم بیعت نمود و از

بیست و هفت غزوه که پیغمبر صلی الله علیه و آل و سلم شخصاً شرکت کرد جابر در شانزده غزوه آن حاضر بود و گاهی پدرش او را به سرپرستی سایر برادران وی و عهد و عیال در منزل می گماشت تا اینکه پدرش عبدالله در جنگ احد به شهادت رسید. سپس او در تمام جنگ ها شرکت جست و نخستین غزوه جابر غزوه حمراء الاسد بود. مسعودی در مروج الذهب می نویسد او به دمشق رفت و با معاویه ملاقات داشت و معاویه از سخنان او شدیداً ناراحت گردید. سپس معاویه ششصد دینار از برای وی ارسال داشت جابر آن را نپذیرفت و پس داد و در پاسخ هدیه او ایبائی نگاشت. جزری (۵۵۵-۶۳۰ق) در اسد الغابه می نویسد: جابر در آخر عمر خویش بینایی خود را از دست داد و پس از مرگش امیر مدینه ابان بن عثمان بر نعش او نماز گذارد. (۱)

وی پس از وفات رسول الله صلی الله علیه و آل و سلم در انتظار به سر می برد چون پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آل و سلم به او خبر داده بود که تو یکی از فرزندان مرا درک خواهی کرد نام و شمائل وی شبیه من است سلام مرا به او برسان. حمدویه و برادرش ابراهیم فرزندان نصیر و همچنین ابومحمد جعفر بن معروف بن سند متصل خود به نقل از امام صادق علیه السلام روایت می کنند که امام علیه السلام می فرمود: جابر از یاران صدیق اهل بیت علیهم السلام بود. در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آل و سلم می نشست و عمامه سیاه بر سر داشت و فریاد می زد یا باقرالعلم یا باقرالعلم و مردم مدینه می گفتند جابر هذیان می گوید و او می گفت: به خدا سوگند که هرگز هذیان نمی گویم، شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آل و سلم می فرمود «انک ستدرک رجلا من اهل بیتی اسمه اسمی و شمائله شمائلی یبقر العلم بقراً». اینست که من در انتظار به سر می برم و بیهوده سخن نمی گویم، سپس یک روز هنگامی که جابر در کوچه های مدینه راه می رفت با جوانی برخورد کرد، او را صدا زد و نامش را پرسید؟ و فرمود نام من محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام است. جابر با تکریم تمام سر مبارک او را بوسید و عرض کرد: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ إِلَيْكَ أَرْسَلَنِي بِرِسَالِهِ أَنْ أَقْرَأَكَ السَّلَامَ قَالَ: عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ السَّلَامَ. سپس جابر عرض کرد بَأَنِي أَنْتَ وَأُمِّي أَضْمِنَ لِي أَنْتَ الشَّفَاعَةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ فَقَدْ فَعَلْتُ ذَلِكَ يَا جَابِرَ.

روایت شده که جابر با سخنان خود مردم را به دوستی و پیروی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام دعوت می کرد و در کوچه ها و مجالس مدینه بر عصای خود تکیه می زد و می گفت: عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرُ الْبَشَرِ فَمَنْ أَبِي فَمَنْ فَصَدُّ كَفَرًا يَا مَعْشَرَ الْاَنْصَارِ اَدَّبُوا اَوْلَادَكُمْ عَلِيَّ حُبِّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَنْ أَبِي فَلْيَنْظُرْ فِي شَأْنِ اُمَّه. ذریه و تبار وی امروزه در ایران و عراق پراکنده و به انصار مشهوراند. وی در سلسله سند یازده روایتی که از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آل و سلم نقل شده قرار دارد. احادیث و روایاتی از حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها نقل می کند و فرات کوفی در تفسیر خویش سیزده مورد از جابر هنگام تفسیر آیه روایت نقل می کند. ابوالخیر وی را در کتاب طبقات مفسرین خود از مفسرین طبقه اول ضبط کرده است. (۲)

ص: ۹۲

۱- . دائره المعارف تشیع، ج ۵، ص ۲۴۷؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۷، ص ۱۵۰.

۲- . دائره المعارف تشیع، ج ۵، ص ۲۴۷-۲۴۸؛ اعیان الشیعہ، ج ۴، ص ۴۵؛ معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۱.

روایت مشهوری به نقل از عطیه العوفی نقل شده که می گوید: من همراه جابر بن عبدالله انصاری، جهت زیارت قبر مطهر اباعبدالله الحسین علیه السلام خارج گشتیم. هنگامی که به کربلا وارد شدیم، جابر در کنار شط فرات پیاده شد، غسل کرد و بهترین جامه های خویش را بر تن کرد و عطری که همراه داشت به خود زد. هر قدمی که به سوی قبر بر می داشت تکبیر می گفت و خدا را یاد می کرد.

چون جابر بینایی خود را از دست داده بود از من خواست که دست او را به قبر مطهر سیدالشهداء علیه السلام بمالم. هنگامی که دست خود را روی قبر شریف گذاشت، بر روی قبر افتاد، جابر به حالت غش روی مزار [امام حسین علیه السلام] افتاد؛ به صورتش آب پاشیدم؛ به هوش آمد. آنگاه سه بار گفت: «یا حسین!» بعد با خود می گفت: (حیب لایجب حیب) آیا دوست جواب دوستش را نمی دهد؟

سپس خطاب به امام علیه السلام گفت: می دانم چرا جواب مرا نمی دهی، آنگاه ادامه: چگونه می توانی جواب دهی در حالی که بین بدن و سرت فاصله افتاد است....

متن این حدیث اینگونه است:

عن عطیه العوفی قال: خرجت مع جابر بن عبدالله الانصاری رضی الله عنه زائرا قبر الحسین علیه السلام - و كان جابر مكفوف البصر - فلما وردنا كربلاء، دنا جابر من شاطئ الفرات، فاغتسل ثم ائترز بازار وارتدى بأخر، ثم فتح صره فيها سعد فنثرها على بدنه، ثم لم يخط خطوط الا ذكر الله تعالى حتى اذا دنا من القبر قال: ألمسنيه، فألمسته اياه، فخر على القبر مغشيا عليه، فرششت عليه شيئا من الماء.

فلما أفاق قال: يا حسين ثلاثا، ثم قال: حبيب لا يجيب حبيب، ثم قال: و انى لك بالجواب، و قد شخبت أوداجك على اثابجك، و فرق بين بدنك و رأسك، أشهد انك ابن خير النبيين، و ابن سيد المؤمنين، و ابن حليف التقوى، و سليل الهدى، و خامس أصحاب الكساء، و ابن سيد النقباء، و ابن فاطمه سیده النساء و مالك لا تكون هكذا، و قد غدتك كف سيد المرسلين، و رببت في حجر المتقين، و رضعت من ثدى الايمان، و فطمت بالاسلام، فطبت حيا، و طببت ميتا غير ان قلوب المؤمنين غير طيبه بفراقك، و لا شاكه في حياتك، فعليك سلام الله و رضوانه. (1)

ص: ۹۳

قرار است با مطالعه اسناد و مدارک کهن مثل سفرنامه ها، به گردآوری اسناد درباره حضور و مشارکت معلولین از کشورهای مختلف در زیارت در ایام اربعین حسینی در قرون گذشته بپردازیم. بعداً تصمیم گرفتیم این تحقیق را مستقلاً چاپ کنیم. از این رو این فصل فقط به پنج سال اخیر می پردازد.

حضور معلولین

معلولین در سال های اخیر در کنار مردم عادی از شهرهای ایران و نیز از شهرهای عراق و حتی برخی کشورهای دیگر بار سفر کربلا را بسته و به هر روشی امکان پذیر بوده خود را به کربلا رسانده و به زیارت مرقد امام حسین علیه السلام پرداخته اند. خبرگزاری مهر در اربعین ۹۴ از حضور معلولین اینگونه نوشته است:

این روزها مرزهای خوزستان مملو از زائرانی است که به عشق امام حسین علیه السلام قصد حضور در کربلا را دارند ولی در این بین حضور افراد معلول بسیار جلب توجه می کند. هر کسی با کاروان و یا به صورت انفرادی راهی سفر به کربلاست. در این میان اما هستند کسانی که شرایط جسمانی متفاوتی دارند، آنها که با پای دل به دیدار معشوق می شتابند.

در میان زائرانی که این روزها در مرزها حضور دارند، عزم و اراده آنهایی که بدون پا و تنها به کمک یک ویلچر در حال عزیمت به کربلا هستند، وصف شدنی نیست. سختی راه اصلاً برای آنها معنایی ندارد و آن را شیرین هم می دانند درحالی که سفر به کربلا از طریق هوایی و یا با کاروان هایی که بدون پیاده روی عازم می شوند هم امکان پذیر است.

حسن منافی یکی از معلولانی که با ویلچر راهی کربلاست در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار می کند: رفتن به کربلا با این وضعیت کمی سخت است ولی به امید شفاعت امام حسین علیه السلام این راه را می روم. به امید خدا و به امید شفاعت امام حسین علیه السلام هرچقدر جلوتر می روم بیشتر روحیه می گیرم و طی کردن مسیر برای من شیرین تر می شود. وقتی در خانه بودم همواره به این فکر می کردم که بروم یا نه؟ چون ممکن بود اذیت شوم ولی به محض خروج از خانه همه چیز برایم آسان شده و اصلاً نمی دانم چطور مسیر را طی می کنم. اصلاً از تروریست ها ترسی ندارم و در این راهی که آمده ام اگر شهید شوم خیلی هم خوب است. (۱)

سید احمد سبحانی یکی دیگر از معلولان می گوید: اینجا در مرز به کمک دوستان خودم موبک راه اندازی کرده ایم تا به این شیوه به زائران امام حسین علیه السلام خدمات رسانی کرده و ارادت خود

را به سرور و سالار شهیدان اثبات کنم. به تمامی مردم توصیه می‌کنم با توجه به اینکه این روزها دیگر تکرار نمی‌شود و سفر به کربلا فرصتی برای خودشناسی است آن را از دست ندهند. (۱)

محمدرضا خادمی زائری که به کمک دو عصا راهی زیارت امام حسین علیه السلام شده است، می‌گوید: اولین بار است که به زیارت امام حسین علیه السلام می‌روم و با تصمیم خودم و بدون اینکه کسی برایم تعریف کند، پیاده روی را برای سفر انتخاب کردم. از «درود» برای زیارت کربلا آمده‌ام. پیاده رفتن با این دو عصا اصلاً هم برایم سخت نیست و رفتن در این مسیر را به عشق امام حسین علیه السلام می‌پذیرم.

حس خیلی خوبی دارم و بی‌نهایت منتظر لحظه دیدار معشوق خود هستم. اکنون دو روز است که در مرز منتظر رسیدن ویزا هستم و مشتاقانه دوست دارم هرچه سریع‌تر چشمم به بین الحرمین بیفتد. (۲)

پیاده روی زائران معلول

یکی از عاشقان و دوستداران امام حسین علیه السلام که از ناحیه هر دو پا معلول است و قادر به راه رفتن نیست مسیر راهپیمایی به سوی شهر مقدس کربلا را بر روی زانوهای خود طی می‌کند و در مسیر خود موجب شگفتی و دلجویی زائران پیاده قرار می‌گیرد. این اقدام نشان‌دهنده عزم و اراده پیروان اهل بیت علیهم السلام برای ادای زیارت اربعین و همدردی با اهل بیت پیامبر است و این مرد یکی از صدها معلولی است که زیباترین تصاویر را در عرض ارادت به سیدالشهدا علیه السلام به نمایش گذاشته‌اند. (۳)

اکسیر حسینی: نرسیده به مرز شلمچه، مردم به انتظار رسیدن اتوبوس خط واحد ایستاده بودند. زائران حسینی آمده بودند تا از اینجا روانه کربلا شوند. در میانه جمعیت پیرمردی که کهنسال با لهجه ای جنوبی نظرم را جلب می‌کند، اهل بوشهر است و گوش هایش سنگین.

خوب متوجه حرف‌های اطرافیان نمی‌شود. از همراهانش که درباره او سؤال می‌کنم و از چگونگی هموار کردن این راه صعب و طولانی، از چگونگی انرژی گرفتن از فضای معنوی ایجاد شده با وجود ناشنوایی و عدم درک صداها اطراف، پاسخی اینگونه دریافت می‌کنم: «در کاروانمان فرد نایبایی هم هست. این مرد که هم چشم هایش می‌بیند و هم عصا زنان قادر به رساندن خود به مقصد است اما او نایب است».

گفتند عشق به آقا، مرد و زن و پیر و جوان، سالم و بیمار نمی‌شناسد، اکسیر عشق اهل بیت علیه السلام معجزه می‌کند. با شوق عجیبی اطراف را به امید یافتن فرد روشندل جستجو می‌کنم که در پاسخ می‌شنوم وی با اتوبوس قبلی به سمت مرز رفته است. (۴)

۲- همان.

۳- خبرگزاری مهر، چهارشنبه، ۴ آذر ۱۳۹۴.

۴- خبرگزاری جنوب نیوز.

سختی راه: سید سعید کمانی مردی که چشم‌ها و موهایش هر دو ردی از برف‌های زمانه دارد می‌گوید: برای دومین بار است که به قصد زیارت از داراب استان فارس می‌آیم». او که قبلاً هم در زمان دفاع مقدس در منطقه شلمچه بوده، می‌گوید: «نور چشمانم را در جبهه تقدیم کرده‌ام و زیبایی‌های اربعین را با چشم دل می‌بینم».

وی با اشاره به طولانی بودن مسیر تا کربلا، عنوان می‌کند: مسیر ۸۰ تا ۹۰ کیلومتر است. رفتنش سخت است اما خدا هست، دوستان هم کمک می‌کنند.

آنچه در اربعین اتفاق افتاد و سختی‌هایی که اهل بیت و خاندان امام حسین علیه السلام تحمل کردند بسیار بیشتر از طی مسیر تا کربلا است. این سختی‌ها تنها ذره‌ای از سختی‌های آن بزرگان است. (۱)

آن‌هایی که پیاده به زیارت کربلا می‌روند هدفشان این است که گوشه‌ای از مشقت‌هایی را که اهل بیت علیه السلام متحمل شدند را بر خودشان هموار کنند.

این زائر روشندل می‌گوید: در کل مسیر عنایات خداوند و اباعبدالله علیه السلام مشاهده می‌شود. این حرف من نیست. هر کس که این مسیر را می‌رود با اعتقاد می‌گوید که کمک خداوند تا چه اندازه در این مسیر وجود دارد و خداوند تا چه میزان پشت این همه زیبایی اربعین قرار دارد. این مسیر لحظات بسیار زیبایی دارد و مواردی که از عنایت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام دیده می‌شود. روحیه‌ای که انسان می‌گیرد زمانی که متوجه می‌شود عنایات این بزرگان شامل حالشان شده است، نهایت زیبایی‌هاست.

اقدامات سازمان بهزیستی

سید مهدی سید محمدی رئیس دبیرخانه شورای فرهنگی سازمان بهزیستی کشور در گفت‌وگو با خبرنگار گروه اجتماعی باشگاه خبرنگاران جوان؛ با اشاره به اقدام‌های این سازمان در پیاده روی اربعین امسال، اظهار داشت: در سال‌های گذشته از بین انبوه زائران اربعین حسینی تعدادی از جامعه هدف سازمان بهزیستی مانند سالمندان، کودکان معلول، ناشنوایان و نابینایان مشاهده شده است، به همین منظور برای رفع مشکل این افراد موبک‌هایی در مسیر راهپیمایی اربعین برپا می‌شود.

به منظور تعمیر اقلام افراد جامعه هدف سازمان بهزیستی مانند تعمیر ویلچر و کالسکه در مسیر پیاده روی اربعین در ۳ استان ایلام، خوزستان و کرمانشاه ۱۲ موبک به کمک ۵۲ مؤسسه خیریه برپا شده است و خدمات توانبخشی را به زائران ارائه می‌دهند. این موبک‌ها تا نقطه صفر مرزی وجود دارند و اقلام کوچک توانبخشی مانند عصا به زائران اهدا می‌شود، همچنین در این موبک‌ها رابط ناشنوایان نیز وجود دارد که خدمات لازم را به مددجویان ارائه می‌کنند.

خیرین حاضر در موبک‌های سازمان بهزیستی، افراد نیازمند و گمشدگان را تا مرز کمک می‌کنند و تمامی این خدمات در ایام اربعین توسط خیرین و مشارکت سازمان‌های خیریه انجام می‌شود. به دلیل

اینکه مددجویان بهزیستی دارای شرایط خاص جسمی هستند و مدیریت آنها در طول مسیر مشکل است، مسئولان سازمان صلاح ندانستند مددجویان در ایام اربعین و در بین انبوه جمعیت به عتبات اعزام شوند. البته در دوره های گذشته حدود ۵ هزار نفر از مددجویان سازمان بهزیستی به عتبات اعزام شدند اما در سال جاری به دلیل محدودیت های بودجه این کار مقدور نیست. (۱)

حسین نحوی نژاد، معاون توانبخشی بهزیستی کشور، بر اساس گزارشی که ایران سپید در ۲۱ مهرماه ۱۳۹۷ منتشر کرد، بر لزوم انجام اقداماتی مبنی بر اینکه همه مردم از جمله معلولان و جانبازان کشور بتوانند از فضاها و مراسم دینی و معنوی استفاده کنند، تأکید کرد و گفت: باید در سطح شهر و سایر محل هایی که مناسب های مذهبی در آنجا انجام می شود مسئله تردد معلولان در نظر گرفته شود.

وی از برپایی موبک هایی ویژه ارائه خدمات به معلولان در مراسم اربعین خبر داد و گفت: در مراسم اربعین نیز در استان های مرزی موبک هایی برپا می کنیم که به معلولان، جانبازان، افراد ناتوان و افراد مسن ارائه خدمت کنیم. به عنوان مثلاً در صورتی که ویلچر یا وسایل کمک توانبخشی افراد خراب شود در این موبک ها این تجهیزات تعمیر و در اختیار فرد قرار داده می شود.

سه سال است که این اقدامات در داخل مرزهای ایران و مسیرهای منتهی به خروج از کشور انجام می شود و امسال تصمیم گرفتیم برای اولین بار این امکانات را به خارج از مرزها ببریم و خدماتمان را در داخل عراق هم به معلولان و جانبازان ارائه دهیم.

وی با اشاره به اینکه برنامه ریزی ها و اقدامات برای معلولان و افراد دچار مشکل و ناتوان باید به نحوی باشد که آنان به صورت مستقل توان انجام کارهای خود را داشته باشند، گفت: از همه افرادی که در عزاداری امام حسین (ع) و برپایی موبک های اربعین فعال هستند خواسته می شود که در حین ارائه خدمات افراد دارای نیازهای خاص را مد نظر قرار دهند. (۲)

قابل توجه: در مسیر راهپیمایی صدها خیریه، نیکوکار، موبک و غیره به خدمات رسانی اعم از تعمیر کفش و عصا تا ده ها نوع خدمات دیگر می پردازند و به نظر می رسد نیازی به اینگونه خدمات از جانب سازمان بهزیستی نیست.

با توجه به اینکه دبیرخانه شورای فرهنگی یا به تعبیر مشهور معاونت فرهنگی سازمان بهزیستی متصدی اینگونه خدمات است؛ بهتر است این معاونت به امور فرهنگی بپردازد. اساساً وظیفه معاونت فرهنگی سازمان بهزیستی تعمیر ویلچر و دایر کردن موبک برای تعمیر وسایل زائران است یا وظیفه این معاونت رسیدگی به امور فرهنگی معلولان و دیگر مددجویان می باشد؟!

اگر معاونت فرهنگی سازمان بهزیستی به پیشنهادات زیر جامه عمل بپوشاند، به نظر می رسد ضروری تر و مهم تر است:

- فرصت اربعین شرایط و زمینه هایی فراهم می کند و خوب است با تدبیر و برنامه ریزی به ارتقای سطح فرهنگی جامعه هدف پرداخت.

۱- روزنامه ایران، ۲۰ آبان ۱۳۹۵.

۲- www.iransepid.ir/News/۱۴۵۸۳.html.

اما در اربعین ۹۵ غیر از مداحی و مرثیه خوانی آن هم در برخی موبک ها و به طور خودجوش و از طرف خود مردم و مداحان و پخش بسیار محدود بروشور و جزوه، اقدام فرهنگی دیگر مشاهده نشد.

- اقدامات فرهنگی که می توان انجام داد، بعضاً عبارت اند از:

شعارها و سرودهای فارسی و عربی کوتاه و پرمحتوا ولی بدون تعقید و ساده روی برگه هایی چاپ و در اختیار زائران گذاشت تا در طول مسیر زمزمه کنند یا مردان با صدای آهنگین بخوانند.

این سرودها موجب ازدیاد انرژی و تقویت روحیه و ایمان و معنویت افراد می شود.

- پخش احادیث روی تراکت های زیبا

- برگزاری مسابقه های مذهبی بین زائران

- برپایی کارگاه ها و نشست های هم اندیشی فرهنگی و علمی

- برگزاری رقابت در تواشیح، خاطره گویی، خاطره نویسی، مقاله نویسی، شعرسرایی و شعرخوانی و ده ها اقدام فرهنگی دیگر.

بسیج عمومی

زائران معلول از شهرهای دور و نزدیک ایران، عراق، افغانستان و دیگر کشورها در اربعین حضور دارند. به عنوان نمونه گروهی از معلولان چالدران هر سال در مراسم اربعین شرکت می کنند.

رئیس بهزیستی چالدران علی اصغر اکبری صبح امروز در گفتگو با پایگاه اطلاع رسانی فرمانداری چالدران درباره حضور معلولان در اربعین گفت: تعداد معلولان معرفی شده و تحت پوشش شهرستان ۴۵۰ نفر است. برنامه زیارتی اعزام معلولان چالدران در اربعین حسینی به کربلای معلی هماهنگ شده است. (۱) تقریباً از همه شهرها و استان های ایران در راهپیمایی اربعین حضور دارند.

کاروان ورزشکاران جانبازان و معلولان: اقبال مختلف جامعه از کشاورز و کارگر، پزشک و پرستار، معلم و استاد دانشگاه، نویسندگان و پژوهشگر همگی عزم زیارت کربلا دارند. لازم است از کاروان از حضور ورزشکاران در زیارت حسینی گزارش دهیم.

کاروانی از ورزشکاران جانباز و معلول برای حضور در مراسم پیاده روی اربعین حسینی راهی کربلا شدند. گروه ۲۱ نفره ای از ورزشکاران جانباز و معلول (۹ جانباز و معلول) و ۱۲ نفر همراه که به جز دو ورزشکار سایر نفرات همراه با ویلچر بودند، عازم نجف عراق شدند تا به گروه زائرانی بپیوندند که با پای پیاده به کربلا می روند.

این مطلب را محمدرضا حسین زاده، مدیر روابط عمومی هیئت جانبازان استان تهران بیان کرد و گفت: با کمک و حمایت مادی و معنوی بهزیستی تهران و فدراسیون جانبازان و معلولان، این گروه ۲۱ نفره روز پنجشنبه به نمایندگی از جامعه معلولان و جانبازان کشور برای حضور در مراسم اربعین امام

ص: ۹۹

۱- . سایت چالدران نیوز، ۱۴ آذرماه ۱۳۹۰.

حسین علیه السلام و یاران با وفایش راهی کربلا شدند. پیمان ارزیگی، ورزشکار معلول گیلانی هم از شهرستان ماسال در لحظات آخر خودش را به کاروان اربعین رساند. (۱)

همچنین محمدرضا حسین زاده، مدیر روابط عمومی هیئت جانبازان و معلولان تهران گفت: این هیئت قصد دارد کاروانی برای حضور در مراسم اربعین شهدای کربلا به عراق اعزام کند، اما علاوه بر کاروانی از ورزشکاران جانباز و معلول قرار است بهزاد ساغرچی عضو تیم فوتبال معلولان CP به صورت انفرادی که حامل پیامی برای جهان اسلام و تشیع است، راهی کربلای معلی شود.

بهزاد ساغرچی که ۲۸ سال سن دارد با وجود معلولیت شدید تصمیم به حضور در پیاده روی اربعین گرفت و زمانی که برای اخذ رواید سفر به سفارت عراق مراجعه کرد با مساعدت یکی از کارمندان ایرانی سفارت مواجه شد. کارمند ایرانی سفارت وقتی متوجه شد ساغرچی با هزینه شخصی عازم کربلاست تمهیداتی در نظر گرفت تا وی علاوه بر صدور سریع ویزایش، استقرار راحتی در هتلی در کربلا داشته باشد. ضمن اینکه وی به دلیل اینکه مشکل حرکتی دارد صاحب یک ویلچر مجهز هم خواهد شد تا بخشی از مسیر پیاده روی را با کمک ویلچر طی کند. (۲)

معلولان عراقی

عکاس شبکه جهانی الکفیل که در روزهای اربعین در مسیر شهرهای جنوبی به سمت کربلا حضور داشت، تصویری از یک معلول حرکتی را ارسال نمود که با پای پیاده به سوی کربلای عشق و ایثار در حرکت بود.

این زائر شایسته امام حسین علیه السلام از شهر الجبایش در ۴۰۰ کیلومتری جنوب کربلا در استان ذی قار با پای پیاده به سوی کربلا در حرکت است. آنچه مسلم است این زائر با شرایط دشوار حرکتی خود هر روز و به طور خوشبینانه نمی تواند بیش از ۳۰ کیلومتر مسیر بپیماید. این بدان معناست که این زائر ۱۳ روز در راه خواهد ماند تا به حرم حسینی برسد.

این عکس حکایات های زیادی از طوفان اربعین دارد. حکایت هایی که همگی با صدای بلند یک شعار می دهند: (۳)

برای دومین سال متوالی یکی از شهروندان عراقی به نام داخل خدم که با معلولیت حرکتی مادرزادی مواجه است، در حال حرکت به سوی کربلای معلی است.

این مرد از اهالی شهرستان الکحلاء از توابع استان میسان در جنوب عراق است که علی رغم معلولیت حرکتی مادرزادی که با آن مواجه است، پای در راهی بس سخت و طاقت فرسا می نهد تا به جهان بگوید که دیوانه عشق حسین علیه السلام است.

وی که سال گذشته نیز در این ایام به کربلای معلی رفته است امسال نیز روی دو زانوی خود در حال حرکت به باب القبله حسین علیه السلام است تا ارادتش را به مولای بی سر و کفنش اثبات نماید.

۱- . خبرگزاری تسنیم، ۷ آذرماه ۱۳۹۴.

۲- . خبرگزاری تسنیم، شنبه ۲۳ آبان ماه ۱۳۹۴.

۳- . الکفیل

این عاشق حسینی در منطقه البتیره در ۳۰۰ کیلومتری جنوب کربلا- با عزمی آهنین در حال حرکت به سوی کربلا- است. این مسیر برای افراد سالم بیش از ۸ روز به طول می انجامد. حال باید پرسید این مرد عاشق تا چند روز دیگر به جوار مولایش حضرت سیدالشهدا علیه السلام خواهد رسید؟ آقای داخل خدم که هرگونه کمکی را رد می نماید در پاسخ دلیل حرکتش به سوی کربلای معلی در یک جمله گفت: همین بس که مقصد حسین علیه السلام است. (۱)

یکی از زائران خاطره ای از حضور یک معلول عراقی نقل می کند که زیبا است:

وقتی عمود* ۲۵۳ را رد کرده بودیم، دیگر واقعاً توانی برای حرکت نداشتم، آرزو می کردم بچه هایی که همراه بیرق، تقریباً صد متر جلوتر از ما حرکت می کردند، لحظه ای برای استراحت درنگ کنند تا با نوشیدن یک استکان چای عربی - که هزاران زائر از آن استکان نوشیده بودند و آن مرد عراقی هر بار تنها آنرا در ظرف آبی فرو می کرد تا مثلاً آن را بشوید - توان دوباره ای برای راه رفتن بیابم. در همین حال ناگهان مرد میانسال عربی را دیدم که از شدت عرق ریختن در آن سرمای زمستانی، تمام یقه لباس مندرسش خیس شده بود. باور نمی کنی اگر بگویم با دیدن او تمام خستگی وجودم از بین رفت و جایش را به نوعی خجالت همراه با سرافکنندگی داد.

خودم را به او رساندم، برای اینکه بتوانم با او صحبت کنم کمی خم شدم، چون هر دو پایش معلول بود و در حالت نشسته با دست هایش راه می رفت، بعد از سلام و احوالپرسی از او پرسیدم: «حضرتکم من این؟» (اهل کجایی؟) و او در حالی که نفس نفس زنان خود را سانتی متر به سانتی متر به جلو می کشید جواب داد: «من دیوانیه» (اهل شهر دیوانیه هستم). (۲)

خانم زائر معلول از ناصریه است که تک و تنها توی مسیر دیوانیه به السنیه دیدیمش ازش پرسیدیم خسته نمیشی؟ گفت همه با پاهاشون میرن و خسته میشن؛ منم دستام توی این راه خسته میشه.

او می گفت: ۱۱ سال است از شهر ناصریه با ویلچرم به کربلا می روم. این مسیر طولانی را ۶ روزه با ویلچرم طی می کنم تا به کربلا برسم. (۳)

حوادث ویژه

در جریان همایش اربعین رخدادهای خاص هم به وقوع می پیوندد. برای نمونه روز اربعین شهادت امام حسین علیه السلام در کنار یکی از هیئت های عزاداری در چند متری حرم امام حسین علیه السلام کودک معلول عراقی به نام احمد که توان راه رفتن نداشت نشسته بود که ناگهان لب به سخن گشود و مولای خود سیدالشهدا علیه السلام را همراه با قطرات اشک و قلب کوچک خود اینگونه مخاطب قرار داد:

ص: ۱۰۱

۱- . خبرگزاری ابنا.

۲- . الکفیل

لیبک یا حسین، ای مولا- و جد من، یکی از خادمان تو هستم، تو را قسم می دهم به حق مادرت زهرا، به حق کسی که دو دستش را در کربلا- بریدند، اکنون کسی جز تو ندارم و از تو می خواهم مرا از این بیماری و رنج نجات دهی که اکنون به زیارت شما آمده ام، پس مرا به حق بیمار کربلا شفاعت کن.

هنوز لحظاتی نگذشته بود که احمد در حالی که ستون کنار خود را گرفته بود به روی پاهای خود ایستاد و این جمله را تکرار می کرد که اللهم صل علی محمد و آل محمد.

احمد فلاح کاظم الموسوی اهل بغداد و سیزده ساله است که طبق گفته خودش معلولیت جسمی او این روزها بدتر شده بود.

وی می گوید امسال نیز همچون سال های گذشته تصمیم گرفتم با زائران پیاده روی اربعین زیارت جدم امام حسین علیه السلام همراه شوم و به همراه خانواده و عموها و دوستان راهی کربلا شدیم و بیش از هزار متر نرفته بودیم که به خاطر شدت بیماری و سختی راه، خانواده تصمیم گرفتند مرا به خانه بازگردانند، اما روز دوم باز تصمیم گرفتم به زیارت بروم و زبان حال من این بود که ای جدم ای حسین عادت کرده ام هر سال به زیارت تو بیایم و به زائران خدمت کنم اما حال من بدتر شده، تو را به حق طفل شیرخوار شهیدت قسم می دهم که توفیق زیارت و خدمت به زائران را به من عنایت کنی و بار دیگر از پدرم اجازه گرفتم و راهی کربلا شدم تا به هیئت عزاداری خودمان در خیابان السدره رسیدم.

احمد که اکنون اشک می ریزد ادامه می دهد: به کربلا که رسیدم بسیار خسته بودم و عصر روز اربعین در موكب نشسته بودم و به حرم مطهر چشم دوختم و دیدم درهای ضریح مطهر به طرف من گشوده است و گویی ضریح مطهر به من نزدیک شده و جمعیت میلیونی زائران را نمی دیدم و در این حال بود که با جدم حسین سخن گفتم و با گریه از خدا خواستم مرا به حق حسین شهید مظلوم شفا عنایت کند که دیگر از درمان و مداوا خسته شده ام.

پدر احمد هم که همسر خود را از دست داده و از بیماری فرزند خود بسیار رنج دیده می گوید پزشکان از درمان فرزندم ناتوان بودند و حتی نام بیماری او را هم نمی دانستند و احمد در نهایت همراه زائران و خادمان کربلا شد و از من خواست دیگر او را به دکتر نبرم تا به طبیب خود حسین اکتفا کند و در اوج زیارت اربعین و شلوغ های اطراف حرم مطهر متوجه شدم احمد با صدای بلند و همراه با گریه فریاد می زند "لیبک یا حسین" به او گفتم احمد چه شده؟ و متوجه شدم روی دو پای خود ایستاده و اشک تمام چشمان او را فرا گرفته و مردم اطراف او صلوات می فرستند و اشک می ریزند و به او تبرک می جویند. (۱)

حضور معلولان افغانستانی

حضور معلولان افغانستانی (۲)

عشق حسین بن علی (ع) همانقدر که مرز نمی شناسد و سیاه و سفید و سرخ را بسوی خود می کشد، محدودیت های دیگری نیز ندارد و بر خلاف سایر مراسم ها که محصور در لفافه های قومیت و مذهب و جنسیت و معلولیت است، در همایش اربعین حسینی می توانیم هر طور عاشقی را ببینیم.

- ۱- . باشگاه خبرنگاران جوان، گروه فرهنگی.
- ۲- . این گزارش توسط سید جمال الدین سجادی در خبرگزاری شفقنا به تاریخ ۸ عقرب ۱۳۹۷ منتشر شده است.

به گزارش خبرگزاری شفقنا افغانستان، این بار در اقدامی بی سابقه اولین کاروان معلولین مهاجر افغانستانی به سرپرستی مدیر مؤسسه معلولین باور سبز مرتضی عبدی راهی کربلا می شود.



مرتضی عبدی که خود نیز از ناحیه دو پا دارای معلولیت است می گوید: ما نیز آمده ایم تا به ندای هل من ناصر امام حسین (ع) لبیک بگوییم! در میان ما معلولین حرکتی، ذهنی و نابینا و ناشنوا همراه است و تعداد ۱۵ نفر به قید قرعه از میان خیل مشتاقان ابا عبدالله الحسین (ع) انتخاب شده اند تا با ویلچر و عصا به پیاده روی اربعین بیایند.

عبدی می گوید: این اولین باری است که معلولین مهاجر افغانستانی در این همایش عظیم شرکت می کنند و کسانی هم که در قرعه کشی شرکت کرده اند، همگی زیارت اولی هستند، یعنی بار اولشان است که به زیارت عتبات می روند.

مدیر مؤسسه معلولین باور سبز ضمن قدردانی از حمایت های مردمی کاروان معلولین اربعین می گوید: ما به یاد کسانی که در این راه کمکمان کردند هستیم و فراموششان نمی کنیم، خیرین و نیکوکارانی که بسیاری از آنان گمنام هستند و با حمایت معلولان باعث شدند امسال معلولین بتوانند کربلایی شوند، از همینجا در میانه راه کربلا برایشان آرزوی توفیق می کنیم.





مرتضی عبدی گفت: در نگاه اول این سفر زیارتی آرزوی هر شیعه حسینی ست که بارگاه مولای خود را زیارت کند و از نگاه دیگر شاید این آرزو جزو سخت ترین آرزوها برای معلولینی باشد که به تنهایی (چه از لحاظ حمایت مالی چه فیزیکی) سفر برایشان دشوار است و این کاروان باعث شد که برای اولین بار این جمع نیز بتوانند در پیاده روی اربعین حسینی به سوی کربلای معلی شرکت داشته باشند و نگاه جامعه و کسانی که عاشقانه و خالصانه سوی زیارت می روند معلولینی را ببیند که چه زیبا با تمام سختی در این راه قدم گذاشته اند.

روایت کاروان معلولین مهاجر چشم هر عاشق حسینی را تر می کند، نمی توان عشق را دید و اشک نریخت، معلولی که پا ندارد چگونه می تواند پیاده روی کند؟ معلولی که چشم ندارد چگونه می تواند گنبد و حرم امام حسین (ع) را ببیند؟ و آن معلول ذهنی که حتی نام خود را نمی داند، در پیاده روی اربعین چه می خواهد؟ این سؤالات و سؤالاتی مشابه جواب های منطقی ندارند.



هیچ کس نمی تواند عشق به امام را تفسیر کند، عشق به حسین(ع) در ذرات وجود هر مسلمانی وجود دارد و در موسم اربعین ذرات عاشق از هر چهار طرف عالم به هر وسیله ای جذب مسیر عشق، و همایش عظیم اربعین حسینی می شود. تو گویی حرم حسین ابن علی(ع) چون آهن ربایی این ذرات را بسوی خود می کشد و اگر آنجا در میانه راه نجف اشرف به کربلا باشی می بینی که سیاه می آید، سفید می آید، سرخ می آید، نابینا می آید، فلج می آید، معلول ذهنی می آید و تو خیل عاشقان حسین(ع) را می بینی که بدون هیچ توجیه منطقی پا در راهی گذاشته اند که دشوار است، سختی دو روز پیاده روی را به جان می خرند تا به حرم امامشان برسند.

عشق اباعبدالله و خط سرخی که در طول تاریخ کشیده شده نه تنها کمرنگ نمی شود، که هر سال پررنگ تر از قبل رخ می نماید.

خوشا به سعادت معلولین مهاجر که امسال شرف حضور در این همایش عظیم را یافتند، این توفیق نصیب هر کس نمی شود که در اربعین کربلای معلی باشد، کربلایی های واقعی همین کسانی هستند که بدون پشتوانه مالی و فقط به عشق حسین(ع) با ویلچر و عصا بسوی کربلا رفته اند.

ما فکر می کنیم آن کس که معلول ذهنی بود عشق حسین(ع) را درک نمی کند، تصورمان این است که عشق حسین فقط مال ماست! غافل از اینکه این معلولین مهاجر که رفتند، گذرنامه هایشان فقط با امضای مهدی فاطمه(ع) امضا شد و لاغیر!



مطالب و تصاویر مزبور گویای بخش کوچکی از حضور معلولان افغانستانی در رخداد اربعین است. (۱)

ص: ۱۰۵

تا اینجا گزارش مکتوب از حضور معلولان تقدیم گردید و اکنون می‌پردازم به گزارش تصویری معلولان حاضر در راهپیمایی اربعین حسینی. عکس‌ها بسیار زیبا و شامل نکات ظریف و درس‌های فراوان معنوی است.

خبرگزاری‌های اروپایی، شبکه‌های تلویزیونی امریکایی و رسانه‌های ایرانی و عراقی تصاویر و فیلم‌های مهمی از مراسم اربعین به جهان ارسال کرده‌اند. این جلوه‌ها گویای عشق، محبت، روابط انسانی سالم و نوعی جامعه مطلوب انسانی با روابط مقبول است. به همین دلیل این تصاویر موجب شده تا جهان مجذوب اربعین گردد و پدیده جدیدی در فرهنگ مردم جهان به نام اربعین شکل گیرد.



تصویر









RajaneWS





Rajanews



Rajanews



Rajaneews



این خانم ۱۱ سال است از شهر ناصریه با ویلچر به کربلا می رود و این مسیر طولانی را ۶ روزه با ویلچرش طی می کند.

ص: ۱۱۳





photo : Hossein Zohrevand



photo : Hossein Zohrevand

















اولین موکب قمی ها در شهر سامرا

نهادهای دولتی و حوزوی قم در اربعین ۱۳۹۷ برای اولین بار موکبی در سامرا به نام موکب حضرت علی اصغر علیه السلام برپا کردند. این موکب با مسئولیت حجت الاسلام مجید شکوری ده روز برقرار بود و به ارائه خدمات به زوار می پرداخت.







بخش چهارم: خدمت گزاران دارای معلولیت

اشاره

ص: ۱۲۷

معلولان اعم از ناشنوا، نابینا و جسمی - حرکتی و حتی ذهنی در سال های اخیر نشان دادند، ابتکارها و توانایی های خوبی در جریان زیارت حسینی دارند. آنان با برپایی موکب و با ارائه خدماتی مثل واکس زدن به کفش های زائران، شستن و نظافت جاهایی که زائران استراحت می کنند، پختن غذا برای زوار و ده ها عمل دیگر، اخلاص و ارادت خودشان به امام را نشان دادند.

این بخش در چند فصل به معرفی فعالیت های معلولان در جریان اربعین حسینی می پردازد.

ص: ۱۲۸

افراد ناشنوا، نابینا و کسانی که دارای مشکلات حرکتی یا ذهنی اند در مسیر راهپیمایی به زائران خدمت می‌رسانند. خدمت رسانی این قشر به عموم مردم جلوه ویژه دارد و گویای اهتمام، ایثار و فداکاری این قشر است.

معلولان عاشق اهل بیت علیه السلام و امام حسین علیه السلام در عرصه های مختلف در اربعین فعال هستند. بعضی به عنوان زائر در راهپیمایی به سوی کربلا شرکت کرده و به راهپیمایی رونق می‌بخشند.

برخی در شهرها به برگزاری مراسم عزاداری مشغول هستند و بسیاری از آنها در موکب ها حضور دارند و به خدمتگزاری به زوار مشغول هستند. از حمل و نقل و طبع غذا تا تعمیر وسایل زوار و نظافت محل استراحت زوار را بر عهده دارند.

ناشنوایان در لباس خدمت

ناشنوا هر چند به معنای فقدان حس شنوایی است ولی اصطلاحاً به افرادی گفته می‌شود که قدرت تکلم و توان شنیدن ندارند. در عربی به آنان صم و بکم (مفرد آن اصم و ابکم) گفته می‌شود.

بیش از ۵۰۰ نفر از ناشنوایان (فاقدان توانایی گفتن و شنیدن) که غالباً از استان بابل عراق می‌باشند در موکبی مشغول خدمت به زائران اربعین حسینی در مسیر کربلا هستند.

مدیر این موکب محمدعباس در این رابطه گفت: با این که این افراد از نعمت گفتن و شنیدن محروم می‌باشند اما این مشکل آنها را از خدمت به زائرین امام حسین علیه السلام باز نمی‌دارد. این افراد ۱۰ سال است که در موکب اربعین خدمت می‌کنند. این محبت و عشق به ابا عبدالله است که آنان را به خدمت وا داشته است. این موکب همچنین در کمک پشتیبانی به نیروهای امنیتی و بسیج مردمی در بسیاری از نبردهای آزاد سازی عراق مشارکت داشته است. هم اکنون نیز تا پایان زیارت اربعین و تا آخرین زائر به خدمت خود ادامه می‌دهد.

در این موکب حدود ۵۰۰ نفر ناشنوا که غالباً از استان بابل می‌باشند به دسته های مختلفی تقسیم شده اند و در خدمت زائرین هستند. در کنار این افراد تعدادی از افراد سالم که زبان اشاره نیز می‌دانند برای آسان تر شدن کار به آنها کمک می‌کنند.

لازم به ذکر است این موکب که "موکب احباب الزهراء للصم والبکم" نام دارد در منطقه باب طویریج در شهر کربلا مستقر است و انواع خدمت ها مانند آماده کردن غذا و نوشیدنی و مکان استراحت و... برای مردان و زنان زائر انجام می‌دهد. (۱)

لازم است سازمان بهزیستی ایران این تجربه را در معلولان ایران هم عملی کند و موکب هایی که شهرداری یا دیگر نهادها می خواهند برپا کنند، به معلولان بسپارند. قطعاً دلسوزی و پشتکار اینان بیش از دیگران است. اما قبل از هر چیز، بهزیستی باید به آنان آموزش های ضروری را بدهد و آنان را آماده کند تا به طبخ غذا، نظافت، سرویس دهی، رانندگی و غیره بپردازند.

موکب احباب الحسین علیه السلام

ناشنوایان دیگری از استان بغداد عراق به خدمت رسانی به زائران اربعین حسینی مشغول هستند. موکب اینان، احباب الحسین علیه السلام الصم و البکم نام دارد. یعنی دوستداران حسین علیه السلام، کر و لال های بغداد. اینان هیچ ابایی ندارند که بگویند اصم و ابکم یعنی کر و لال اند و بالای سر موکب تابلویی به همین نام نصب کرده اند.

عشق به خدمت به زائران هیچ حد و مرزی ندارد حتی کسانی که به ظاهر ناشنوا هستند ولی با فریاد جهان پر کنی ندای لیبک یا حسین سر می دهند. این عاشقان با تشکیل موکب ناشنواها با حمایت آستان قدس حسینی از زائران پیاده اربعین حسینی پذیرایی می کنند و تلاش خود را برای خدمت رسانی انجام می دهند.

جایگاه بهزیستی

حجت الاسلام سید مهدی سید محمدی رئیس دبیرخانه شورای فرهنگی سازمان بهزیستی کشور در گفت و گو با خبرنگار گروه اجتماعی باشگاه خبرنگاران جوان؛ با اشاره به اقدام های این سازمان در پیاده روی اربعین امسال به خدمات این سازمان به زائران پرداخت. او در این باره می گوید: سال های گذشته از بین انبوه زائران اربعین حسینی تعدادی از جامعه هدف سازمان بهزیستی مانند سالمندان، کودکان معلول، ناشنوایان و نابینایان مشاهده شده است، به همین منظور برای رفع مشکل این افراد موکب هایی در مسیر راهپیمایی اربعین برپا می شود.

به منظور تعمیر اقلام افراد جامعه هدف سازمان بهزیستی مانند تعمیر ویلچر و کالسکه در مسیر پیاده روی اربعین در ۳ استان ایلام، خوزستان و کرمانشاه ۱۲ موکب به کمک ۵۲ مؤسسه خیریه برپا شده است و خدمات توانبخشی را به زائران ارائه می دهند. این موکب ها تا نقطه صفر مرزی وجود دارند و اقلام کوچک توانبخشی مانند عصا به زائران اهدا می شود، همچنین در این موکب ها رابط ناشنوایان نیز وجود دارد که خدمات لازم را به مددجویان ارائه می کنند. (۱)

البته آقای سید محمدی از سازماندهی و آموزش معلولین برای خدمت رسانی آنان اشاره نمی کند. اگر معلولان به گونه ای توجیه شوند و آموزش ببینند که خودشان مستقلاً به ارائه خدمات هم به گروه های معلول و هم به معلولان بپردازند، نوعی تمرین برای کارآموزی و مهارت افزایی آنان محسوب می شود. همچنین به این روش، معلولان توانمندی های خود را به آحاد مردم معرفی می کنند.

ص: ۱۳۰

اما شیوه تفکر و عمل دولتمداری اینگونه است که همه امور را در دولت منحصر کرده و می خواهند دولت به مدیریت بپردازد.

هنرمندان خادم

اربعین و جریان حضور عاشقان ولایت به ویژه معلولان در مسیر راهپیمایی اربعین، حوادث و حواشی بسیاری هست که هر کدام سوژه و موضوع فیلم و سریال و رمان و قصه می تواند باشد.

سازمان بهزیستی و شهرداری ها به جای اینکه جایگزین خیرین و مردم شوند، می توانند برای امور فرهنگی و هنری برنامه ریزی کنند و برای تولید فیلم توسط خود معلولین اقدام نمایند. اگر حمایت مختصری از معلولین نمایند، آنان می توانند بهترین فیلم ها را تولید کنند. یکی از فیلم های ساخته شده روایت ششم است که معرفی می شود.

روایت ششم فعالیت یک خادم را به تصویر می کشد که قهوه برای زائران پیاده اربعین مهیا می کند. این زائر معلول با مشقتی فراوان و فقط به عشق امام حسین قهوه برای زائران آماده می کند.

این مستند بسیار زیبا و جذاب کاری فوق العاده از آقای وحید چاووش می باشد که با به تصویر کشیدن بخشی از زندگی زائران و خادمان در مسیر پیاده روی اربعین جلوه ای از عظمت و شکوه این بزرگ ترین راهپیمایی دنیا را به تصویر کشیده است.

تشکل های مردمی

سمن ها و مراکز متعلق به معلولین که توسط خود آنان یا مردم اداره می شود در اربعین می توانند نقش بارز داشته باشند. به ویژه در امور خدمات رسانی و سرویس دهی با ابتکارات نو و به کار گرفتن تجارب گذشته، روش های کارآمد و سودمند می توانند اجرا نمایند.

در عراق دو تشکیلات احباب الحسین علیه السلام والصلم والصلم و احباب الزهراء للصلم والصلم نقش گسترده در برپایی و اداره موكب ها در سال های اخیر بر عهده داشته اند.

در ایران تنها گزارشی که منتشر شده مربوط به گروه آموزش زبان اشاره وابسته به مؤسسه خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم منسوب به آیت الله وحید خراسانی است. این گزارش توسط مدیریت این گروه منتشر شده که عیناً تقدیم می گردد:

مؤسسه خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله) قم در سال ۱۳۹۴ اقدام به برگزاری کلاس زبان اشاره ناشنوایان برای طلاب سطوح عالی حوزه علمیه نمود.

پس از اتمام دوره مقدماتی و در آغازین روزهای سال ۱۳۹۴ کار تبلیغی گروه آموزش دیده با برپایی غرفه پاسخگویی به احکام و مسائل شرعی در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها سلام و مسجد مقدس جمکران، ویژه ناشنوایان برای اولین

بار در کشور آغاز شد.

ص: ۱۳۱

با اتمام دوره تکمیلی آموزش زبان اشاره در اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ و آغاز ماه مبارک رمضان در خرداد ماه فعالیت تبلیغی برون استانی گروه کلید خورد و پس از آن در ایام تبلیغی؛ محرم، صفر، فاطمیه، ماه مبارک رمضان ۱۳۹۵ و مناسبت های مختلف مذهبی به کار خود ادامه داد.

یکی از مهمترین مقدمات تبلیغ، هماهنگی با تشکل های ناشنویان اعم از کانون ها، انجمن های خانواده، هیئات مذهبی ناشنویان و مدارس استثنایی در شهرهای مختلف برای دعوت از ناشنویان و تدارک زمان و مکان برگزاری جلسات آموزش احکام و معارف دینی بوده که بعد از انجام هماهنگی های لازم مبلغین با حضور در شهرستان مورد نظر از ۱ تا ۳ روز، برنامه های متنوع و جذاب دینی به همراه مسابقات و اهدای جوایز به ناشنویان شرکت کننده، برگزار می نمودند.

تاکنون این جلسات در بیش از ۵۰ شهر کشور و در بیش از ۲۰۰ جلسه برای همه گروه های سنی برگزار شده است.

سفرهای زیارتی اربعین: مدت سه سال است که به همت برخی از اعضای واحد ناشنویان، کاروان زیارتی مخصوص ناشنویان در ایام اربعین امام حسین علیه السلام به کربلا مشرف می شوند.

این حرکت ارزشمند در سال نخست با ۳۰ نفر از ناشنویان آغاز شد و در سال دوم تعداد زائرین به ۶۰ نفر رسید و در اربعین سال جاری ۱۲۰ نفر از ناشنویان به این سفر معنوی مشرف گردیدند.

از ویژگی های سفر امسال، حضور خانواده های ناشنویان در این راهپیمایی بزرگ مذهبی بود.

اربعین ۱۳۹۳:





اربعین ۱۳۹۴:



ص: ۱۳۳



اربعین ۱۳۹۵:



ص: ۱۳۴



توضیح

همانطور که خود گزارش هم گویا است ابتکار و اقدامات خاصی در فعالیت های این گروه وجود داشته است؛ ولی کمتر اطلاعات از فعالیت های خود منتشر کرده اند و رسانه ها و عموم جامعه از برنامه های آنها بی اطلاع است.

ص: ۱۳۵

اشاره

اربعین حسینی فرصتی برای همه مردم از اقشار مختلف است. نخبگان و متخصصان اعم از پزشکان، فیلم سازان و هنرمندان، اطلاع رسانان، نویسندگان و پژوهشگران هم کما بیش در مراسم اربعین حسینی و راهپیمایی تا کربلا حضور داشته اند.

برای اینکه معلولان حضور مؤثرتر داشته باشند، درصدد برآمدمیم تا انواع فعالیت های مشاغل را معرفی کنیم؛ خدماتی که گروه های مختلف نخبه می توانند عرضه کنند را بشناسانیم.

معلولان با دریافت این اطلاعات می توانند موقعیت سنجی کنند و جایگاه خود را کشف نمایند.

اگر معلولان نخبه، گروه های کاری تشکیل دهند، مؤثرتر می توانند فعالیت کنند. مثلاً پنج نفری که دارای معلولیت اند و در زمینه حفظ و قرائت قرآن تبحر کنند. موکبی بزنند یا در یکی از موکب های موجود حضور داشته باشند و حفظ و قرائت را آموزش دهند یا بین معلولان حافظ یا قاری و نیز بین عموم مردم حافظ و قاری مسابقه برگزار نمایند.

یک گروه دیگر که توانایی آموزش گزارش نویسی دارند، در یک جا یا جاهای مختلف حضور داشته و آموزش گزارش نویسی بدهند.

این فصل اولاً به معرفی فعالیت های نخبگان در عرصه اربعین حسینی پرداخته و در ادامه اقداماتی که معلولان می توانند در هر حوزه انجام دهند را معرفی کرده است.

فعالیت تلگرام

فضای مجازی رشد وسیعی در سال های اخیر در جریان اربعین حسینی داشته است. چرخش مالی بنگاه های اداره کننده این فضاها بسیار زیاد است. تصور کنید حدود ده روز حداقل یک میلیون نفر با عضویت در تلگرام و سرزدن به آن، درآمد خوبی برای شرکت های خارجی ایجاد می کنند. معلولین هم می توانند با به دست گرفتن ابتکار عمل در این حوزه فعال شوند. کارهایی که معلولان می توانند انجام دهند عبارت اند از:

۱- راه اندازی کانال ها و گروه ها در شبکه تلگرام و پیونددهی افراد یک شهر یا یک صنف یا یک دانشگاه با هم.

۲- مذاکره با مدیریت اصلی تلگرام برای توسعه این شبکه در ایام اربعین و گرفتن نمایندگی خدمات رسانی

۳- با استقرار در موکب ها و آموزش و مشاوره دادن به زائران

اشتراک خیرین: افراد نیکوکار می توانند با کمک به معلولان یک کانال مرکزی و عمومی تأسیس و به اقدامات فرهنگی مبادرت ورزد.

این روزها که بیشتر مردم تلفن های همراه هوشمند دارند و از آن به عنوان یکی از اصلی ترین ابزار زندگی خود استفاده می کنند، اپلیکیشن های این تلفن ها می تواند به کمک زائران بیاید. یکی از اپلیکیشن ها پر کاربرد ایرانی ها تلگرام است که گروه های مختلفی در آن ایجاد شده تا راهنمای زائران اربعین حسینی باشد. در این گروه ها شما می توانید به آسانی در جریان اخبار مربوط به پیاده روی اربعین، تجربه های زائران در سال های قبل، محتواهای تولیدی مکتوب و حتی چند رسانه ای مانند عکس و صوت و مستند قرار بگیرید. کسانی که قصد دارند در پیاده روی اربعین شرکت کنند، اما ندانند که چه لوازمی را باید به همراه خودشان ببرند و یا در موبک ها و هیئت های میان راه چه خدماتی ارائه می شود و ... پاسخ همه پرسش ها را می توان در کانال های تلگرام پیدا کرد. حتی کسانی که به هر دلیلی امکان حضور در این راهپیمایی باشکوه را ندارند. باز هم کانال های اربعینی در تلگرام می تواند مورد استفاده آنها باشد. چون از این طریق می توانند به سادگی تصاویر، فیلم ها و صوت هایی که زائران کربلا در گروه ها قرار می دهند را هم استفاده کرده و هم در گروه های دیگر منتشر کنند.

کانال ها و گروه های تلگرامی

لازم است فعالیت های جاری در تلگرام را بشناسید تا بر پایه آن ابتکارات جدید ایجاد کنید.

* کانال آموزش و فرهنگ اربعین وابسته به ستاد مرکزی اربعین: در این صفحه می توانید اطلاعات آموزشی و توصیه های فردی و جمعی را دریافت کنید تا با مقدمات سفر اربعین آشنا شوید.

[Telegram.me/alarbaen](https://t.me/alarbaen)

* کانال سایت پیاده روی اربعین: این کانال هم برای دریافت گزارش های مکتوب و تصویری پایگاه اربعین از پیاده روی عظیم اربعین حسینی است که اطلاعات به روز و مفیدی را در اختیارتان قرار می دهد.

[Telegram.me/ArbaeenIR](https://t.me/ArbaeenIR)

* کانال در مسیر بهشت: صفحه «در مسیر بهشت» شامل عکس هایی از موبک های اربعین حسینی در کشور عراق است. اگر این موبک ها و فعالیت شان را از نزدیک ندیده اید، می توانید از طریق این عکس ها با آنها آشنا شوید.

[Telegram.me/dar_masire_behesht](https://t.me/dar_masire_behesht)

* کانال کربلا- پای پیاده: تفاوت صفحه «کربلا، پای پیاده، اربعین» با دیگر کانال ها این است که نکات مذهبی و معرفتی و احکام مربوط به زیارت را به شما اطلاع می دهد. البته در این صفحه هم می توانید شعرهای زیبای آئینی را به زبان فارسی، عربی و انگلیسی دریافت کنید.

[Telegram.me/karbalapayepiadearbain](https://t.me/karbalapayepiadearbain)

* کانال گالری عکس های ناب پیاده روی اربعین: این صفحه هم همانطور که از نامش مشخص است عکس های جالب و

نابی از پیاده روی اربعین را در اختیار شما قرار می دهد.

[Telegram.me/Arbaeen_Me](https://t.me/Arbaeen_Me)

* کانال موبک اربعین حسینی: این صفحه، «موبک اربعین حسینی» نام دارد که توسط کمیته آموزش ستاد اربعین تولید شده است و به آموزش های متنوعی از جمله زبان عربی برای برقراری

ص: ۱۳۸

ارتباط بهتر با موبک های عراقی می پردازد. البته اطلاعات جامع دیگری از جمله آداب زیارت و تصاویر زیبا را هم می توانید در این صفحه دریافت کنید.

[Telegram.me/Arbaeen_Net](https://t.me/Arbaeen_Net)

* کانال تخصصی اربعین: کانال تخصصی اربعین شامل اطلاعاتی از جمله منشور اخلاقی تربیتی زائران اربعین حسینی و نکات ضروری این سفر معنوی است.

[Telegram.me/arbaeena](https://t.me/arbaeena)

* کانال کل أرض کربلا: این صفحه «کل أرض کربلا» نام دارد و تصاویر زیبایی از نحوه پذیرایی و خدمات رسانی موبک های عراقی ارائه داده است. تصاویری از زائرین را هم در این صفحه می توانید مشاهده می کنید.

[Telegram.me/karbalaAshoora](https://t.me/karbalaAshoora)

کانال اربعین پای پیاده تا کربلا: این کانال هم در جهت ترویج و تعظیم زیارت اربعین با پای پیاده در سفر کربلا فعالیت می کند و عکس ها و مطالب و شعرهای صفحه نشان دهنده تلاش برای انجام این وظیفه است.

[Telegram.me/Mosafer_Arbaeen](https://t.me/Mosafer_Arbaeen)

هیچکدام از این کانال ها متعلق به معلولین نیست. یعنی معلولان از اینگونه فرصت ها دور هستند و غفلت کرده اند. با اینکه به راحتی می توانند وارد این عرصه ها شده و تلاش کنند.

نرم افزارهای راهنما

تجربه نشان داده معلولین هوش خوبی در زمینه کامپیوتر و برنامه های اینترنتی دارند. در زمینه اربعین هم برنامه های مختلفی به بازار آمده و لازم است جامعه هدف با اینها آشنا شود و تلاش کند در این زمینه ابتکاراتی داشته باشد. یعنی کارهایی را برنامه ریزی کند که هم درآمدزایی و کسب درآمد داشته باشد و هم خدماتی به زائران باشد.

در اینجا به معرفی این اپلیکیشن ها می پردازم. مواردی که تا کنون مورد استفاده بوده است.

نرم افزار راهنمای زائران اربعین حسینی: اپلیکیشن "راهنمای زائران اربعین حسینی" با جمع آوری اطلاعاتی بسیار جامع و کامل در یک مکان، تمام نیازهای احتمالی شما را در این مسیر برطرف خواهد کرد. این اپلیکیشن دارای نقشه های دقیق و آفلاین از نجف و کربلا است و نقشه ی آفلاین جداگانه ای از مسیرهای موجود از سوی نجف تا کربلا نیز در آن قرار گرفته شده است. می توانید با استفاده از این نقشه ها و موقعیت یاب گوشی، موقعیت فعلی خود را به طور دقیق روی نقشه مشاهده کنید و با توجه به نقشه ی آفلاین پیش رو، مسیر را به درستی انتخاب کرده و به سوی کربلا راهی شوید. نکته ی جالبی که در بخش مسیریابی وجود دارد امکان ارسال موقعیت مکانی از طریق پیام کوتاه است که می توانید در صورتی که بنا به هر

دللی از کاروان خود جا ماندید یا مسیر را گم کردید، با ارسال موقعیت فعلی خود به یکی از اعضای کاروان، مجدداً به مسیر درست و هم گروهی های خود ملحق شوید. در نقشه های موجود در برنامه نیز اماکن مختلفی از جمله خیابان های

ص: ۱۳۹

مهم و اصلی نجف و کربلا، مکان های مذهبی، مراکز درمانی و بهداشتی، استراحتگاه ها و هتل ها مشخص شده اند که می توانید با استفاده از آنها، در زمان خود برای مراجعه به این مکان ها صرفه جویی کنید ادعیه صوتی نیز دیگر بخش موجود در این برنامه است.

این نرم افزار به سفارش سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران در دو نسخه ی کامل (نقش کامل) و کم حجم طراحی و پیاده سازی شده است.



برخی از امکانات و قابلیت های موجود در نرم افزار راهنمای زائران:

امکانات نقشه:

نقشه آفلاین شهر نجف

نقشه آفلاین شهر کربلا

نقشه آفلاین نجف تا کربلا

قابلیت نمایش دید پرونده

نمایش مسیر خیابان های مهم و اصلی نجف و کربلا به همراه نام خیابان ها

نمایش موقعیت فعلی کاربر

امکانات:

نمایش اماکن مذهبی، مراکز درمانی و دارویی، استراحتگاه ها، مدرسه، هتل

نمایش موب های مستقر شده در مسیر به همراه شماره عمود

امکان انتخاب مناطق مورد نظر و ثبت اطلاعات آن

امکان ثبت خاطره

نمایش گالری خاطرات

ثبت علاقه مندی

پخش ادعیه صوتی ویژه اربعین

قابلیت های خاص:

* امکان ارسال موقعیت از طریق پیام کوتاه به سایر هم کاروانی های خود در صورت گم شدن و نمایش موقعیت فعلی شما بر روی نقشه گیرنده پیامک

* جستجو اماکن مذهبی، مراکز درمانی و دارویی، استراحتگاه ها، مدرسه، هتل

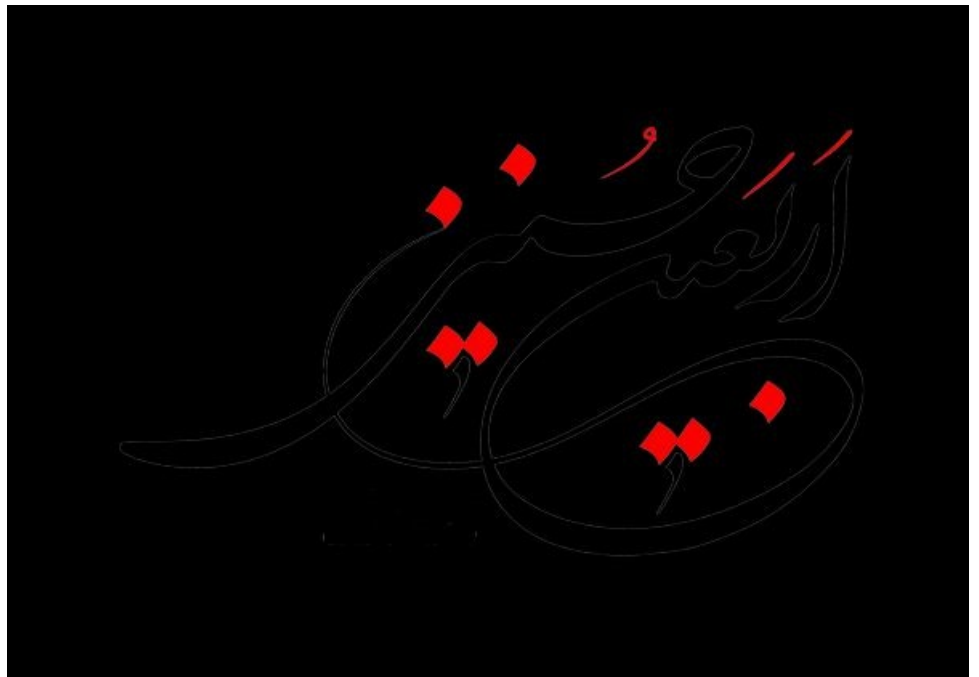
ص: ۱۴۰

* جستجو خیابان های نجف و کربلا و نمایش آن بر روی نقشه

* برنامه راهنمای زائران دارای دو نسخه با زوم پایین و زوم بالا برای دانلود قرار داده شده است.

نسخه جدید

شرکت تولیدکننده نرم افزار اربعین حسینی را ارتقا داد و چند اپلیکیشن به آن افزود و با این عنوان منتشر کرد:



و در تبلیغات آن نوشته است:

اگر شما هم قصد سفر به کربلا در ایام اربعین را دارید، در ادامه شما را با چند اپلیکیشن در رابطه با اربعین حسینی و سفر زائران پیاده به کربلا آشنا خواهیم کرد. این مجموعه شامل پنج اپلیکیشن می باشد که به انواع نیازهای شما در طول سفر اربعین پرداخته شده است.

معرفی مجموعه اپلیکیشن ها: سازنده و تولید کننده به سرعت نیازهای زائران را مطالعه کرد و بر اساس آن، هفت سیستم عامل را یک جا و در یک بسته بندی عرضه کرده است. این اپلیکیشن ها ذیلاً معرفی می شوند.

همراه اربعین: به منظور مطلع کردن مسافران و زائران از نیازها و لوازم اساسی سفر اربعین این نرم افزار تولید شده است.

قصد سفر به هر جایی را که داشته باشیم، معمولاً ابتدا در زمان بندی ها دچار مشکل می شویم به طوری که دیرتر از آنچه فکرش را می کردیم به مقصد رسیده یا با کمبود برخی وسایل و پیش نیازها مواجه خواهیم شد که به دلیل بی اطلاعی از آن که شاید چنین ابزار یا وسیله ای به دردمان بخورد از آوردن آنها خودداری کرده ایم. بخش اصلی "همراه اربعین" با پرداختن به این موضوع و آگاه کردن شما از اطلاعات عمومی لازم برای این سفر مانند جدول پیشنهادی برای زمان بندی پیاده روی و ... و این که چه چیزهایی ممکن است در طول این مسیر به کارتان بیاید می تواند به شما در بستن یک بار سفر بی نقص

کمک کند. همچنین در طول سفرهایی که به خارج از شهر یا کشور می‌روید بعضی احکام دینی مانند خواندن نماز دچار تغییراتی خواهند شد که توسط بخش احکام مورد نیاز در این برنامه، می‌توانید اطلاعات جامعی را درباره ی طهارت و نماز شکسته یا جماعت و ... مطالعه کنید.

راهنمای زائران اربعین حسینی: اپلیکیشن "راهنمای زائران اربعین حسینی" با جمع آوری اطلاعاتی بسیار جامع و کامل در یک مکان، تمام نیازهای احتمالی شما را در این مسیر برطرف

ص: ۱۴۱

خواهد کرد. این اپلیکیشن دارای نقشه های دقیق و آفلاین از نجف و کربلا است و نقشه ی آفلاین جداگانه ای از مسیرهای موجود از سوی نجف تا کربلا نیز در آن قرار گرفته شده است. می توانید با استفاده از این نقشه ها و موقعیت یاب گوشی، موقعیت فعلی خود را به طور دقیق روی نقشه مشاهده کنید و با توجه به نقشه ی آفلاین پیش رو، مسیر را به درستی انتخاب کرده و به سوی کربلا- راهی شوید. نکته ی جالبی که در بخش مسیریابی وجود دارد امکان ارسال موقعیت مکانی از طریق پیام کوتاه است که می توانید در صورتی که بنا به هر دلیلی از کاروان خود جا ماندید یا مسیر را گم کردید، با ارسال موقعیت فعلی خود به یکی از اعضای کاروان، مجدداً به مسیر درست و هم گروهی های خود ملحق شوید. در نقشه های موجود در برنامه نیز اماکن مختلفی از جمله خیابان های مهم و اصلی نجف و کربلا مکان های مذهبی، مراکز درمانی و بهداشتی، استراحتگاه ها و هتل ها مشخص شده اند که می توانید با استفاده از آنها، در زمان خود برای مراجعه به این مکان ها صرفه جویی کنید. ادعیه ی صوتی نیز دیگر بخش موجود در این برنامه است.

آن سو: اپلیکیشن اندرویدی "آن سو" مجموعه ای از ابزارهای جهت یابی قبله و ... و همچنین اعلام اوقات شرعی شهرهای مختلف در اختیار شما قرار خواهد داد که به کمک آن می توانید زمان هایی که به مسافرت های خارج از شهر یا حتی کشور می روید، همیشه و همه جا از جهت صحیح قبله ی نماز، ساعت دقیق اذان و ... با خبر باشید تا بتوانید نمازهای خود را اول وقت بخوانید یا حداقل اگر به هر دلیلی به خواندن اول وقت آن نمی رسید، با آگاهی از زمان اذان بعدی، از قضا شدن نماز فعلی خود جلوگیری کنید. این اپلیکیشن شامل قطب نما برای نمایش چهار جهت اصلی و زاویه دقیق نسبت به شمال است و اطلاعات مختلف دیگری همچون طول و عرض جغرافیایی و ارتفاع از سطح دریا را نیز به اطلاع شما خواهد رساند. بخش اوقات شرعی آن نیز به طور کامل از اذان صبح، طلوع آفتاب، اذان ظهر، غروب آفتاب، اذان مغرب و نیمه شب شرعی شما را آگاه خواهد کرد. توسط این ابزار می توانید با انتخاب دستی یا خودکار شهری که در آن قرار دارید، اوقات شرعی را مطابق با مکان فعلی خود دریافت کنید. آخرین ویژگی جذابی که قصد معرفی آن را داریم نیز وجود چهار جهت پیش فرض از شهرهای نجف، کربلا، مشهد و قم است تا در صورتی که خواهان خواندن دعایی به سمت نجف اشرف، حرم امام رضا یا ... بودید نیز با آگاهی دقیق از جهت صحیح، بتوانید رو به مکان مورد نظر دعای خود را به زبان بیاورید.

امکانات مدرن

عموم مردم به ویژه معلولین در تلاش هستند از همه گونه امکانات جدید و کارآمد استفاده کنند تا مشکلات راهپیمایی آسان گردد و به راحتی بتوانند به کربلا برسند. معلولان به دلیل مشکلات جسمی، بیش از دیگران نیاز به امکانات مدرن دارند و از طرف دیگر بیشتر از مردم عادی آشنا به فناوری جدید هستند. از این رو در تحقق این هدف، موفق بوده اند.

شارژ باطری: یکی از جالب ترین امکاناتی که این اپلیکیشن در اختیار شما قرار می دهد، شارژ کردن گوشی در سه مرحله اختصاصی است که با شیوه ای تخصصی، باتری شما را به بهترین نحو ممکن شارژ می کند که همین موضوع باعث دوام بیشتر باتری و دیرتر خالی شدن آن خواهد شد. امکان مدیریت روی برنامه ها و مشاهده ی نحوه مصرف آنها از باتری نیز امکان فوق العاده دیگری است که به شما کمک می کند تا اپلیکیشن های پر مصرف خود را شناسایی و اقدام به حذف یا **Stop** آنها کنید. همچنین در این برنامه امکانی برای مدیریت برنامه هایی که هنگام روشن شدن گوشی به طور خودکار اجرا می شوند، در نظر گرفته شده است که می توانید با استفاده از آن، اپلیکیشن های بدون استفاده ای که در پس زمینه گوشی شروع به کار خواهند کرد را از این لیست حذف کنید. غیر فعال کردن برنامه های غیر ضروری که باعث مصرف بیش از اندازه باتری می شوند، خاتمه دادن به اپلیکیشن ها با **Task Killer** قدرتمند، متوقف کردن برنامه ها هنگام خاموش شدن صفحه، نمایش زمان دقیق تا شارژ شدن باتری، سیستم شارژ ۳ مرحله ای، کنترل روشنایی، مدیریت **CPU**، نمایش دمای باتری و پشتیبانی از دو پلت فرم اندروید و آی او اس از امکاناتی هستند که به هر چه محبوب تر شدن این اپلیکیشن کمک شایانی کرده اند.

جاذبه حسینی: این نرم افزار توسط مؤسسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی ویژه اربعین حسینی طراحی و در دو نسخه ی کم حجم (با امکان دانلود فایل های صوتی) و نسخه ی کامل جهت استفاده علاقه مندان آماده گردیده است.

مکان یابی و تشخیص مسیر

با افزوده شدن این امکان بسیار کاربردی در به روز رسانی جدید این نرم افزار، خانواده شما در هر کجای دنیا می توانند از مکان حضور شما در شهرهای نجف، کربلا و مسافت طی شده در راه پیاده روی اربعین اطلاع دقیق حاصل کنند. این امکان بدون نیاز به اینترنت مکان حضور شما را برای عزیزانتان بر روی نقشه مشخص خواهد کرد.

روش کار بسیار ساده است:

پس از نصب نرم افزار جاذبه ی حسینی بر روی تلفن های همراه کافی است شماره تلفن همراه دوستان و عزیزانتان که مجاز به رهگیری شما هستند را در نرم افزار ثبت نمایید. از این لحظه به بعد آن افراد با ارسال درخواست ردیابی شما در نرم افزار جاذبه حسینی خودشان می توانند از آخرین موقعیت مکانی شما با خبر شوند. همچنین با استفاده از این قابلیت، احتمال گم کردن تلفن های همراه شما هم بسیار کاهش خواهد یافت.

به دلیل استقبال پرشور شیعیان از پیاده روی اربعین و طولانی بودن مسیر، جدا شدن و جا ماندن افراد از هم کاروانی ها و دوستان، اتفاقی بسیار شایع است. به همین منظور امکان اشتراک گذاری دستی موقعیت نیز در این نسخه اضافه گردید.

روش کار به این شکل است که فرد جدا شده از گروه موقعیت جغرافیایی خود را از طریق نرم افزار جاذبه حسینی برای دوستان خود پیامک می کند و همراهان با کپی کردن محتوای آن پیامک در نرم افزار خود ضمن اطلاع از موقعیت دقیق فرد جدا شده از گروه می توانند فاصله دقیق خود را با آن فرد مشاهده نمایند.

دیگر ویژگی های نسخه جدید:

- به روزرسانی اطلاعات نقشه ها بر اساس آخرین تغییرات مسیر پیاده روی

- نقشه آفلاین شهرهای نجف، کربلا و مسیر پیاده روی نجف تا کربلا به همراه اطلاعات نقاط مورد نیاز زائران شامل (اماکن متبرکه، هتل، حمل و نقل، عمود، موبک، مراکز درمانی و ...)

- امکان افزودن مکان های مورد علاقه شخصی بر روی نقشه

- به روزرسانی مداحی های بخش حسینه

- افزودن شدن بخش اخبار مهم

- افزودن شدن بخش Letter4U

- افزودن شدن زبان انگلیسی (۱)

پیاده تا بهشت: در مجموعه راهنمای زائران اربعین نرم افزار دیگری به نام پیاده تا بهشت هست. این نرم افزار پیاده تا بهشت ارائه دهنده سبک زندگی زائران اربعین حسینی است که از مراحل قبل از سفر تا پس از زیارت ابا عبدالله علیه السلام را به صورت متنی و صوتی ارائه داده است.

راهنمای زائر، نقشه مسیر و آزموده های به درد بخور از دیگر بخش های این نرم افزار است که در قالبی زیبا برای مخاطبان تهیه شده است. (۲)

زیارت نیابتی

یک گروه در زمینه نیابت گرفتن و پاسخگویی به کسانی که درخواست زیارت نیابتی دارند فعالیت می نمایند. معلولان در این حوزه هم می توانند تلاش کنند.

در توضیح این نوع زیارت گفته شده:

اگر امسال به هر دلیلی نمی توانید در پیاده روی اربعین شرکت کنید و در روز اربعین حرم مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام و حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را زیارت کنید، نگران نباشید. آستان مقدس حسینی و عباسی در روز اربعین این امکان را فراهم کرده تا امکان زیارت نیابتی

ص: ۱۴۴

۱- . www.121212.mihanblog.com

۲- . www.titre.ir

برای افرادی که امکان حضور در کربلا را ندارند، ایجاد شود. به این ترتیب شما می توانید از طرف خودتان یا اقوام و آشنایان تان (چه در قید حیات باشند و چه فوت کرده باشند) به خادمان حرم مطهر نیابت بدهید تا به جای شما زیارت کرده و ۲ رکعت نماز زیارت به جا بیاورند. به این منظور برای نایب الزیاره گرفتن در حرم مطهر امام حسین علیه السلام به صفحه زیر بروید:

Imamhussain.org/Persian/enaba

و برای نایب الزیاره گرفتن در حرم مطهر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در صفحه زیر ثبت نام کنید:

Alkafeel.net/zyara/lang-pr

خوب است بدانید که زیارت کردن به نیابت از دیگران چه از دنیا رفته باشند و چه زنده باشند، مستحب است. پس اگر شما راهی سفر کربلا هستید و دوستان و آشنایان تان امکان زیارت ندارند، بد نیست که نایب الزیاره آنها شوید. دلیلش هم حدیثی است که داوود صرمی از امام حسن عسکری علیه السلام نقل کرده که: یک روز به امام علیه السلام عرض کردم: «من پدر شما را زیارت کردم و ثوابش را برای شما نیت کردم.» امام علیه السلام فرمودند: «لک من الله اجر و ثواب عظیم و منا المحمده؛ برای شما از جانب خداوند پاداش و ثواب عظیمی است و از جانب ما حمد و ثنا».

خلاصه و نتیجه گیری

حوزه ها و مواردی که نام برده شد همگی جدید است ولی تجربه شده است و تماماً به دلیل متناسب بودن با روحیه و شرایط معلولان، اشتغال مطلوبی برای آنان می تواند به ارمغان بیاورد.

ص: ۱۴۵

بخش پنجم: چشم انداز آینده

اشاره

ص: ۱۴۷

برخی کشورها بر اساس باورها و آداب و رسوم خودشان هر سال کارناوال یا فعالیت های جمعی دارند، برخی از این اقدامات چندین دهه و گاه دو قرن است ادامه دارد. ولی تلاش کرده اند هر سال بر سودمندی، بر فرهنگ سازی و دیگر جوانب مؤثر آن بیفزایند.

معلولان با دعوت جامعه شناسان و دیگر متخصصان می توانند از این فرصت تاریخی راهپیمایی اربعین بهترین بهره و استفاده را ببرند و با طرح و برنامه پیش بروند.

این بخش در دو فصل به ظرفیت های کربلا و عاشورا و اربعین و در ادامه به آسیب شناسی می پردازد.

ص: ۱۴۸

کربلا از هر نظر دارای زمینه ها و امکانات فراوان برای رشد و ارتقای فرهنگی و معیشتی معلولان است این قشر می تواند در پناه امام حسین علیه السلام و حضرت عباس سلام الله علیه و دیگر اصحاب و یاران ایشان آینده خوبی داشته باشند. اینجا به معرفی امکانات و زمینه های رشد معلولان در کربلا و چشم انداز آینده آنان در شهر کربلا می پردازیم.

راهپیمایی اربعین یک رخداد ساده نیست بلکه یک فرصت بزرگ برای معلولان نه تنها ایران بلکه جهان به ویژه منطقه خاورمیانه و بالاخص معلولان ایران و عراق است. اما معلولان به چه روش ظرفیت های موجود در این رخداد تاریخی کشف کنند و چگونه از آن استفاده نمایند. اینجا به اجمال اهم ظرفیت هایی که مورد استفاده معلولان می تواند باشد را معرفی می کنیم. سپس راه های بهره برداری از آنها را هم معرفی خواهیم کرد.

توریسم معنویت گرا

چند دهه اخیر توریسم معنوی، توریسم فرهنگی، جهانگردی مبتنی بر تجارب دینی و معنوی مطرح شده است و در سال های اخیر رشد و توسعه بسیار داشته است. زیرا معلولان در عمل نتایج آن را دیده اند.

تجارب به دست آمده در مطالعات این نوع جهانگردی اگر در اربعین به کار گرفته شود و تجارب خود معلولین هم جمع آوری گردد. به نتایج مهمی می توان دست یافت.

خود معلولین می توانند گروه های مطالعاتی تشکیل دهند و هم به بررسی میدانی تجارب خودی ها پردازند و هم دستاوردهای دیگران را بگیرند.

و نتایج این تحقیقات و مطالعات را به صورت کتاب، مقاله و نرم افزار منتشر نمایند.

تعامل بین معلولان

اربعین فرصت مناسبی برای گفت و گو و دیالوگ معلولان عراق و ایران و افغانستان و حتی دیگر کشورها است. آنان با تشکیل گروه های گفت و گویی و سپس تأسیس تشکل ها علاوه بر انتقال تجارب و رسیدن به جایگاه برتر و قدرت پیدا کردن، در سطح جهانی هم می توانند فعال تر شود.

تأسیس نهادهای مشترک: مراکزی مثل دانشگاه معلولین با همکاری معلولان کشورهای حاضر در اربعین و ایجاد همکاری و تعامل بین آنها می تواند مورد توجه و اقدام عملی آنان قرار گیرد.

زیارت تراپی

در دهه های اخیر فرهنگ تراپی، کتاب تراپی، دین و مذهب تراپی مطرح شده است. یعنی تحقیقات نشان داده که فقط از طریق فیزیوتراپی معلولین دارای مشکلات جسمی حرکتی درمان نمی شوند و راه کارهای جدیدتر هم هست. زیارت تراپی یکی از این ابتکارات جدید است که می تواند توسط معلولین ایران و عراق به عنوان یک ابتکار نو به جهان معرفی گردد.

هنر و انواع ظرفیت های هنری: در مراسم اربعین انواع هنرها غایب است، تغذیه نیست، مشاعره و سرود و تواشیح نیست. معلولین به دلیل پتانسیلی که دارند می توانند برای انواع اقدامات هنری تدبیر اندیشیده و فکر کنند و راه کار عرضه نمایند.

شعر و ادب

معلولان شاعر و نویسنده، بعضاً درباره اربعین اشعار و مطالب جذاب سروده یا نوشته اند. در بین راه موب ها می توانند شب شعر و شعرسرایی برگزار کنند. اکنون چند شعر آنان را می آورم:

امام حسین (ع) و معلولان

صحبت اینجا بود ز دین حسین

می رسد باز اربعین حسین

ای خدا این حسین آیا کیست؟

شور این مکتب حسینی چیست

شعله ی عشق او افزون گشته

که ز حدش کنون برون گشته

خون پاک حسین در جوش است

که نوایش همیشه در گوش است

این که مردم پیاده در راهند

از حسین علی چه می خواهند

در مسیرند جمله معلولان

همه با عشق و غیرت و ایمان

همگی گرچه ناتوان هستند

دل به یاران کربلا بستند

چون حسین در حمایت آنان

خطبه خوانده برای معلولان

پدرش حامی یتیمان بود

یاور و مونس ضعیفان بود

زین سبب هر دلی پُر از غوغاست

هر نگاهی به سوی کرب و بلاست

همه پرسند این نواها چیست؟

این همه شور و عشق و غوغا چیست

که گذشته هزار و اندی سال

این شرر سرکش است در هر حال

چون که در مظهر عدالت بود

در قبال ستم قیام نمود

دست بیعت نداد چون به یزید

در جهان او بدین مقام رسید

او به خون درس استقامت داد

جرأت و قدرت شهادت داد

نغمه ز آزادگی اگر سر داد

چون که او بود دشمن بیداد

همه جا او مدافع حق بود

جانب حق همیشه روی نمود

دست بیعت به ظالمین چو نداد

در ره دین حق ز پا افتاد

خون پاک حسین در جوش است

نغمه هایش همیشه در گوش است

ص: ۱۵۰

داشت ایشان نظر به معلولان

خواستار معیشت آنان

شاهد بی عدالتی ها بود

نگران از برای آنها بود

زین سبب خطبه ای که ایشان خواند

دل به آسیب دیدگان هم داد

می کنم خطبه را به شعر بیان

که اشاره شده به معلولان

نشست با بزرگان جهان اسلام

چون حسین رو به سوی حج بنمود

چند تن نیز همراه او بود

همه از پیروان و نزدیکان

نیز مردان، زنان با ایمان

همه غمخوار و یار او بودند

همه جا در کنار او بودند

پیک هایی میان آنها بود

که به اصحاب خاص روی نمود

تا که جمعیتی ز هفتصد مرد

در منی 'گرد یکدیگر آورد

چون دویست تن که اهل دین بودند

اکثراً هم ز تابعین بودند

همه در مجلسی که جمع شدند

همچو پروانه گرد شمع شدند

که حسین علی ز جا برخاست

سخن خویش را چنان آراست

او سپاس خدا به جا آورد

روی بر حمد و بر ثنا آورد

گفت دقت کنید ای یاران

می نمایم مطالبی عنوان

گر حقیقت به کار من دیدید

بنمایید گفته را تأیید

گر دروغ است از راه تأدیب

بنمایید گفته را تکذیب

چون ز حق صحبتی در اینجا هست

آن حقوقی که گردن ما هست

یک حقوقی ولی شما دارید

به رسول خدا و ما دارید

آیا آگه ز ما جرا هستید

آگه اینجا ز حق ما هستید

چون ز نسخ حقایق اسلام

بیم دارم همیشه در ایام

بر نیاید اگر ز من کاری

می نماید خدا نگه داری

وضع جهان اسلام

ای دریغا اوامر قرآن

همگی را نموده حذف از آن

غیر تفسیر و جز تلاوت نیست

ترک دستور دین کنون از چیست؟

گر رسول خدا ز دین گفته

یا که از خاندان چنین گفته

گفته از اهل بیت خویش سخن

یا که از اقربای پیش سخن

در کلامم به جز حقیقت نیست

همه این ها فقط روایت نیست

ص: ۱۵۱

عمل و التزام می خواهد

صدق را در کلام می خواهد

گفته ها را صحابه چون بشنید

بنمودند جمله را تأیید

تابعین یک صدا در این تحقیق

بنمودند گفته را تصدیق

که حسین علی پس از تأیید

از صحابه و تابعین پرسید

چون علی یاور پیغمبر بود

به رسول خدا برادر بود

گر حقیقت به گفته ام دارید

حال، این نکته را به یاد آرید

یاد دارید که مسلمانان

بود عقدی میانه ی آنان

تا که عقد برادری بستند

تا ابد پای عهد، بنشستند

یاد دارید آن که پیغمبر

جانب حق همیشه داشت نظر

او به هر جانبی سخن می راند

که علی را برادرش می خواند

جمع حاضر تمام بی تردید

بنمودند گفته را تأیید

با قسم چون گشود قفل زبان

به خداوند قادر سبحان

گفت آیا شما یقین دارید

در شهادت کنون سزاوارید

که رسول خدا خرید زمین

ده بنا ساخت بهر دین مبین

دهمین خانه را به نام علی

ساخت با امر شاه لَم یزلی

همه درها اگر که شد مسدود

لیک مفتوح درب ایشان بود

لیک پیغمبر خدا فرمود

همه این ها به امر یزدان بود

بعد از آن بود اینچنین دستور

که علی گشته بهر دین مأمور

سوی مسجد فقط علی داند

نزد مردم مطالبی خواند

یاد، گر از غدیر خم کردیم

پس نباید ز امر بر گردیم

که در آن سرزمین، رسول خدا
دست او را گرفت و برد بالا
او حدیثی که از ولایت راند
که علی را وصی و مولا خواند
شد ولایت مداری اش عامل
تا ابد دین حق شود کامل
گر ز جنگ تبوک یاد آرید
می نمایید گفته را تأیید
که پیمبر نظر به مولا کرد
این سخن را دمی به لب آورد
نسبت من و توست در اینجا
همچو هارون و نسبت موسی
چون بدین امر هم سزاواری
تو ولایت به مؤمنان داری
حاضران نیز جمله بی تردید
همه کردند گفته را تأیید
کی نظر سوی جنگ خیبر بُرد
پرچم جنگ بر علی بسپرد
در براثت اگر رسول خدا
که فرستاده بود مولا را

گفت گر خود نیامدم، اما

می فرستم کسی چو خود، آنجا

با رسول خدا به هر محفل

روبرو می شدی به هر مشکل

چون علی را برادرش می خواند

جانب مشکل اش ورا میراند

ص: ۱۵۲

یا که هنگام شب رسول خدا

بود در خلوتش اگر تنها

در کنارش علی چو مأوا داشت

امر پیغمبر خدا را داشت

که علی را به حمزه و جعفر

برتری داده بود پیغمبر

هر زمان او میان گفت و شنفت

روی بر فاطمه نموده و گفت

همسرت گرچه اهل بیت من است

بهترین یاورم به انجمن است

من اگر شهره ام به پیغمبر

چون به فرزند آدمم، سرور

لیک باشد برادرم آقا

بر عرب نیز، سرور مولا

فاطمه سرور زنان جنان

مادر امتی بُود ایشان

نور چشمان او بُود حسنین

در امامت، حسن بُود و حسین

که رسول خدا وصیت کرد

در وصیت چنین سخن آورد

چون علی غمگسار من باشد
در دم مرگ، یار من باشد
حامل غسل و کفن و دفنم اوست
جبرئیل نیز یاوری نیکوست
باز چون روی بر علی بنمود
سخنانی چنین بدو فرمود
که دو چیز گرانبها اینجاست
اهل بیت ام، دگر کتاب خداست
بعد رو جانب عموم نمود
نیز بر جمع حاضران فرمود
آی مردم میان من و شما
می گذارم به یادگار این را
تا تمسک کنید بر آنها
که هدایت شوید در دنیا
که حسین علی از سر پند
حاضران را بداد چون سوگند
گفت: آیا شنیده اید این را؟
از زبان رسول خوب خدا
کآن زمان روی بر همه بنمود
در حضور همه شما فرمود

که محبّ ام، محبّ خاص علی ست
خصم او هم چو خصم بنده یکی ست
چون علی از من است و من، ز علی
در دلم نور حق شده ست جلی
تا که این بار از ره تأکید
همه کردند گفته را تأیید
چون به پایان رسید آن سخنان
متفرّق شدند آن یاران
مسئولیت عمومی برای رفع مشکلات
سخنان حسین در اینجا
هست فرمان دین، به امر خدا
نقل بنموده است او ز پدر
امر معروف و نهی از منکر
آنچه را آمده ست در قرآن
می نماید حسین، حال بیان
راه حق را از این که می پوید
رو به مردم نموده، می گوید
نیست از این فریضه ای برتر
امر معروف و نهی از منکر

چون خداوند خود محقق کرد

این دو مطلب به یاد ما آورد

کرده یزدان به ما اگر اعلام

دو فراخوان به دعوت اسلام

دفع ظلم و ستمگری به جهان

سرکشی در برِ ستمکاران

نیز تقسیم کلّ بیت المال

هم غنایم در این ره است مثال

هم زکات است و سایر برکات

که بُود هر یکی خود از حَسَنات

لیک باید شود بسی همت

که به پرداختش شود دقت

حق مظلوم را نگه دارید

شخص محروم را به یاد آرید

این وجوهی که حال دست شماست

بهر هر بینوا ز سوی خداست

گر تو امروز قدرتی داری

یا مقامی و ثروتی داری

ناتوان را همی گرامی دار

درد را از دلش کنون بردار

بر ضعیفان بکن همی یاری
در همه سختی و گرفتاری
نعمتی را که از خدا داری
حقّ خدمت کنون به جای آری
چون شما جملگی مسلمانید
حال هر ناتوان که می دانید
در ره خدمتی که می آید
در ادای حقوق کوشاید
چون چنین ایده ای شما دارید
به بهشت برین سزاوارید
حال روی سخن به آن ها هست
آن که قانون دین حق بشکست
چون که پیمان شکسته اید شما
هم فراموش کرده امر خدا
که نبینید حال معلولان
کورها، لال ها، زمین گیران
در همه شهر بی کس و تنها
نمایید رحم بر آن ها
حالیا جملگی چو مسئولید
از وظیفه که اینچنین دورید

با ستمگر و لیک می سازید
اسب خود را به مکر می تازید
همه غافل ز منکرات شدید
دور از دادن زکات شدید
غوطه ور در مقام و نام شدید
دور از عزّت و مرام شدید
پیروی کرده اید از اشرار
چون که شرمی نکرده اید از کار
ناتوان از تو ناتوان تر شد
کارهایت تمام منکر شد
پشت پا چون زدی تو بر قرآن
نرسیدی به درد معلولان
نگرفتی چو از کسی دستی
عاقبت بین که در کجا هستی
وای از آن کس که می کند هر سال
حقّ افراد ناتوان پامال
چه عذابی، عقوبتی دارد
نزد حقّ او چگونه رو آرد
گویم اکنون به حرمت کلمات
بر محمّد و آل او صلوات

نماز ظهر عاشورا

به نام خدایی که شد چاره ساز

به شکرانه اش رو کنم بر نماز

خدایی که ما جمله را آفرید

برای بشر راه عزّت کشید

نشان داد بر ما، ره راست را

که بوده در عالم ره انبیاء

حسین علی راه را برگزید

به غیر از خدا او کسی را ندید

الا نو نهالان ایران زمین

که هستید آگه ز دین مبین

اگر آشنایید خود با حسین

بگویید با من همه (یا حسین)

که تا شرحی از کار ایشان دهم

قلم را به عزّت در این ره نهم

شما آن حسینی که در کربلا

سر پاک او شد ز جسمش جدا

چگونه حسین را شما دیده اید

و دربارہ ی او چه بشنیده اید

نگفتید ایشان چرا کشته شد

چرا او به دشت بلا کشته شد
چنین راد مردی که در زندگی
به راه خدا بود در بندگی
نبود او دمی در گمی نام و ننگ
نمی رفت در راه، هرگز به جنگ
چو اسلام را در خطر دید او
که از دین حق یافت او آبرو
به معروف و منکر وی اقدام کرد
و آن را به ناگاه اعلام کرد
حسین علی چون خداگونه بود
به فرمان حق، رو به دشمن نمود
حسین علی شیر دشت بلاست
مطیع فرامین و امر خداست
که بی اذن حق یک قدم بر نداشت
به راه حقیقت همی پا گذاشت
به راه حقیقت وی از جان گذشت
و لیکن ز امر خدا برنگشت
خدا را زجان او ستایش نمود
به درگاه پاکش نیایش نمود
چو داند بُود پایه ی دین نماز

برای سعادت بُود چاره ساز

از این که کند پایه را استوار

بیامد دلیرانه در کار زار

که در روز عاشور، خصم دنی

نمودند در حقّ او دشمنی

لذا لشکر سعد گرد آمدند

چنان تهمتی را به ایشان زدند

حسین ناگهان رو به میدان نمود

در آن لحظه چون ظهر عاشور بود

به یزدان خود کردی روی نیاز

مقابل به دشمن، بشد در نماز

حسین در مقابل چنان نرّه شیر

گرفتند او را به رگبار تیر

و یاران به امری که پرداختند

ز تن های خود هم سپر ساختند

نماز حسین از تفکر چو بود

همه نقشه ی فتنه ها را زدود

نماز عبادی - سیاسی او

همه نقشه ی خائنین کرد رو

نمازی که او با بصیرت بخواند

از آن دین اسلام جاوید ماند

نماز حسین یک سپاس از خداست

که او را همین امر، راز بقاست

ص: ۱۵۵

خلاصه چه گویم من از آن نماز

که با حق همی کرد راز و نیاز

چو نور خدا در دلش شد پدید

که در راه اسلام حق شد شهید

نمازی که در ظهر عاشور خواند

که لرزه بر اندام دشمن نهاد

نمازی که اسلام را زنده کرد

و دل ها به مهر خود آکنده کرد

شده اعتبار شه عالمین

همه در قیام صلاه الحسین

اربعین آمد

اربعین آمد و قرارمون کربلا

گر تو هم عاشقی، همره یاران بیا

میروم کربلا به کنار قبر حسین

تا زیارت کنم قبر شاه عالمین

میروم کربلا به عشق خاک حسین

تا گذارم سری به خاک پاک حسین

میروم کربلا کنار قبر حبیب

تا بیرسم از او حال حسین غریب

خاک کوی حسین بر همه دردی دواست

دیدن گنبدش، قبله ی عالم نماست
تربت کربلا سرمه ی چشم من است
دیده ها را شفا ز بوی پیراهن است

اربعین

آمد و قرارمون کربلا

گر تو

هم عاشقی همره یاران بیا

میروم کربلا کنار قبر حسین

تا زیارت کنم قبر شه عالمین

در ره کربلا، غذای جان توشه ام

میروم کربلا به عشق شش گوشه ام

میروم یادی از زینب کبری 'کنم

یادی از صبر آن بانوی عظمی 'کنم

میروم قتلگاه به یاد روز نبرد

تا بینم دمی که شمر ملعون چه کرد

چشم زینب کنون به جانب قتلگاست

که ز بالای تل شاهد این ماجراست

اربعین

آمد و قرارمون کربلا

گر تو

هم عاشقی همره یاران بیا
میروم کربلا کنار قبر حسین
تا زیارت کنم قبر شه عالمین
کربلا، کربلا، قاسم و اکبر کجاست
در دل شیعیان بین چه شوری به پاست
کربلا، کربلا ماه علمدار کو؟
بین اهل حرم سرور و سالار کو؟
از رقیه بگو چگونه تاب آورد
تا عمو بهر او به خیمه آب آورد
وای از آن لحظه ای رقیه دید از جفا
سر با پای خود درون طشت طلا
اربعین آمد و قرارمون کربلا
گر تو هم عاشقی، همره یاران بیا
میروم کربلا کنار قبر حسین
تا زیارت کنم قبر شه عالمین

اشاره

مطالعات برای بهتر اجرا کردن و رفع مشکلات می تواند توسط معلولان اجرا گردد و نتایج آن بیشتر گردد. برخی از محورها و سرفصل های آسیب شناسی عبارت اند از:

* نقش دولت: اجرا توسط دولت یا فقط نظارت

* نقش مردم و شیوه های فعال سازی مردم

* اختلاف تاریخی و فرهنگی و اجتماعی بین ایران و عراق و دیگر کشورها و یافتن راه کار برای رفع آنها

* رفع مشکلات تفاوت زبانی

حوزه فعالیت ها

معلولان می توانند، اقدامات و فعالیت هایی هم ویژه خودشان داشته باشند. به عنوان نمونه این کارها لازم است:

- جمع آوری تحلیل ها و خاطرات از حضور معلولان در مراسم اربعین و آماده سازی برای انتشار آنها

- جمع آوری عکس ها و فیلم های معلولان در جریان اربعین حسینی و تنظیم و نشر آنها

- اقدامات فرهنگ سازی برای ارتقای معنویت و بینش دینی در جامعه هدف

- برنامه سازی برای رادیو اربعین در زمینه معلولین مثل مصاحبه با معلولان زائر

- تدوین کتابی به زبان اشاره برای ناشنوایان

- تدوین کتب صوتی برای نابینایان

- مناسب سازی یک مسیر برای معلولان توسط خودشان

- برپایی جلسات در مسیر با نخبگان و گروه های مرجع جهت معرفی معلولیت ها و معلولان

- برپایی نمایشگاه جهت معرفی معلولیت ها و معلولین به مردم و نیز معرفی توانمندی های آنها

فعالیت فرهنگی

معلولین می توانند در عرصه های مختلف فرهنگ فعال شوند. برخی از فعالیت هایی که می توانند انجام دهند عبارت است از:

- ویتترین سازی و ایجاد نمایشگاه های مختلف مثل نمایشگاه کتب، نمایشگاه نشریات درباره عاشورا و کربلا و امام حسین علیه السلام

- بر پایی نشست های هم اندیشی درباره موضوعات مهم مثل کربلا، قیام حسینی، داعش

- فرهنگ سازی در حوزه عمومی

- مدیریت بخشی از رادیو اربعین

- تدوین کتاب آموزش زبان عربی

ص: ۱۵۷

- شناخت شیوه فرهنگی و تبلیغی وهابیت و کارشناسی راه کارهای مقابله و خنثی سازی

- معرفی اخلاقیات انسانی در جریان اربعین به جهان

فعالیت ترویجی

معلولان نخبه کشورهای عراق و ایران می توانند از فرصت اربعین استفاده کرده و به ترویج برخی مقوله ها پردازند؛ مقوله های زیر اهمیت بیشتر دارد:

* اخلاقیات کمک به یکدیگر و مساعدت و ایثار و از خود گذشتن

متأسفانه برخی اخلاقیات مذموم مثل تلاش برای جمع آوری غذا و ولع و حرص برای زودتر گرفتن تغذیه یا امکانات وجود دارد. لازم است اینها زدوده و فرهنگ ایثار و قناعت به جای آنها تبلیغ شود.

با انتشار تراکت ها با محتوای روایات معصومین علیهم السلام و سخنان بزرگان این اقدام امکان پذیر است.

* فرهنگ اسراف و تبذیر در برخی موبک ها و در مسیر مشاهده می شود. معلولین می توانند با نشر احادیثی روی برگه های کوچک مردم را به قناعت و کم خرج کردن دعوت کنند.

* ایجاد صندوق هایی برای کمک به پروژه های مهم، یعنی با کم خرج کردن و قناعت مبالغ آنها را به این صندوق ها بریزند.

* فرهنگ مادی و خوردن و استراحت کردن که در بین مردم به عنوان مهم ترین شاخصه اربعین معرفی می شود باید اصلاح و به جای آن فرهنگ معنوی، ذکر و زیارت جایگزین گردد.

* رفاه گرایی افراطی جای خود را به مجاهدت و تلاش همه جانبه بدهد.

فعالیت های هنری

بهترین فیلم ها در زمینه جلوه های ویژه و فداکاری های معلولان در جریان کربلا- و عاشورا را می توان ساخت و به جهان عرضه کرد. متأسفانه از نظر فیلم و تئاتر، از ظرفیت های این رخداد استفاده نشده است.

دیالوگ جهانی

تشکل های معلولان ایران و عراق می توانند جلسات مشترک برای تبادل نظر، هم اندیشی و گفت و گو برگزار کنند.

اربعین زمینه و فرصتی است که اگر خوب استفاده شود پل و مسیری است که معلولان را به جهان معرفی می کند و می تواند از فرصت ها و امکانات جهانی استفاده کنند. به هر حال اربعین دریچه ای برای معلولین به سوی جهان مدرن است.

بخش ششم: اطلاع رسانی

اشاره

ص: ۱۵۹

ترویج و گسترش تحقیقات درباره «معلولان و اربعین» مستلزم توسعه اطلاع رسانی و افزایش دانسته ها و معلومات مردم به ویژه گروه های نخبه است. فعالیت های معلولین در ده سال اخیر در رخدادهای اربعین همواره رو به افزایش بوده است. اما بیشتر به چشم یک گردش مذهبی و یک سفر آیینی یا یک تفریح سالم معنوی به آن نگریسته اند؛ نه یک فعالیت اجتماعی هدفمند و مؤثر در فرهنگ و جامعه معلولان یا یک کنش فراگیر با پیامدهای جهانی و ارتقا دهنده تجارب و گشاینده درهای فعالیت های بین المللی به سوی کنش گران معلول.

تصور کنید اگر روزی فرا برسد که معلولان منطقه و حتی جهان به عنوان افرادی که خواستار معنویت و عدالت اند؛ از اربعین به عنوان سمبل اتحاد و محلی برای تبادل تجارب و تعاملات شغلی و اجتماعی استفاده کنند. تشکل های معلولین در راهپیمایی اربعین از وضع یکدیگر آگاه شوند و در مورد راه کارهای رفع مشکلاتشان به هم اندیشی پردازند. اگر در سال های آتی به چنین وضعیتی برسیم، فرهنگ و جامعه معلولان بسیار پیشرفت خواهد یافت.

اما اولین نیاز برای رسیدن به این اهداف، اطلاع رسانی است. کتاب ها و مقالات درباره اربعین و به ویژه درباره جایگاه و نقش معلولین در اربعین باید به اطلاع دیگران رسانده شود و محتوا و متن این آثار در دسترس قرار گیرد. اخبار و اطلاعات کنش گران معلول در اربعین اطلاع رسانی گردد و خلاصه با پخش اطلاعات افراد و مراکز، زمینه تقریب آنها و هم اندیشی آنها فراهم گردد.

اربعین به عنوان یک پدیده اجتماعی - فرهنگی و مذهبی و دارای تأثیرات منطقه ای و جهانی در فضای ایران و عراق تثبیت شده است. درست است این رخداد مسبق به سابقه است ولی به شکل جدید مستحدث و پدیده جدید می باشد. به همین دلیل مراکز آکادمیک و پژوهشی جهان تلاش کرده اند این پدیده را بشناسند و تیم های تحقیقاتی توسط دانشگاه های مهم اروپایی و آمریکایی و ژاپنی در ایام اربعین به ایران و عراق می آیند. تحقیقات این تیم ها چند سال است به صورت کتاب و مقاله منتشر می شود. نیز در سال های اخیر تحقیقاتی هم در ایران و عراق انجام یافته و منتشر شده است.

این فصل درصدد معرفی مهم ترین این تحقیقات است. سه نشست، یک کتاب انگلیسی و یک پایان نامه فارسی اینجا معرفی می شوند.

گزارشی از کتاب بررسی آماری راهپیمان اربعین

دپارتمان علوم سیاسی ماساچوست، با پشتیبانی از پژوهشی درباره اربعین حسینی، زمینه انجام این پژوهش و تألیف و نشر کتابی را فراهم آورد که با مشخصات زیر منتشر شده است:

To karbala: surveying Religious Shi'a from Iran and Iraq, Fotini Christia, Elizabeth Dekeyser, Dean Knox, Massachusetts Institute of Technology, ۲۰۱۶, ۱۷۸p.

ویژگی های این کتاب: مؤسسه فناوری ماساچوست، (۱) نهاد آموزشی و پژوهشی است و شامل چندین بخش علمی می باشد. یکی از این بخش ها گروه علوم سیاسی (۲) است. تا کنون ده ها تحقیق در زمینه مسائل مهم جهانی و حوادث جدید توسط این مؤسسه پژوهش و منتشر شده است. یکی از این تحقیقات، بررسی ابعاد سیاسی و اجتماعی اربعین حسینی و راهپیمایی شیعیان به طرف کربلا است.

حرکت میلیونی اقصاء مختلف در کشورهای منطقه به ویژه ایران و عراق چند روز قبل از اربعین به طرف کربلا- و خیزش و جنبش مردمی به علاوه سازماندهی منظم و خیره کننده با جلوه های اعجاب برانگیز، جهانیان را شگفت زده و متوجه حقایق جدید نمود. مراکز پژوهشی و علمی جهان این پدیده را مهم و مؤثر دانسته و درصدد برآمدند ابعاد، جوهر و ماهیت آن را بشناسند. مؤسسه فناوری ماساچوست از سه تن از استادان این مؤسسه خواست تا در این باره تحقیقی انجام دهند.

ص: ۱۶۱

استادان مؤسسه یعنی فتینا کریستیا،^(۱) الیزابت دِکی سِر^(۲) و دینه نگس^(۳) هر سه شاغل در مؤسسه ماساچوست و فعال در رشته علوم سیاسی می باشند. گروه علمی آنان معروف به MIT political science است.

این سه تن، پس از بررسی ها و تحقیقات فراوان کتاب حاضر را تدوین و منتشر کردند. عنوان این کتاب این گونه است:

To karbala: surveying Religious Shi'a from Iran and Iraq

واژه survey یعنی تحقیق و بررسی آماری که بعضی به «پیمایش» یا «تحقیق پیمایشی» ترجمه کرده اند. بر این اساس عنوان این کتاب را می توان اینگونه ترجمه کرد.

«به طرف کربلا: بررسی آماری مذهب شیعه در عراق و ایران»

مدیریت این پژوهش در میدان تعیین شده یعنی مسیری از راهپیمایی شیعیان به طرف کربلا، دو جامعه آماری در سال ۲۰۱۵م تشکیل داد و با پرسشگری و به دست آوردن اطلاعات مورد نظر به استخراج نتایج آماری و سپس تجزیه و تحلیل آنها مبادرت نمود و در نهایت با تنظیم نهایی مطالب این کتاب را منتشر کرد.

جامعه آماری اول، ۲۴۱۰ عراقی و جامعه آماری دوم ۱۶۶۸ ایرانی بودند. پرسش نامه هایی در ابتدای مسیر بین همه اینها پخش شد و در آخر مسیر از آنها دریافت شد. سپس این پرسش نامه ها به کامپیوتر داده شد و بر اساس شاخص های مختلف اطلاعات استخراج گردید.

شاخص های آماری، موضوعات فراوانی است که بعضی از آنها عبارت است از: جنسیت (زن، مرد)؛ سن و سال؛ محل سکونت؛ انگیزه حضور در راهپیمایی؛ نوع راهپیمایی (فردی یا گروهی یا ...). دیدگاه درباره دولت (ایران یا عراق)؛ دیدگاه درباره داعش؛ نظر درباره وحدت و اتحاد شیعیان؛ مدیریت گروه های حاضر در راهپیمایی؛ وضعیت خانواده ها حاضر در راهپیمایی؛ مادرانی که بچه همراه دارند؛ نیایش و عبادت؛ مطالعه و تحقیق؛ تغذیه؛ خدمات.

هدف این پژوهش آنگونه که اعلام شده کشف هویت سیاسی و اجتماعی شیعیان، وضعیت جامعه پذیری آنان؛ همبستگی و تعاون و همزیستی مسالمت آمیز در جامعه شیعی، سطح تفکر و دانش سیاسی شیعیان و مسائل دیگر امثال اینها است.

نتیجه گیری: مراکز علمی و پژوهشی در غرب تمامی امور و کنش ها و فعالیت های جوامع شیعی و اسلامی را زیر نظر دارند و با انجام تحقیقات روشمند و علمی به کشف نکات مهم می پردازند. سپس بر اساس یافته ها، به تصمیم گیری و تعریف پروژه و در نهایت به دست گرفتن کنترل آنها اقدام می کنند.

این در حالی است که شیعیان در غفلت کامل هستند. نخبگان شیعه هم بی خیال به امورات شخصی خود اشتغال دارند.

در سال های اخیر ده ها پژوهش توسط غربی ها درباره اربعین حسینی برنامه ریزی و کار شد و ده ها کتاب منتشر گردید. در حالی که حتی یک کتاب جامع در ایران و عراق در این باره نداریم.

١- .Fotini christia (cfotini@mit.edu .)

٢- (Elizabeth dekeyser (dekeyser@mit.edu .)

٣- (Dean knox (dcknoy@mit.edu .)

صدها مرکز پژوهشی در قم، تهران، نجف، کربلا به تحقیق دینی مشغول هستند؛ اما حتی یک پروژه درباره اربعین تعریف و پیگیری نکرده اند.

صفحاتی از کتاب **To Karbala**: به منظور آشنایی با سبک کار غربی ها صفحاتی از کتاب «به طرف کربلا» که به زبان انگلیسی در امریکا منتشر شده را می آوریم. روی جلد، فهرست مطالب، برخی تصاویر و مآخذ مندرج در پایان کتاب را می آورم.

ص: ۱۶۳

MIT POLITICAL SCIENCE

Massachusetts Institute of Technology

Political Science Department

Research Paper No. 2016-39

To Karbala:
Surveying Religious Shi'a from Iran and Iraq

Fotini Christia, Massachusetts Institute of Technology
Elizabeth Dekeyser, Massachusetts Institute of Technology
Dean Knox, Massachusetts Institute of Technology

Do Not Cite or Circulate Without Permission from Author

Contents

1	THE SURVEY	7
2	SAMPLING	22
3	MEDIA, NEWS AND SOCIAL TIES	46
4	SECTARIANISM	59
5	RELIGION	75
6	GENDER AND WOMEN'S ISSUES	103
7	DEMOCRACY AND HUMAN RIGHTS	115
8	THE STATE OF DEMOCRACY IN IRAN AND IRAQ	122
9	REGIONAL CONFLICT	130
10	IRAN: NUCLEAR POLICY AND INTERNATIONAL RELATIONS	136
11	ATTITUDES TOWARD THE US AND INTERNATIONAL COMMUNITY	154
12	APPENDIX A: READING THE REGRESSIONS	160
13	APPENDIX B: SAMPLING TABLES	162
14	APPENDIX C: CONJOINT ANALYSIS	168

APPENDIX D (Detailed Non-Response) and APPENDIX E (Question-level heterogeneity) can be found online at:

<https://www.dropbox.com/s/czk0fznkht9g6xe/Appendices.pdf?dl=0>

THE SURVEY


Pilgrims along the Najaf-Karbala road

This is a public opinion survey focusing on political attitudes and behaviors among religious Shiites. Specifically, the survey is conducted in the context of an annual Shiite pilgrimage in southern Iraq with the intent to sample respondents who are practicing Shi'a from both Iraq and Iran. As such, it is not a nationally representative sample from the two countries, but rather a subsample of observant Iraqi and Iranian Shi'a. Travelling to Karbala from both Iraq and Iran is accessible to individuals across the socioeconomic spectrum, making this an opportunity to gain insight into religious Shia from diverse socioeconomic and regional backgrounds. Respondents offered their views towards their respective governments, the United States, and the West; sectarian conflicts across the Middle East, including Syria and Iraq; the rise of ISIS; and the agreement on Iran's nuclear program.

The project is both methodologically innovative and substantively relevant. On a methodological level, the survey uses new ways of sampling a religious subpopulation, which despite comprising a large and important part of the



Pilgrims by the shrine of Imam Ali in Najaf

to walk to Imam Hussein's shrine in time for the celebrations. This walk is a collective ritual, with groups walking from places as far as Basra (roughly 500km away) and Baghdad (roughly 120km away). The most frequented route is from Najaf to Karbala, a distance of approximately 80km.

These processions involve communal rituals with recitations, lamentations and re-enactments of the return of the surviving members of Hussein's family to Karbala forty days after his martyrdom, a way of mourning the loss of a leader that was meant to reinstate the Prophet's line of power in Islam. People walk carrying black, green, red or yellow flags for Imam Hussein, wearing black clothes to signify mourning and green bands on their heads or around their necks. There are also posters of Hussein and loudspeakers broadcasting religious poems or sermons. Along the sides of the road, there are tents that offer food and shelter to the pilgrims on the road.

When people enter the shrine to pay their respects, they touch or kiss the large, wood-paneled doors, a physical act meant to bring them closer to the Imam. Once inside the shrine, there is a short prayer and a reading that is meant to signify loyalty to the Shi'a Imam. The Imam, as a descendant of Mohammed, serves as an intermediary between the pilgrims and God, petitioning for answers to their

References

- Military Action Against Iraq, 2003: Operation Iraqi Freedom. In: *Reappraising the Resort to Force: International Law, Jus ad Bellum and the War on Terror*. Bloomsbury Academic.
2014. Shia Pilgrims Flock to Karbala for Arbaeen Climax. *BBC News*.
- Aghaie, Kamran Scot. 2005. Women of Karbala: Ritual Performance and Symbolic Discourses in Modern Shi'i Islam. *Middle East Studies Association Bulletin*, 42(1-2), 140-142.
- Allawi, Ali A. 2007. The Occupation of Iraq: Winning the War, Losing the Peace. *Political Science Quarterly*, 123(1), 158-159.
- Alshamary, Marsin. 2014. The Political Undertones of Shia Pilgrimages. *MIT Seminar Paper*.
- Arkoun, M. 1976. Shiite Islam, State University of New York Press, 1975, 253 p. *Arabica*, 23(1), 103-104.
- Asad, Talal, & Fernea, Robert A. 1970. Shaykh and Effendi: Changing Patterns of Authority Among the El Shabana of Southern Iraq.
- Asgar, Jalal, & Chelkowski, Peter J. 1981. Taziyeh: Ritual and Drama in Iran. *Theatre Journal*, 33(1), 131.
- Aziz, T. M. 1993. The Role of Muhammad Baqir al-Sadr in Shii Political Activism in Iraq from 1958 to 1980. *International Journal of Middle East Studies*, 25(02), 207-222.
- Bengio, Ofra. 1998. Saddam's Word: Political Discourse in Iraq.
- Berman, Eli. 2011. *Radical, religious, and violent: the new economics of terrorism*. MIT press.
- Blair, Graeme, Christine Fair, C, Malhotra, Neil, & Shapiro, Jacob N. 2013. Poverty and support for militant politics: Evidence from Pakistan. *American Journal of Political Science*, 57(1), 30-48.
- Blaydes, Lisa, & Gillum, Rachel M. 2013. Religiosity-of-Interviewer Effects: Assessing the Impact of Veiled Enumerators on Survey Response in Egypt. *Politics and Religion*.
- Bourmaud, Philippe. 2005. Ussama Makdisi, The Culture of Sectarianism. Community, History, and Violence in Nineteenth-Century Ottoman Lebanon. *Labyrinthe*, 135-140.
- Brown, L. Carl, & Nasr, Vali. 2006. The Shia Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future. *Foreign Affairs*, 85(6), 174.

- Brown, L. Carl, Fuller, Graham E., & Francke, Rend Rahim. 2000. The Arab Shia: The Forgotten Muslims. *Foreign Affairs*, 79(3), 176.
- Cammatt, Melani. 2014. *Compassionate Communalism: Welfare and Sectarianism in Lebanon*. Cambridge University Press.
- Campbell, John C., & Ajami, Fouad. 1986. The Vanished Imam: Musa Al Sadr and the Shia of Lebanon. *Foreign Affairs*, 64(5), 1126.
- Campbell, John C., & Ajami, Fouad. 2009. Jihad of Words: Gender and Contemporary Karbala Narratives. *The Yearbook of English Studies*, 39(1-2), 84-100.
- Campbell, John C., Farouk-Sluglett, Marion, & Sluglett, Peter. 1991. Iraq since 1958: From Revolution to Dictatorship. *Foreign Affairs*, 70(3), 179.
- Campbell, John C., & Mottahedeh, Roy. 1985. The Mantle of the Prophet: Religion and Politics in Iran. *Foreign Affairs*, 64(2), 378.
- Center, Pew Research. 2009. Mapping the Global Muslim Population. oct.
- Chang, Linchiat, & Krosnick, Jon A. 2009. National surveys via RDD telephone interviewing versus the internet comparing sample representativeness and response quality. *Public Opinion Quarterly*, 73(4), 641-678.
- Cockburn, Patrick. 2008. Muqtada: Muqtada al-Sadr, the Shia Revival, and the Struggle for Iraq.
- Cole, Juan R. I., & Momen, Moojan. 1993. Mafia, Mob and Shiism in Iraq: The Rebellion of Ottoman Karbala. *Past and Present*, 112(1), 112-143.
- Davis, Eric. 2005. *Memories of State: Politics, History, and Collective Identity in Modern Iraq*.
- De Vaus, David. 2013. *Surveys in social research*. Routledge.
- Deeb, Lara. 2006. *An Enchanted Modern: Gender and Public Piety in Shi'i Lebanon*. Princeton University Press.
- Fernea, Elizabeth Warnock. 1965. *Guests of the Sheik*. New York: Anchor Books.
- Flanigan, Shawn Teresa. 2008. Nonprofit service provision by insurgent organizations: the cases of Hizballah and the Tamil Tigers. *Studies in Conflict & Terrorism*, 31(6), 499-519.
- Flanigan, Shawn Teresa, & Abdel-Samad, Mounah. 2009. Hezbollah's Social Jihad: nonprofits as resistance organizations. *Middle East Policy*, 16(2), 122.
- Franzén, Johan. 2012. Fanar Haddad, Sectarianism in Iraq: Antagonistic Visions of Unity (New York: Columbia University Press, 2011). Pp. 288. \$35.00 cloth. *International Journal of Middle East Studies*, 44(03), 589-592.

- Grynkewich, Alexis G. 2008. Welfare as warfare: How violent non-state groups use social services to attack the state. *Studies in Conflict & Terrorism*, 31(4), 350–370.
- Haddad, Fanar. 2011. *Sectarianism in Iraq: Antagonistic Visions of Unity*. Oxford University Press.
- Hainmueller, Jens, Hopkins, Daniel, & Yamamoto, Teppei. 2014. Causal inference in conjoint analysis: Understanding multi-dimensional choices via stated preference experiments. In: *Political Analysis*.
- Hamdan, Faraj Hattab. 2012. The Development of Iraqi Shia Mourning Rituals in Modern Iraq: The Ashura Rituals and Visitation of Al-Arbain. *Master Thesis: Arizona State University*.
- Hussain, A. J. 2005. The Mourning of History and the History of Mourning: The Evolution of Ritual Commemoration of the Battle of Karbala. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 25(1), 78–88.
- Jabar, Faleh A. 2003. *The Shia Movement in Iraq*. London: Saqi Books.
- Jamieson, Kathleen Hall. 1992. *Dirty politics: Deception, distraction, and democracy*. Oxford University Press.
- Jowell, Roger, Roberts, Caroline, Fitzgerald, Rory, & Eva, Gillian. 2007. *Measuring attitudes cross-nationally: Lessons from the European Social Survey*. Sage.
- Kozlowski, Gregory C., & Schubel, Vernon James. 1996. Religious Performance in Contemporary Islam: Shii Devotional Rituals in South Asia. *The Journal of Asian Studies*, 55(1), 197.
- Lyall, Jason, Blair, Graeme, & Imai, Kosuke. 2013. Explaining support for combatants during wartime: A survey experiment in Afghanistan. *American Political Science Review*, 107(04), 679–705.
- Maier, Donna J. E. 1995. The Shiis of Iraq. *History: Reviews of New Books*, 23(4), 182–183.
- Mendelberg, Tali. 1997. Executing Hortons: Racial crime in the 1988 presidential campaign. *The Public Opinion Quarterly*, 61(1), 134–157.
- Mendelberg, Tali. 2001. *The Race Card: Campaign strategy, implicit messages, and the norm of equality*. Princeton University Press.
- Nakash, Yitzhak. 1994. *The Shiis of Iraq*. New Jersey: Princeton University Press.
- Norton, Augustus Richard. 2011. Al-Najaf: Its Resurgence as a Religious And University Center. *Middle East Policy*, 18(1), 132–145.
- Palki, David D., Mark E. Stout, & Kevin M. Woods, eds. 2011. *The Saddam Tapes: The Inner Workings of a Tyrants Regime, 1978-2001*. New York: Cambridge University Press.

- Pepinsky, Thomas B. 2016. Measuring Piety in Indonesia. *2016 AALIMS Conference on the Political Economy of Islam and Muslim Societies*.
- Rabkin, Nathaniel. 2014. The Iraqi Shiite Challenge to Tehrans Mullahs. *Middle East Quarterly*, 21(1).
- Sachedina, Abdulaziz Abdulhussein. 1981. The Idea of Mahdi in Twelver Shi'ism. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 44(03), 577.
- Steele, Jonathan. 2003. Iraq: After the War: Religion and Politics Resurface as the New Voices of Iraqi Freedom. *The Guardian*.
- Tabatabai, Muhammad Husayn. *Shiite Islam, translated by S. H. Nasr*. State University of New York Press.
- Valentino, Nicholas A, Hutchings, Vincent L, & White, Ismail K. 2002. Cues that matter: How political ads prime racial attitudes during campaigns. *American Political Science Review*, 96(01), 75-90.
- Woods, Kevin M., Palkki, David D., & Stout, Mark E. (eds). 2011. *The Saddam Tapes*. Cambridge University Press.

«ثبت پیاده روی اربعین» نوشته مهدیه بُد، دانشجوی دکتری گردشگری دانشگاه علم و فرهنگ در سال ۱۳۹۵ جهت تدوین تصویب شد. این پایان نامه برای نخستین بار در بُعد جهانی با نگاه علمی به پدیده اربعین و راهپیمایی اربعین پرداخته تا تئوری و الگوی «ابر رویداد اربعین» را تعریف کند. رساله ای که سه سال زمان برده و به زعم محمدحسین ایمانی خوشخو، استاد راهنمای آن، هنوز تا اربعین سال دیگر کار دارد تا به سرانجام برسد.

در آستانه اربعین، درحالی که میلیون ها زائر، پیاده به سمت کربلا- حرکت می کنند، بخشی از یافته های این رساله برای نخستین بار توسط خبرگزاری ایسنا اطلاع رسانی شد.

ویژگی ها: این اثر به ادعای نویسنده مقدمه خلق یک تئوری درباره پیاده روی اربعین است. زیرا تا کنون رخدادی مثل اربعین که پیاده روی جمعیت بسیار از یک نقطه به سوی یک هدف است، ثبت تاریخی نشده و به مثابه یک رخداد قابل توجه تلقی نشده است. اما نویسنده معتقد است این رخداد هر چند سیال و غیر ثابت است ولی ویژگی های سازه های مهم تاریخی یا معماری را دارد و قابلیت ثبت را دارد.

محمدحسن ایمانی خوشخو - رئیس دانشگاه علم و فرهنگ - به عنوان استاد راهنمای این رساله به بیان ویژگی های این اثر پرداخت و گفت: پایه مطالعات این پژوهش، «گردشگری مذهبی بوده» است. در مبحث رویدادها در مطالعات گردشگری، اصطلاحی به نام «ابر رویداد» وجود دارد که فستیوال کن و المپیک های ورزشی، نمونه های ملموس آن است. فرضیه ما نیز این است که راهپیمایی اربعین به واسطه جمعیت شرکت کننده در آن و دستاوردهایش می تواند یک ابر رویداد باشد. البته کتاب های علمی در موضوع ابر رویدادهای مذهبی یکی دو مورد مثال آورده اند از جمله حج در مکه، اما به راحتی از روی آن ها رد شده اند و بیشتر از عنوان، به این ابر رویدادها نپرداخته اند. در هر حال ما اکنون می خواهیم این فرضیه را که اربعین یک ابر رویداد است اثبات کنیم.

مهدیه بُد، دانشجوی دکتری گردشگری که درحال تهیه این رساله است - نیز درباره تألیف اش گفت: با وجود آنکه تصور می شد در این مورد بسیار مطالعه شده است، اما با خلاء های نظام مند و سیستماتیک مواجه شدیم. نخستین گام همین جا برداشته شد تا روی گردشگری مذهبی، تعریف ها و مدل ها مطالعه شود. این جریان با واقعه محرم و عاشورا همزمان شد و چون بر این باور بودیم که پیاده روی اربعین قابلیت تعمیم دارد، در ادامه تصمیم گرفته شود موضوع با یک رویداد تلفیق شود که پدیده اربعین مورد مطالعه قرار گرفت.

خانم بُد در ایام اربعین، به عنوان مشاهده گر در عراق حضور داشت و درباره مشاهداتش می گوید: ما سعی کردیم نگرش افراد مختلف را که به نوعی مداخله گران این رویداد محسوب می شوند دریافت کنیم، حتی در بخش کارشناسی از شاخه های مختلف نظرهایی را دریافت کردیم تا پژوهش متکی بر یک تفکر و نگرش خاص نباشد. تمام نظرها عمیقاً تحلیل شده تا همه ابعاد بررسی شود. این اثر متکی بر تئوری خاصی نیست. قرار است تئوری جدید خلق شود و مدل و پایه مطالعات بعدی باشد.

در ادامه ایمانی خوشخو هم چنین گفت: ما بیشتر تهییج شده ایم این موضوع وارد ادبیات بین المللی شود و از نگاه های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. این پدیده از نگاه جهانی، نوظهور است و سال به سال در حال توسعه.

در مطالعه پیش رو به پدیده اجتماعی و مذهبی اربعین، نگاه علمی شده و سعی بر آن است که این رویداد ساختارمند شود، چرا که تجربه نشان داده اگر چنین پدیده هایی به حال خود رها شوند، در ادامه از راه اصلی خارج می شوند، یا دستاویز عده ای قرار می گیرد که به اربعین نگاه دیگری دارند، بنابراین لازم است حتما نگاه علمی به موضوع وجود داشته باشد.

این واقعه با شتابی که در پیش دارد حتماً قابل بررسی است و باید در ابعاد جهانی مورد توجه قرار گیرد. کمیت، نوع مسیر یا مسیر محور بودن، جنس و هویت شرکت کنندگان را مورد تأکید مطالعات این رساله دانست و بیان کرد: اربعین رویدادی مسیر محور است، در حالی که بیشتر رویدادها مقصد محور هستند و این نگاه منحصر به فردی است که در مطالعات به آن توجه شده است. وجه متمایز اربعین از سایر رویدادها، قابل توجه است. در اربعین، مجموعه های فرهنگی با موضوع مشترک حضور دارند که ما دنبال هویت شناسی آن ها هستیم، افرادی که با فرهنگ متفاوت ولی با یک مقصد و هدف مشترک در یک مسیر قرار می گیرند.

البته در این رویداد وجه تمایزی بین مهمان و میزبان نمی توان قائل شد. اگر برش مقطعی در جمعیت شرکت کننده زده شود، این دو گروه را نمی توان از یکدیگر تفکیک کرد و امتزاج خیلی قوی بین این دو جامعه از ویژگی های این راه پیمایی به شمار می آید. در بیشتر رویدادهای دنیا مخصوصاً ابر رویدادها، دولت ها سهم عمده ای در مدیریت جریان دارند، اما در اربعین دولت ها کمترین نقش را دارند و بار اصلی بر دوش بخش های غیر دولتی و مردمی است.

پایه مطالعات این رویداد فرهنگ است. اگرچه می توان به اربعین نگاه اقتصادی داشت، اما تأکید اصلی بر نگاه اجتماعی و فرهنگی بوده است.

ما اربعین را واقعه ای یک هفته ای و یا ۱۰ روزه نمی بینیم، چرا که معتقدیم آثار بعدی آن بسیار ظرفیت مطالعه دارد، مثلاً این که آن جمعیت چند میلیونی چه توشه ای با خود همراه می کند و از آن چه استفاده ای می برد؟. آثار اربعین برای ما بسیار اهمیت دارد.

همچنین فعالیت های داوطلبانه را که موضوع روز جهانی در سازمان های بین المللی است، در مطالعات این رساله مورد تأکید دارد. اربعین انگیزه ای برای حضور مردم در صحنه اجتماع است، بدون آن که دولت ها دخالتی داشته باشند.

در تاریخ پیاده روی اربعین، رد پای ایرانی ها دیده می شود و از قدیم ایرانیان عشق و علاقه خاصی به حضور در کربلا در اربعین دارند. این جنبه از اربعین قابلیت مطالعه دارد.

دامنه گستردگی این رویداد از سال ۲۰۰۰ به بعد است. یعنی از این تاریخ بیشتر مردم به این رخداد واکنش نشان دادند. طبق آثار و مستندات علمی که از آن سال، به این رویداد پرداخته و خیلی هم عمیق نبوده است، چنین چارچوبی استخراج شده است. در واقع مساله آن است که در حوزه

مطالعات رویدادهای دینی، کار خیلی کمی انجام شده و این برای نخستین بار در جهان است که به رویداد اربعین نگاه علمی می شود.

ریشه و قدمت این مراسم در مطالعات مکتوب و مستندات منتشره قابل پیگیری است. ائمه علیهم السلام تأکید داشتند برای زیارت پیاده بروند، بنابراین از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیاده روی به سمت یک مقصد مقدس رواج داشته و به مرور هم در ایران و به ویژه در دوره صفویه رایج شده است. آن زمان حتی از چهارپایان هم استفاده نمی کردند، نمونه اش پیاده روی برای زیارت مشهد مقدس بوده است. از سوی دیگر اربعین و عدد چهل برای ما مقدس بوده و در ادبیات و روایات مان پیشینه دیرینه دارد و متناسب تقدس این چهل، آن راه پیمایی هم شکل گرفته است.

اصل این کار جدید نیست و پیشینه تاریخی دارد، ولی ظهور و بروز آن فرق می کند. در زمان صدام ممانعت هایی می شد، اما به شکل مخفی انجام می شد، در زمان اشغال عراق نیز با آشفتگی هایی همراه بود، حالا هفت هشت سالی است که مداوم انجام می شود.

مهدیه بُد نیز درباره سابقه این موضوع که احتمالاً در سفرنامه ها به آن اشاره شده باشد، توضیح داد: معمولاً توصیه بر این است که عربی بودن مراسم حفظ شود و این روزها هم دیده می شود یک نوحه دو خطی به زبان عربی به هیأت ها داده اند که بخوانند تا به نوعی از خدام عراقی تشکر شود. ما هم فکر می کردیم این رسم متعلق به قدیمی های عراق باشد، اما وقتی با قدیمی ترین پیاده روهای این مراسم صحبت کردیم به این نکته رسیدیم که هسته اولیه این پیاده روی توسط ایرانی هایی شکل گرفته که در حوزه علمیه نجف مشغول تحصیل بوده اند.

هدف اصلی پژوهش، سنخ شناسی آسیب های موجود در برگزاری اربعین است. برای حفظ یک رویداد لازم است یک آسیب شناسی از آن صورت گیرد. شناسایی انگیزه افراد شرکت کننده در ابر رویداد اربعین با حوزه میدانی نجف تا کربلا که مورد مطالعه میدانی و مشاهده قرار می گیرد.

ایمانی خوشخو در پاسخ به این پرسش که آیا نپرداختن به مسیرها و مقاصد دیگر در این رویداد، مطالعه را ناقص نمی گذارد؟ از سوی دیگر چند سالی است که همزمان در داخل کشور پیاده روی های شبیه سازی شده ای انجام می شود، آیا در این مطالعه به آن ها نیز اشاره ای شده و آیا نپرداختن به آن ها، بحث را ناقص نمی کند؟ توضیح داد: جلسات متعددی با دست اندرکاران این پدیده بویژه در سازمان حج صورت گرفته، مصاحبه های متعددی نیز با افرادی که این رویداد را درک کرده اند انجام شده و بر آن اساس به این نتیجه رسیدیم که که برش مکانی به نجف و کربلا تا اندازه قابل توجهی قابل تعمیم و پوشش دهنده است. نمونه های داخلی نیز به تعبیری سر ریز رویداد عراق است، یعنی اشخاصی که شرایطی را نداشتند برای اقناع حسی شبیه سازی هایی کرده اند که آن خیلی به کار ما نمی آید، چون تمرکز ما روی رویداد اربعین در عراق است.

این واقعه بدون هیچ دخالتی قابل تعریف است و سعی هست از گزند دست کاری در امان بماند. درست است که فرهنگ های مختلف در این رویداد شرکت می کنند، ولی نباید فرهنگ خود را وارد این واقعه کنیم. مثلاً خواندن نوحه ها به زبان عربی در مراسم اربعین برای آن است که کثرت در وحدت از دست نرود. حتی معتقدم درخواست مقام معظم رهبری برای

استفاده نکردن از تصویرشان در راهپیمایی در همین راستا بوده است.

ص: ۱۷۴

یکی از اقداماتی که این رویداد را حفظ و حراست می کند و به تعبیری ما هم به آن رسیده ایم، نداشتن دخالت بیرونی در این رویداد است تا شکل طبیعی خود را در بستر زمان و مکان داشته باشد.

رئیس دانشگاه علم و فرهنگ در پاسخ به این پرسش که آیا این مطالعات علمی پیش درآمدی برای ثبت جهانی این ابر رویداد است، گفت: ما دنبال ثبت علمی هستیم و ثبت فرهنگی و معنوی را در دستگاه های دیگر باید پیگیری کنند. خواسته ما این است که نتایج مطالعات و این ابر رویداد در محافل علمی و مستندات علمی ثبت شود. یقیناً از این پس نتایج این تحقیق در نشست ها و مقالات بین المللی وارد خواهد شد و این موضوع برای کسانی که در این زمینه کار می کنند، جالب خواهد بود.

ارتباطات میان فرهنگی را از زوایای ناشناخته این رویداد است. اتفاقاً یونسکو خیلی روی این موضوع تأکید دارد و کشورها را تشویق می کند وارد فعالیت هایی شوند که عامل ارتباطات میان فرهنگی باشد. یونسکو حتی کرسی ای به همین نام دارد و بیست سی سال پیش یکی از اجلاس های سالانه اش را هم به همین موضوع اختصاص داد.

تأثیرات اجتماعی از نکات قابل توجه در این رویداد است که در کنار تأثیرات اقتصادی و مذهبی قرار گرفته و این پژوهش به آن می پردازد.

ابراز درونیات افراد به واسطه انجام مناسک دینی را از دیگر نکات قابل بررسی است. برای نمونه اشخاصی که برای سال نو در واتیکان جمع می شوند، از زمانی که تصمیم می گیرند تا زمان حضور و حتی در برگشت، از آن واقعه تأثیرپذیری دارند در اربعین هم همین گونه است.

این ویژگی ها و وجه تمایزی که اربعین به نسبت سایر رویدادها دارد، دست مایه تعریف پروژه ای شد برای استخراج الگوی ابر رویداد مذهبی اربعین تا پایه مطالعات محققان جهان شود و دیگران با این نگاه اربعین را بشناسند.

به روش علمی و با چارچوب علمی مشاهده ای، نسبت به این رویداد ضوابطی به دست می آید و از دل آن، الگویی استخراج می شود که چراغ راه سایر محققان جهان خواهد شد. پنجره های جدیدی برای نگرش به این رویداد باز می کنیم که از زوایای مختلف مقدمه ای باشد برای تحقیقات بعدی.

تشدید منازعات: با گسترش رخداد اربعین و افزایش شرکت کنندگان در هر سال نسبت به سال قبل، جبهه وهابیت عکس العمل نشان داده و شروع به تبلیغات منفی کرده است. مطلبی با عنوان «حج حسینی: تبدیل یک فرصت بزرگ به تهدیدی بزرگ تر» در برخی رسانه های مجازی منتشر شده که گویای پیامدهای آن است.

مقایسه و تقابل سازی میان پیاده روی اربعین با مناسک حج، یکی از محورهای اصلی در گفتمان «اربعین ایرانی» است که متأسفانه در رسانه های رسمی و غیررسمی هم به آن دامن زده می شود. به ویژه در این یکی دو سال پس از واقعه منا و تشدید اختلافات ایران و عربستان، این خط تقابل سازی تقویت شده است.

این تقابل، در دینداری عامیانه هم زمینه قبول دارد. چراکه اساساً «آیین های دینداران» به جهت آن که محل بروز خلاقیت و ابتکار است و انعطاف پذیر است، به مراتب جذاب تر از «مناسک دینی» است. همچنانکه در این گونه از دینداری، عزاداری از نماز جذابیت بیشتری دارد، طبیعی است که اربعین هم جذاب تر از مناسک خشک و تکراری و صعب الوصول حج باشد. علاوه بر این، «دیگری» تشیع عامیانه از گذشته تا امروز اهل سنت بوده اند و این تشیع اساساً از هر گونه تقابل سازی با سنی ها استقبال می کند.

امروزه، نزاع و رقابت سیاسی میان جمهوری اسلامی و دیگر قدرت های منطقه ای (به ویژه عربستان) از یک سو و رشد و گسترش دینداری غلوآمیز، عقل گریز و احساسی در پرتو غلبه «تشیع هیئتی» و مداح محور و فربه شدن آیین های عزاداری از سوی دیگر بستر ساز تقویت گفتمان تقابلی مذکور شده است. گفتمانی که شعایر اسلامی نظیر حج و بیت الله الحرام را تخفیف می دهد تا شعایر شیعی نظیر زیارت اربعین و کربلا- را برتری بخشد. طیفی از روحانیون و به ویژه اهل منبر نیز با برجسته سازی و تکیه بر روایات مؤید این روند، می کوشند عقبه نظری آن را هم فراهم کنند. محصول این گفتمان می شود تعبیری نظیر «حج شیعه» و «حج حسینی» (که متأسفانه امروز [۱ آذر ۱۳۹۵] به عنوان یکی از تیترهای اصلی روزنامه اعتماد انتخاب شده است)؛ تعبیر خطرناکی که بوی خون و خشونت می دهند. تکیه بر این تقابل، عملاً به مرزبندی اقلیت شیعه امامیه با جهان اسلام دامن می زند و نهایتاً شیعه امامی را به یک «فرقه» تبدیل خواهد کرد؛ منفک از بیکره جهان اسلام. امری که جمهوری اسلامی و شیعیان بیش از هر کس از آن ضربه خواهند خورد.

فراموش نکنیم پیاده روی اربعین، هرچه هم زیبا، هرچه هم باشکوه، هرچه هم غرورآفرین، اما درنهایت یک امر مستحبی است؛ یک آیین نه چندان متقدم که توسط دینداران و در یک بستر تاریخی، فرهنگی و سیاسی شکل گرفته و رشد کرده است. اما مناسک حج یک شعار اصیل دینی و یک واجب شرعی است. فرمان خالق است نه ابداع مخلوق.

حج هم تنها یک حج است: «حج ابراهیمی». مراقب باشیم با هیجانات مقطعی و احساسات کنترل نشده مذهبی، فرصت عظیم اربعین را تبدیل به تهدیدی بزرگ نکنیم.

ملاحظه

در این گزارمان، مؤلف پایان نامه و استاد راهنمای آن نکات مهمی گفتند و ابعاد ثبت علمی - جهانی آبر رویداد اربعین را توضیح دادند. اما متأسفانه به یک جنبه بسیار مهم آن یعنی معلولان و معلولیت اشاره نکردند.

ثبت جهانی و تاریخی این رخداد بدون توجه به معلولان ناقص و ابتر است. البته حضور زنان، سالخوردگان و کودکان هم

مهم است و گویای جنبه انسانی آن است ولی معلولان به چند دلیل اهمیت بیشتر دارد:

ص: ۱۷۶

۱- معلولان به صورت سازمان یافته حضور دارند. تشکل های معلولان از کشورها و شهرهای مختلف نشان از پیشرفتگی مدنی آنها می نماید.

۲- معلولان علاوه بر حضور به تعاون، ایثار و خدمتگزاری هم اشتغال دارند. ناشنوایان به مردم غذا و چای می دهند، نابینایان با صدای رسا شعار، قرآن و نوحه می خوانند و گرمی بخش محافل هستند.

به این دلایل مناسب است اینگونه آثار به معلولان هم پردازند.

گزارش نشست ابعاد فرهنگی و اجتماعی پیاده روی اربعین

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و انجمن جامعه شناسی ایران، بعدازظهر روز ۷ دی ماه ۹۵، همایشی در حد میزگرد در محل پژوهشگاه (تهران، خیابان دمشق) برگزار کردند و به بررسی ابعاد اجتماعی و فرهنگی اربعین پرداختند. عنوان این همایش «ابعاد فرهنگی و اجتماعی پیاده روی اربعین» بود.

چهار تن از استادان جامعه شناسی یعنی آقایان جبار رحمانی، محمدرضا پویافر، مسعود معینی پور و محسن حسام مظاهری در این باره از ساعت ۱۴ تا ۱۷ صحبت و هم اندیشی داشتند.

ابعاد اجتماعی فرہنگی و پیادہ روئے العین



باحضور
دکتر جبار رحمانی
دکتر محمد رضا پویافر
دکتر مسعود معینی پور
آقای محسن حسام مظاہری



زمان: ۷ دی ۱۳۹۵
ساعت ۱۷ تا ۱۴

مکان: پرژوشگاه فونک هنر و ارتباطات

تلفن: ۸۸۱۹۱۷۶
تہران، خیابان ولیعصر، رسیدہ بہ میدان ولیعصر، خیابان دمشق شماره ۹

گزارشی از سخنان شرکت کنندگان: اولین سخنران مسعود معینی پور(۱) درباره ویژگی های اربعین ایرانی گفت: اربعین عقلانیتی دارد که یک نوع شجاعت و امنیت را تأمین می کند. عقلانیت حاکم بر اربعین نوعی عقلانیت و حرکت خروج از جهالت است.

عُرفی شدن اربعین و خطر این عُرفی شدن موضوع بحث من است. به عقیده من اربعین را می توان آئینی دانست که به سمت منسک می رود. منظور از منسک هم مجموعه رفتارهای مذهبی است که در بازه های مختلفی شکل می گیرد و به عرصه عمل می رسد. منسک عموماً توسط مردم عادی به وجود می آید و در یک بستر کاملاً عرفی شکل می گیرد. البته باید توجه داشته باشیم بین دو نوع از عُرف تمیز قائل شویم؛ عُرف به معنای عمومی شدن توسط مردم و عُرفی شدنی که به سکولاریزم منتهی می شود.

یکی از ویژگی های مهم اربعین مقوله عمومی و مردمی بودن آن است به این معنا که هیچ نهاد یا سازمانی در شکل گیری این پدیده دخالت ندارد. البته در این بین باید به اربعین عراقی و ایرانی هم حواسمان باشد چون بسترهای جدید در ایران نشان داده که ما شناخت درست و خوبی از اربعین نداریم و عراقی ها در این باره از ما جلوترند. متأسفانه سیاستگذاران کشور ما چنین درکی از این تفاوت ندارند.

مناظر مختلفی هست که از طریق آنها می توان راجع به اربعین بحث کرد. پرداخت و توضیح داد: در باب اربعین می توان از سه منظر تکوینی، تشریحی و علوم اجتماعی بحث کرد. منظر تکوینی یعنی اینکه با یک وجه الهی و قدسی آن را ببینیم و تبیین کنیم. وجه تشریحی به این معنا که اربعین جزو تشریحاتی است که یکسری آداب و القاب خاص برای آن تعریف شده است. رویکرد آخر هم یعنی اینکه چون اربعین یک پدیده خودجوش و مردمی است پس از منظر جامعه شناسی هم قابل تحلیل است. علاوه بر این، اربعین عقلانیتی دارد که یک نوع شجاعت و امنیت را تأمین می کند چون طبیعتاً در شرایط فعلی کسی نباید به کربلا برود و رفتن این حجم از جمعیت با هیچگونه عقلانیت ابزاری جور در نمی آید عقلانیت حاکم بر اربعین نوعی عقلانیت و حرکت خروج از جهالت است.

منظور من از عرفی شدن و سکولاری شدن، معنازدایی و روزمره شدن پدیده اربعین است. ما اگر نتوانیم برای اربعین نوعی ما به ازای معرفتی، قلبی و رفتاری تعریف کنیم به سمت روزمره و عُرفی شدن آن می رویم. اگر به اربعین به عنوان یک پدیده حماسی و عاطفی نگاه کنیم و نگاه تقلیل گرایانه داشته باشیم و یا اگر امر سیاسی بر امر فرهنگی و فرم بر محتوا غلبه کند یعنی به سوی عُرفی شدن و روزمره شدن اربعین رفته ایم.(۲)

جبار رحمانی، عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات به عنوان دیگر سخنران این نشست با اشاره به اینکه تشیع با پیاده روی اربعین و تحولات اخیر دچار نقطه عطف شده گفت: من تشیع امروزی که در پدیده اربعین حضور دارند را تشیع پس از صدام نامگذاری می کنم. چون در زمان صدام دسترسی به کربلا بسیار محدود بوده و

۱- . معینی پور دبیر علمی همایش ملی اربعین و استادیار دانشگاه باقرالعلوم.

۲- . www.mehrnews.com.

فراق و دوری از کربلا- نوعی عظمت و هیبت ایجاد کرده بود که حضور در آنجا برای خیلی ها غیرممکن بود. پس از صدام این نوع از فراق و حسرت رفع شد و در نتیجه مختصات تشیع تغییر کرد به عقیده من امروزه دوران تشیع سنتی به پایان خودش نزدیک است.

نظریه «اجتماعات تصویری» بندیکت اندرسون را در این زمینه می توان مطرح کرد. اجتماعات تصویری مبتنی بر دوره معاصر و نوین است. در پدیده اربعین هم نوعی از این نظام تصویری شکل می گیرد. در واقع ما در این اجتماع یک جمعیت بزرگ و فراگیر را می بینیم که در آن دست الهی و فطرت خدا دخالت و حضور دارد. این جمعیت عظیم با یک منطق اعتقادی توجیه می شود و این روایت با یک نظام تصویری عجیبی شروع به تکثیر و انتشار می کند. اتفاقی که در این نمایش تصاویر رخ می دهد اینکه عمدتاً تصاویر یک دست و یکسان دیده می شود و معمولاً از هزینه ها، تلفات و نظرات افراد مختلف حرفی زده نمی شود. در واقع بر این اساس اربعین به یک فرایند فراملی تبدیل می شود که هیچ کس حتی جرأت نقد آن را هم پیدا نمی کند. یکی دیگر از ویژگی های اجتماعات تصویری ادعاهای گزاف و بدون منطق و مدرک و بر ساخته بشری است.

شاخ و شانه کشیدن اعدادی و کمی و اینکه دائماً روی این نقطه تمرکز شود که ما بزرگ ترین جمعیت مذهبی دنیا هستیم و مدام آمار و ارقام را به رخ سایر ادیان بکشیم و خودمان را قوم برگزیده بینیم همگی برای این پدیده پیامدهایی دارد که ممکن است در آینده شاهد آن باشیم. نکته جالب اینکه برگزیده بودن و برتر بودن، منطق ادیانی است که در یک دوره ای سرکوب شده اند و تقریباً همه ادیان هم از این دوره ها داشتند. اما مشکل اجتماع تصویری این است که ما فکر می کنیم همه از آن پدیده یک تفسیر واحد دارند یعنی فکر می کنیم بچه، بزرگ و قومیت های مختلف همگی یک تفسیر از ماجرا دارند و به صورت تعمدی به سایر تفاسیر نمی پردازیم. بنابراین احتمال می رود که در آینده شاهد سیاسی شدن فرایندها این پدیده باشیم و مواردی چون تشیع انگلیسی و اینها از پیامدهای این اتفاقات است.

لازم است که حاکمان حکومتی دست از تصاحب، تقلیل و دستکاری این پدیده بردارند و در عوض وجه همزیستی، انسجام و وحدت فراگیر شیعی تقویت شود چون پدیده اربعین در صورتی استمرار پیدا می کند که غیر سیاسی شود. با دستکاری هایی که ما در این پدیده می کنیم به سمت اینکه ما شیعه برتر هستیم می رویم و این نوع ذهنیت انحصارگرایانه ممکن است دعوای جدید درون شیعی به وجود بیاورد.

به عقیده من وضعیتی که در حال حاضر شاهد آن هستیم وضعیت ظهور تشیع نوظهور است. باید توجه داشته باشیم که تکثر امر قدسی و روزمره شدن آن باعث می شود امر قدسی و در نتیجه ذهنیت شیعه مختل شود.

محسن حسام مظاهری، از پژوهشگران حوزه جامعه شناسی از دیگر سخنرانان این مراسم بود که درباره موضوع «اربعین ایرانی: الهیات سیاسی و پایان تاریخ شیعه» سخنرانی کرد. وی در ابتدای سخنانش ویژگی های اربعین ایرانی را مطرح کرد و گفت: بنده برای اربعین ایرانی چند ویژگی قائلم؛ برجسته سازی و اهمیت دادن به اربعین فراتر از یک آئین. آن اتفاق هم توسط وعاظ و منبری ها

می افتد و هم توسط مسئولین نظام و یکسری نخبگان دولتی و حکومتی. برجسته سازی ابعاد جمعی و جمعیتی بر این اساس مدام روی ماجرای بزرگ ترین جماعت مذهبی دنیا و این آمار و ارقام تأکید می شود. نکته دیگر ماهیت سیاسی دادن به این پدیده است.

ویژگی های اربعین ایرانی را اینگونه می توان شمرد: مطرح کردن «دیگری» در این پدیده که منظور از دیگری در اینجا غرب است از دیگر ویژگی های اربعین ایرانی است. به این معنا که مدام اربعین را در مقابل جهان غرب تعریف می کنیم و می گوئیم رسانه های غربی به این موضوع بی توجهند و امثال اینها. وقوع غیرطبیعی و معجزه دانستن از دیگر ویژگی های این پدیده ایرانی است. همین که آن را غیرطبیعی بدانیم و دست خدا را در این پدیده ببینیم همگی مبنی بر این ماجراست. ماهیت بین المللی شدن اربعین و تأکید بر روی حضور مسیحیان و افرادی از دیگر کشورها خود بر این اساس است. جالب اینکه ما بر روی حضور مسیحیان خیلی تأکید می کنیم در حالی که این حضور اصلاً پدیده عجیبی نیست و در خیلی از کشورها اتفاق می افتد که افرادی از ادیان مختلف در مناسک سایر ادیان شرکت کنند. نکته قابل بحث اینکه ما انقدر که روی حضور مسیحیان و خارجی ها تأکید می کنیم بر روی حضور سنی ها تأکید نمی کنیم.

اما رویکرد و ویژگی آخرالزمانی به پدیده اربعین آخرین ویژگی اربعین ایرانی که برای من بسیار مهم و قابل بحث است. بر اساس تاریخ مقدس شیعه، عاشورا سرآغاز غربت و ظهور امام زمان سرآغاز قدرت است. یکی از مسائل و دغدغه های امروز شیعه تطبیق دادن مسائل فعلی با مسائل ظهور است. پدیده اربعین یکبار دیگر پای این تطبیق ها را باز کرد. به این معنا که خیلی ها این اتفاق و حضور عجیب و غریب در اربعین را در راستای ظهور می دانند و بر روی آن مانور می دهند. بعضاً در سخنرانی های این دوران شنیده و دیده می شود که این پیاده روی را نوعی آمادگی و تمرین برای ظهور مطرح کرده اند. به این معنا که ما باید اربعین را شلوغ کنیم و در پیاده روی آن حاضر شویم چون قرار است سپاه ظهور را آماده کنیم. (۱)

ملاحظه

این همایش را ملی نامیده و پژوهشگاهی با امکانات یک وزارتخانه آن را برگزار کرده است؛ اما چرا بازتاب، اطلاع رسانی و محتوا در سطح ملی ندارد و صرفاً میزگردی چهار نفره است.

اگر اربعین مهم است و سالانه هزینه بسیار از جیب ملت برای آن هزینه می شود، لا-جرم نهادهای کلان موظف اند آسیب شناسی کنند، راه درست را نشان دهند، از کارشناسان دعوت کنند و بالاخره اهتمام جدی داشته باشند.

دانشگاه ماساچوست هر سال تحقیقات گسترده و نشست جدی در این باره دارد و کتاب چاپ می کند ولی نهادهای دولتی که بودجه کلان هم مصرف می کنند کارشان نسبت به کار امریکایی ها بسیار ضعیف تر است. چرا؟

ص: ۱۸۰

بسیج دانشجویی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران مراسمی در ۳۰ آذرماه ۱۳۹۵ در محل دانشکده به نام همایش اربعین برگزار کرد. در این مراسم چهار تن از استادان علوم اجتماعی به ارائه دیدگاه های خود درباره اربعین پرداختند. یک دانشجوی هم به گزارش پایان اش پرداخت که درباره رخداد اربعین است.

بسیج دانشجویی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار می کند:

همایش

سخنرانان:

دکتر حمید پارسانیا
باموضوع جامعه شناسی و شفقت از اربعین

دکتر سیده مهدی اعتمادی فر
باموضوع اربعین؛ بحران ها و فرآیند خون امر قدسی

دکتر جبار رحمانی
باموضوع زیارت و صورت بندی تاریخی هویت شیعه

دکتر محسن حسام مظاهری
باموضوع آیین جذاب: چرا اربعین برای ایران هاجذاب است؟

وارانگه دانشجویی محسن امین
عنوان پایان نامه: پیاده روی اربعین به منتهای ارتباطات آئینه شیعه

زمان: سه شنبه ۳۰ آذرماه ۹۵
ساعت: ۱۲-۱۵ مکان: سالن مطهری

سخنرانی‌ها: دکتر حمید پارسانیا درباره «جامعه‌شناسی و غفلت از اربعین» و دکتر سید مهدی اعتمادی فرد موضوع «اربعین، بحران‌ها و فراخوان امر قدسی» را بحث کرد. دکتر جبار رحمانی به موضوع «زیارت و صورت بندی تاریخی هویت شیعی» پرداخت. دکتر محسن حسام مظاهری، «آیین جذاب: چرا اربعین برای ایرانیان» را بحث کرد. دانشجو محسن امین، موضوع پایان‌نامه‌اش را «پیاده روی اربعین را به مثابه ی ارتباطات آیینی شیعی» برگزیده و گزارشی از آن در این همایش عرضه کرد.

دیدگاه شرکت کنندگان: حجت

الاسلام حمید پارسانیا در مورد پیاده روی اربعین گفت: از پدیده پیاده روی اربعین می‌توان به روش‌شناسی مطالعات اربعین و لزوم تکثیر روش‌شناسی از واقعه اربعین به خاطر گستردگی آن رسید. این روش‌شناسی مطالعات اربعین باید در مورد مناسک دینی هم به کار برود که این مربوط به جامعه‌شناسی دینی است و تاکنون مورد غفلت واقع شده است.

پدیده زیارت اربعین را می‌توان با چند روش بررسی کرد؛ اول اینکه زیارت اربعین را به عنوان یک امر تکوینی که در قلمرو تکوین مراد خداوند قرار می‌گیرد بررسی کنیم که این بعد مربوط به بعد الهی و عرفانی اربعین می‌باشد و در قلمرو رفتار فردی نیست.

این روش همان چیزی است که به گفته ملاصدرا جغرافیای ملک با ملکوت در هم تنیده شده است. انسان کافر خود آتش متحرک است ولی انسان مومن بهشت متحرک و این همان چیزی است که پیامبر می‌گوید من از فاطمه بوی بهشت استشمام می‌کنم. ساحت دیگر در بررسی اربعین و مناسک دینی این است که از این جهت مورد توجه قرار می‌گیرند که این مراسم فعل انسانی است و انسان به عنوان یک کنش‌گر مطرح است. البته خود این ساحت دارای یک دوگانگی است که اولین آن به لحاظ تجویزی به موضوع اربعین می‌پردازد و این مسائل مطرح می‌شود

که آیا فردی که این کار را انجام می‌دهد

کار خوبی انجام داده یا خیر؟ کار واجبی انجام داده یا مستحب یا مباح؟ در واقع این ساحت شریعتی مناسک اربعین است. در این بعد در واقع ما اربعین را به لحاظ دینی می‌شناسیم نه به لحاظ واقعیت وجودی آن و روش این ساحت رجوع به روایات است.

از لحاظ اینکه اربعین فعل انسانی است این حوزه مربوط به عمل انسان‌هاست و این یک پدیده و مطالعه تاریخی و میدانی است. در این روش به یک مطالعه پدیده زمانی و مکانی می‌پردازیم. در این بعد به این می‌پردازیم که چه کسانی مخالف آمدن مردم بودند و چه کسانی موافق. وقتی با آمدن آنها مخالفت شد کنش‌گران چه کردند؟ آیا از رفتن منصرف شدند و یا تهدید؟ و اگر به زیارت رفتند توسط تهدیدکنندگان چه برخوردی با آنها شد؟ احکام در این حوزه را نباید با هم خلط کرد یعنی که اگر در مقطعی تاریخی کنش‌گران به این تجویز عمل کردند و در دوره‌ای دیگر عمل نکردند نباید آن را به شریعت نسبت داد و این همان سفری است که در مطالعه مناسک دینی ممکن است رخ بدهد و رخ هم داده است. (۱)

در ادامه دکتر محسن حسام مظاهری به سخنرانی پیرامون این پرداخت که چرا اربعین برای ایرانی‌ها جذاب است. ادبیات پیاده

روی اربعین در ایران کمتر از یک دهه عمر دارد و به همین جهت

ص: ۱۸۲

۱- . www.snn.ir

بیشتر در مورد آن پرسش داریم تا اینکه بخواهیم تحلیل کنیم و به همین جهت فعلاً نیازمند

جمع آوری داده در مورد این موضوع هستیم.

عملاً شاهد وجود دو نوع آئین در جامعه هستیم یک دست آئین ها توسط خود دین تشریح شده اند و فرم شان با جزئیات در متون دینی آمده است و یک دسته آئین ها هم فرم سیال دارند و این فرم تأثیر گرفته

از شرایط اجتماعی، جغرافیایی و سایر عوامل است و به خاطر همین در یکی از بافت های فرهنگی نخل نقش زیادی در آئین عزاداری دارد و در بافت دیگر قمه زنی رواج پیدا می کند. معمولاً آئین های دسته دوم برای دین داران جذاب تر هستند چون می توانند در آن دخل و تصرف کنند و به همین جهت است که با بعضی از افراد روبرو می شویم که به پیاده روی اربعین می روند ولی نماز نمی خوانند.

نکته ای که معمولاً مورد

توجه زائران ایرانی قرار می گیرد

و دارای جذابیت است تفاوت های

ناشی از بافت فرهنگی و عشیره ای

عراق با ایران است برای مثال تفاوت در نحوه دادن نذری ها؛ تفاوت در نمازهای دینی و سیاسی که در طول مسیر پیاده روی مشاهده می شود.

ایرانیزه کردن عراق و گفتمان های آن از کنترل ایران خارج است چون عوامل کنترل کننده آن خارج از دست ایران است و به همین جهت نمی توان با عنوان شیعه انگلیسی یا اسلام آمریکایی مانع حضور و فعالیت عده ای در این آئین و مراسم شد و از این منظر می توان گفت اربعین بزرگترین صحنه ای است که تکثر گفتمان شیعی را نشان می دهد.

از طرف دیگر مجموعه جذابیت های خردی تشکیل می دهد که نمی توان

آنها را نادیده گرفت مثلاً این

جذابیت خرد که از لحاظ اقتصادی معمولاً- این زیارت برای زائر ارزان تمام می شود و یا اینکه جنگ تحمیلی ارتش بعث بر چگونگی این پدیده در زمان کنونی نمی تواند بی تأثیر باشد هر چند که در این زمینه باید تحقیق بیشتری انجام شود.

در ادامه دکتر سیدمهدی اعتمادی فر

به سخنرانی حول موضوع اربعین؛ بحران ها و فراخوان های

امر قدسی پرداخت و به این نکته اشاره کرد که آمارها نشان می دهد که میزان حضور مردم در مناسک دینی جمعی طی دهه های اخیر کاهش یافته است ولی در بعضی مناسک و از جمله اعتکاف ها و پیاده روی های اربعین این آمار رو به رشد بوده است و بعضا این رشد هم یک رشد انفجاری بوده است. به نظر می رسد با ارجاع به خود یک مناسک خاص؛ به الگو و تدوین کاملی نمی توان دست یافت بلکه باید به بافت ها و زمینه های موجود هم توجه کرد.

امروزه افراد در زندگی فردی خود با نوعی عدم اعتدال به خاطر بحران های

موجود روبرو هستند و از طریق حضور در یکسری از مناسک جمعی می توانند تا حدی تأثیر این

نیروهای اجتماعی نامتعادل را کاهش دهند به عبارتی هر چه این نیروهای اجتماعی نامتعادل کننده در زندگی اجتماعی افزایش یابد؛ رغبت به اینگونه

مناسک و مراسم جمعی بیشتر می شود.

جالب اینکه مناسکی چون نماز جمعه و نمازهای جماعت نمی توانند دواي این درد موجود ناشی از بحران ها باشند؛ چون همه سلايق را در بر نمی گیرند و منحصر به فرد

نیستند.

ص: ۱۸۳

وی در مورد شکل های دین داری به این نکته اشاره کرد که فرم های دین داری رو به تغییر و تحول است و هر مقدار ابهام در ارزش های اساسی دین داری افزایش یابد این فرم های تحول یافته تر بیشتر مورد توجه قرار می گیرد و به همین جهت است که حضور گسترده مردم در پیاده روی اربعین به معنای بیشتر شدن میزان دین داری افراد جامعه نیست بلکه به آن جنبه منحصر به فرد بودن این مناسک برمی گردد.

اتفاقی چون حضور دسته جمعی در مقبره کوروش نیز از همین دسته است که درصدد کاهش اثر دردهای ناشی از بحران هاست. معمولاً کسانی

که در راهپیمایی اربعین حضور می یابند می خواهند با حضورشان امنیت جمعی خود را در کشورشان افزایش دهند و به همین جهت شرکت کنندگان حیثیت وجودی و اولیه زندگی خود را در حضور در این مراسم می بینند. حضور گسترده در اینگونه مراسم های منحصر به فرد به زمینه های بحرانی غیر مترقبه ای

برمی گردد که می تواند ناشی از شرایط منطقه ای خاورمیانه باشد و یا ناشی از بعضی شرایط داخلی. یادآوری کردن از مراسم اربعین تحت عنوان رزمایش نمادین می تواند گویای شرایط خاص خاورمیانه باشد.

وی در جواب یکی از حضار با اشاره به سایر پدیده هایی چون هیئت ها و برخی مداحان گفت: به خاطر وجود همین بحران هاست که هیئت هایی که معمولاً نظم

و انسجام روتین و مشخص دینی ندارند؛ بیشتر مورد استقبال قرار می گیرند برای مثال هیئت دیوانگان کاشان هیئتی است که مراجع آن را چندان قبول ندارند ولی مورد استقبال زیادی قرار می گیرد و یا مداحی مثل سیدجواد ذاکر به خاطر این شرایط به قطبی در مراسم های عزاداری تبدیل می شود.

در ادامه این نشست دکتر جبار رحمانی به سخنرانی پیرامون زیارت و صورت بندی تاریخی هویت شیعی پرداخت و گفت: تشیع به خاطر دور شدن از سیستم مرکزی در طول تاریخ درصدد برآمدن آئین های خود بوده است. تشیع بیش از اینکه خود را حول کعبه تشکیل دهد؛ خود را حول بارگاه ها تشکیل داده است و کربلا مهمترین این بارگاه هاست. تاریخ تشیع پر است از تنش ها و سختی ها و به خاطر همین است که در برخی مقاطع تاریخ می بینیم دست زائر امام حسین علیه السلام را قطع می کنند و یا او را خیلی اذیت می کنند در حالی که این اتفاقات بد در مورد رفتن به حج وجود نداشته است. کربلا یک معدن پر از راز و رمز برای شیعیان است که هرچه سخت گیری های

نسبت به آن زیادتر شود این حالت راز و رمزگونه کربلا افزایش می یابد. (۱)

در ادامه این همایش محسن امین، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران به ارائه مطالبی پیرامون پایان نامه خود پرداخت.

وی در مورد پایان نامه خود که با عنوان «پیاده روی اربعین به مثابه ارتباطات آئینی شیعی» بود، گفت: در این پایان نامه چون

نظریه خاصی پیدا نشد که اربعین را با آن بررسی کنیم؛ روش مردم نگاری را انتخاب کردیم و کار مردم نگاری بیشتر به توصیف می پردازد.

ص: ۱۸۴

۱- . خبرگزاری دانشجو، ۱ دی ماه ۱۳۹۵.

در این تحقیق سه مفهوم مرکزی از دید سه طیف اصلی مراسم زیارت اربعین استخراج شد. زائران، مجریان و مروجان سه طیف اصلی مراسم زیارت اربعین هستند و سه مفهوم مرکزی استخراج شده هم عبارتند از محبت اهل بیت، نمایش جهانی و هویت شیعی.

در هر سه طیف تمایل به یک نمایش جهانی برای اثبات هویت شیعی وجود دارد. شیعه در طول تاریخ غالباً از قدرت دور بوده و مورد ظلم قرار گرفته و آئین اربعین فرصتی را پدید آورده که شیعه برای تثبیت هویتش که در طول تاریخ نتوانسته آن را اثبات کند؛ درصدد اثبات آن برآید. (۱)

گزارش نشست اربعینات

دفتر فرهنگ معلولین با دعوت از تعدادی از معلولانی که در راهپیمایی اربعین حضور داشتند در ۸ آذر ماه ۱۳۹۵ نشستی با حضور آنان برگزار کرد. در این نشست آقایان مسعود باقری (نابینا)، هادی ضیایی فر (نابینا)، قدرت الله شفیعی (نابینا)، مجید شریفی (نابینا) و محمد وهابی (کم بینا) به ارائه مشاهدات و تحلیل های خود پرداختند.

محور و سرفصل های مباحث مطرح شده عبارت بودند از:

- نقش و تأثیر حضور معلولان در راهپیمایی اربعین

- معرفی توانایی های معلولان از طریق این راهنمایی

- تعامل و داد و ستد فرهنگی بین معلولان ایران و عراق

- هم اندیشی معلولان ایرانی از شهرهای مختلف

- فرهنگ سازی در مردم از طریق گفت و گو با مردم

- دریچه ای برای حضور در فرصت های جهانی با نشان دادن خود به جهان

- خدمت به زائران

- کمک و مشارکت معلولان برای آسیب شناسی

مجموعه این مباحث در یک جلد کتاب عرضه خواهد شد. اما در پایان این فصل به اقدامات دفتر فرهنگ معلولین در جریان اربعین می پردازیم.

اقدامات دفتر فرهنگ معلولین: البته جای خوشبختی است که دفتر فرهنگ معلولین از سال ۱۳۹۳ شروع به بررسی پدیده اربعین در محدوده معلولین نمود. یعنی می خواستیم بدانیم انگیزه های معلولین از مشارکت آنها در این راهپیمایی چیست و چه

تأثیرهایی در زندگی فردی و اجتماعی آنها دارد؛ چگونه این آثار را گسترش دهیم. از این رو این دفتر به رغم نداشتن بودجه مصوب چند اقدام را انجام داده است:

۱- تلاش شده هر سال حداقل ۲ نفر از معلولین را در راهپیمایی شرکت داده و با توجه آنان، به آنان مأموریت های خاص مثل گردآوری عکس و فیلم از معلولین شرکت کننده در راهپیمایی سپرده

ص: ۱۸۵

۱- . همان

است. سپس پس از برگشت اطلاعات را به شیوه ای که بعداً خواهیم گفت بررسی و نتایج به دست آمده را منتشر کرده است.

۲- اطلاعات به دست آمده در هر سال کلاسه بندی و در اختیار گروه های مرجع و پژوهشگر برای تجزیه و تحلیل گذاشته شده است.

۳- برگزاری نشست نگاهی به اربعین (یا اربعینیه) و نشست هم اندیشی اربعین. معمولاً یک هفته پس از برگشت مردم از مراسم اربعین، ۵ تا ۱۵ نفر از معلولین شرکت کننده در مراسم را دعوت و با پرسش و طرح مباحث تلاش می کنیم هم اندیشی و عقلانیت جمعی (تحلیل جمعی) را در این زمینه افزایش دهیم.

این نشست ها به صورت یک جلد کتاب با عنوان هم اندیشی معلولان درباره مراسم اربعین در حال نهایی شدن است.

۴- همان طور که گفته شد کار چهارم این دفتر آماده سازی و نشر کتاب درباره اربعین است.

۵- تحقیق علمی و عمیق تری طی ۲ سال اخیر انجام و نهایی شده و تا یک هفته آینده آماده چاپ می شود. این کتاب با عنوان قیام حسینی تا اربعین حسینی: حضور متعهدانه معلولان در پنج فصل به بررسی تحولات تاریخی حضور و مشارکت معلولان در قیام امام حسین و در مراسم اربعین می پردازد.

۶- قصد داریم در سال ۱۳۹۶ تیم اعزامی را تا ده نفر افزایش دهیم و به روش موضوعی کار کنیم. یعنی هر سال یک موضوع مذهبی - اجتماعی را به روش علمی محور تحقیقات قرار دهیم.

اربعین امام حسین علیه السلام در فرهنگ شیعی جایگاه بسیار والا و ارزشمندی دارد چون یک بار دیگر خاطرات و حوادث روز عاشورا در این روز زنده شده و به نوعی نقطه عطفی در تاریخ اسلام و تشیع گردیده است.

واژه اربعین مبنای فرهنگی نیز دارد یعنی در فرهنگ اسلامی بر عدد ۴۰ بسیار تأکید و سفارش شده و در مناسبت های مختلف بر آن تکیه شده، یکی از آن ها زیارت اربعین امام حسین (علیه السلام) است، و نیز استحباب این زیارت از جمله مواردی است که اهمیت عدد چهل را در فرهنگ اسلامی و معارف شیعی می رساند. دو مناسبت در این روز وجود دارد، یکی آمدن جابر بن عبدالله انصاری برای زیارت امام حسین (علیه السلام) از مدینه به کربلا در بیستم صفر سال ۶۱ قمری و بنابر مشهور، رسیدن اهل بیت (علیهم السلام) در این روز به کربلا- و دیگری تعلیم حدیثی از امام صادق (علیه السلام) به صفوان بن مهران جمال، برای زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز اربعین است.

این نوشتار گزارشی از تألیفات پژوهشگران درباره این موضوع است. در این مآخذ شناسی تلاش کرده ایم تمامی آثاری که درباره اربعین و زیارت اربعین به صورت کتاب، مقاله (مقالات مجلات و همایشها) و یا پایان نامه تا آبان ماه ۱۳۹۵ (اربعین ۱۴۳۷ق) منتشر شده اند، معرفی شوند. البته این گزارش تنها به ذکر اطلاعات مآخذ شناسی آثار بسنده کرده است.

اما در فرصت محدودی که داشتیم ۲۲۲ منبع درباره اربعین حسینی شناسایی شد؛ البته فقط در زبان های فارسی، عربی و انگلیسی و فقط در محدوده جغرافیایی ایران، عراق و آمریکا. اگر در زبان های دیگر مثل اردو و در جغرافیای فرهنگی مناطق دیگر جستجو شود، قطعاً منابع دیگر یافت خواهد شد.

چند نکته درباره این منابع هست و تذکار آنها به تحقیقات آینده کمک خواهد کرد:

۱- قدیمی ترین کتاب فارسی، ۱۳۶۴ و جدیدترین کتاب، ۱۳۹۵ منتشر شده است و طی ۳۱ سال هفتاد و نه عنوان کتاب درباره اربعین به فارسی منتشر شده است. یعنی هر سال حدود ۵/۲ عنوان کتاب به فارسی درباره اربعین چاپ شده است.

۲- هر مقدار به سال ۹۵ نزدیک تر شده ایم، رویکرد تحقیقات اجتماعی تر و اهتمام به راهپیمایی اربعین بیشتر شده است. این وضعیت در مقالات و کتب عربی هم هست.

۳- آمار کتب عربی، ۲۱ عنوان، مقالات فارسی ۱۰۲ عنوان؛ مقالات عربی ۱۲ عنوان؛ پایان نامه ها ۳ عنوان و کتاب انگلیسی یک عنوان است.

البته لازم است با جستجوی بیشتر تمامی اطلاعات از کشورهای مختلف جمع آوری گردد. متأسفانه مراکز متصدی اینگونه موضوعات اهتمام و تلاش نمی نمایند.

۴- کتاب، مقاله و پایان نامه مستقل درباره جایگاه معلولان در اربعین یا اقشار آسیب دیده و کم توان مثل کودکان، پیرزنان و پیرمردان و معلولان تا کنون مشاهده نشده است. اما دفتر فرهنگ معلولین دو اثر را به پایان رسانده و کتاب حاضر را منتشر کرده است.

ص: ۱۸۷

۱. آه از غروب فراق: نجوای خاموش جابر با مولایش حسین (ع). سعید مقدس، تهران، مکیال، ۱۳۸۱، ۶۴ص.
۲. اربعین. رسول جعفریان، تهیه شده در معاونت امور فرهنگی، مدیریت آموزش، تهران، نشر مشعر، ۱۳۹۰، ۳۳ص.
۳. اربعین. عکاسی سعید محمودی ازناوه، پیش گفتار: سیدحسین نصر، نگارش متون: سیدمحمد سادات اخوی، ترجمه انگلیسی متون: فریده مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات امام رئوف، نگاه، ۱۳۹۵، ۲۰۴ص.
۴. اربعین ۱۳۹۱ احمد مسجدجامعی، مدیر اجرایی: زهرا گلشن، مدیر هنری: آیدین قشلاقی، تهران، آوردگاه هنر و اندیشه، ۱۳۹۴، ۱۶۸ص، مصور رنگی.
۵. اربعین امام حسین علیه السلام. حسن نمازی شاهرودی، تهران، دانشوران، ۱۳۷۸، ۱۶ص.
۶. اربعین، پای پیاده... راهنمای جامع زائران حسینی (ع). محمد مهدی عمویی، تهران، هله، ۱۳۹۵، ۱۲۰ص.
۷. اربعین، چستی؟ چرایی؟ چگونگی؟ محمد رضایی آدریانی، قم، همای غدیر، ۱۳۹۵، ۱۷۶ص.
۸. اربعین حسینی. علی اصغر شاطری، قم، حسینه آیت الله امامی کاشانی، مجمع متوسلین به آل محمد (ص)، ۱۳۹۵، ۴۸ص.
۹. اربعین حسینی؛ امکان حضور در تاریخی دیگر. اصغر طاهرزاده، اصفهان، لب میزان، ۱۳۹۵، ۹۰ص.
۱۰. اربعین حسینی: پژوهشی در بازگشت اهل بیت علیهم السلام از شام به کربلا. محمدامین پورامینی، با مقدمه معرفت، قم، حسین (ع)، ۱۳۸۲، ۱۲۴ص.
۱۱. اربعین در فرهنگ اسلامی. تهیه و تنظیم و ترجمه رضا تقوی دامغانی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۶۸.
۱۲. اربعین در فرهنگ شیعه. سیدمحمد محسن حسینی طهرانی، قم، عرش اندیشه، ۱۴۲۶ق = ۱۳۸۴، ۱۱۷ص؛ قم، مکتب وحی، ۱۳۹۰، ۱۱۷ص.
۱۳. اربعین سید شهیدان کربلا. اصغر محمدی همدانی، تهران، گلزار کتاب، ۱۳۸۶، ۸۱ص.
۱۴. اربعین شهیدان کربلا تداوم قیام عاشورا. احسان سوقیا، تهران، راه نیکان، ۱۳۹۵، ۳۴۱ص.
۱۵. اربعین و چهل درس از کاروان آزادی آفرین کربلا. مرتضی مهدوی یگانه، تهران، جمهوری، ۱۳۸۷، ۱۲۳ص.

۱۶. اربعینیان: تجربیات مربوط به پیاده روی اربعین. سید محمود هاشمی دهرخی، مجری طرح: موسسه فرهنگی قرآن و عترت ندای کلام هادی، اصفهان، آشیانه برتر □ ۱۳۹۳، ۹۶ص.
۱۷. از عاشورا تا اربعین. حشمت الله قنبری همدانی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۴، ۱۵۲ص.
۱۸. از عاشورا تا اربعین. محمد سرخوش، بوشهر، انتشارات بوشهر، ۱۳۸۸، ۱۳۱ص.
۱۹. از کربلا- تا مدینه محرق القلوب. احمد بحرینی دشتی اقتباس از کتاب محرق القلوب مهدی نراقی، قم، موسسه انتشارات عصر ظهور، ۱۳۸۴، ۳۵۲ص.
۲۰. از نجف تا کربلا، گام هایی با خدا. حمیدرضا غیاثوند و سیده فرشته وظیفه، تهران، نقطه سر خط، ۱۳۹۴، ۵۴ص.
۲۱. او یافت مرا: سفرنامه پیاده روی اربعین + کمی مزاح. رضا عیوضی، قم، انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۵، ۱۷۶ص.
۲۲. این است آن نیست: روایت های داستانی از دنیای اربعین. تقی شجاعی و دیگران، قم: انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۵، ۱۳۶ص.
۲۳. با خاندان وحی: از عاشورا تا اربعین. حشمت الله قنبری همدانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹، ۱۷۳ص.
۲۴. پیاده آمده ام: عکس هایی از پیاده روی اربعین حسینی. عکس سیداحسان باقری و علی حیاتی؛ گردآوری و بازنویسی متن محمد کرم زاده و سیداحسان باقری، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۳، ۱۷۹ص.
۲۵. پیاده تا بهشت... : خاطرات پیاده روی؛ از نجف تا کربلا، اربعین سال ۱۳۹۰؛ از نجف تا کربلا اربعین سال ۱۳۹۱؛ از نعمانیه تا کربلا، اربعین سال ۱۳۹۲. سیدحمید مسعودنیا، قم، باقیات، ۱۳۹۳، ۱۷۵ص.
۲۶. پیاده روی اربعین مغناطیس حسینی. محمودرضا ذکاوت، قم، میراث ماندگار، ۱۳۹۵، ۱۰۴ص.
۲۷. تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهداء (ع). محمدعلی قاضی طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فرهنگی شهید آیت الله قاضی طباطبائی، ۱۳۶۸، ۹۶۳ص؛ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۳، ۴۸۸ص.
۲۸. تدابیر پیاده روی اربعین. مرتضی حسینی منش، قم، مهر امیرالمومنین (ع)، ۱۳۹۴، ۱۱۲ص.
۲۹. توشه اربعین: قطره ای از دریای معرفت حسین (ع): شرحی بر زیارت اربعین. سیدمجتبی حسینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵ ف ۲۳۶ص.
۳۰. توصیه های معنوی بزرگان برای پیاده روی اربعین. وحید حاجی آقازاده، قم، تولی، ۱۳۹۵، ۴۱ص.

۳۱. ثارالله خون حسین علیه السلام در رگ های اسلام به ضمیمه تحقیقی درباره اربعین حسینی. حسین عندلیب همدانی، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۲، ۵۱۹ص.

۳۲. جاده عشق: گزارشی از سفر کربلا در اربعین. احمد حبیبیان، همدان، برکت کوثر، ۱۳۹۵، ف ۱۵۰ص.

۳۳. جاذبه ی حسینی: گزیده آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی در دو موضوع حضرت زینب کبری (س) و اربعین حسینی. به اهتمام: موسسه ی فرهنگی لوح و قلم، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴، ۹۶ص.

۳۴. چله وصل. به کوشش ناصر صبا، تهران، شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر، ۱۳۹۴، ۱۶۷ص.

۳۵. چله وصل در اسرار اربعین. سیدعلیرضا موسوی، اصفهان، انتشارات ذکری القلوب □، ۱۳۹۳، ۱۱۰ص.

۳۶. چهل روز عاشقانه. محمدرضا سنگری، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۱، ۱۴۳ص.

۳۷. خس بی سر و پا. حمید حسام، به سفارش حوزه هنری استان همدان، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۵، ۱۸۰ص.

۳۸. در مسیر عاشقی (اربعین ۱۴۳۷). ابراهیم محمودی، تهران، ابراهیم محمودی، ۱۳۹۴، ۳۵ص.

۳۹. درسنامه اربعین. مجید جعفر پور، قم، بیت الاحزان، ۱۳۹۰، ۲۵۶ص.

۴۰. دو سالانه سوگواره رسانه ای پیاده روی اربعین حسینی: طریق الحسین (ع) آثار برگزیده دو دوره سوگواره رسانه ای پیرامون پیاده روی اربعین (۱۴۳۷-۱۴۳۶). دبیر سوگواره حمید افسری، مجری طرح موسسه مهاده رسانه پژوه، تهران، مژگان حضوری، ۱۳۹۵، ۲۲۷ص.

۴۱. دیوان اربعین الامام الحسین (ع). ام سرور، قم، انتشارات حضرت عباس علیه السلام، ۱۴۳۲ ق. = ۱۳۹۰، ۲۰۰ص.

۴۲. راز بکاء: مصائب حضرت زینب (ع) از واقعه کربلا تا اربعین. مقصود باقری، تبریز، سالار، ۱۳۷۹، ۲۲۴ص.

۴۳. راهنمای زائران (ویژه ناشنویان). تدوین ستاد مرکزی اربعین حسینی: کمیته فرهنگی و آموزشی، تنظیم برای ناشنویان محمد فراهانی و محمد بهادری، تهران، ۱۳۹۸.

۴۴. رسم دلدادگی: روایتی ادبی از اربعین حسینی از نگاه جابر ابن عبدالله انصاری. علیرضا مرتضوی، تهران، ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانونهای فرهنگی و هنری مساجد، ۱۳۹۰، ۴۰ص.

۴۵. روایت اربعین (نگاهی اجمالی به پیاده روی حسینی). مهدی اسدی ملردی و ابوطالب محسنی بندپی و رمضانعلی محسنی، کرج، انتشارات ملرد، ۱۳۹۵، ۱۱۵ص.

۴۶. ره توشه راهیان نور: متون علمی- آموزشی مبلغان ویژه اربعین حسینی ۱۴۳۷ ه.ق - ۱۳۹۴ ه.ش. تهیه و تدوین دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی، گروه تامین منابع؛ نویسندگان گروهی از پژوهشگران، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۴، ۱۹۱ص.

۴۷. زیارت اربعین: آینه عرفان و آیت ایمان. با تبیینی از محمدحسن احمدی فقیه، قم، دار التفسیر، ۱۴۲۳ق. / ۱۳۸۱؛ قم، آیات بینات، ۱۴۳۰ق، ۴۸ص.

۴۸. زیارت در اربعین: فضیلت زیارت اربعین حسینی در کربلا. محمدعلی نورانی یگانه قمی، قم، اثر قلم، ۱۳۹۲، ۸۷ص.

۴۹. زینب(ع) در حساس ترین و درخشانترین دوران زندگی خود یعنی: از عاشورا تا اربعین. بدرالدین نصیری، به کوشش اسدالله مرادی بروجردی، کاشان، حسینیه آیت الله امامت کاشانی، مجمع متوسلین به آل محمد(ص)، ۱۳۸۳، ۳۴۹ص.

۵۰. ستون ۱۴۵۲. گردآورنده: کیوان امجدیان، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی مقاومت بسیج، معاونت فرهنگی پرورشی، انتشارات فرآهنگ اندیشه، ۱۳۹۴، ۱۵۷ص.

۵۱. سرای اربعین(راهنمای طرح و تجهیز موكب های مراسم اربعین). سیدجواد هاشمی فشارکی، با همکاری مجمع مهندسی، برایستاد مرکزی اربعین حسینی، کمیته فرهنگی آموزشی، کارگروه مراسمات اربعین، تهران، باغ فکر، ۱۳۹۵، ۱۶۸ص.

۵۲. سریر اشک: ماتم نامه حسینی از محرم تا اربعین. به کوشش محمد(عارف) موسوی نژاد، با مقدمه ای از صادق حسینی اشکوری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۷=۱۴۳۰ ق.، ۱۸۲ص.

۵۳. سفره ای به وسعت جغرافیای شیعه. حبیب اله خواص، تهران، انتشارات طلعه ظهور، ۱۳۹۵، ۲۱۱ص.

۵۴. سید من حسینی: روایتی از فتح من در سفر پیاده روی اربعین. سید تقی شجاعی، قم، انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۵، ۲۴۸ص.

۵۵. شرح زیارت اربعین سالار شهیدان همراه با: زیارت عاشورا، دعای توسل، دعای عهد و دعای فرج. ید الله زمانی گندمانی، قم، چلچراغ، ۱۳۹۰، ۱۲۸ص.

۵۶. شرحی از بی نهایت (پیاده روی عظیم اربعینی حسینی). هوشنگ نظری، کرج، سیادت، ۱۳۹۵، ۹۶ص.

۵۷. شعر اربعین. دفتر تحقیق و پژوهش بنیاد شهید انقلاب اسلامی، زیر نظر نصرالله مردانی، تهران، شاهد، ۱۳۷۷، ۱۶۴ص.

۵۸. صفریه از روز اربعین تا آخر ماه صفر. علی فلسفی خراسانی؛ مصحح جواد ارتشداد، مشهد، جعفری، ۱۴۰۶ق. = ۱۳۶۴، ۳ جلد.

۵۹. فرهنگنامه ی اربعین امام حسین علیه السلام. سید محمود هاشمی دهرسخی و محمد جعفری پور، مجری طرح: موسسه ی فرهنگی قرآن و عترت « ندای کلام هادی»، اصفهان، آشیانه برتر، ۱۳۹۵، ۲۰۸ص.
۶۰. الگوهای آسمانی «فاطمه و اربعین حسینی»: مجموعه سخنرانی های خطیب توانا حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمدتقی حشمت الواعظین طباطبائی قمی. علی تقدیری، قطب الدین محمد رستگار، تهران، قطب الدین محمد رستگار، ۱۳۸۹، ۲۲۴ص.
۶۱. مجموعه مقالات اربعین. جمعی از نویسندگان، تهیه شده در پژوهشکده حج و زیارت، تهران، نشر مشعر، ۱۳۹۴، ۵۲۰ص.
۶۲. مجموعه مقالات اربعین حسینی (ع). جمعی از نویسندگان، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، ۱۳۹۴، ۵ جلد.
۶۳. مجموعه مقالات در زمینه عاشورا، اربعین و نوروز. محمدفاضل استرآبادی، قم، انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۹۲،
۶۴. مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین. مسعود معینی پور، به سفارش انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)، پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۴، ۲۷۰ص.
۶۵. مرثیه نامه: اربعین و ورود به مدینه محرم و صفر ۱۳۸۸. مجید عیوضی، تهران، آرام دل، صیام، ۱۳۸۸، ۴۸ص.
۶۶. مردم یاری در اربعین حسینی: شرحی بر حضور یگان های ویژه ی ناجا در اربعین سالهای ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴. به کوشش مرکز تحقیقات کاربردی فرماندهی یگان های ویژه ی ناجا، با مساعدت حسن کرمی، تبریز، یاس نبی، ۱۳۹۵.
۶۷. مسیر راه بهشت: راهنمای پیاده روی زائران اربعین حسینی. علی رضا صناعی فرید و عباس مقدم، تهران، کتاب یار مهربان، ۱۳۹۵، ۱۶۰ص.
۶۸. مسیر عاشقی: نجف تا کربلا اربعین ۹۲. مهدی تقوی قادیکلانی، تهران، تیرگان، ۱۳۹۳، ۶۱ص.
۶۹. مصائب الحسین (ع) یوم الاربعین. الملایه معصومه حبیب الجریدان، بی جا، بی نا.
۷۰. مصائب حضرت زینب (ع)، از واقعه کربلا تا اربعین. مقصود باقری، تبریز، سالار، ۱۳۷۹، ۱۷۰ص.
۷۱. من ویزا ندارم: روایتی کوتاه از راهپیمایی اربعین حسینی (ع). علی اکبر میرزاآقایی (خوانساری)، تهران، سیب صادق، ۱۳۹۵، ۱۸۵ص.
۷۲. منزل به منزل تا بهشت: ویژه نامه اربعین ابا عبدالله الحسین (ع). ناصر شکریان امیری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۵، ۳۰ص.

۷۳. نخستین اربعین در کربلا. آیه الله قاضی طباطبایی. مقدمه آیه الله جعفر سبحانی، تلخیص و نگارش مهدی شمس الدین، تهران، شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، ۱۳۷۵، ۷۱ ص.

ص: ۱۹۲

۷۴. هشتاد هزار متر عشق: سفرنامه زیارت اربعین با پای پیاده. مهدی نیلی پور، اصفهان، مرغ سلیمان، ۱۳۹۳، ۸۴ص.

۷۵. همایش اربعین جلوه ای از زندگی آرمانی شیعه. حبیب اله خواص، تهران، انتشارات طلعه ظهور، ۱۳۹۴، ۲۶۴ص.

۷۶. همراه با آل علی (ع) (از عاشورا تا اربعین). حشمت الله قنبری همدانی، [برای] سازمان تبلیغات اسلامی، ستاد برگزاری برنامه های فرهنگی - تبلیغی سال حضرت امیرالمومنین علی (ع)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹، ۱۴۵ص.

۷۷. همراه با زائران اربعین حسینی: (راهنمای زائران اربعین حسینی). حبیب اله محمودیان، ایلام، انتشارات زاگرو، ۱۳۹۴، ۹۶ص.

۷۸. همراه من با اربعین: ره توشه های معنوی سفر اربعین همراه با تجربه های مسیر پیاده روی. سیدمحمود هاشمی دهرخی؛ مجری طرح موسسه فرهنگی قرآن و عترت " ندای کلام هادی "، اصفهان: آشیانه برتر، ۱۳۹۴، ۱۲۰ص.

۷۹. یا اهل العالم: پیاده روی میلیونی اربعین حسینی از دریچه دوربین. عکس سیداحسان باقری، علی حیاتی؛ گردآوری و بازنویسی متن محمد کرم زاده، تهران، بیان معنوی، ۱۳۹۱، ۱۰۸ص.

۸۰. یک عاشورا، دو اربعین. خجسته طاهری نیا، بوشهر، بادمهر، ۱۳۹۴، ۱۵۱ص.

کتاب عربی

۸۱. الاربعین الحسينیه. محمد اشراقی معروف به ارباب، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ۱۳۷۹، ۳۵۰ص.

۸۲. الاربعین فی التراث الشیعی. محمد محسن حسینی طهرانی، بیروت، دار المحجه البیضاء؛ تهران، مکتب وحی، ۱۴۳۱ق، ۱۵۱ص.

۸۳. اربعینیه الامام الحسین علیه السلام فی وجدان الاسلام. عدنان عبدالنبی البلداوی، بغداد، ۲۰۰۹م، ۲۳ص.

۸۴. الخبر یقین فی رجوع السبایا لزیاره الاربعین: تاریخیا و فقهیا. حسن البدوی، بیروت، دار الولا، م. - ۲۹۵ص.

۸۵. خطوات المتقین فی ثمار زیاره الاربعین. هادی الشیخ طه، کربلا، العتبه العباسیه المقدسه، ۱۴۳۱ق، ۳۰ص.

٨٦. رياض العارفين في زياره الاربعين. عادل علوى، قم، موسسه اسلامى تبليغ و ارشاد، ١٤٣١ق. = ١٣٨٩، ١٥٠ص.
٨٧. زياره الاربعين: دراسه موضوعيه في اثبات مشروعيتها. كمال زهر، بيروت، امجاد، ١٤٢٢ق.، ٧٠ص.
٨٨. زياره الاربعين دلالات و آفاق... محمد عبدالرضاهاى الساعدى، قم، باقيات، ١٤٣٧ق.، ٢٨٠ص.
٨٩. شرح زياره الاربعين للامام الحسين (عليه السلام). السيد حسون البطاط، بيروت، الفيحاء؛ ٢٠١٣م.
٩٠. فضل زياره الامام الحسين عليه السلام يوم الاربعين. محمد على النوراني يگانه الغروى القمى، قم، موسسه دارالتفسير، ١٣٩٣، ٧٢ص.
٩١. الفلسفه زياره الاربعين : يتناول هذا الكراس العناوين التاليه: ١- البعد العقائدى والفكر لزيارها لعتبات المقدسه. عدنان ساعدى، قم، بزم قلم، ١٣٩٢، ٤٨ص.
٩٢. الكاظميه المقدسه و احياء ذكرى اربعينه الامام الحسين عليه السلام لعامى ١٤٣٠هـ - ١٤٣١هـ. كاظمين، العتبه الكاظميه المقدسه، ١٤٣١ق.، ٧٩ص.
٩٣. مجالس الاربعين في مصيبيه راس الحسين (ع). نورالله ذاكر قاضى عسگر، اصفهان، بى نا، ١٣٨٣ق.، ١٣٩ص.
٩٤. مجله صدى الاربعين. مجموعه مؤلفين، كربلاء، العتبه العباسيه المقدسه، قسم الشؤون الفكرية والثقافية، ١٤٣٤ق.
٩٥. مسير السبايا ويوم الاربعين و يليه اربعين الحسين فى الادب القريض والشعبى. محمود الشريفى، قم، الشريف الرضى، ١٣٧٣، ٦٤ص.؛ قم، باقيات، مكتبه فذك، ١٤٢٨ق.، ١٧٦ص.
٩٦. مسيره الاربعين الحسينيه. على حسين الخباز، كربلاء المقدسه، العتبه العباسيه المقدسه - قسم الشؤون الفكرية، ٢٠١٢م.
٩٧. المسيره المليونيه في زياره الاربعين. عبد مناف عبد محمود الخفاجى، بابل، دار الصادق، ٢٠١٤م.، ١٢٣ص.
٩٨. المشى الى الامام الحسين عليه السلام. محمود الغريفى البحرانى، قم، دارالصديقه الشهيد، سماحه المرجع آيه الله العظمى الميرزا جواد التبريزى، ١٤٢٥ق.، ٣٢ص.
٩٩. من آداب زياره الاربعين. الشيخ مهدي تاج الدين، كربلاء المقدسه، مكتبه العلامه ابن فهد الحلبي. ٢٠١٣م.
١٠٠. النور المبين فى شرح زياره الاربعين. مهدي تاج الدين، قم، دارالانصار، ١٤٢٦ق.، ٢٤٨ص.
١٠١. والله متم نوره. قم، انتشارات مسجد مقدس جمكران، ١٣٩٥، ٣ جلد. (اين كتاب مجموعه مقالات دومين همایش بين المللى «لقاء الحسين» در كربلاى معلی است)

۱۰۲. یوم الاربعین عند الحسین علیه السلام. عبدالرزاق الموسوی المقرم، نجف، مطبعه القضاء، ۱۳۷۷ق.، ص ۴۰.

مقالات فارسی

۱۰۳. «۸۰ کیلومتر در راه بهشت؛ مسافران اربعین بخوانند و بدانند». جاده های سبز، ش ۱۳۱، آبان ۱۳۹۵، صص ۱۲-۱۳.

۱۰۴. «۸۰ هزار متر عاشقی: گزارشی از پیاده روی امسال اربعین». مهدی مهرپویان، خیمه، ش ۱۱۶، دی ۱۳۹۴، صص ۱۷-۲۰.

۱۰۵. «آداب پیاده روی اربعین». علیرضا پناهیان، خانه خوبان، ش ۸۱، آبان ۱۳۹۴، صص ۲۸-۲۹.

۱۰۶. «آداب و رسوم عزاداری اربعین در عراق امروز». فرهنگ زیارت، فرج الخطاب، ترجمه محمدمهدی رضایی، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۱۳۷-۱۴۸.

۱۰۷. «آسیب شناسی وقایع اربعین ۱۳۴۸ قمری». کاش فالغطاء ترجمه محمدمهدی کرمانی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۲۹۹-۳۱۲.

۱۰۸. «اتحاد مسلمانان پیام سیاسی اربعین است». دو هفته نامه سروش، ش ۱۶۰۷، بیست و دوم آذر ۱۳۹۳، صص ۶۴-۶۵.

۱۰۹. «اربعین». دائره المعارف تشیع، جلد ۱، صص ۸۴.

۱۱۰. «اربعین امام حسین (ع)». حسین ظفری نژاد، ماهنامه پرسمان، ش ۱۰۸، دی ۱۳۹۰، صص ۱۷-۱۸.

۱۱۱. «اربعین از دیدگاه رهبر». ماهنامه سرباز، ش ۲۰۸، دی ۱۳۹۲، صص ۲۴.

۱۱۲. «اربعین از روی عدد: چرا راهپیمایی اربعین این قدر مهم بود؟». منصوره مصطفی زاده، خیمه، ش ۱۱۲، اردیبهشت ۱۳۹۴، صص ۲۸-۲۹.

۱۱۳. «اربعین امام حسین علیه السلام». یک گزارش اجمالی. رسول جعفریان، مقالات تاریخی، صص ۱۷۱-۱۷۸.

۱۱۴. «اربعین؛ امتداد عاشورا». احمد نبوی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۷-۱۶.

۱۱۵. «اربعین تداوم قیام حسینی». پیام انقلاب، ش ۹۶، آبان ۶۲، صص ۴-۷.

۱۱۶. «اربعین جوشش چشمه جاوید عاشورا». عبدالله اصفهانی، پاسدار اسلام، ش ۴۰۶، آبان و آذر ۱۳۹۴، صص ۲۶-۲۹.
۱۱۷. «اربعین حسین بن علی (چهلمین روز پیکار سپاه حق با لشکر کفر و ننگ)». دانشوران، ش ۳، تیر ۱۳۴۳، صص ۷-۱۰.
۱۱۸. «اربعین حسینی». جواد محدثی، اشارات ایام، ش ۱۶۴، پاییز ۱۳۹۵، صص ۱۲۰-۱۲۳.
۱۱۹. «اربعین حسینی». سیدرضا طاهری، اشارات، ش ۱۴۹، زمستان ۱۳۹۱، صص ۴۹-۶۶.
۱۲۰. «اربعین حسینی». طه تهامی، پیام زن، ش ۲۳۸، دی ۱۳۹۰، صص ۳۰-۳۵.
۱۲۱. «اربعین حسینی». محمدابراهیم محمدی، فرهنگ کوثر، ش ۶۴، زمستان ۱۳۸۴، صص ۲۹-۳۵.
۱۲۲. «اربعین حسینی امکان حضور در تاریخ دیگر». اصغر طاهرزاده، پاسدار اسلام، ش ۴۱۵-۴۱۶، مهر ۱۳۹۵، صص ۱۴-۲۱.
۱۲۳. «اربعین حسینی: پیاده روی از منظر روان شناسی اجتماعی». اشارات ایام، ش ۱۶۰، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۲۱-۱۲۲.
۱۲۴. «اربعین حسینی تصویری از تاسوعا و عاشورای حسینی». نیکی، ش ۱۵۶، شنبه یکم آذر ۱۳۹۳، صص ۲۸-۲۹.
۱۲۵. «اربعین حسینی؛ حجی که از ما دریغ شده»، منصوره بهشتی، فکه، ش ۱۵۱، آذر ۱۳۹۴ صص ۴-۵.
۱۲۶. «اربعین حسینی در آثار و انظار علما». غلامرضا گلی زواره، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۱۶۹-۱۹۴.
۱۲۷. «اربعین حسینی؛ درس ها و پیام ها». پیام انقلاب، ش ۳۱، بهمن ۱۳۸۸، صص ۲.
۱۲۸. «اربعین حسینی؛ شکوفه با شکوفه حماسه عاشورا». غلامرض گلی زواره، مبلغان، ش ۱۹۶، آبان و آذر ۱۳۹۴، صص ۱۰-۱۸.
۱۲۹. «اربعین حسینی و روز زیارتی حضرت اباعبدالله الحسین (ع)». محمود سوری، گلبرگ معرفت، ش ۷۳، فروردین ۱۳۸۵، صص ۳۶-۴۰.
۱۳۰. «اربعین در فرهنگ اسلامی». سیدرضا تقوی دامغانی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۸۵-۱۰۲.
۱۳۱. «اربعین در کلام بزرگان». زائر، ش ۲۴۷، آبان ۱۳۹۵، صص ۹-۱۲.
۱۳۲. «اربعین سید الشهداء (ع)». نصرت الله نوریانی، آیین اسلام، ش ۲۷۱، آذر ۱۳۲۸، صص ۱-۲.
۱۳۳. «اربعین نور: اربعین حسینی». گلبرگ معرفت، ش ۶۱، فروردین ۱۳۸۴، صص ۴۹-۵۳.

۱۳۴. «اربعین و بازگشت کاروان حسینی به کربلا». حسین تربتی، مبلغان، ش ۱۷۲، آذر و دی ۱۳۹۲، صص ۲۸-۳۵.
۱۳۵. «اربعین، بلوغ عاشورا». محمدرضا سنگری، رشد معلم، ش ۱۰۲، تابستان ۱۳۷۳، صص ۴۴-۴۵.
۱۳۶. «اربعین، تداوم عاشورا». جواد محدثی، پیام زن، ش ۲۰۳، بهمن ۱۳۸۷، صص ۱۴-۱۵.
۱۳۷. «اربعین، روزی که سرهای مجلسیان درباری فرو افتاد». نشریه صف، ش ۲۵، دی ۱۳۶۰، صص ۱۰-۱۱.
۱۳۸. «اربعین سنتی برای شکوفایی انسان تراز تمدن اسلامی». اصغر منتظرالقائم، پاسدار اسلام، ش ۴۰۶، آبان و آذر ۱۳۹۴، صص ۲۲-۲۵.
۱۳۹. «اربعین، میعادگاه عاشقان دلسوخته». زائر، ش ۲۳۳، آذر ۱۳۹۳، صص ۸-۹.
۱۴۰. «اربعین، نگاهی به نقش تاریخ ساز امام سجاد (ع) بعد از فاجعه کربلا». نشریه جهاد، ش ۵۹، آذر ۱۳۶۲، صص ۳۲-۳۳.
۱۴۱. «اربعین؛ یادمان نخستین زیارت امام حسین (ع)»، محمدحسین صالح آبادی، خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۴۸-۵۷.
۱۴۲. «اربعین های خونین» محمدرضا زارع خورمیزی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۲۷۹-۲۹۸.
۱۴۳. «اسرار اربعین در تاریخ خلقت». دیدار آشنا، ش ۱۳۵، دی ۱۳۹۰، صص ۱۲-۱۴.
۱۴۴. «اگر اربعین نبود عاشورا گم می شد: مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین ارفع». پاسدار اسلام، ش ۳۶۱، دی ۱۳۹۰، صص ۱۶-۱۹.
۱۴۵. «انتفاضه اربعین ۱۳۹۷ قمری». رعد الموسوی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۳۱۳-۳۲۷.
۱۴۶. «با اربعین حسینی». دوماهنامه نیم رخ، ش ۲۶، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵، صص ۳۸-۳۹.
۱۴۷. «با کاروان اربعین». پگاه حوزه، ش ۳۱۸، دی ۱۳۹۰، صص ۳۶-۳۷.
۱۴۸. «پژوهشی در اربعین حسینی علیه السلام». محسن رنجبر، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۵، بهار ۱۳۸۴، صص ۱۵۷-۱۹۲.
۱۴۹. «پیاده روی اربعین تولی و تبری در میدان عمل». ناصر رفیعی، خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۶۴-۶۵.

۱۵۰. «پیاده روی اربعین بزرگ ترین راهپیمایی در طول تاریخ (گفت و گو با حجت الاسلام نجم الدین طوسی)». خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۸۰-۸۲.

۱۵۱. «پیاده روی اربعین حسینی در سیره و سخن بزرگان». عبدالرحیم اباذری، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۱۴۹-۱۶۸.

۱۵۲. «پیاده روی اربعین می توانست اسکار رستاخیز باشد: احمدرضا درویش در گفت و گو با محمدرضا زائری». خیمه، ش ۱۱۴، مرداد و شهریور ۱۳۹۴، صص ۱۲-۱۶.

۱۵۳. «پیام آوران عاشورا (بمناسبت اربعین حسینی)». نشریه جهاد، ش ۴۳، آذر ۱۳۶۱، صص ۱۸-۲۲.

۱۵۴. «پیام اربعین در زیارت اربعین». عبدالکریم پاک نیا تبریزی، مبلغان، ش ۱۲۴، دی و بهمن ۱۳۸۸، صص ۱۴-۲۵.

۱۵۵. «تاملی پیرامون اربعین». احسانی، آفاق مهر، ش ۴۸، دی - اسفند ۱۳۹۰، صص ۱۱۸-۱۱۹.

۱۵۶. «تجربه های کاربردی برای اعزام کاروان پیاده روی اربعین». خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۸۹-۹۷.

۱۵۷. «تحقیق درباره اولین اربعین». سیدمحمدعلی قاضی طباطبائی، موعود، ش ۸، خرداد و تیر ۱۳۷۷، صص ۲۴-۲۷.

۱۵۸. «تحقیقی درباره اربعین حسینی». محمدتقی سبحانی نیا، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۶، تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۴۷-۱۸۲.

۱۵۹. «تحلیل مبنای تاریخی اربعین حسینی». محمد فاضل، رواق اندیشه، ش ۱، خرداد و تیر ۱۳۸۰، صص ۵-۳۲.

۱۶۰. «جایگاه زیارت اربعین در متون حدیثی و فقهی». امین شیرازی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۷۵-۸۶.

۱۶۱. «جلوه های حماسه سیاسی در زیارت اربعین». علی حائری مجد، اشارات، ش ۱۵۳، زمستان ۱۳۹۲، صص ۳۸-۳۹.

۱۶۲. «چگونگی پیدایش و برپایی مراسم اربعین حسینی در زنگبار». یاسر کنعانی، اخبار شیعیان، ش ۶۳، بهمن ۱۳۸۹، صص ۳۶.

۱۶۳. «چند تجربه از همراهی با زائران اربعین؛ گفت و گو با محمدرضا محمدی». علیرضا سهلانی، خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۶۶-۶۸.

۱۶۴. «چهل منزل تا کربلا (خاطرات سفر اربعین سال ۱۳۹۳ شمسی)». علیرضا قزوه، فرهنگ اسلامی، ش ۳۰، دی ۱۳۹۴، صص ۲۳۵-۲۷۴.

۱۶۵. «داستان اربعین». هادی محمدیان، کودک، ش ۱۲۵، آبان ۱۳۹۵، صص ۸۰-۸۵.

۱۶۶. «در اربعین چه گذشت». گلستان قرآن، ش ۶۳، اردیبهشت ۱۳۸۰، صص ۲۷.

۱۶۷. «درباره اربعین امام حسین(ع)». سید مهدی میرمسیب، معارف، ش ۱۰۵، آبان و آذر ۱۳۹۳، صص ۲۰-۲۱.

۱۶۸. «درس اربعین». معارف، ش ۱۰۰، آذر و دی ۱۳۹۲، صص ۲۲.

۱۶۹. «درس های اربعین برای گردشگری». علی محمدی گل گلاب، جاده های سبز، ش ۱۳۱، آبان ۱۳۹۵، صص ۶-۷.

۱۷۰. «دستاوردهای بین المللی میعادگاه جهانی عاشقان حسین (ع)». محمدحسن قدیری ایبان، خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۶۹-۷۰.

۱۷۱. «راهپیمایی اربعین زخمی بر دل دشمنان، تعالی بخش روح زائران؛ در گفت و گوی زائر با عبدالحسین خسروپناه عنوان شد». به کوشش فاطمه امیراحمدی، زائر، ش ۲۴۷، آبان ۱۳۹۵، صص ۴۷-۴۸.

۱۷۲. «زیارت اربعین؛ جلوه ای نمادین از هویت شیعه». نسیم کاهیرده، خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۴۴-۴۷.

۱۷۳. «زیارت: نهضت پیاده روی اربعین». جواد محدثی، پیام انقلاب، ش ۱۵۸، اسفند ۱۳۶۴، صص ۶۲-۶۵.

۱۷۴. «سخنان مقام معظم رهبری / چهار شاخص اربعین و زیارت اربعین». داود موذنیان، مبلغان، ش ۲۰۸، آبان و آذر ۱۳۹۵، صص ۱۱۹-۱۲۳.

۱۷۵. «سر قداست اربعین حسینی». محمد فاضل استرآبادی، اخبار شیعیان، ش ۱۷، فروردین ۱۳۸۶، صص ۴۰-۴۱.

۱۷۶. «سفر عشق: روایت از پیاده روی اربعین از نجف تا کربلا». سید محمدجعفر محمودی، آفاق مهر، ش ۵۴، آذر و دی ۱۳۹۲، صص ۶-۱۳.

۱۷۷. «سفرنامه اربعین». محمود شریفی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۳۵۹-۳۸۲.

۱۷۸. «سفری از جنس آبی آسمان؛ گفتنی ها و شنیدنی های پیاده روی اربعین». جاده های سبز، ش ۱۳۱، آبان ۱۳۹۵، صص ۷-۱۱.

۱۷۹. «سلام بر کسی که زخم هایش التیام یافت». رقیه ندیری، اشارات، ش ۱۵۳، زمستان ۱۳۹۲، صص ۲۴-۳۲.

۱۸۰. «سلام بر تو که وارث تمام انبیایی: نگاهی به زیارت مهم اربعین که خواندنش یکی از نشانه های ایمان است». فاطمه مرشدی، خیمه، شماره ۸۳، دی ۱۳۹۰، صص ۹۰-۹۱.

۱۸۱. «سه نمای متفاوت از پیاده روی اربعین». حمیدرضا منتظری، برهان اندیشه، ش ۲، دی ۱۳۹۴، صص ۵۹-۶۰.
۱۸۲. «شیعیان زنگبار و مراسم اربعین». وقف میراث جاویدان، ش ۳۹-۴۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، صص ۹۱-۹۳.
۱۸۳. «طرح پردیس اربعین». خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۸۳-۸۸.
۱۸۴. «عاشورا در زیارت اربعین». نصرالله شریفی، مجموعه عاشورا، صص ۲۰۱-۲۱۱.
۱۸۵. «عطیه دومین زائر اربعین». محمود اقدم، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۲۷۱-۲۷۸.
۱۸۶. «فضیلت پیاده روی برای زیارت معصومین (ع)». سیدعادل علوی، ترجمه حسین شهرستانی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۴۷-۵۸.
۱۸۷. «کربلا با زیارت اربعین ماندگار شد». مریم احمدی شیروان، زائر، ش ۲۳۳، آذر ۱۳۹۳، صص ۲۶-۲۷.
۱۸۸. «گزارش های متفاوت از پیاده روی اربعین / برداشت های یک زبان نفهم». محیا، پیش شماره ۵، خرداد ۱۳۹۵، صص ۲۹-۳۷.
۱۸۹. «مضامین زیارت اربعین». جواد محدثی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۱۰۳-۱۱۴.
۱۹۰. «مطاف دل ها (به مناسبت اربعین حسین)». مهدی پیشوایی، درسهایی از مکتب اسلام، سال ۴۹، ش ۱۱، دی ۱۳۸۸، صص ۸-۵.
۱۹۱. «معراج انسان ها در پیاده روی اربعین». عبدالکریم پاک نیا تبریزی، مبلغان، ش ۱۷۲، آذر و دی ۱۳۹۲، صص ۷۴-۸۲.
۱۹۲. «مکتب تکفیر و مکتب اربعین». سوسن شمال نسب، فرهنگ اسلامی، ش ۳۰، دی ۱۳۹۴، صص ۲۲۱-۲۳۴.
۱۹۳. «نقش اربعین در احیاء و گسترش نهضت امام حسین (ع)». سیدمحمدرضا حسینی جلالی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۳۵-۴۶.
۱۹۴. «نکند همراه این زائران زینب (ع) هم بیاید؛ نگاهی به آداب مردم عراق در اربعین حسینی». صدیقه رضوانی نیا، زائر، ش ۲۴۷، آبان ۱۳۹۵، صص ۸۰-۸۱.
۱۹۵. «نگاه فراگیر به اربعین حسینی (گفت و گو با حمیدرضا غریب رضا)». خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۷۱-۷۲.
۱۹۶. «نگاهی اکتشافی به زائران اربعین». زهرا قدیانی، پیام زن، ش ۲۹۳، مهر ۱۳۹۵، صص ۲۲-۲۷.

۱۹۷. «نگاهی به آموزه های دعای اربعین». سیدرضا طاهری، اشارات، ش ۸ زمستان ۱۳۹۱، صص ۵۱-۶۲.

۱۹۸. «نگاهی به زیارت اربعین سالار شهیدان (مبتنی بر آثار و اندیشه های حکیم الهی آیت الله جوادی آملی)». حسین محمودی، اشارات، ش ۴، زمستان ۱۳۹۰، صص ۴۷-۵۷.

۱۹۹. «نگاهی به کتاب «تحقیق درباره روز اربعین حضرت سید الشهداء (ع)»». کیهان فرهنگی، ش ۸ آبان ۱۳۶۳، صص ۴۳.

۲۰۰. «وداع زیارت اربعین». محمد اصغری نژاد، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۱۱۵-۱۲۷.

۲۰۱. «ویژگیهای امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین». عبدالکریم پاک نیا تبریزی، مبلغان، ش ۱۴۸، بهمن ۱۳۹۰، صص ۱۱۴-۱۲۵.

۲۰۲. «هر آنچه برای اربعین لازم دارید». فاطمه مطهری، پیام زن، ش ۲۹۳، مهر ۱۳۹۵، صص ۲۸-۳۱.

۲۰۳. «هر چه ما در این مسیر دیدیم زیبایی بود (میزگردی با حضور زائران اربعین از نقاط مختلف جهان)». خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۷۳-۷۹.

۲۰۴. «همایش جهانی اربعین». محمد السند، ترجمه محمدعلی خوشنویس، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۵۹-۷۴.

مقالات عربی

۲۰۵. «إحياء الإسلام بإحياء قضيه الوحده». حسن يحيى، صدى الاربعين (كربلا، العتبه العباسيه المقدسه، قسم الشؤون الفكرية والثقافية، ۱۴۳۴ق.)، صص ۹-۱۲.

۲۰۶. «إحياء أمر أهل البيت (ع) وتعظيم الشعائر الحسينيه». السيد أحمد الحسيني، صدى الاربعين (كربلا، العتبه العباسيه المقدسه، قسم الشؤون الفكرية والثقافية، ۱۴۳۴ق.)، صص ۱۵-۲۳.

۲۰۷. «اربعين ابوالشهداء عليه آلاف التحية و الثناء». نصرت الله نورباني، آيين اسلام، ش ۲۵۱، ۱۸ آذر ۱۳۲۸، صص ۱-۲.

۲۰۸. «اربعينيه الامام الحسين (ع) في وجدان الاسلام». عدنان عبدالنبي البلداوي، صدى الاربعين (كربلا، العتبه العباسيه المقدسه، قسم الشؤون الفكرية والثقافية، ۱۴۳۴ق.)، صص ۲۵-۳۲.

۲۰۹. «الاربعون في البحرين: شعائر بدأها المؤمنون منذ واقعه كربلاء». شعائر، ش ۴۵، صفر ۱۴۳۵ق.)، صص ۸-۱۲.

۲۱۰. «الأربعون في المأثور الإسلامي». الشيخ عبد الجبار الساعدي، ينابيع، ش ۱۰، محرم الحرام - صفر ۱۴۲۷ق.، صص ۱۸-۲۲.
۲۱۱. «التأييد الإلهي لزياره الأربعين». الشيخ مكي فاضل، صدى الاربعين (كربلا، العتبه العباسيه المقدسه، قسم الشؤون الفكرية والثقافية، ۱۴۳۴ق.)، صص ۳۳-۴۲.
۲۱۲. «تجديد الحزن في اربعين». رشيد السراي، جنه الحسين (ع)، ش ۵، محرم الحرام ۱۴۳۵ق.، صص ۶۲-۶۷.
۲۱۳. «زياره الأربعين من علامات المؤمن». كاظم البهادلي، الفرات، ش ۱۱، صفر ۱۴۲۳ق.
۲۱۴. «زی-اره الأربعين هكذا تحدث عنها المعصومون... و التزم الحسينيون». تحقيق احمد الحسيني، شعائر، ش ۹، صفر ۱۴۳۲ق.، صص ۸-۱۲.
۲۱۵. «زياره الأربعين، نبض وحده الأئمة والستضعفين». حسين كوراني، شعائر، ش ۴۶، ربيع ال اول ۱۴۳۵ق.، صص ۶-۷.
۲۱۶. «في اربعين الامام الحسين (ع)». سلمان هادي آل طعمه، المنبر الحسيني، ش ۲۱-۲۲، ربيع الاول ۱۴۲۸ق.، صص ۲۳۸-۲۴۰.
۲۱۷. «نوح السبايا والصحابه يوم الاربعين». السيد صالح الشهرستاني، صدى الاربعين (كربلا، العتبه العباسيه المقدسه، قسم الشؤون الفكرية والثقافية، ۱۴۳۴ق.)، صص ۱۴۷-۱۵۲.

مقالات همایش ها

۲۱۸. «تبیین انگیزه های معنوی گردشگران در سفرهای معنوی مطالعه موردی رویداد پیاده روی اربعین». محمدهادی همایون، اولین کنفرانس بین المللی گردشگری و معنویت (تهران، دانشگاه علم و فرهنگ، ۱۳۹۴).
۲۱۹. «رهیافت های سیاسی از اربعین حسینی». حسن نیک کار، کنفرانس سالانه رویکردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی (تهران، ۱۳۹۴).

پایان نامه ها

۲۲۰. «ارایه ساختار مناسب مستند دینی - آیینی با مطالعه موردی اربعین حسینی در عراق. حسن امامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی علی اصغر غلامرضایی و مشاوره محمود اربابی، دانشکده صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲.

۲۲۱. بررسی سیمای امام حسین (ع) در زیارت اربعین. اشکان جوانمرد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ۱۳۹۳.

۲۲۲. پیاده روی اربعین به مثابه ارتباطات آیین شیعی. محسن امین ورزلی، به راهنمایی عبدالله گویان، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات گرایش مطالعات سیاست گذاری، گرایش سیاستگذاری عمومی، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴.

کتاب انگلیسی

To karbala: surveying Religious Shi'a from Iran and Iraq, Fotini Christia and Elizabeth Dekeyser and Dean Knox, USA, Massachusetts Institute of Technology, ۲۰۱۶.

ص: ۲۰۳

ابصار العين، محمد بن طاهر سماوي، ج ١، ص ١٨٥ و ١٦٥.

«ابن عباس و مكانته في التفسير»، محمد باقر حجتى، اعيان الشيعة، ج ٨.

الاحتجاج، احمد بن على طبرسى، قم، ١٣٥٢.

الاحتجاج، محمد بن على طبرسى، تحقيق سيد محمد باقر، نجف، دارالنعمان، بي تا.

أخبار الدولة العباسية و فيه أخبار العباس و ولده، مؤلف مجهول، به كوشش عبدالعزيز الدورى، عبد الجبار المطلبى، بيروت، دارالطليعه، ١٤١٢ق.

الأخبار الطوال، احمد بن داود دينورى، تحقيق عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الرضى، ١٣٦٨ش.

اختيار معرفه الرجال، شيخ طوسى، قم، ١٣٧٨ش.

الارشاد، محمد بن نعمان، معروف به شيخ مفيد، به كوشش مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، دارالمفيد.

الاستيعاب فى معرفه الأصحاب، يوسف بن عبدالله قرطبي مشهور به ابن عبدالبر، به كوشش على محمد بجاوى، بيروت، دارالجيل، چاپ اول، ١٤١٢ق.

أسد الغابه، على بن محمد معروف به ابن اثير جزرى، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٩ق.

اسد الغابه، على بن محمد معروف به ابن اثير، بيروت، دار احياء التراث العربى، بي تا.

اسماء بنت ابى بكر، سايت مركز فرهنگ و معارف قرآن www.maarefquran.com

الاصابه فى تمييز الصحابه، احمد بن على بن حجر عسقلانى، به كوشش عادل احمد عبدالموجود و على محمد محوّض، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٥ق.

الاصابه، ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، قاهره، ١٣٢٨ق.

الاعلاق النفيسه، ابن رسته، بيروت، ١٤٠٩ق.

اعلام النساء، كحاله، بيروت، ١٤٠٤ق.

الاعلام، زر كلّى، بيروت، دارالعلم للملايين، ١٩٨٩م.

اعيان الشيعة، سيد محسن امين، بيروت، ۱۳۹۵ق.

الاقبال بالاعمال الحسنه، ابن طاووس، علي بن موسى، قم، ۱۳۸۲ش.

الامامه و السياسه، ابن قتيبه دينوري، به كوشش علي شيري، قم، شريف رضى، ۱۴۱۳ق.

الامامه و السياسه، ابن قتيبه دينوري، قاهره، ۱۳۸۸ق / ۱۹۶۹م.

انساب الاشراف، احمد بن يحيى بن جابر البلاذري، به كوشش سهيل زكار و رياض زركلي، بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۷ق.

انساب الاشراف، احمد بن يحيى بن جابر البلاذري، به كوشش محمدباقر المحمودي، بيروت، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات، ۱۳۹۴ق.

اهل بيت در قرآن و سنت، به كوشش محمد محمدى رى شهرى، قم، دارالحديث، ۱۳۹۲.

بحار الانوار، محمدباقر مجلسي، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۲ش.

ص: ۲۰۵

البدایه و النهایه، اسماعیل بن عمر ابن کثیر دمشقی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.

بقیع نامه (مجله)، ش ۱، تابستان و پاییز ۱۳۹۴.

پایگاه اطلاع رسانی حج.

پایگاه باشگاه خبرنگاران جوان.

تاریخ الاسلام، محمد بن احمد ذهبی، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

تاریخ الاسلام، محمد بن احمد ذهبی، قاهره، ۱۳۶۸ق.

تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، به کوشش محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق.

تاریخ عاشورا یا مقتل الحسین علیه السلام، سید عبدالرزاق مقرر، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران، نشر عطارد، ۱۳۸۸.

تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهداء، گروهی از تاریخ پژوهان، به کوشش مهدی پیشوایی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۹.

التیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن شیخ طوسی، مقدمه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، به کوشش احمد قصیر عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، ابو محمد الحسن بن علی ابن شعبه حرانی، ترجمه احمد جنتی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۷.

تحقیقی در نهضت عاشورا، جمعی از محققین گروه تاریخ، قم، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱ش

ترجمه الامام الحسین علیه السلام، محمد ابن سعد، به کوشش عبدالعزیز الطباطبایی، قم، مؤسسه آل البيت

تسمیه من قتل مع الحسین علیه السلام، محمدرضا حسینی جلالی، قم، ۱۴۱۰ق.

تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، به کوشش محمدحسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول، ۱۴۱۹ق

تنقیح المقال فی علم احوال الرجال، عبدالله مامقانی، بی جا، مطبعه الحیدریه، ۱۳۵۲ق.

توان نامه (مجله)، آبان - بهمن ۱۳۹۲.

الثقات، ابن حبان، حیدرآبادکن، ۱۳۹۸ق.

خبرگزاری ابنا، ABNA.ir.

خبرگزاری الکفیل، Alkafeel.net.

خبرگزاری تسنیم،

آبان و آذر ۱۳۹۴.

خبرگزاری جنوب نیوز، jonoubnews.ir.

خبرگزاری مهر، ۷ آذر ۱۳۹۴؛ ۴ آذر ۱۳۹۴.

«خطبه امام حسین علیه السلام در منا»، ویکی شیعه.

دانشنامه دانش گستر، تهران، مؤسسه دانش گستر، ۱۳۸۹.

دانشنامه عاشورا و امام حسین علیه السلام، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۰.

دانشنامه قرآن کریم، ولیمور لیمن، ترجمه محمدحسین وقار، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۱.

ص: ۲۰۶

دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به کوشش بهاء الدین خرمشاهی، تهران، دوستان - ناهید، چاپ دوم: ۱۳۸۱.

دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد‌های مختلف، به کوشش سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۷۵-۱۳۹۰.

دایره‌المعارف تشیع، جلد‌های ۱ تا ۹، تهران، نشر شهید محبی، ۱۳۸۱ و جلد ۱۱، تهران، حکمت، ۱۳۹۰.

رجال شیخ طوسی، قم، ۱۳۷۲.

روزنامه ایران، ۲۰ آبان ۱۳۹۵.

ریاض الاحزان، قم، ۱۳۸۰.

سایت اربعین، www.Arbaeen.net.

سایت پایان نامه ها، thesis.ui.ac.ir/abstracts.

سایت تبیان، www.tebyan.net.

سایت تیترا، www.titre.ir.

سایت چالدران نیوز، ۱۴ آذر ۱۳۹۰.

سایت دایره‌المعارف

ظهور، www.tahoor.com.

سایت دوازده، www.۱۲۱۲۱۲.mihanblog.com.

سایت رجا نیوز، www.Rajanews.com.

سایت مطالعات شیعه، www.shiastudies.net.

سایت هدایتگر، www.hedayatgar.ir.

سخنان حسین بن علی علیه السلام از مدینه تا کربلا، محمدصادق نجمی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.

سعد السعود، سید بن طاووس، قم، ۱۳۶۲.

سیر اعلام النبلاء، ذهبی، به کوشش شعیب ارنووط و دیگران، بیروت، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م.

شرح نهج البلاغه، عبدالحميد بن هبه الله مشهور به ابن أبي الحديد، به كوشش محمدابوالفضل ابراهيم، قم، مكتبه آيه الله المرعشي النجفي، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

شرح نهج البلاغه، ابن أبي الحديد، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۸ق.

صفه الصفوه، عبدالرحمن بن علي معروف به ابن جوزي، به كوشش محمود فاخوري و محمد رواس قلعجي، بيروت، ۱۴۰۶ق / ۱۹۸۶م.

الطبقات الكبرى، ابن سعد كاتب واقدي، محمد بن سعد، بيروت، دارالكتب العلميه، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.

الطبقات الكبرى، ابن سعد، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۹۹۵م.

الطبقات الكبرى، محمد ابن سعد، بيروت، دار صادر، ۱۴۰۵ق.

عمده الطالب في انساب آل ابي طالب، احمد بن علي حسني معروف به ابن عنبه، تصحيح محمدحسن آل طالقاني، قم، منشورات رضی، ۱۳۶۲.

عنصر شجاعت، قم، ۱۳۸۵.

الغدیر، عبدالحسين اميني، بيروت، دارالكتب العربي، ۱۳۷۹ق.

ص: ۲۰۷

الفتوح، ابو محمد احمد معروف به ابن اعثم، ترجمه محمد بن احمد مستوفى هروى، تصحيح غلامرضا طباطبائي مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامى، ۱۳۷۲.

الفتوح، اعثم كوفى، به كوشش على شيرى، بيروت، دارالاضواء، ۱۴۱۱ق.

فرسان الهيجاء، ذبيح الله محلاتى، تهران، نشر كتاب، ۱۳۹۰ق.

قاموس قرآن، سيد على اكبر قريشى، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۵۳.

«قبيله ازد و نقش آن در تحولات تاريخ ايران تا سال ۱۳۲ق»، ليلا خامسى، پايان نامه، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

الكامل فى التاريخ، ابن اثير، بيروت، دار صادر، ۱۹۶۵م.

الكامل فى التاريخ، عزالدين ابى الحسن معروف به ابن الاثير، تصحيح على شيرى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۸ق.

كتاب سليم بن قيس الهلالي، به كوشش محمدباقر انصارى زنجانى خوئينى، بيروت، دارالحوراء، ۱۴۳۰ق.

كنز العمال، هندى، بيروت، ۲۰۰۴م.

اللّهوف على قتلى الطفوف، ابن طاووس، ابوالقاسم على بن موسى بن جعفر، ۱۴۱۴ق، به كوشش الشيخ فارس تبريزيان، تهران، دارالاسوه.

مثير الاحزان، هبه الله بن نما حلى معروف به ابن نما، قم، مؤسسه الامام مهدى، ۱۴۰۶ق.

«محمد بن حنفيه و قيام كربلا»، محمدعلى چلونگر، فصلنامه حوزه و دانشگاه، فروردين ۱۳۸۶، شماره ۳۳.

مُرُوجُ الدَّهَبِ، مسعودى، قم، ۱۳۸۴.

مسند الامام الشهيد، به كوشش عزيز الله عطاردى، تهران، نشر عطارد، ۱۳۹۱.

المسند الصحيح المختصر، مسلم بن حجاج قشيري نيشابورى، به كوشش عبدالباقي، محمد فؤاد، دارالاحياء التراث العربى، بيروت، بى تا.

المعارف، ابن قتيبه دينورى، به كوشش ثروت عكاشه، قاهره، ۱۹۶۰م.

معجم المطبوعات، يوسف اليان سر كيس، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى، ۱۴۱۰ق.

معجم رجال الحديث، سيد ابوالقاسم خويى، بيروت، ۱۹۹۴م.

معجم مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، به کوشش ندیم مرعشلی، قم، اسماعیلیان، بی تا.

معلولیت از دیدگاه معصومین علیه السلام، عباس خاک، نشر خاکیان، ۱۳۸۹.

مقاتل الطالبین، علی بن الحسین ابو الفرج الاصفهانی، به کوشش احمد صقر، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹ق.

مقتل الحسین علیه السلام، عبدالرزاق الموسوی المقوم، بیروت، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۹۹ق.

مقتل الحسین، ابی مخنف، به کوشش حسن عفری، قم، مکتبه العلمیه، بی تا.

من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، به کوشش علی اکبر غفری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.

مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی مشهور به ابن شهر آشوب، قم، انتشارات علامه، بی تا.

المنتظم، عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، به کوشش محمد عبدالقادر عطا، مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

منتهی الآمال، عباس قمی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۵.

ص: ۲۰۸

منشور حقوق معلولان: توصیه های امام علی علیه السلام به مالک اشتر، محمد نوری، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۴.

منهاج الدموع، علی قرنی گلپایگانی، قم، کتابفروشی صفی، ۱۳۴۱.

ناسخ التواریخ: حضرت سجاد، عباسقلی خان سپهر، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۷.

نکت الهمیان فی نکت العمیان، صلاح الدین خلیل الصفدی، به کوشش احمد زکی، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۳ق.

نکت الهمیان، صفدی، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطار، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۷م.

وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت علیه السلام، ۱۴۰۲ق.

وفیات الاعیان، ابن خلکان، شمس الدین محمد بن ابی بکر، به کوشش احساس عباس، بیروت، دارالفکر، بی تا.

وقعه صفین، منقری، به کوشش محمد عبدالسلام هارون، قاهره، اداره الطباعه.

وقعه صفین، نصر بن مزاحم منقری، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.

یاران خورشید (سلحشوران نهضت امام حسین علیه السلام)، غلامرضا بهرامی، قم، چاپ اول، انتظار سبز، ۱۳۸۹ش.

یاران شیدای حسین بن علی علیهما السلام، استاد مرتضی آقا تهرانی.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

